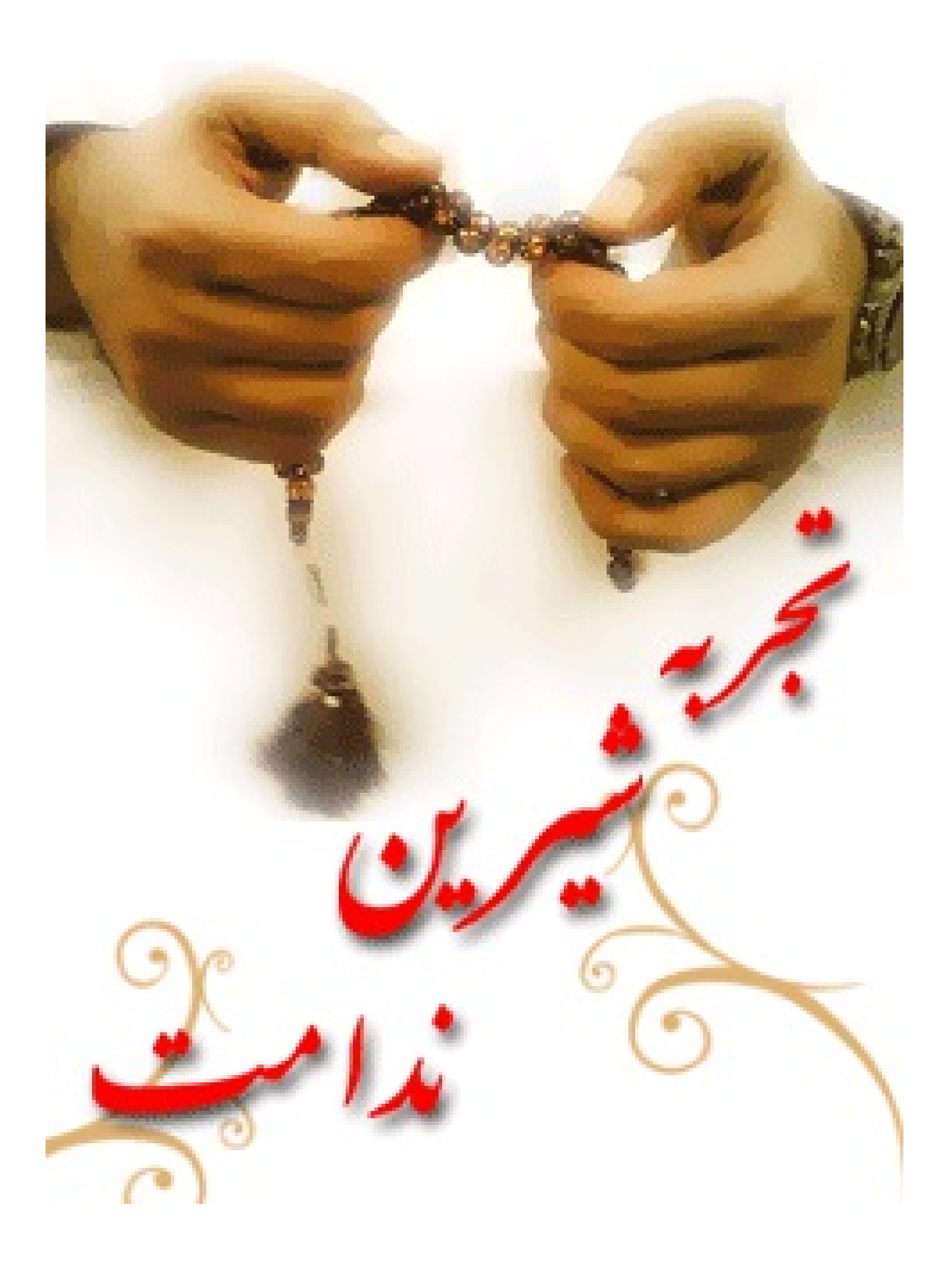

تجربه شیرین ندامت


بسم الله الرحمن الرحیم

تجربه شیرین ندامت

نویسنده:

محمد حسین یوسفی

ناشر چاپی:

دلیل ما

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تجربه شیرین ندامت

مشخصات کتاب

سرشناسه : یوسفی محمدحسین عنوان و نام پدیدآور : تجربه شیرین ندامت رمز آشتی با خدا و امام زمان علیه السلام و برکات استغفار/ محمدحسین یوسفی وضعیت ویراست : [ویراست ۲]. مشخصات نشر : قم دلیل ما ۱۳۸۲. مشخصات ظاهری : ۳۶۸ ص. شابک : ۱۵۰۰۰ ریال ۹۶۴۷۹۹۰۸۵۵ ؛ ۱۶۰۰۰ ریال (چاپ دوم) یادداشت : پشت جلد به انگلیسی . ...Mohammad Hossein yusefi. the dolicate experience of یادداشت : این کتاب در سال ۱۳۸۱ تحت عنوان "تجربه شیرین ندامت رمز آشتی با خدا و برکات استغفار" توسط نشر عهد منتشر شده است یادداشت : چاپ دوم: تابستان ۱۳۸۵. عنوان دیگر : رمز آشتی با خدا و امام زمان علیه السلام و برکات استغفار عنوان دیگر : تجربه شیرین ندامت رمز آشتی با خدا و برکات استغفار موضوع : توبه (اسلام . موضوع : توبه کاران موضوع : گناه رده بندی کنگره : BP۲۲۵/۷ /ی۹ت۳ ۲۸۳۱ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۴ شماره کتابشناسی ملی : م ۲۸-۲۳۸۳۱

مقدمه

اَللّهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ

صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَعَلی ابآئِهِ فی هذِهِ السَّاعَهِ

وَفی کُلِّ ساعَه وَلِیّاً وَحافِظاً وَقآئِداً وَناصِراً

وَدَلیلا وَعَیْناً حَتّی تُسْکِنَهُ اَرْضَکَ طَوْعاً

وَتُمَتِّعَهُ فیها طَویلاً

سخنی با شما

سخنی با شما

چه زیباست که انسان همه چیز را تجربه کند و اگر برایش امکان ندارد از تجربه دیگران استفاده کند .

شما که دوست دارید همه چیز را بیازمایید و چه بسا در این راه خسارت هایی را نیز بدوش کشید ، این بار بیایید فرمایش های خدا و رسول و امامان پاک (علیهم السلام) در باره توبه و استغفار و بازگشت به سوی خدا را باور کنید و این تجربه دیرینه را در زندگی به کار گیرید . و اگر کوچک ترین تردیدی دارید خود تجربه کنید ; چه آنچه از علم برتر است ، تجربه است !

اگر در زندگی خویش گرفتاری و آشفتگی دارید ، و خود را از مشکلات زمانه و سختی های دوران غیبت در امان نمی بینید ، اگر تشنه دیدار امام زمانتان (علیه السلام) هستید و تحمّل فراق آن مولای مهربان را ندارید ، از آثار شوم گناهان و پی

آمـدهای تلـخِ تجـاوز از حـدود خداونـد غافل نشویـد و برکات نـدامت از کردار ناشایست و اظهار پشـیمانی از گناهان یعنی : استغفار را نادیده نگیرید .

بیایید برای درک حقیقت آشتی با خدا و امام زمان (علیه السلام) ، و دست یافتن به

آثـار و برکـاتش ، ابتـدا نقش حیـاتی اسـتغفار و ارزش والای اظهـار نـدامت را در مکتـب وحی بفهمیـم و راه آشـتی کردن و بازگشتِ به سوی خدا را آموخته ، معنای توبه و استغفار را فهمیده ، با شروط آن آشنا شده

، از موانع پذیرش آن آگاه گشته و اسرار و رموز آن را فرا گیریم ; سپس ندامت قلبی خود را به خدای مهربان اظهار کرده و با تکرار ذکر مبارک استغفار به آثار پر بار مادّی و برکات بی انتهای معنویش دست یافته و شیرینی اظهار ندامت را در ذائقه خویش تجربه کنیم . آنگاه با اشتیاقی بی امان ، در جستجوی اوقات برتر استغفار و انواع بهتر عذرخواهی برآییم .

این نوشتار ، شما را در دست یابی به این هدفِ عالی یاری می کند .

روز عرفه ۱۴۲۳ ه . ق

محمد حسین یوسفی

بازگشت بی شکست

جمعه شبی آن دم که از نیمه گذشته بود ، در پیچ و خم تاریک وخموش کوچه های خوش بختی و سعادت ، جوانی افتان و خیزان ، سرگشته و حیران ، وحشتزده و نالان ! در جستجوی سوسوی نوری می دوید که از روزنه های تاریکی ها می دمید .

نوری که طَبق طَبق مروارید علم و دانش ارمغان می آورد که در صدف های کمال و فضیلت جای گرفته بودند و بر روی سجاده های سبز محبّت افتاده و به دست فرشته های بهشتی داده می شد تا با خود به آسمان زیبای معنویت بالا برند ; جایی که اشکِ خسته دلانِ کویِ یار را پُر بها خریدارند .

ناگاه شبنم اشکش بر گونه های خسته و بی رمقش غلتید و با همه یأس و ناامیدی صدایی را شنید که از صدای بلبل دل انگیزتر و از وصل محبوب زیباروی دلپذیرتر بود :

ای گمشده وادی تاریکِ شب ها ، ای سرگشته صحرای مخوفِ معصیت ها ، ای

لب تشنه افتاده در کویرِ سوزانِ شهوت ها ، ای بنده لرزیده ازطوفان سرد و شوم غفلت ها ، ای جوان در مانده در پشت در زندان یأس و ناامیدی ها ; بیا با من باش تا من هم با تو باشم ، بیا دوستم بدار تا من هم دوستت بدارم ، بیا در آغوش مهر و رحمتم بیاسای تا آمرزش من هم تو را بنوازد .

بیا و برگرد که اگر بازگردی می پذیرمت و با دستان مهربانِ مغفرتم دست های خسته و ترک خورده از سردی گناه تو را می گیرم . بیا و با یک دنیا امید از دروازه توبه گذر نما ، در شهر زیبای استغفار قدم بگذار ، در کوثر گریه از خوف خدایت غسلی کن و از تابش طلایی خورشید آشتی با خدای خویش ، نوری برگیر ; آنگاه ، با زلالِ اشکِ ندامت وضویی بساز ، صحیفه استغفار را ورق بزن و صفحه صفحه اش را با دقت بخوان ; که در این حریم مبارک ، چشمه سارهای خشک شده امید به جوش آمده ، نهرهای ساکت و آرام عبودیت به جریان افتاده و سر زمین خشکیده روح انسان سیراب می گردد .

اینجا مرغِ در قفس مانده جان آدمی رها گردیده و در آسمان معنویت به پرواز در می آید . و از همین جاست که درهای آهنین زندان لغزش و خطا باز گشته و تن خسته و بی رمقِ زندانیانِ گنهکار ، جانی تازه می گیرد .

اینجا بادبانِ کشتی شکست خورده ایمان به لرزه افتاده و به سوی جزیره اوج و شکوفایی به حرکت در می آید .

آری

، اینجا وادی پر نور غفرانِ «غفّار الذّنوب » و اقیانوس بی کران رحمت « ارحم الرّاحمین » است .

ای عزیز زمین خورده در سراشیبی خطا و لغزش ، بیا تا نیروی جوانی در کف داری ، دستی بر زانوی دردمندِ از بار گناهت بنهِ و با تکیه بر دیوار پشیمانی ، پای خویش از لجنزار خلاف و انحراف بیرون کش و بر مرکب راهوار عـذرخواهی سوار شو و به سوی وادی امن مغفرت بشتاب ، که هر آینه تـأخیرش ، خطر حمله گرگانِ بیابان های تاریک و مخوف عقوبت خداونـد را به دنبال خواهد داشت .

جوان گنهکار ، که گمشـده اش را در ندای دلنشین محبوب خویش یافته و از شدت شوقی که به او دست داده بود ، سـر از پا نمی شناخت ، با باز کردن صحیفه استغفار و پی بردن به آثار و برکات آن ، از کردار خویش پشیمان شده ، از حالت بیخودی به خود آمده و چشمان به هم آمده اش باز گردید . با قدم هایی لرزان و اشکی ریزان ، در حالیکه بغض گلویش را می فشرد ، گوشه ای خلوت را جستجو کرد تا عقده های چند ساله اش را با فریادهای ندامت خود در پیشگاه خدای مهربانش بگشاید .

نگاهی به اطراف انداخت ، همین که گِرد خود را خلوت دید ، از ژرفای وجودش ناله ای جان سوز بر کشید :

ای خدای من ، و ای معبود مهربانم ، با چه نامی تو را بخوانم ، و با چه زبانی با تو سخن گویم ؟ مهر و عطوفتت در ژرفای قلبم

غوغا به پا کرده و اشتیاق به گناه را از دلم ربوده است . با همه وجودم تو را دوست دارم و از گذشته تاریکم سخت پشیمانم .

ای خالق مهربانی که همه هستی ام را از تو دارم ، اگر لحظه ای لطف و عنایتت را از من برگیری نابودم ; پس چرا از تو غافل باشم و حرمتت را نگاه ندارم و از جود و احسانت نیرو نگیرم ؟

معبودا ! از تو ممنونم که مرا با خود آشنا و با من سخن آغاز کردی ، گوئیا کم کم نسیم عطرآگین عفو و گذشتت را با همه وجودم لمس می کنم ، و روح خسته ام چون نیلوفرهای پیچان تا اوج آسمان ها به حرکت در آمده و دیگر پیچک های کمرشکن ، خواهان رفاقت با من نیستند .

این بار احساس می کنم که می توانم سالیان سال در کنار گلستان مهربانی هایت بیاسایم ، زندگی آرام و پر سودی داشته باشم و از نسیم دلنواز باغستان عفو و بخششت جانی تازه باز گیرم .

آه که احساس عجیبی به من دست داده است ، نمی دانم چگونه در گلزار توبه و استغفار قدم گذارده و از باغبان ایمان و طاعت عذر خواهم .

تصوّر می کنم به خدای خویش نزدیک شده ام ، به هر طرف رو می آورم درها به رویم باز است . دیگر سنگریزه ها در زیر پایم سرازیر نمی گردند تا مرا در درّه های مخوفِ هرزه گی و خلاف اندازند ; چرا که من به دستگیره های محکم توبه و استغفار چنگ زده ام و هیچگاه

آن ها را رها نمی کنم .

آری ! این بـار آنچنـان دگرگون شـده ام که رمز و رازهای آشتی با خـدا و شـرط و ادب عـذرخواهی را می آموزم و در سایه دیوار بلنـد اسـتغفار ، اتراق کرده و در کنـار گنجینه ای پر از جواهرات معنوی ، جـای گرفته ام . در بـاغ هـای زیبا و با طراوت غفران ، پناه جسته و با انواع گلهای رنگارنگ آمرزش خواهی ، انس می گیرم .

صدای آبشارِ بنده نوازِ دعوت به سوی خدا در سرم طنین افکنده ، و آهنگ خوش آن گوش دلم را نوازش می دهد .

گرمی دستان مهر و عطوفت خدای مهربان را بر شانه هایی که خسته از کوله بار گناهند ، احساس می کنم .

عرق شـرم بر پیکر آلوده ام نشسـته است و اندام خسـته ام آن قدر از کشیدن بار سنگین معصیت به ستوه آمده اند که استخوان هایم نیز فریاد می زنند : « خدایا ، ما را ببخش » .

هنگامی که به سوی پروردگارم سری بلند می کنم تا از او عذر بخواهم ، در آسمان نیلگون معرفت پرواز پرندگانِ بال گشوده را می بینم ، و با شرمساری به آن ها خطاب می کنم :

شما پرندگان آنقدر سبکبالید که به هر سو بخواهید پر می کشید . ای کاش من هم از ابتدای تکلیف ، خدای خود را شناخته و همچون شما به سوی آسمان کمال و فضیلت بال گشوده و به هر سو پرواز می کردم .

خدایا ، اکنون که خودت درِ آشتی را به رویم باز کردی بدی

های مرا نادیده بگیر ; حالِ توبه بهتری به من عطا فرما ; شـهد شـیرین اسـتغفار را بر کامم فرو نشان ; نور معرفت خویش را در دلم بتابـان ; مرا به سـر چشـمه زلال اطـاعت رهنمون بـاش ; شـربت گوارای مغفرت را به من بچشان و با آشـنای کوی خود ، مناجی سحرگاهان ، مقتدای دلسوختگان ، معشوق منتظران ، مولایم امام زمان (علیه السلام) ، آشنا گردان .

بارالها دست های لرزانم را در دست های پر مهر آن مولای مهربان بگـذار و خاک پایش را کیمیای جسم بی جانم ساز و غبار کویش را سرمه چشمان کم سویم کن .

و تو ای سر گشـته بیابانها ، آن هنگام که دست های پر از سـتاره ات را به سوی آسـمان می گشایی تا برای دوسـتان و شیعیان مخصوصاً جوانـان فریب خورده اسـتغفار کنی ، و آنـان را به آغوش پر نور خویش بازگردانی ، من روسـیاه وامانـده را نیز ، از خاطر عاطرت دور مساز و برای گناهم از خدا آمرزش بخواه ، که دعای تو مستجاب است .

من نیز با تو پیمان می بنـدم که ورد شب و روزم را دعا برای ظهورت قرار داده و در انتظار آمـدنت ، سـخاوتمندانه دامن دامن اشک افشانم .

آری ! با دیدگان کم سویم ، به راه تو خواهم نگریست ; و با سـرشک هجران ، مسـیر آمدنت را شستشو خواهم داد ، و با گام برداشتن در طریق رضا و خوشنودیت ، دل غمدیده ات را شاد خواهم نمود .

خدا را شکر که سریع ترین راه برای فرار

از زندان عقوبت گناه را آموختم و ریسمان فتح قله سعادت و موفقیّت را دریافتم .

دیگر از این ساعت ، ذکر عطرآگین استغفار و عذرخواهی از خدا را زمزمه همیشگی خویش خواهم ساخت . چرا که استغفار دعائیست مستجاب و راهی کوتاه به سوی ربّ الارباب . و نیز بهترین وسیله برای ارتباط بنده گنهکار با خالق غفّار و سریع ترین عامل رهایی از نکبت معصیت ها و جهنّم عقوبت ها و ذکری پر بار برای دست یافتن به خیرات مادّی و برکات معنوی است .

آری ! به یقین رسیدم که اگر دیدار امام زمانم را می خواهم ، اگر خشنودی خدایم را می طلبم ، اگر همراهی با موالیان گرامی ام را می جویم ، اگر محبوبیت در نزد خدا و اولیائش را خواهانم ، اگر در صدد مبارزه با شیطان و خنثی کردن وسوسه های او هستم ، اگر درخشش نامه عمل و ورود در میدان نور حقّ را طالبم ، اگر از کابوس یأس هراسانم و برای رسیدن به خورشید رجا و امید در تلاشم ، اگر از زنگار قلبم گریزان و برای یافتن صفای دل شتابانم ، اگر برای تکمیل درجات ایمان و دست یافتن به هر خیر و برکتی در تکاپویم ، و خلاصه اگر ورود به بهشت و بهرهور شدن از نعمت های ابدی خداوند را آرزو می کنم ، باید استغفار کنم .

و بلکه اگر پذیرش توبه ام را می خواهم و در تلاش برای رهایی از قرض ها و مرض ها ، سختی ها و مشکلات و زدودن غم ها و غصه هایم هستم

، و اگر خلاصی از بلاهای سخت دنیا را می جویم ، و در آرزوی دست یافتن به روزی فراوان ، ثروت بیشتر و آینده درخشان و پر باری هستم ، و در یک سخن ، اگر زندگی خوب ، پر برکت ، و با عزّتی را دنبال می کنم ، باید استغفار کنم .

آری ! باید استغفار کرده و از خدای خویش عذرخواهی کنم . از او آمرزش بخواهم و ندامت خود را به خالق مهربانم اعلان کنم ! که او آمرزنده و توبه پذیر و دوستدار توبه کنندگان و استغفار گویان است .

(إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوابِينَ) . (۱)

به راستی خدا کسانی را که پی در پی توبه و استغفار می کنند دوست دارد و طهارت جویان و پاکی طلبان را دوست دارد .

۱ سوره بقره ، آیه ۲۲۲ .

توبه و استغفار تنها عامل خوشبختی

در برخوردهایی که با بسیاری از جوانان داشتم ، چه دوستان دانشجو و روحانی که مشغول تحصیل علم و دانش برای دست یابی به مقامات علمی هستند ، و چه دوستان کاسب و تاجری که سرگرم فعالیّت های اقتصادی و در تلاش برای رسیدن به کمالات معنوی می باشند ; به سؤالات و اظهاراتی بر خوردم ، که مجموع آن ها در چند سؤال خلاصه می شود :

چرا ما در زندگی مادی و معنوی خویش توفیقات چشمگیری نداریم ؟ !

چرا به هر کاری که دست می زنیم نتیجه مثبت و قطعی از آن نمی گیریم و گاهی نه تنها سود نمی بریم بلکه ضررهایی نیز متوجّه ما می گردد ؟ !

برای توفیقات بیشتر علمی و

معنوی ، و پیشرفت های مادّی و اقتصادی چه راهی را باید پیمود تا سریع تر نتیجه گرفت ؟

علّت گرفتاری های ما و مشکلات متعددی که به صورت های مختلف دامنگیرمان می گردد چیست ؟

آیا برای دست یافتن به روزی بیشتر چه مادی و چه معنوی مانعی در کار ماست تا آن را برطرف سازیم ، یا سببی لازم است تا آن را به دست آوریم ؟

با مطالعات و تجربیاتی که در زندگی خود و دوستان جوانم داشتم ، و با کمک جستن و الهام از آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) که شفای دلهای مریض ، حیات قلبهای مرده ، و درمان جسم و روح همه انسان هاست به این نتیجه رسیدم :

انحراف فکری و عملی یکی از مهمترین عوامل فقر و بدبختی و عقب افتادگی جامعه مسلمانان مخصوصاً دوستان امیرالمؤمنین (علیه السلام)در زندگی فردی و اجتماعیست .

فسادهای عقیدتی و اخلاقی در افراد یک اجتماع ، یکی از علل اساسی نزول بلا ، قحطی و خشک سالیست .

رواج فحشا و فساد در میان خانواده ها و محیط های کوچک و بزرگ اجتماع مسلمین ، یکی از موانع بزرگ استجابت دعا و مانعی بر نزول باران و یکی از اسباب مهم پدید آمدن امراض مختلف و بلاهای خانمان برانداز است .

گناه و معصیت ، ابر سیاهی را بر فراز سر انسان می فرستد که جلوی دیده گان او را گرفته و مانع تابش خورشید رحمت حق گشته ، و اشراقات شمس ولایت ، الطاف خاصه امام عصر ارواحنا فداه ، را کم سو می سازد .

نافرمانی و

سرپیچی از فرامین خداوند ، انسان را از جادّه مستقیم

سعادت و خوشبختی ، به درّه های شقاوت و بدبختی سرنگون می سازد و از باغ های سرسبز امنیّت و رفاه ، به صحراهای سوزان سختی و تنگ دستی ، می کشاند .

یکی از علل کم سودی یا بی فایده گی تلاش های ما ، ارتکاب گناهان و اعمال ناشایستی است که شب و روز در هر کوی و برزن ، محل های کسب و تجارت ، محیط های علم و دانش و مراکز اداری مسلمین به چشم می خورد .

پی آمدهای گناه مؤمن در دنیا

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) در مورد سختی ها و بلاهایی که به عنوان عقوبت گناهان و کردار ناشایست متوجّه شخص مؤمن می گردد ، می فرمایند :

اِنَّ الْمُؤْمِنَ اِذا قارَفَ الذُّنُوبَ اُبْتُلِیَ بها بِالفَقْر ، فَاِنْ کانَ فی ذلِکَ کَفّارَةٌ لِذُنُوبِه ، و اِلاّ ابْتُلِیَ بِالْمَرَض ، فَاِنْ کانَ فی ذلِکَ کَفّارَةٌ لِذُنُوبِه ، و اِلاّ ابْتُلِیَ بَالْخَوْفِ مِنَ السُّلْطانِ یَطْلُبُه ، فَاِنْ کانَ فی ذلِکَ کَفّارَةٌ لِذُنُوبِه ، و الاّ ضُیّقَ عَلَیْه عِنْدَ خُروجِ نَفْسِه ، حَتّی یَلْقَی اللهَ حینَ یَلْقاهُ وَ مالَهُ مِنْ ذَنْب یَدَّعِیهِ عَلَیْه فَیُأْمَرُ بِه اِلَی الْجَنَّهِ . (۱)

زمانی که مؤمن مرتکب گناهان می گردد ، به خاطر اعمال ناشایستش ، مبتلا به فقر و تنگ دستی می شود .

اگر دیدن این سختی ، کفّاره گناهان او گردید (خدا از گناه او می گذرد) ، در غیر این صورت مبتلا به مرضی می شود تا گناهش بریزد . اگر دیدن مرض ، گناه او را جبران کرد ، (که کرد) وگرنه

گرفتار سلطانی می گردد که او را دنبال کرده و بترساند . و اگر وحشتی که از سلطان به او رسید ، گناهش را ریخت (خدا دیگر او را عقوبت نمی کند) وگرنه هنگامی که روح از بدنش خارج می شود ، جان دادن بر او سخت می گردد ، تا خدا را در حالی ملاقات نماید که هیچ گناهی نداشته باشد که او را به آن عقاب کند . این جاست که از طرف خداوند دستور می آید تا او را راهی بهشت سازند .

۱ بحارالأنوار ، ج ۶۴ ، ص ۲۳۷ .

آثار شوم گناه شیعیان

امام صادق (علیه السلام) نیز در سخن پر باری ، آثار شوم گناهان شیعیانشان را برای مفضّل چنین بیان می فرمایند :

یا مُفَضَّل اِیّاکَ والذُّنُوبَ ، و حَذِّرْها شیعَتَنا ، فَوَاللهِ ما هِیَ اِلی اَحَد اَسْرَعُ مِنْها اِلَیْکُمْ ، اِنَّ اَحَدَکُمْ لَیُصیبُه الُمَعرَّةُ مِنَ السُّلْطانِ و ما ذاکَ اِلاّ بِذُنُوبِهِ ، وَ اِنَّهُ لَیُصیبُه السَّقَم و ما ذاکَ اِلاّ بِذُنُوبِهِ ، و اِنَّه لَیُحْبَسُ عَنْهُ الرِّزْقُ و ما هُوَ اِلاّ بِذُنُوبِه . (۱)

ای مفضّل ، از این که مرتکب گناهان گردی بپرهیز و شیعیان ما را از ارتکاب آن دور نگه دار و بترسان .

به خدا سوگند آثار شوم گناهان زودتر از همه ، شما را فرا می گیرد . و هر گاه برای بعضی از شما بد رفتاری و سختی از سوی سلطانی برسد ، این گرفتاری نیست مگر به خاطر گناهانش . و هر گاه به مریضی و ناراحتی جسمی دچار شود ، این هم نیست مگر به خاطر گناهان او . و هر

گاه روزی او حبس گردد و به او نرسد ، این نیز نیست مگر به خاطر گناهانی که انجام داده است .

۱ کتاب السعه و الرزق ، ص ۸ ; وسائل الشّیعه ، ج ۱۵ ، ص ۳۰۵ ; بحارالأنوار ، ج ۶ ، ص ۱۵۷ .

نیک پنداشتن گناه ، نتیجه قساوت دل !

این نوع عقوبت ها ، در صورتی است که اهل یک شهر و آبادی ، کردار خویش را گناه بدانند و با وجود این آگاهی مرتکب آن گردند . وای به حال جمعیتی که قبح و زشتی گناه از میان آن ها رخت بربسته و در عین حالی که معصیتی را انجام می دهند ، آن را نیک پنداشته و عمل ناشایست خود را شایسته می انگارند . این نیست مگر بدین خاطر که ، دل های اینان را چنان قساوتی گرفته که اعمال زشتشان در نظرشان زینت یافته و شیطان گناهانشان را در نظرشان نیک جلوه بخشیده است .

خداوند متعال ، در مورد کسانی که خدا را فراموش کرده اند و به پیامبر او ایمان نیاورده اند و به سختی و بلاهایی در دنیا گرفتار شده اند ، می فرماید :

(فَلَوْلا اِذ جائَهُمْ بَأْسُنا تَضَرَّعُوا وَلكِنْ قَسَتُ قُلُوبُهُمْ وَ زَيَّنَ لَهُمْ الشَّيْطانُ ما كانُوا يَعْمَلُون) . (۱)

چرا وقتی که بلا و سختی ما به آن ها می رسد ، توبه و تضرّع و زاری نکردند ؟ (تا نجات یابند ؟ بدین خاطر چنین نکردند که) دلهایشان را قساوت فرا گرفته است ، سخت دل شده اند و شیطان کردار زشت آن ها را در نظرشان زیبا ساخته و نیک جلوه

داده است .

۱ سوره انعام ، آیه ۴۳ .

بلاهای جدید ، نتیجه گناهان جدید

امان از روزی که مردم گناهانی را که قبلاً سـراغش نرفته و با آن ها آشنا نیستند ، مرتکب شوند چرا که آنچه شالوده اجتماعی را از هم می پاشد گناهان جدیدی است که افراد یک جامعه ، به اشـکال مختلف و با توجیهات شیطانی انجام می دهند . و این گناهان تازه بلاهای جدیدی را که تا آن روز کسی ندیده ، به سویشان سرازیر می کند .

امام رضا (علیه السلام) می فرمایند :

کُلّما اَحْدَثَ الْعِبادُ مِنَ الذُّنوبِ ما لَمْ یَکُونُوا یَعْمَلُونَ ، اَحْدَثَ اللهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلاءِ ما لَمْ یَکُونُوا یَعْرِفُونَ . (۱)

هر گـاه مردم گناهـان تـازه ای اختراع کننـد که قبل از آن نمی کردنـد ، خـدا نیز ، بلاهای جدیـدی را که تا آن روز ندیـده و نشناخته باشند ، برایشان پدید می آورد .

امروزه گرچه بشـر بر امراضـی همچون وبا ، طاعون و . . . چیره شده و از شیوع یا تأثیر آن ها جلوگیری می کند ، ولی غافل از این است که خداوند در برابر گناهان جدید ، بلاها و امراض بی سابقه ای را پدید می آورد که راه علاجی برایش نمی یابد .

بـا کمـال تـأسف ! بسـیاری از انواع سـرطان هـا و مرض های تازه و ناعلاج که در میان مردم رواج پیـدا کرده ، معلول کارهای زشت و گناهان جدیـدی است که بشـر با تمام ادعاهایش خود را بـدان ها آلوده ساخته است و خـدا و خلیفه خـدا ; امام زمان (علیه السلام) را به غضب آورده است .

طِبِّ امروز بـا تمـام پیشـرفت هایی که کرده ، از درمان بسـیاری از بیماری ها عاجز و ناتوان است . و اگر هم بعـد از چنـد سال تلاش و کوشـش بتواند به گونه ای با این مرض ها مبارزه و آن ها را درمان کند ، خداوند بیماری دیگری را جایگزین آن می سازد که کسی را قدرت مبارزه با آن نباشد . و این زنگ خطری است برای کسانی که بی باکانه سراغ گناهان جدید می روند و همه مظاهر دین را به باد تمسـخر می گیرند . یک روز دین دارند و روز دیگر آن را فراموش می کنند ، از گناهی خسـته می شوند و به عشق گناه تازه ای که کامشان را شـیرین کند ، اسیر هوای نفس و شیطان گشته ، پشت پا به دین و شعائر مذهبی می زنند . همچنین هشداری است

به کسـانی که دین داری آنـان تـا زمـانی است که اطـاعت از خـدا و ولیّش صـدمه ای به دنیایشان نزنـد ، اما اگر روزی دین و رعایت مسایل دینی باعث از دست دادن منافع مادی آن ها گردد ، از آن سـر باز می زنند و هر گناه و معصـیتی را مرتکب می شونـد و برای درآمـد و شـهرت بیشتر دست به معاملات حرام و تجارت های نامشـروعی زده و درآمد خود را با اموال ناپاک ، آلوده ساخته و هر لحظه فاصله خویش را با امام زمانشان بیشتر می کنند .

۱ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۴۳ ، ح ۲۶ .

گناه نشانه کفران ، و سرآغاز از دست دادن نعمت

افرادی که نعمت های خداوند را در مسیر نافرمانی او به

کار می گیرند ، باید از آن روزی بترسند که ناگهان غضب خدا آن ها را دریابد و نعمت هایش را از آنان بستاند . چرا که به کار نگرفتن نعمت های خداوند در مسیری که او می پسندد و صرف نمودن آن ها در معصیت و نافرمانی خداوند ، ممکن است یک نوع دهن کجی به خدا و امام زمان (علیه السلام) و نشان آشکاری از کفران نعمت ها باشد .

پر واضح است ، اگر کسی نعمت های خداوند را در غیر مسیر خوشنودی او صرف نماید ، نعمت هایی را که در اختیار دارد ، از دست خواهد داد و خود را مستحق عذاب خداوند خواهد ساخت .

او خود ، در منشور آسمانی اش ، به صراحت چنین اعلام می کند :

(وَ اِذْ تَأَذَّنَ رَبُّکُم لَئِنْ شَکَرْتُمْ لَاَزیدَنَّکُم وَ لَئِنْ کَفَرْتُم اِنَّ عَذابی لَشَدید) . (۱)

(به یاد آورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت : اگر (نعمتم را) شکر گویید ، بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید ، مجازاتم شدید است .

آری ! ناسپاسی و کفرانِ نعمت های خداوند ، و به کار گرفتن آن ها در مسیری که او دوست ندارد و بلکه مورد غضب اوست ، علاوه بر این که موجب می شود بنده ناسپاس نعمت هایی را که در اختیار دارد از دست بدهد ، باعث گرفتاری او نیز می گردد .

خداوند ماجرای اقوامی را که به خاطر ناسپاسی و کفران ورزیدن هلاک شده اند ، چنین حکایت می کند :

(وَ اِنْ مِنْ قَرْیَه اِلّا نَحْنُ مُهْلِکُوها

قَبْلَ یَوْمِ الْقِیامَهِ اَوْ مُعَذِّبُوها عَذاباً شَدیداً کانَ ذلِکَ فِی الْکِتابِ مَسْطُوراً) . (۲)

هیچ شهر و آبادی نیست مگر آن که آن را پیش از روز قیامت هلاک می کنیم یا (اگر اهل آن نافرمانی و سرپیچی کنند) آن ها را به عذاب سختی گرفتار خواهیم ساخت ، این در کتاب الهی (لوح محفوظ) ثبت است .

بی شک ، انکار حق و حقیقت ، و ارتکاب گناه و معصیت از سوی بعضی از بندگان آن چنان اوج می گیرد که خداوندی را که رحمتش عام و همه چیز و همه کس را فرا گرفته ، به غضب می آورد و نزول عذابش را بر آن ها حتمی می گرداند . در حالی که آن کریم مهربان راه فرار از عذاب خویش را برای بندگانش بیان فرموده و به دو عامل مهم برای نجات از عذاب خویش اشاره کرده است :

(ما یَفْعَلُ اللهُ بِعَذابِکُمْ اِنْ شَکَرْتُم وَ آمَنْتُمْ) . (۳)

خداوند چه کار به عذاب شما دارد ، اگر نعمت های او را شکر گویید و به او و فرستادگانش ایمان آورید .

امّا این بشر طغیان گر با همه دعوت ها و پیام های مهرآگین و دلنشین خدای سبحان ، گاهی آن چنان خیره سری می کند و مهلت خداوند به قدری او را دریده و بی حیا می سازد که پیاپی گناه می کند و زمانی هم که گرفتار بلا و عذاب خداوند می شود ، به جای توبه و بازگشت به سوی خالق مهربان ، برای رهایی خویش از بلاهای خانمان سوز متوسّل به امور مادی

می گردد .

به عنوان نمونه : زمانی که عصیان و نافرمانی گروهی باعث قحطی و خشک سالی می شود ، به جای آن که مردم آن دیار به سوی خدا بازگشته ، توبه کرده و نماز استسقاء بخوانند و از خدا طلب باران کنند; دست به سوی کفّار دراز می کنند تا برایشان باران مصنوعی بسازند و کشتزارهای آن ها را سیراب کنند ، و خسارت های وارده را به این صورت جبران نمایند . غافل از آن که خداوند قهار در کمینگاه است و نظاره گر کارهای بندگانش می باشد و نیک می بیند که بنده گنهکار او برای رهایی از عذاب خدای خویش چه می کند .

پر واضح است : اگر این کار ، خدا را به غضب آورد ممکن است او هم در مقام مکر و حیله بر آید و نقشه های آنان را نقش بر آب سازد . آری ! زمانی که خداوند ببیند بندگانش برای مبارزه با عقوبت او به سوی اموری دست یازیده اند که جز کفران و ناسپاسی معنای دیگری ندارد ، او نیز عذابش را سخت تر می کند و تمام زحمات بندگان خیره سرش را با همه مخارج و هزینه های سنگینی که برایشان داشته است ، هدر داده و بادهای مأمور خویش را سراغ ابرهای مصنوعی آنان می فرستد تا باران آن ها را در مناطق دیگری فرو ریزند و دماغ آنان را به خاک بمالند ، شاید سر عقل آمده و به سوی احکام نورانی اسلام و مکتب پربار اهل بیت (علیهم السلام)بازگردند .

اگر چه ، گاهی هم آنها را آزاد

گذارده تا راه در پیش گرفته را طی نموده و به کار خود مغرور گردند ، از خدای خویش بیشتر فاصله گرفته و در درکات عذاب او در برزخ و قیامت گرفتار آیند . همچنانکه با کفار ، مشرکین ، منافقین و مخالفین ، چنین رفتاری کرده ; دنیا را بهشت آنان ساخته ولی برزخ و قیامت را ، برایشان جهنمی سوزان و زندانی تاریک و وحشت زا قرار داده است .

۱ سوره ابراهیم ، آیه ۷ .

۲ سوره اسراء ، آیه ۵۸ .

۳ سوره نساء ، آیه ۱۴۷ .

توبه و استغفار ، تنها راه نجات از عقوبت گناهان

پس چه بهتر که در برابر خدایی که همه عالم تحت فرمان او و در سایه قدرت اوست و با کمال مهر و عطوفت بندگانش را نوازش کرده و به سوی

خویش دعوت فرموده ، سر سختی و لجاجت به خرج ندهیم ; دعوت او را لبّیک گوییم ، با یک دنیا ندامت و پشیمانی به سوی او روی آوریم و رحمت و مغفرتش را طلب کنیم . که او برای همه کسانی که حلقه عبودیّتش را به گردن دارند ، دعوتنامه عمومی فرستاده است :

(وَ اِذا سَأَلَکَ عِبادِی عَنِّی فَإِنّی قَرِیبٌ أجیبُ دَعْوَةَ الدّاعِ إِذا دَعانِ فَلْیُؤْمِنُوا بی وَلْیَسْتَجیبُوا لی لَعَلَّهُم یَرْشُدونَ) . (۱)

زمانی که بندگان من مرا بخوانند ، من نزدیک (به آن هایم ، صدایشان را می شنوم و) زمانی که دعا کننده ای مرا بخواند دعوت او را اجابت می کنم پس باید به من ایمان آورند ، دعوتم را اجابت کنند (و مرا بخوانند) بلکه (به خیر

و نیکی و سعادت و خوشبختی) هدایت یابند .

آری ، او خدای مهربان و دلسوزی است که با همه گناهانی که بندگانش کرده اند ، باز برای کسانی که به سویش باز گشته ، توبه نصوح کنند و از او عذر بخواهند ، وعده فلاح و رستگاری داده است :

(وَ تُوبُوا اِلَی اللهِ جَمیعاً اَیُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ) . (۲)

ای مؤمنان ، همگی با هم به سوی خدا توبه کنید و باز گردید شاید رستگار شوید .

و علاوه بر این ، راه بازگشت به سوی خویش را به آنان آموخته است و برای تحقّق توبه واقعی ، ابتدا دستور عذرخواهی و استغفار ، و سپس فرمان به توبه می دهد :

(وَاسْتَغْفِرُوا اللهَ رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوا اِلَیْهِ) . (۳)

از الله ، پروردگارتان طلب آمرزش کنید پس از آن ، توبه کرده و به سوی او باز گردید .

آری ! چه زیباست که ذکر عطرآگین استغفار و عذرخواهی از خداوند

را ، ذکر مدام خویش قرار دهیم ، که استغفار دعایی مستجاب و راهی کوتاه

به سوی ربّ الارباب و بهترین وسیله برای ارتباط بنده گنهکار با خدای

غفّار و سریع ترین راه برای رهایی از نکبت گناه و زندان عقوبت ها

است .

اگر کسی در متن آیات محکم قرآن و روایات معتبر پیامبر و خاندان پاکش (علیهم السلام) ، تأمّل و دقت کند بخوبی درمی یابد که مهم ترین عامل گرفتاری های مؤمن در دنیا گناهان اوست .

این گناهان اگر شستوشو نگردد ، و بار سنگین آن از دوش انسان برداشته نشود از بلاها و سختی هایی که دامنگیر او

گشته رهایی نخواهد یافت . با این که خداوند بسیاری از گناهان مؤمن را می بخشد و از

عقوبت آن صرف نظر می کند ، ولی با این همه ، علّت اساسی گرفتاری های او را کردار ناشایستی می شمارد که به دست خویش آن ها را انجام داده است :

(وَ ما اَصابَكُمْ مِنْ مُصيبَه فَبِما كَسَبَتْ اَيْديكُمْ وَ يَعْفُو عَنْ كَثير) . (۴)

هر مصیبت و گرفتاری که به شما می رسد به خاطر کردار زشتی است که به دست خود انجام داده اید و خدا از بسیاری از گناهان (شما) می گذرد .

۱ سوره بقره ، آیه ۱۸۶ .

۲ سوره نور ، آیه ۳۱ .

۳ سوره نور ، آیه ۳ .

۴ سوره شوری ، آیه ۳۰ .

استغفار ، بهترین دعا

آنچه بر اهمیّت این بحث می افزاید این است که پیامبر گرامی و دلسوز (صلی الله علیه وآله وسلم) ، استغفار را بهترین دعا شمرده و می فرمایند :

خَيْرُ الدُّعاءِ الاِسْتِغْفارُ . (۱)

بهترین دعا استغفار است .

چرا که گناهان انسان یکی از موانع بزرگ استجابت تمام دعاها است و اجابت خواسته او رابه تأخیر می اندازد ; و حتّی از برخی روایات استفاده می شود : گاهی دعای انسان مستجاب می شود و مقدّر می گردد که خواسته او اجابت شود ، ولی قبل از آن که حاجتش روا گردد گناهی انجام می دهد که باعث محرومیّت او از عطای خداوند می شود .

امام باقر (علیه السلام) ، در این زمینه می فرمایند :

اِنَّ الْعَبْدَ لَيَسْئَلُ الحاجَهَ مِنْ حَوائِجِ الدُّنْيا فَيَكُونُ مِنْ شَأْنِ

اللهِ قَضائُها

اِلی اَجَل قَریب اَوْ وَقْت بَطِئ فَیُذْنِبُ الْعَبْدُ عِنْدَ ذلِکَ ذَنْباً فیقولُ اللهُ لِلْمَلَکِ الْمُوَکَّلِ بِحاجَتِه : لاتُنْجِزُ لَهُ حاجَتَه وَاحْرِمْهُ ایّاها فَاِنَّهُ تَعَرَّضَ لِسَخَطی وَاسْتَوجَبَ الحِرمانَ مِنّی . (۲)

بنـده ای حاجتی از حاجت های دنیایی را از خداونـد درخواست می کند ، خدا هم چنین مقدر می کند که در آینده نزدیک (یـا بـا تـأخیر انـدکی) حاجتش روا گردد ، ولی این بنـده در همان زمان ، گناهی مرتکب می گردد . خداونـد به فرشـته ای که مـأموریت داده حـاجتش را برآورَد می فرمایـد : حـاجت او را روا مکن و از آن محرومش سـاز ، چرا که او کـاری کرد که در معرض غضب من قرار گرفت و مستحقّ محرومیّت از من شد .

پس اوّلین اثر گنـاه ، محرومیّت از اسـتجابت دعـا است ، در حالی که برای پیـدایش کمالات مادی و معنوی در بنـده مؤثرترین عامل ، دعا می باشد . به همین خاطر است که از اسـتغفار به عنوان بهترین دعا یاد شده است . زیرا کمترین اثر اسـتغفار و طلب آمرزش از خـدا این است که موانع اسـتجابت دعا را از پیش پای انسان برداشـته و آثار مخرّب و نابود کننده گناه را از بین می برد . علاوه بر این ، قلب شـخص گناهکار را نورانی کرده ، فکر و نیّت او را برای اقبال به دعا و پیـدایش حال مناجات با خـدا آماده و مهیا ساخته و راه ارتباط با مولایش امام زمان (علیه السـلام) را برای او هموار می گرداند و او را با معدن خیرات مرتبط می سازد .

۱ بحارالأنوار ،

ج ۹۰، ص ۱۹۰ ; کافی ، ج ۲ ، ص ۵۰۴ ; وسائل الشّیعه ، ج ۷، ص ۱۷۶ .

۲ سفینه البحار ، ج ۱ ، ص ۴۸۹ .

انگیزه تألیف کتاب حاضر

ما در این مجموعه بر آن شدیم تا یکی از مهمترین عوامل غفران و آمرزش ، یعنی « استغفار » ، را در آیات و روایات بررسی و تحقیق کرده و آثار و برکات آن را جستجو کنیم ; تا آن دسته از جوانانی که طالب زندگی پربار و سعادتمندانه اند و عزّت دنیا و آخرت خویش را دنبال می کنند و در پی روزی هستند که مولایشان آغوش گرم و پر مهرش را به رویشان بگشاید و از خداوند روزی بیشتری را برایشان درخواست نماید و آنان را از شربت گوارای علم و معنویتش سیراب گرداند ; با آشنایی با این عامل بزرگ آمرزش ، به بزرگترین رمز موفقیت دست یابند ، و سرآمد امثال و اقران خویش در هر عصر و زمانی گشته ، باب وصال مولای مهربانشان به رویشان گشوده گشته و زندگی آسوده و پر سودی داشته باشند .

و بیشترین سعی ما در این کتاب بر این است که گوهرهای تابناکی که در لابلای سخنان پر بار و نورانی پیامبر و اهل بیت پاکش (علیهم السلام) ، درباره فضیلت استغفار ، معنا ، شرایط ، موانع ، رموز ، اسرار و برکات آن نهفته است استخراج نموده و در گنجینه دل های دوستان و شیعیانشان ذخیره کنیم ، تا بیش از پیش قدر امامان خویش را دانسته و با دستورات حیات بخش آنان آشنا شوند

. و به جـای روی آوردن به شـغل هـای کاذب ، تجارت های نامشـروع و توسّل به دعاهای بی سَـنَد و اذکار اختراعی و تعلیم و تعلّم علوم باطل و دانش های بیهوده برای دست یافتن به ثروت بیشتر و حل مشکلات مادّی و معنوی خویش ; به دعا ، استغفار و توجّه به خدا و امام زمان (علیه السلام) ، اهمیّت بیشتری دهند .

همچنین در بخشهای آخر کتاب ، به برترین اوقات استغفار و آمرزش خواهی ، اشاه ای کرده ; و چگونگی عذرخواهی از خدا و امـام زمـان (علیه السـلام) را یـادآور می شویم ، تـا جوانان شـیعه بداننـد که خیر دنیا و آخرت و رمز موفقیّت و سـعادت ، در لابلای فرمایشات حکمت بار اهل بیت پاک پیامبر (علیهم السـلام) نهفته است . بلکه اگر کسـی در این میدان استقامت ورزد و ارشادات آنان را در زندگی به کار گیرد ، تا آن جا به پیش خواهد رفت که از روزی بی شـمار خداوند سیر گشته و از شربت گوارای علم اهل بیت (علیهم السلام)سیراب گردد . خدای مهربان در این باره می فرماید :

(وَ اَنْ لَوِاسْتَقامُوا عَلَی الطَّریقَهِ لَاَسْقَیْناهُمْ مآءً غَدَقاً) . (۱)

اگر (دوسـتان امیرالمؤمنین (علیه السـلام)) بر راه و روش (توحید و ولایت) استقامت ورزند ما آن ها را از آب غدق (علمی که ائمه اطهار (علیهم السلام)به آنان بیاموزند) سیراب می سازیم .

آری برکات زمین و آسـمان ، در سایه ایمان به صاحبان ولایت و پذیرش فرمایشات آنان و به کار گرفتن سخنان دُرربارشان ; به انسان رو می

آورد . و از دیگر سو تکذیب آن انوار مقدّسه در بُعد اعتقادی یا عملی ، که معنایش خروج از دایره خورشید ایمان و دژ محکم تقوا است ; بزرگترین عامل گرفتاری بشر به انواع بلاها و نارواییِ ها است .

بی خود نیست که خدای مهربان در قرآن کریم با کمال دلسوزی و خیرخواهی می فرماید :

(وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُری آمَنُوا وَاتَّقَوا لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکات مِنَ السَّمآءِ وَالْاَرْضِ وَلکِنْ کَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما کانُوا یَکْسِبُونَ) . (۲)

اگر اهل دیار و آبادی ها ، ایمان آورده و تقوای الهی را رعایت کنند ما برکات آسمان و زمین را به روی آنان می گشاییم ; ولی اینان (آیات و پیامبران ما را) تکذیب کردند ، ما هم آنان را به کیفر کردار زشتشان گرفتار ساختیم .

به امید آن که خداوند توفیق جبران گناهان گذشته ، و کمبودهای اعمال انجام شده را با استغفار و عذرخواهی از خداوند ، به ما عطا فرماید . تا به همه برکات ایمان و تقوا دست یابیم ، تمام باورهای دینی برایمان عینیّت پیدا کند ، ایمانمان به سخنان نورانی حق و کلمات پرنور پیامبر و اهل بیت پاکش (علیهم السلام) ، بیش از پیش گردد و نسبت به آینده خویش قدرت کنترل نفس و خواهش های نفسانی را پیدا کرده و نقایص اعمال نیکمان را برطرف سازیم .

مخصوصاً با توجّه به این که ، استغفار صبح و شام شیعیان ، مرهمی بر زخم دل امام زمان (علیه السلام) است ، و شادی دل غمگین آن مولای عزیز را فراهم می سازد ; بدین خاطر

صبح خویش را با استغفار شروع کرده و شام خویش را با عذرخواهی از خدا و ولیّش به پایان می بریم ، بلکه از این طریق ، ارتباطی با مولای مهربان خویش برقرار کرده و از دعای سحرگاه حضرتش بهره مند گردیم .

۱ سوره جن ، آیه ۱۶ .

۲ سوره اعراف ، آیه ۹۶ .

گفتار نخست

پی آمدهای گناه

قبل از از ورود به اصل بحث ، لازم است که اشاره اجمالی به آثار ویرانگر گناه ، و پی آمدهای انحرافات عقیدتی و عملی داشته باشیم ؛ تا ارزش والای استغفار و توبه ، و ضرورت بازگشت به سوی خدا و احکام نورانی اسلام و مکتب پربار اهل بیت (علیهم السلام) را بیشتر دریابیم . چرا که توبه و استغفار باعث ریزش گناه و در نتیجه دور ساختن تمام عقوبت ها با همه عظمتشان می گردد .

گفتنی است : این نوع عقوبت ها بیشتر در مورد گناهانی است که بی پروا و آشکارا در بلاد مسلمین ، مخصوصاً شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) ، انجام می شود . و امّا کفّار و مشرکین عقوبت کردار زشت خود را بیشتر در عالم آخرت و عوالم بعد از مرگ می بینند . چرا که خداوند ، دنیا را بهشت کافران و زندان مؤمنان قرار داده ؛ تا آنها بخاطر کفرشان به دنیا دل بسته ، به شهوات رو آورده و بر عقوبتشان افزوده گردد . و اینان به برکت ایمانشان با گرفتاریهایی که پیدا می کنند ، از دنیا و شهواتش دل برگرفته ، به خدا و احکام او رو آورده ، با خدا و امام

خویش آشتی نموده و به آمرزش خداوند دست یابند و بر درجه و مقامشان در بهشت افزوده گردد .

ابتلا به مصیبت ها و امراض و سختی ها

همان طور که در صفحات پیش اشاره گردید یکی از آثار شوم گناه برای دوستان و شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) در دنیا ، نزول انواع بلاها ، مبتلا گشتن به اقسام گرفتاری ها و دیدن اشکال مختلف امراض و ناروایی ها است .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این زمینه می فرمایند :

تَوَقُّوا الذُّنُوبَ ، فَما مِنْ بَلِیَه وَلانَقْصِ رِزْق اِلاّ بِذَنْب حَتّی الخَدْشَ والکَبْوَةَ والمُصیبَه ، قالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ :

(وَ ما اَصابَکُمْ مِنْ مُصیبَه فَبِما کَسَبْ اَیْدیکُمْ وَ یَعْفُو عَنْ کَثیر) (۱) . (۲)

از گناهان بپرهیزید که هیچ بلاء و کمبود روزی ای نیست مگر به خاطر گناهی (که انجام می دهید) ، حتی خراشی که بر بدن وارد می شود ، لغزیدن و به زمین خوردن (شما) و مصیبتی که بر روح و پیکرتان وارد می گردد (آثار گناهان شما است) ! خداوند می فرماید :

« هر مصیبت و ناراحتی که به شما سرایت می کند به خاطر کردار زشتی است که به دست خود کسب کرده اید و خدا بسیاری از گناهان را می بخشد ! » .

گویا مقصود امیرالمؤمنین (علیه السلام) از استدلال به این آیه کریمه این است : بلاها و سختی هایی که مؤمن در این دنیا می بیند نتیجه غضب خدا بر بنده اش به خاطر اندکی از گناهان اوست . با این که خدا بسیاری از گناهان او را می بخشد ، باز این همه مصیبت و ناراحتی متوجّه

او می گردد ، وای از آن روزی که خدا بخواهد بندگانش را به تمام کردار ناشایستشان مؤاخذه کند .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بیان نورانی دیگری عقوبت گناه شیعیانشان را چنین بیان می فرمایند :

ما مِنَ الشّیعَهِ عَبْدٌ یُقارِفُ اَمْراً نَهَیْناهُ عَنْه فَیَمُوتُ حَتّی یُبْتَلی بِبَلِیَّه تُمَحِّصُ بِها ذُنُوبَه ، اِمّا فی مال وَ اِمّا فی وَلَد وَ اِمّا فی نَفْسِهِ حَتّی یَلْقی اللهَ عَزَّوَجَلَّ وَ مالَهُ ذَنْبٌ ، وَ اِنَّهُ لَیَبْقی عَلَیْهِ الشَّیْءُ مِنْ ذُنُوبِه ، فَیُشَدَّدُ بِهِ عَلَیْهِ عِنْدَ مَوْتِه . (۳)

هر بنده ای که شیعه ما باشد و مرتکب کاری گردد که ما او را از آن نهی کرده ایم و با آن حال بمیرد ، گرفتار بلایی می شود تا گناهان او را پاکیزه سازد و این گرفتاری یا در مال اوست یا در فرزند او ، یا در خود او ، تا آن که خدا را در حالی ملاقات کند که هیچ گناهی بر او نمانده باشد .

در مورد شخصی که مقداری از گناهانش باقی مانده باشد (و با دیدن این گرفتاری ها پاک نشود) هنگام مرگ ، کار بر او سخت می شود (و با سکرات مرگ و سختی های جان کندن گناهش می ریزد) .

از این کلام نورانیِ امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز استفاده می شود که خدا شیعیان آن حضرت را به همه گناهانشان مؤاخذه و عقاب نمی کند بلکه گرفتاری هایی که در این دنیا می بینند نتیجه بعضی از کردارهای زشت آنان است ، و بعضی از آنان ، آثار شوم گناهانشان را هنگام مرگ و در عوالم پس از

مرگ خواهند دید ; تا لحظه ای که در قیامت به شفاعت مولایشان می رسند ، پاک و پاکیزه شده باشند .

امام باقر (علیه السلام) در سخنی حکیمانه و تکان دهنده ، آثار بعضی از گناهان را چنین بیان می فرمایند :

وَجَدْنا فی كِتاب عَلِیّ (علیه السلام) قالَ : قالَ رَسُولُ الله (صلی الله علیه وآله وسلم) إِذا ظَهَر الزّنا كَثُر مَوْتُ الْفُجْأَهُ ، وَ إِذا طُفِّفَ المِكْيالُ أَخَذَهُم اللهُ بِالسِّنِينَ وَالنَّقْصِ ، وَ إِذا مَنَعُوا الزَّكاهَ مَنَعتِ الْأَرْضُ بَرَكَتَها مِنَ الزَّرْعِ والثِّمارِ وَ المَعادِنَ كُلِّها ، وَ إِذا جارُوا فی الأَحْكامِ تَعاوَنُوا عَلَى الظُّلْمِ وَالْعُدْوانِ ، وَ إِذانَقَضُوا الْعَهْدَ سَلَّطَ اللهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ ، وَ إِذا قَطَعُوا الأَرْحامَ جُعِلَتِ الأَمْوالُ فی أَيْدِی الأَشْرارِ ، وَ إِذا لَمْ يأْمُرُوا بِمَعْرُوف وَ لَمْ يَنْهَوا عَنْ مُنْكَر وَ لَمْ يَتَّبِعُوا الأَخْيارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِی سَلَّطَ اللهُ عَلَيْهِمْ شِرارَهُمْ فَيَدْعُوا عِنْد ذلِكَ خِيارُهُمْ فَلا يُسْتَجابُ لَهُمْ . (۴)

در کتاب امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) چنین یافتیم که فرمودند : رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)فرموده اند :

زمانی که زِنا در میان مردم آشکار گردد ، مرگ ناگهانی زیاد می شود ; و هر زمان کم فروشی کنند ، خدا آنان را به خشک سالی و کمبود روزی مؤاخذه و عقاب می کند ; و هرگاه از دادن زکات و حقوق واجب مالی خویش خودداری کنند ، زمین برکات خود را از آن ها می گیرد (و برکات زمین عبارت از : زراعت خوب ، میوه های شاداب و معدن های پربار) ; و هر وقت (فرمانروایان آنان) در حکم کردن به ستم حکم

کننـد ، یکدیگر را بر ظلم و تجاوز یاری می کنند ; و هر زمان عهد و پیمانشان را بشـکنند ، خدا دشـمنشان را بر آن ها مسـلط می گردانـد ; و هر گاه ارتباط خویشاونـدی را قطع نماینـد ، اموال در اختیار انسان های شـرور جامعه قرار می گیرد ; و زمانی که امر به معروف و نهی از منکر نکرده و از خوبان اهل بیت من پیروی نکننـد ، خدا بدترین آنان را بر آن ها مسـلط می کند ; آن گاه خوبان ایشان (برای رفع این بلاها و سختی ها) دعا می کنند و اجابتی نمی یابند .

رسول خـدا (صـلی الله علیه وآله وسـلم) نیز ، در سـخن پر بـاری آثـار غضب خـدا را به خـاطر کردار ناشایست جمعی که گناه کرده اند این گونه بیان می فرمایند :

إذا غَضَبَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ عَلی اُمَّه وَ لَمْ یَنْزِلْ بِها الْعَذابَ غَلَتْ اَسْعارُها ، وَ قَصُرَتْ اَعْمارُها ، وَ لَمْ تَرْبَحْ تُجّارُها ، وَ لَمْ تُزَکَّ ثِمارُها ، وَ لَمْ تَغْزُزْ اَنْهارُها ، وَ حُبِسَ عَنها اَمْطارُها وَ سُلِّطَ عَلَیْها شِرارُها . (۵)

هر گاه خداونـد بر امّتی غضب کنـد و عـذابش را بر آن ها نازل نکنـد ، قیمت اجناس آن ها بالا خواهد رفت ، عمرشان کوتاه می شود ، تجّارشان سودی نمی برند ، میوه های آنان پاکیزه و خوشگوار نمی شود ، نهرهای آنان نجوشیده و روان نمی گردد ، باران از آن ها قطع شده و بدترین ایشان بر آنان مسلّط می شود .

امام صادق (علیه السلام) نیز پی آمد گناهان را چنین بیان می فرمایند

:

اَمـا اِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عِرْق يَضْـرِبُ ، وَلا ـنِكْبه ، وَلاصُـيداع ، وَلامَرَض اِلاّ بِـذَنْب وَ ذلِکَ قَوْلُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ فی کِتابِهِ : (وَ ما اَصابَکُمْ مِنْ مُصيبَه فَبِما کَسَبْ اَيْديکُمْ وَ يَعْفُو عَنْ کَثير) . (۶)

آگاه باشـيد اگر رگی از رگ های انسان به ضـربان افتـد ، يا پايش به سـنگ خورد ، يا سـرش درد بگيرد ، يا مريض شود ; به خاطر گناهی است که مرتکب شـده است . و اين است معنای گفتار خداوند در قرآنش که می فرمايد : « هر مصـيبتی که شـما را می رسد به خاطر گناهانی است که به دست خود انجام داده ايد و او از بسياری از گناهان می گذرد » .

در ادامه امام صادق (عليه السلام) می افزايند :

آنچه خدا می بخشد به مراتب بيشتر از آنی است که بندگانش را بدان مؤاخذه می کند . (۷)

ناگفته نمانـد : اين حـديث و امثال آن در مورد کسانی است که اوّلاً : دارای عقل و شـعور باشـند و به سر حـدّ بلوغ و تکليف رسيده باشند . ثانياً : همچون انبياء و اوصياء (عليهم السلام) دارای مقام عصمت نباشند .

بنابر اين ، مصائب و سختی هايی که به افراد غير بالغ و غير عاقل ، همچون ديوانگان و کودکان می رسد ; از اين قانون مستثنی است و حکم ديگری بر آن مرتّب می گردد :

اولاً : باعث ريزش گناهان پدران و مادران آن ها ، و يا کسانی که مسؤوليّت تربيت و پرورش آن ها را به عهده دارند می شود .

ثانياً : باعث ترفيع مقام و

درجه خود آنان در عوالم پس از مرگ می گردد .

همچنین مصائبی که به انبیا و اوصیای آنان می رسد باعث ترفیع مقام و بالا رفتن درجات آنان در بهشت و زیاد شدن قُرب آنها به پروردگار می گردد . چرا که صبر بر بلا و تحمّل مصیبت ، یکی از کمالات بزرگ مردان خداست که حاکی از ایمان محکم آنان و باعث افزایش مقامشان در نزد خداوند است .

۱ سوره شوری ، آیه ۳۰ .

۲ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۵۰ .

۳ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۵ .

۴ کافی ، ج ۲ ، ص ۳۷۴ ; بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۶۹ .

۵ سفینه البحار ، ج ۱ ، ص ۴۸۹ ; کافی ، ج ۵ ، ص ۳۱۷ . و با اندک اختلافی در وسائل الشّیعه ، ج ۸ ، ص ۱۳ ; من لایحضره الفقیه ، ج ۱ ، ص ۵۲۴ ; التهذیب ، ج ۳ ، ص ۱۴۸ .

۶ سوره شوری ، آیه ۳۰ .

۷ کافی ، ج ۲ ، ص ۲۶۹ ; وسائل الشّیعه ، ج ۱۵ ، ص ۲۹۹ ; بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۱۵ .

قحطی و خشک سالی

یکی دیگر از عقوبت های گناهان ، قحطی و خشک سالی است که در روایات به صراحت از آن یاد شده است . حتّی از روایاتی استفاده می شود که هیچ سالی کمتر از سال های گذشته باران نمی بارد . بلکه معصیت اهل شهرها و آبادی ها باعث می شود که در آن مناطق باران نبارد و

در مناطقی فرود آید که معصیت خدا نشده باشد .

ابی حمزه ثُمالی گوید : از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که فرمودند :

ما مِنْ سَنَه اَقَلُّ مَطَراً مِنْ سَنَه ، وَ لکِنَّ اللهَ یَضَعُه حَیْثُ یَشاءُ ; اِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ اِذا عَمِلَ قَوْمٌ بِالمَعاصی صَرَفَ عَنْهُم ما کانَ قَدَّرَ لَهُم مِنَ المَطَر فی تِلْکَ السَّنَهِ اِلی غَیْرِهِمْ ، والَی الْفَیافی و البِحارِ وَ الْجِبالِ ; وَ اِنَّ الله لَیُعَذِّبُ الجُعَلَ فی جُحْرِها فَیَحْبِسُ المَطَرَ عَنِ الأَرْضِ الَّتی هِیَ بِمَحَلِّها بِخَطایا مَنْ بِحضْرَتِها ، وَ قَدْ جَعَلَ اللهُ لَها السَّبیلَ فی مَسْلک سِوی مَحَلَّهِ اَهْلِ المَعاصی .

قالَ : ثُمَّ قالَ ابُوجَعْفَر (علیه السلام) : فَاعْتَبِرُوا یا اُولِی الأَبْصارِ . (۱)

هیچ سال کمتر از سال گذشته باران نمی بارد ، هر جا خداوند اراده کند ، قطرات باران را فرود می آورد .

زمانی که گروهی معصیت خدا را انجام دهند ، خداوند بارانی را که برای آن ها در آن سال مقدّر کرده است ، به سوی گروهی دیگر و سرزمین دیگری بر گردانده و در بیابان ها ، دریاها و کوه ها سرازیر می کند .

به راستی خداوند جُعَل(۲) را در لانه اش ، عذاب می کند و به خاطر معصیت انسان هایی که در آن سر زمین گناه کرده اند ، از باران محروم می فرماید . چرا که خدا برای این حیوان راه کوچ کردن و زندگی نمودن در سرزمین دیگر غیر از این سر زمین را فراهم ساخته است .

ابی حمزه گوید : امام باقر (علیه السلام) بعد از نقل این حدیث فرمودند : ای صاحبان بصیرت و بینایی عبرت بگیرید .

در

جایی که خداونـد حیوانی را که به ظاهر تکلیفی نـدارد ، به خاطر معصـیت عـدّه ای که در حضور او گناه کرده و او نسـبت به گناه آنان اظهار تنفّر و بیزاری نکرده است ، عـذاب می کنـد و از باران رحمتش محروم می سازد ; پس چه خواهـد کرد با آن جمعیتی که نعمت های پروردگار خویش را نادیده گرفته اند و آن ها را در راه نافرمانی خداوند به کار گرفته اند ; امان از آن لحظه ای که غضب خدا گروهی را ، به خاطر نافرمانی آنان ، فرا بگیرد و نزول عذابش را بر آنان حتمی کند .

مرحوم علامه مجلسی بعد از نقل این خبر می فرماید :

این حدیث از احادیثی است که دلالت می کند بر این که حیوانات نسـبت به بعضـی از تکالیف شـرعی و کارهای بندگان خدا علم و شعور دارند و بر آن ها نوعی از تکلیف ثابت است برخلاف نظر اکثر حکما و متکلّمین . و مؤیّد این حدیث قصه هُدهُد است که در قرآن و روایات بـدان اشاره گردیـده است . و همچنین سایر روایاتی که ما آن ها را در جلد ۱۴ بحارالأنوار آورده ایم . (۳)

سپس می فرماید :

این حـدیث دلالت دارد بر وجوب هجرت از شـهرهای اهل معصـیت ، در صورتی که نهی آنان از منکری که انجام می دهند ، امکان نداشته باشد . (۴)

۱ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۲۹ .

۲ جُعَلْ : حشره ای است سیاه و پَردار و زشت که روی سرگین حیوانات می نشیند و آن را سرگین غلتان و

سرگین گردان و سرگین گردانک هم می گویند اسامی دیگر نیز در لغت برای آن آمده است ،

فرهنگ عمید .

۳ در چاپ ۱۱۰ جلدی : ج ۶۱، ص ۹۶۱ .

۴ بحارالأنوار ، ج ۷۰، ص ۳۳۰ .

عوامل خشک سالی

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) عوامل قحطی و خشکک سالی را در سخن پرباری چنین بیان می فرمایند :

لاـ تَزالُ اُمَّتی بِخَیْر ما تَحابُّوا و تَهادُّوا ، وَاَدُّوا الأَمانَه وَاجْتَنَبُوا الْحَرمَ ، وَ قَرُّوا الضَّیْفَ ، و اَقامُوا الصَّلاهَ ، وَ آتَوُا الزَّکاهَ ; فَإِذا لَمْ یَفْعَلُوا ذلِکَ اِبْتَلَوْا بِالْقَحْطِ وَالسِّنینَ . (۱)

امّت من تا زمانی که به یکدیگر اظهار محبت کنند ، برای یکدیگر هدیه ببرند ، امانت را ادا کرده ، از حرام دوری کنند ، میهمان را احترام کرده ، نماز را به پا دارند و زکات بدهند ; پیوسته در خیر و خوبی به سر برند و هر زمان که چنین نکنند به قحطی و خشکک سالی گرفتار می شوند .

از این روایت استفاده می شود که آنچه باعث قحطی و خشکک سالی می گردد عبارتند از :

۱ به محبت یکدیگر پاسخ ندادن و با یکدیگر دشمنی کردن .

۲ خیانت در امانت نمودن .

۳ مرتکب کارهای حرام و ناشایست شدن .

۴ احترام میهمان را نگه نداشتن و از او پذیرایی نکردن .

۵ نماز نخواندن .

۶ خمس و زکات ندادن .

با کمال تأسف در اکثر بلاد مسلمین این امور کم و بیش مشاهده می شود و نتیجه ناگوار و دردناک

آن را نیز به چشم خود می بینیم .

امیدواریم تمام مسلمانان و مخصوصاً شیعیان امیرمؤمنان (علیه السلام) از خواب سنگینی که آنان را فرا گرفته است بیدار شوند ; و با دعا و استغفار و توجّه به امام زمان (علیه السلام) ، ابر سیاهی را که بر سر خویش قرار داده اند برطرف سازند ; تا ابرهای رحمت حق ، باران حیات بخش خویش را بر آنان فرود آورند .

۱ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۵۲ .

از دست دادن نعمت های خداوند

یکی دیگر از عقوبت هایی که خداوند برای بعضی از گناهان مقرر فرموده است ، از دست دادن نعمتی است که انسان آن را در راه نافرمانی خدا به کار برده است . به تعبیر رساتر ، یکی از آثار شوم گناهان ، تغییر یافتن و از بین رفتن نعمت های خداوند است .

سماعه گوید : از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمودند :

ما اَنْعَمَ اللّهُ عَلی عَبْد نِعْمَهً فَسَلَبَها اِیّاهُ حَتّی یُذْنِبَ ذَنْباً یَسْتَحِقُّ بِذلِکَ السَّلْبَ . (۱)

خداوند هیچ نعمتی را به بنده ای عطا نمی کند که از او بگیرد ، مگر زمانی که گناهی انجام دهد که به خاطر آن ، استحقاق گرفتن نعمت را پیدا کند .

مراد خداوند در این آیه شریفه نیز همین نکته است :

(اِنَّ اللّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْم حَتّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ وَ اِذآ اَرادَ اللّهُ بِقَوْم سُوءً فَلا مَرَدَّ لَهُ وَ ما لَهُمْ مِنْ دُونِه مِنْ وال) . (۲)

مسلّماً خداوند وضعیّت گروهی را تغییر نمی دهد مگر زمانی که آن ها در نَفْس و کردار خود تغییری ایجاد

کنند . و زمانی که خدا نسبت به جمعیّتی اراده بدی نماید ، جز خدا هیچ عاملی آن را برنمی گرداند . و هیچ سرپرستی ندارند که کار آن ها را به عهده گرفته و بدی را از آن ها دور سازد .

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر این آیه کریمه می فرمایند :

اِنَّ اللهَ قَضی قَضاءً حَتْماً لایُنْعِمُ عَلی عَبْدِه نِعْمَةً فَیَسْلُبُها اِیّاهُ ، قَبْلَ اَنْ یُحْدِثَ العَبْدُ ذَنْباً یَسْتَوْجِبُ بِذلِکَ الذَّنْبِ سَلْبَ تِلْکَ النِّعْمَهِ ; وَ ذلِکَ قَوْلُ الله : (اِنَّ اللهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْم حَتّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ) . (۳)

خداونـد در تقدیر حتمی خویش این مطلب را گذرانده که نعمتی را به بنده ای عطا نکند که آن را از او بگیرد ، قبل از آن که آن بنده گناهی انجام دهد که به خاطر آن ، مستحقّ گرفتن نعمت گردد . (بلکه وقتی بنده گناه می کند آن نعمت از او گرفته می شود) و این است مقصود خدا از این گفتار که می فرماید :

« خداوند وضعیت گروهی را تغییر نمی دهد مگر زمانی که آن ها در نفس و کردار خویش تغییری ایجاد کنند » .

امام سجاد (علیه السلام) گناهانی را که باعث تغییر نعمت های خداوند می شود چنین بیان می فرمایند :

الذُّنُوبُ الَّتی تُغَیِّرُ النِّعَم : اَلْبَغْیُ عَلی النّاسِ ، وَالزَّوالُ عَنِ العادَهِ فِی الخَیْر ، وَاصَطِناعُ المَعْرُوفِ ، وَ کُفْرانُ النِّعَم ، وَ تَرْکُ الشُّکْر .

گناهانی که نعمت های خداوند را تغییر می دهد عبارتند از :

ستم روا داشتن بر مردم ، جدا گشتن از عادت در کار نیک

، و کار خوب را به خود بستن بـدون این که بدان پایبند باشد ، نعمت های الهی را کفران کردن ، و شـکر نعمت های خداوند را ترک نمودن .

در ادامه این حدیث امام سجاد (علیه السلام) ، آیه مذکور را تلاوت فرمودند . (۴)

امام صادق (علیه السلام) نیز در این رابطه می فرمایند :

خداوند پیامبری از پیامبران خویش را به سوی قومش فرستاد و به او وحی کرد که به قومت بگو : اهل هر قریه و مردمی که در حال اطاعت من بودند ، سرور و شادی به آن ها رسید و از آنچه که من دوست داشتم به آنچه که دوست نداشتم منتقل شدند ، آنـان را از آنچه دوست داشـتند منتقـل به حـالتی می کنم که از آن نـاراحت بودنـد . و اهـل هر قریه و اهـل بیتی که در حال معصـیت من بودند و سـختی و ناراحتی به آنان رسـید و از آنچه که من دوست نداشـتم منتقل شدند به آنچه دوست دارم ، من نیز در عوض آن ها را از وضعیتی که از آن ناراحت بودند به آنچه دوست داشتند منتقل می کنم . ای پیامبر ما به مردم بگو :

اِنَّ رَحْمَتی سَبَقَتْ غَضَبی ، فَلا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَتی فَاِنَّهُ لایَتَعاظَمُ عِنْدی ذَنْبُ عَبْد اَغْفِرُهُ .

به یقین رحمت من بر غضـبم پیشـی گرفته است ، از رحمت من ناامیـد نشویـد ، البتّه بخشـیدن گنـاه بنـده برای من کار بزرگی نیست . به بندگان من بگو :

لایَتَرَّضُوا مُعانِدینَ لِسَخَطی وَلایَسْتَخِفُّوا بِاَوْلِیائی فَاِنَّ لی سَطَوات عِنْدَ غَضَبی لایَقُوُم لَها شَیْءٌ مِنْ خَلْقی .

هیچ یک ، خود

را با عناد و لجاجت ، در معرض غضب من قرار ندهند ، و دوستان مرا کوچک مشمارند ، که چون خشمگین شوم عذاب و گرفتن من آن قدر سخت و شدید است که هیچ یک از آفریدگان من تاب مقاومت در برابر آن را ندارند . (۵)

۱ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۳۹ .

۲ سوره رعد ، آیه ۱۱ .

۳ تفسیر الصافی ، ج ۱ ، ص ۸۶۶ ذیل آیه ; و با اندک اختلافی : بحارالأنوار ، ج ۶ ، ص ۵۶ .

۴ وسائل الشّیعه ، ج ۱۶ ، ص ۲۸۱ ; بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۷۵ .

۵ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۳۹ .

کوتاه شدن عمر

عقوبت دیگری که خداوند برای بعضی از گناهان قرار داده است کوتاه شدن عمر انسان است . از روایاتی استفاده می شود که اکثر مردم به مرگ طبیعی خود نمی میرند بلکه گناهانی که مرتکب می شوند و از آن ها توبه و استغفاری نمی کنند ، مرگ آنان را زودرس می سازد . همانگونه که کارهای نیک ، عمر انسان را طولانی می گرداند و أجَل معلّق او را به تأخیر می اندازد . گرچه اجل حتمی برای احدی با کردار نیک قابل تقدیم و تأخیر نیست . (۱)

امام صادق (علیه السلام) در سخن پرباری می فرمایند :

مَنْ یَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَکْثَرُ مِمَّنْ یَمُوتُ بِالآجالِ ، وَ مَنْ یَعیشُ بِالإِحْسانِ أَکْثَرُ مِمَّنْ یَعیشُ بِالأَعْمارِ . (۲)

کسانی که به خاطر گناهانشان می میرند از کسانی که به اجل های خود می میرند بیشترند .

و کسانی که به خاطر کار نیک زندگی می کنند از کسانی که به عمر مقدر گشته زنده می مانند بیشترند .

گفتنی است : مطلبی که امام (علیه السلام) بدان اشاره می کنند نظر به اغلب مردم دارد . و همانگونه که در خود روایت آمده ، مرگ زودرس بیشتر مردم معلول گناهان آنها است . معلوم می شود ، این مطلب کلیّت ندارد که هر کس زود بمیرد بخاطر گناهش مرده باشد ; چه بسا عمرهای کوتاه در بعضی افراد ، که ارتباطی به گناه آنان ندارد .

به عنوان مثال : کوتاه شدن عمر اطفالی که در سنین طفولیت از دنیا می روند ، یا پیامبران و اوصیای آنان که دارای مقام عصمت هستند هیچ ارتباطی به گناه آنان ندارد ، زیرا آن ها گناهی ندارند تا به آن مؤاخذه شوند . بلکه همان گونه که در روایات اشاره شده است ، زودرس شدن مرگ اطفال ، امتحانی است برای پدران و مادران ، و عاملی است برای ریزش گناهان ، یا ترفیع درجات آنان ، و همچنین وسیله ای برای دست یافتن خود اطفال به مقاماتی در بهشت است . و مرگ زودرس انبیا و اوصیای آنان به خاطر دشمنی امّت هایشان با آنان ، و کفران نعمت وجودشان از سوی مردم است . از روایات گوناگونی استفاده می شود : اگر مردم نعمت وجود پیامبر یا امام و حتی عالم ربّانی را کفران کنند و از هدایت های آنان بهره مند نگردند ، خدا این نعمت های گران قدرش را از آن ها می گیرد .

بنابراین یکی از علل

مهمّ کوتاه شدن عمر پیغمبر یا امام (علیه السلام)نخواستن مردم و کفران آن ها نسبت به این نعمت های ارزشمند الهی است ، بدون این که عمر کوتاه آنان ارتباطی با گناه داشته باشد .

همچنانکه طولانی شدن عمر بعضی از کفار ، مشرکین ، ظالمین و فاسقین نیز اشکالی نسبت به این روایت و امثال آن وارد نمی کند . اولاً : ممکن است عمر هر یک از آن ها بیش از مقداری باشد که با آن اجل می میرند ولی ظلم و گناهشان باعث کوتاه شدن عمرشان می شود . ثانیاً : چنین افرادی در پست و مقام و شرایط خاصّی که دارند ، گاهی کارهای نیکی انجام می دهند که همان اعمال ، باعث طولانی شدن عمرشان می گردد . مثل این که نسبت به ارحام و خویشان خویش صله رحم به جا می آورند ، یا به فقرا و مستمندان کمک های شایسته ای می کنند . خدا مزد کارهای نیک آنان را در همین دنیا به ایشان می دهد تا پس از مرگ در برابر کارهای خیرشان ، طلبی از خدا نداشته باشند .

تردیدی نیست که یکی از برکات کار نیک در دنیا برای چنین اشخاصی عمر بیشتری است که خدا به آنان عطا می کند .

۱ خداوند در قرآن کریم می فرماید : (إِذا جاءَ أَجَلُهُم فَلایَسْتَأْخِرُونَ ساعَةً وَلایَسْتَقْدِمُونَ) . «زمانی که مرگشان فرا رسد نه یک ساعت دیرتر می میرند و نه یک ساعت زودتر » . سوره یونس ، آیه ۴۹ .

۲ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۵۴ .

انکار توحید، نبوّت و امامت

دست کشیدن از دامن ولایت اهل بیت (علیهم السلام) ، انکار نبوّت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و کافر گشتن به یگانگی خدا و پشت پا زدن به توحید و یکتاپرستی و فرو رفتن به لجن زار شرک و بت پرستی ، یکی دیگر از آثار شوم گناه است ; برای کسی که بی باکانه پا در میدان نافرمانی خدا گذارده ، قدمی به سوی بهشت حق و حقیقت برنداشته و پنجره ای به سوی خورشید توبه و استغفار نگشاید .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در این زمینه می فرمایند :

یا عِبادَاللهِ إحْذَرُوا الإنْهماکَ فِی المَعاصی وَالتَّهاوُنَ بِها فَإنَّ المَعاصی تَسْتَوْلِی الخِذْلانَ عَلی صاحِبِها حَتّی تُوقِعَهُ فی رَدِّ وَلایَهِ وَصِیِّ رَسُولِ الله (صلی الله علیه وآله وسلم)وَ دَفْعِ نُبوَّهِ نَبِیّ اللهِ وَلاتَزالُ ایضاً بِذلِکَ حَتّی تُوقِعَهُ فی دَفْعِ تَوْحیدِ اللهِ وَالإلْحادِ فی دینِ الله . (۱)

ای بندگان خدا بپرهیزید از فرو رفتن در منجلاب گناهان و سستی کردن نسبت به نافرمانی ها ; که گناه ، بدبختی و هلاکت را بر

صاحب معصیت چیره می گرداند به حدّی که او را به حالت رد نمودن ولایت جانشین رسول خدا (امیرالمؤمنین و اوصیای بعد از او (علیهم السلام)) افکنده و باعث می شود که (شخص غرق شده در دریای معصیت) نبوّت پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را رد کند و پیوسته در این حالت هست تا توحید و یگانه پرستی خدا را نیز انکار کند و در دین خدا به کفر و الحاد کشیده شود .

در واقع این حدیث زنگ خطری است برای کسانی که

بی باکـانه هر گناهی را مرتکب می شونـد و هیـچ گاه حالت نـدامت و پشـیمانی در آن ها پیـدا نمی شود . مخصوصاً که ثمره بعضـی از گناهان ، انکار دین خـدا و حجّت وقت ، امام زمان (علیه السـلام) است و آثار شومش در آخرین لحظات عمر انسان ظاهر می گردد . هر چند شـخص گنهکار برای حفظ آبرو و رعایت مصـلحت دنیای خویش ، اظهار اسـلام و ایمان کند ; ولی عاقبتِ چنین افرادی منتهی به شرّ و انکار همه مقدسات دینی می گردد .

امام صادق (علیه السلام) در نامه ای که برای یکی از اطرافیانشان نوشته اند چنین مرقوم فرموده اند :

اِنْ اَرَدْتَ اَنْ یُخْتَمَ بِخَیْرِ عَمَلِکَ حَتّی تُقْبَضَ وَ اَنْتَ فی

اَفْضَلِ الأَعْمالِ فَعَظِّمْ لِلّهِ حَقَّه : اَنْ تَبْذُلَ نَعْمائَهُ فی مَعاصیهِ ، وَ اَنْ تَغْتَرَّ بِحِلْمِهِ عَنْکَ وَ اَکْرِمْ کُلَّ مَنْ وَجَدْتَه یَذْکُرُنا اَوْ

یَنْتَحِلُ مَوَدَّتَنا ثُمَّ لَیسَ عَلَیْکَ ، صادِقاً کانَ اَوْ کاذِباً ، إِنَّما لَکَ نِیَّتُکَ وَ عَلَیْهِ کِذْبُه . (۲)

اگر می خواهی عاقبت کارت به بهترین عملت ختم گردد به گونه ای که هنگام قبض روح در حال انجام بهترین اعمال باشی ، حق خـدا را بزرگ شـمار از این که ، نعمت های او را در راه معصـیت و نافرمانی او مصـرف کنی ; و این که اگر خدا تو را به کردار ناشایسـتت مؤاخـذه نکرد ، حلم و خویشـتن داری او تو را مغرور کند ; و هر که را یافتی که نام ما را می برد یا مودّت و دوستی ما را به خود می بندد ، گرامی بدار ; و تو را باکی نباشد

که او راست می گوید یا دروغ ، که تو سودِ نیّت خود را برده ای و او عقوبت دروغ خود را می بیند .

گویا مقصود امام صادق (علیه السلام) از این سخن این است :

به کـار گرفتن نعمت هـای خداونـد در راه معصیت و نافرمـانی او ، مغرور گشـتن به حلم و بردباری خداونـد ، توبه و اسـتغفار نکردن ، و حُرمت نگه نداشـتن برای دوسـتداران ولایت اهل بیت (علیهم السـلام)مخصوصاً آنان که چراغ ذکر و یاد آن ذوات مقـدّسه را در دل ها افروخته نگه می دارند ; باعث عاقبت به شـرّی و دست کشـیدن از اعتقادات سالم و پشت پا زدن به عقائد حقّه می گردد .

ابن مُسـکان نیز ، در این زمینه ، حـدیثی از امـام صادق (علیه السـلام) روایت می کنـد که برای شـیعیان و دوسـتداران اهل بیت (علیهم السلام)شایسته دقت و تأمل است ، حضرتش می فرمایند : امیرالمؤمنین (علیه السلام)فرمودند :

ما مِنْ عَبْد اِلاّ وَ عَلَیْهِ اَرْبَعُونَ جُنَّةٌ ، حَتّی یَعْمَلَ اَرْبَعینَ کَبیرةً

فَاِذا عَمِلَ اَرْبَعینَ کَبیرةً اِنْکَشَـفَتْ عَنْهُ الجُنَنُ ، فَتَقُولُ المَلائِکَهُ مِنَ الحَفَظَهِ الَّذینَ مَعَهُ : یا رَبَّنا هـذا عَبْدُکَ قَدْ اِنْکَشَـفَتْ عَنْهُ الجُنَن فَیُوحَی اللهُ عَزَّوَجَلَّ اِلَیْهِنَّ اَنِ اسْتُروا عَبْـدی بِأَجْنِحَتِکُمْ ، فَتَسْتُرُهُ المَلائِکَهُ بِأَجْنِحَتِها ، فَما یَدَعُ شَـیْئاً مِنَ القَبیحِ إلاّ قارَفَه حَتّی یَتَمدَّحَ اِلَی النّاسِ بِفِعْلِهِ القَبیحِ ، فَتَقُولُ المَلائِکَهُ : یا رَبِّ هذا عَبْدُکَ ما یَدَعُ شَـیْئاً اِلاّ رَکِبَه ، وَإنّا لَنَسْـتَحیی مِمّا یَصْنَعُ فَیُوحَی اللهُ اِلَیْهِم اَنِ ارْفَعُوا أَجْنِحَتَکُمْ عَنْهُ ، فَاِذا] فَعَل ذلِکَ [اَخَذَ فی بُغْضِنا اَهْلِ الْبَیْتِ فَعِنْدَ ذلِکَ یَهْتِکُ اللهُ سِتْرَهُ فِی السَّماءِ وَیَسْتُرُهُ

فِی الأَرْضِ فَتَقُولُ المَلائِکَهُ : هذا عَبْدُکَ قَدْ بَقِیَ مَهْتُوکُ السِّتْر ، فَیُوحَی اللهِ اِلَیْهِمْ : لَوْ کانَ لی فیهِ حاجَهٌ ما اَمَرْتُکَمْ اَنْ تَرْفَعُوا أَجْنِحَتَکُمْ عَنْهُ . (۳)

هر بنده ای چهل پرده پوشاننده دارد که او را تا زمانی که چهل گناه کبیره انجام دهد می پوشاند . زمانی که مرتکب چهل کبیره شد پرده های پوشش او کنار می رود ، ملائکه ای که حافظ و همراه اویند به خداوند می گویند :

پروردگارا این بنده توست که پرده هایش کنار رفته است ، خداوند به آنان وحی می فرستد : بنده ام را با بالهایتان بپوشانید (تا در میان فرشتگان آسمان رسوا نگردد) .

فرشتگان با بالهایشان او را می پوشانند . ولی بنده از این فرصت سوء استفاده کرده و هیچ کار زشتی را فرو نمی گذارد مگر آن که مرتکب می شود ، و رسوائیش بجائی می رسد که کار زشت خود را برای مردم باز گو کرده ، خود ستائی می کند . ملائکه عرضه می دارند : پروردگارا این بنده توست که هر کار زشتی را انجام داده است ، و ما از کارهای او شرم می کنیم .

خداوند به آنان وحی می فرستد که بالهایتان را از او بردارید .

زمانی که این شخص چنین کرد ، شروع می کند به دشمنی با ما اهل بیت ! و خدا هم در این هنگام پرده اش را در آسمان دریده و در زمین او را می پوشاند . فرشتگان عرضه می دارند : خدایا این بنده توست که پرده اش دریده گشته و بی حجاب مانده است .

خداوند بر آنان

وحی می کند : اگر من با این بنده ام کاری داشتم به شما دستور نمی دادم که بال های پوشاننده خود را از او بردارید .

۱ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۶۰ .

۲ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۵۱ .

۳ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۵۵ .

فقر و تنگ دستی و کمبود روزی

یکی دیگر از عقوبتهای گناه در دنیا ، دچار به فقر و تنگ دستی شدن است که در روایات بسیاری از آن یاد شده است ، و عامل مهمی برای محرومیّت از کارهای خیر و توفیقات معنوی به شمار می رود . به بعضی از این روایات در آغاز بحث اشاره شد . در این جا دسته ای دیگر را یادآور می شویم :

امام صادق (علیه السلام) در سخن زیبایی می فرمایند :

إِنَّ الدُّعاءَ لَيَرُدُّ القَضاءَ ، وَ إِنَّ المُؤْمِنَ لَيُذْنِبُ فَيَحْرُمُ بِهِ الرِّزْقَ . (۱)

به راستی که دعا تقدیر خداوند را برمی گرداند ، مؤمن گناه می کند و به خاطر آن از روزی (خویش) محروم می شود .

شبیه این سخن از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز روایت شده است :

إِحْذَرُوا الذُّنُوبَ فَإِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ فَيُحْبَسُ عَنْهُ الرِّزْقُ . (۲)

از گناهان بپرهیزید که بنده گناه می کند (و به خاطر آن) روزی اش حبس می گردد .

امام باقر (علیه السلام) نیز در سخن پرباری می فرمایند :

إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَزوی عَنْهُ الرِّزْقُ . (۳)

بنده گناهی را انجام می دهد ، روزی از او برمی گردد .

علامه مجلسی بعد از نقل این روایت می فرماید :

این مطلب کلیّت ندارد

بلکه این سخن درباره غیر مستدرجین است (اما کسانی که در حال استدراجند ، خدا آن ها را به حال خود واگذاشته و روزی بیشتری به آنان می دهـد تا به خیال این که خـدا آن ها را مؤاخـذه نمی کنـد ظلم و گناه بیشتری کننـد و بر عقوبت و عذابشان افزوده گردد) بسیاری از کسانی که مرتکب گناهان کبیره می گردند نیز روزیشان زیاد می گردد . (۴)

این بدان خاطر است که چنین افرادی در حال استدراجند و خداوند درباره آنان می فرماید :

(وَالَّذینَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَیْثُ لایَعْلَمُونَ) . (۵)

کسانی که آیات ما را تکـذیب می کننـد (با مهلتی که به آنان می دهیم) آن ها را به عذاب و هلاکت می افکنیم به گونه ای که نمی فهمند .

اما مؤمنان و شـیعیان امیرالمؤمنین (علیه السـلام) پس از گناهی که مرتکب می شوند به انواع بلاها و سـختی ها ، از جمله فقر و تنگ دستی گرفتار می شوند تا از خواب غفلت بیدار گشـته ، نسبت به گناه خویش توبه و استغفار کنند تا گناهانشان شستوشو شود و ابواب ارزاق مادی و معنوی به رویشان گشوده گردد .

آری ! ارتباط گناه با تنگ دستی و کم شـدن روزی ، آن قـدر شدیـد و حساب شده است که در بعضـی از روایات ، نیّت گناه نیز به عنوان یکی از عوامل محرومیّت از روزی شمرده شده است !

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند :

إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَیَنْوی الذَّنْبَ فَیَحْرِمُ رِزْقَه . (۶)

مؤمن نیت می کند گناهی را انجام دهد ، از روزی خود

محروم می شود .

البتّه از مـدارک متعددی اسـتفاده می شود که خدا بر نیّت گناه عقوبت نمی کند مگر زمانی که به مرحله فعلیّت برسد . پس به ناچار درباره این روایت چند احتمال می رود :

۱ روایت بر صورتی حمل شود که انسان ، نیت گناهی را داشته باشد و سپس از انجام آن مانعی پیش آید ، که اگر مانع نبود ، نیّت او بر گنـاه حتمی و تصـمیمش جدّی بود . در این صورت است که نیّت گنـاه ، بـاعث محرومیّت از روزی می گردد . امّا کسی که تصمیم بر گناه گرفته و سپس بدون این که مانعی جلوگیر او شود ، پشیمان گشته و توبه کند ، چنین عقوبتی ندارد .

۲ این که امـام (علیه السـلام) می فرمایـد : « نیّت گنـاه بـاعث محرومیّت از روزی می گردد » مراد ، روزی اضـافه و بی گمـانی است که ناگهان ، بدون زحمت و منّت نصـیب انسان می شود ، نه روزی تقدیر شده ای که به همه خلق می رسد و زندگی هر انسـانی بـه آن وابسـته اسـت ، کـه این روزی ، بر اسـاس رحمت گسـترده خـدا همه چیز و همه کس را فرا می گیرد . و فردای قیامت هر کس بایـد پاسـخ قانع کننـده ای برای صَرف آن در راه معصـیت خـدا داشـته باشـد ، که او خود فرموده است : (ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذ عَنِ النَّعیم) . (۷)

۳ علاوه بر این دو احتمال ، ممکن است مراد از این روزی ، روزی های معنوی ، توفیقات عبادی و

کمالات علمی نیز باشد ، که نیّت گناه ولو به فعلیّت نرسد ، انسان را از چنین روزی هایی محروم می گرداند . که به بعضی از روایات آن در صفحات آینده اشاره خواهد شد .

۱ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۵۳ .

۲ بحارالأنوار ، ج ۷۰ و ج ۱۰ ، ص ۹۸ .

۳و ۴ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۱۸ .

۵ سوره اعراف ، آیه ۱۸۲ .

۶ ثواب الاعمال ، ص ۲۸۸ .

۷ سوره تکاثر ، آیه ۸ .

تیره شدن دل و دگرگونی قلب انسان

اثر دیگری که ارتکاب گناه و معصیت در وجود انسان می گذارد ، دگرگونی قلب ، تاریکی دل و جان ، و آلودگی روح اوست که به معنای بر باد رفتنِ همه هستی او است .

امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می فرمایند : پدرم می فرمودند :

ما مِنْ شَیْء اَفْسَدُ لِلْقَلْبِ مِنْ خطیئَه ، إنَّ الْقَلْبَ لَیُواقِعُ الخَطیئَهَ فَلا تَزالُ بِهِ حَتّی تَغْلِبَ عَلَیْهِ فَیصیرُ أَعْلاهُ أَسْفَلَه . (۱)

هیچ چیز فسادانگیزتر از گناه برای قلب نیست ، یقیناً آن گاه که دل (انسان) در منجلاب گناه فرو می رود ، آلودگی گناه همیشه همراه اوست تا آن که همه قلبش را فرا می گیرد و آن را زیر و رو می کند .

از این روایت استفاده می شود : گناهی که توبه و استغفاری به دنبال نداشته باشد و تکرار گردد چنین اثری را در قلب انسان می گذارد .

شاهد بر این مطلب روایت دیگری است که ابابصیر از امام صادق (علیه السلام)نقل

می کند ، او گوید از آن حضرت شنیدم ، می فرمودند :

إِذا أَذْنَبَ الرَّجُلُ خَرَجَ فی قَلْبِهِ نُكْتَةٌ سَوْداءٌ فَإِنْ تابَ إِنْمَحَتْ وَ إِنْ زادَ زادَتْ حَتّی تَغْلِبَ عَلی قَلْبِه فَلا يُفْلِحُ بَعْدَها اَبَداً . (۲)

زمانی که مرد گناه می کند در قلب او نقطه سیاهی ایجاد می شود که اگر توبه کند آن نقطه برطرف می شود . و اگر گناهش زیاد گردد و توبه نکند ، این نقطه زیاد می شود تا آن که تمام قلب را می پوشاند . و پس از آن دیگر رستگار نمی شود .

امام باقر (علیه السلام) همین مطلب را ضمن سخن پرباری با صراحت بیشتر بیان می کنند و می فرمایند :

ما مِنْ عَبْدِ مُؤْمِن إِلاّ وَ فی قَلْبِهُ نُكَتَهٌ بَيْضاءٌ ، فَإِنْ أَذْنَبَ وَ ثَنّی خَرَجَ مِنْ تِلْكَ النُّكْتَهِ سَوادٌ ، فَإِنْ تَمادی فِی الذُّنُوبِ اِتَّسَعَ ذلِكَ السَّوادُ حَتّی يُغَطِّی البَياضَ ، فَاِذا غَطّی البَياضَ لَمْ يَرْجِعْ صاحِبُه إِلی خَيْر اَبَداً وَ هُوَ قَوْلُ اللهِ : (كَلاّ بَلْ رانَ عَلی قُلُوبِهِمْ ما كانُوا يَكْسِبُونَ) . (۳)

هیچ بنده مؤمنی نیست مگر این که در قلبش نقطه سفیدی است که اگر گناه کرد و گناهش را دوباره انجام داد از میان این نقطه ، نقطه سیاهی بیرون می آید ، و چنانچه به گناهان ادامه دهد این سیاهی گسترش پیدا می کند تا آن جا که همه سفیدی قلب را می پوشاند ; و هر زمان که سفیدی قلب ، با سیاهی گناه پوشیده گشت ; دیگر صاحب آن به خیر و نیکی برنمی گردد . و این است مراد خداوند از آیه کریمه

که می فرماید :

« حقّا که دل اینان ، در اثر کردار زشتشان ، زنگار گرفته و سیاه گشته است (که حق را از باطل نمی شناسند و روز جزا را انکار می کنند) » .

۱ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۱۲ .

۲ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۲۷ .

۳ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۶۱ ; سوره مطفّفین ، آیه ۱۴ .

قساوت قلب و سلب توفیقات عبادی و معنوی

یکی دیگر از آثار شوم گناه و معصیت ، سختی دل ، بی میلی به عبادت و سلب توفیقات معنوی است ، که خود باعث سود نبردن از تلاش های معنوی و هدر رفتن زحمات عبادی انسان است; و عامل بزرگی برای اتلاف عمر ، عقب افتادن از میدان کمال و معنویّت ، فرو رفتن در لجنزار شهوت و مادیّت و بهره نجستن از عمر گران مایه و اوقات طلایی خویش است . اوقات گران بهایی که هر ثانیه اش برای یک مؤمن طالب کمال ارزشمند است .

به عنوان نمونه : یکی از آثار قساوت و سختی دل ، خشک شدن اشک چشم است . در حالیکه اشک چشم ، از خوف خدا باشد یا از شوق او ، در فراق امام زمان (علیه السلام)باشد یا در مصیبت پدران گرامی او (علیهم السلام) ; دارای ارزش والایی است که با هیچ چیز قابل مقایسه نمی باشد تا آن جا که امام صادق (علیه السلام)می فرمایند :

ما مِنْ شَیْء إِلاّ وَ لَهُ کَیْلٌ اَوْ وَزْنٌ إِلاّ الدُّمُوع فَإِنَّ القَطْرَهَ مِنْها تُطْفِئُ بَحاراً مِنْ نار ، فَإِذا إِغْرَوْرَقَتِ الْعَیْنُ بِمائِها لَمْ

يُرْهِقْ وَجْهَهُ قَتَرٌ وَلا ذُلَّهٌ فَإذا فاضَتَ حَرَّمَهُ اللهُ عَلَى النّارِ وَ لَوْ اَنَّ باكِياً بَكى فى اُمَّه لَرُحِمُوا . (۱)

هر عملی پیمانه یا وزنی از نظر ارزش و ثواب دارد ، به جز اشک ها که یک قطره اشک ، دریاهای آتش را خاموش می کند ، و زمانی که اشک در چشم حلقه می زند ، آن چهره را دودِ آتش و خواریِ عذاب فرا نمی گیرد . و آن گاه که اشک بر گونه ها جاری می گردد خدا آن چشم را بر آتش حرام می کند . و اگر گریه کننده ای در میان امّتی گریه کند همه آن ها مورد ترحّم قرار می گیرند .

با این فضیلت و تأثیر شگرفی که اشک چشم در زندگی فردی و اجتماعی دارد گناه باعث خشک شدن اشک چشم می شود و خشکی چشم نتیجه قساوت دل است .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سخن پرباری به اصبغ بن نباته فرمودند :

ما جَفَّتِ الدُّمُوعُ إلاّ لِقَسْوَهِ القَلُوبِ ، وَ ما قَسَتِ القُلوبُ إلاّ لِكَثْرِهِ الذُّنُوبِ . (۲)

اشکها خشک نمی شود مگر به خاطر قساوت دل ها ، و دل ها را قساوت نمی گیرد مگر به خاطر زیادی گناهان .

این نمونه ای است از سلب توفیق نسبت به اعمال عبادی و کمالات معنوی که خود عقوبت بزرگی برای مؤمن به شمار می رود .

امام صادق (علیه السلام) در سخنی زیبا ، به نمونه دیگر این نوع عقوبت گناه که توفیق نیافتن بر نماز شب و مناجات با خدای مهربان در سحرگاهان است اشاره کرده و می فرمایند :

إنَّ الرَّجُلَ يُذْنِبُ

الذَّنْبَ فَيَحْرِمُ صَلاةَ اللَّيْلِ ، وَ إِنَّ الْعَمَلَ السَّيِئَ أَسْرَعُ فی صاحِبِهِ مِنَ السِّكّینِ فِی اللَّحْمِ ! . (۳)

به راستی که مرد گناه می کند و به خاطر آن از نماز شب محروم می گردد . چرا که عمل بد در صاحب آن ، از چاقو در گوشت زودتر اثر می گذارد .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز ، با عنوان جامع تری به این نکته (سلب توفیقات معنوی و علمی) اشاره می فرمایند :

إِتَّقُوا الذُّنُوبَ فَإِنَّها مُمْحِقَةٌ لِلْخَیْراتِ ، وَ إِنَّ الْعَبْدَ لَیُذْنِبُ الذَّنْبَ فَیَنسی بِهِ الْعِلْمَ الَّذی كانَ قَدْ عَلِمَه ، وَ إِنَّ الْعَبْدَ لَیُذْنِبُ الذَّنْبَ فَیَمْتَنِعُ بِهِ مِنْ قِیامِ اللَّیْلِ ، وَ إِنَّ الْعَبْدَ لَیُذْنِبُ الذَّنْبَ فَیَحْرِمُ بِهِ الرِّزْقَ وَ قَدْ كانَ هَیِّناً لَهُ . (۴)

از گناهان بپرهیزید که کارهای خیر را نابود می کند . یقیناً بنده ای گناه می کند و به خاطر آن علمی را که فرا گرفته از یاد می برد ; و بنده ای گناه می کند و به خاطر آن از بیداری سحر و خواندن نماز شب باز داشته می شود ; و بنده ای گناه می کند و به خاطر آن از رزق و روزی ای که برایش آماده گشته محروم می گردد .

۱ وسائل الشّیعه ، ج ۱۵ ، ص ۲۲۷ ; کافی ، ج ۲ ، ص ۴۸۲ .

۲ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۵۴ .

۳ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۳۰ .

۴ السعه و الرزق ، ص ۵ ; بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۷۷ ;

عده الداعی ، ص ۲۱۱ .

گفتار دوّم

نقش حیاتی استغفار

بـا روشن شـدن آثار سویی که انحرافات فکری و عملی در وجود انسان دارد ، هر انسان عاقلی با انـدک تأملی در می یابـد که لـذّت گنـاه بسـیار آنی و زودگـذر است ، ولی آثـار شوم آن یک عمر دامنگیر او می شود و زنـدگی مادی و معنویش را برای همیشه به خطر می انـدازد ; پس چه بهـتر که اگر گنـاهی از او سـر زد بلافاصـله از خواب غفلت بیـدار شـده و برای رهـایی از نکبت هـای اعمال زشـتش که هر آن و لحظه ، جان و دل او را تهدیـد کرده و هستی او را به پرتگاه درّه های شـقاوت و نگون بختی نزدیـک و نزدیکتر می سـازد ; به درگـاه خـدا پنـاه آورَد و از آن ذات مهربـان و آمرزنـده بخواهـد که از لغزش های او صرف نظر کنـد و قلم عفو بر جرایم اعمـالش بکشـد ، تا ویرانی هایی که در اثر کردار زشت و ناپسـندش ، در دین و دنیای او وارد گشته اصلاح فرماید ; و نعمت هایی را که بدین خاطر از دست داده به او برگرداند ; و دل و جان او را که به ظلمت گناه تاریک شده است ، به نور توبه و مغفرت روشن سازد ; و از عقوبت هایی که برای او در نظر گرفته است ، صرف نظر فرماید .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سخن زیبایی که دل هر خفته ای را بیدار می کند ، می فرمایند :

وَ أَیْمُ اللهِ ما کانَ قَوْمٌ قَطُّ فی غَضِّ نِعْمَه مِنْ عَیْش فَزالَ عَنْهُم إلاّ بِذُنُوب إجتَرحُوها

، لِاَنَّ اللهَ تَعالی لَیْسَ بِظَلّامٍ لِلْعَبید ، وَ لَوْ أَنَّ النّاسَ حینَ تَنْزِلُ بِهِم النِّقَم ، وَ تَزُولُ عَنْهُم النِّعَمَ ، فَزَعُوا إِلی رَبِّهِمْ بِصِدْق مِنْ نِیّاتِهِمْ ، وَ وَلَه مِنْ قُلُوبِهِم ، لَرَدَّ عَلَیْهِم کُلَّ شارِد وَ أَصْلَحَ لَهُمْ کُلَّ فاسِد . (۱)

به خدا سوگند هر جمعیتی که از طراوات نعمتی کامیاب باشند ، این نعمت از آن ها گرفته نمی شود مگر به خاطر گناهانی که انجام داده اند ، چرا که خداوند ، به بندگانش ظلم نمی کند .

اگر مردم در آن هنگام که سختی و بلاـ بر آنان نازل شده و نعمت ها از آن ها گرفته می شود ، با نیّتهایی پاک و راستین ، و دلهایی سرگشته و اندوهگین ، به درگاه پروردگار خویش پناه آورند (و نجات خویش را از بلاها و ناروایی هایی که دامنگیرشان شده ، بخواهند) خدا هر از دست رفته ای را به آن ها برگرداند و هر خراب شده ای را برایشان آباد کند !

بنا بر این کسانی که در مسایل دنیوی خویش گرفتار مشکلات و سختی هایی هستند ، یا در مسایل معنوی و توفیقات علمی خویش عقب افتادگی هایی دارند ، نباید از نقش مهم و حیاتیِ افکار و اعمال ناپسندشان غافل بمانند و تأثیر آن ها را در امور مادی و معنوی خود نادیده بگیرند . بلکه با توجّه به آنچه گذشت و همچنین عواقب سختی که خدا برای دوستان گنهکار امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نظر گرفته ، باید هر چه زودتر از گذشته تاریک خود پشیمان شوند ، و به درگاه خدا ناله کنند و

از او عذر خواهی نموده و بهترین دعا ، یعنی « استغفار » را ورد زبان خویش قرار دهند تا اَبر رحمت پروردگار ، باران مغفرت و آمرزشش را بر سر و رویشان بریزد و تمام آلودگی های فکر و روح آنان را شستوشو دهد و جان و دلشان را برای درک فیوضات حق و عنایات خاصّه ولیّش امام عصر ارواحنا فداه آماده و مهیّا سازد .

۱ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۶۴ .

استغفار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) !

خداوند در مواردی به انبیا و فرستادگان خویش ، با این که دارای مقام عصمت بودند و گناهی از آن ها سر نزده بود ، دستور استغفار می دهد . چرا که استغفار ظرف وجودیِ انسان را گسترش می دهد و دل و جان او را آماده فیوضات پروردگار می کند .

در یک جا به رسول مکرّم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) ابتدا دستور تسبیح و شکر نعمت داده و سپس از او می خواهد که از پروردگار خویش طلب آمرزش کند ، آن جا که می فرماید :

(فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ کانَ تَوّاباً) . (۱)

(حال که ، فتح و پیروزی خدا نصیبتان گشته است) پروردگارت را تسبیح و حمد کن و از او آمرزش بخواه (استغفار کن) که او بسیار توبه پذیر است .

در جای دیگری به او دستور صبر و پایداری داده و سپس سفارش به استغفار کرده و می فرماید :

(فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِکَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ بِالْعَشِیِّ وَالْإِبْکارِ) . (۲)

(ای پیامبر) صبر و شکیبایی پیشه

کن که وعده خدا حق است و برای گناهت استغفار کن و در صبح و شام تسبیح و حمد پروردگارت را به جا آور .

۱ سوره نصر ، آیه ۳ .

۲ سوره غافر ، آیه ۵۵ .

آیا استغفار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از گناه بود ؟ !

با توجّه به ادلّه قطعی و محکمی که بر عصمت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) داریم ، گناهی که در این آیه به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نسبت داده شده ، ظاهرش قطعاً مراد نیست . بدین خاطر چاره نداریم که از ظاهر آیه صرف نظر کرده و یکی از احتمالات زیر را درباره آن روا شمریم :

۱ پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) کارهایی را در ارتباط با خلق خدا انجام می داد و به امور آنان رسیدگی می کرد ، حتی گاهی دعوت کودکان را رد نمی کرد و به تقاضاهای کودکانه آنان پاسخ مثبت می داد ; این ها همه ، گرچه عبادت عظیم و طاقت فرسایی برای حضرتش بود ، امّا او آن ها را یک نوع فاصله و جدایی ، بین خود و خدایِ خویش می دید و از این باب که « حَسَناتُ الأَبْرِ سَیِّئاتُ الْمُقَرَّبینَ »(۱) آن توجّهات و رسیدگی ها را نوعی گناه و کوتاهی برای خود به حساب می آورد . بدین جهت مقیّد بود روزی صد بار استغفار کند و تا استغفار نمی کرد آرام نمی گرفت و خدا هم با توجّه به این حالت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به او دستور استغفار برای آنچه او برای خود گناه می داند ، می دهد . گرچه

از نظر خدا گناهی به شمار نمی آمد .

۲ این دستور به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از این جهت بود که امّت پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) ، به اهمیّت استغفار و نقش والای آن در توفیقات مادّی و معنویِ خویش پی ببرند و با تأسّی به حضرتش برای گناهان و لغزش های خود استغفار کنند تا از عذاب خداوند در دنیا و آخرت نجات یابند و به سعادت ابدی دست پیدا کنند . مخصوصاً که اکثر مردم مقیّد بودند که هر کاری پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می کند آن ها هم همان را انجام دهند . لذا خدا به پیامبرش چنین خطاب می کند تا دیگران از او درس بگیرند .

۳ گناه یک جمعیتی که معتقد به مکتب خاصّی هستند خواه ناخواه به نام صاحب آن مکتب تمام می شود هر چند او آنان را از آن برحذر داشته باشد . خدا هم در این آیه ، گناه امّت پیغمبرش را به او نسبت داده و می فرماید : « برای گناهت استغفار کن » یعنی ای پیامبر اگر نجات امّتت را می طلبی ، برای گناهان آنان طلب آمرزش نما تا به این واسطه شفاعت تو را در حق ایشان بپذیریم .

۱ کارهای خوب نیکان ، گناهان بار یافتگان حریم قدس است .

استغفار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) عامل دست یابی به شفاعت کبری !

دست یافتن به مقام محمود و شفاعت کبری ، برای پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از طریق نماز شب و استغفار در سحرگاهان ، به دست می آید . آن جا که خداوند خطاب به او می فرماید :

)

وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نافِلَةً لَکَ عَسی أَنْ يَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقاماً مَحْمُوداً) . (۱)

و پاسی از شب را (از خواب برخيز و) قرآن و نماز بخوان ; اين يک وظيفه اضافی برای توست ، اميد است پروردگارت تو را به مقامی درخور ستايش برانگيزد .

گفته اند : مقام محمودی که خدا به پيامبر (صلی الله عليه وآله وسلم) عطا کرده است ، به خاطر بيداری در سحر و پرداختن به تلاوت قرآن و مناجات با خدا و استغفار برای امّتش بوده است . و اين همان مقام شفاعت کبری است که از مختصّات آن حضرت به شمار می رود .

گويا استغفار آن حضرت در سحرگاهان برای شيعيان و دوستان اميرالمؤمنين (عليه السلام) يکی از عوامل دست يافتن آنان به شفاعت پيامبر (صلی الله عليه وآله وسلم)و در نتيجه ، رسيدن به آمرزش خداوند است . و اين خود شاهديست برای احتمال سوم در آيه مذکور .

شاهد ديگر برای اين احتمال ، آيه ديگری است که خداوند به صراحت به پيامبرش دستور می دهد برای گناهان امتش استغفار کند تا از عذاب آنان چشم بپوشد . آن جا که می فرمايد :

(فَاعْفُ عَنْهُم وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ) . (۲)

از آن ها درگذر و برايشان استغفار کن .

۱ سوره اسراء ، آيه ۷۹ .

۲ سوره آل عمران ، آيه ۱۵۹ .

وجود پيامبر (صلی الله عليه وآله وسلم) مهمترين عامل دفع بلاست

استغفار پيامبر (صلی الله عليه وآله وسلم) برای امّتش ، نه تنها باعث دفع بلا و عذاب از آنان بود بلکه اصل وجود نازنين آن حضرت در ميان امّتش ، مايه برطرف گشتن عذاب

بود ، که خداوند در شأن او می فرماید :

(وَ ما کانَ اللّهُ لِیُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فیهِمْ) . (۱)

(ای پیامبر) تا تو در میان آنان هستی ، خداوند آن ها را مجازات نخواهد کرد .

اگر وجود نازنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) باعث دفع بلا و عذاب از امّتش می گردد شگفتی ندارد ، چرا که وجود مقدّس حضرتش باعث آفرینش و اعطای فیض وجود به تمام آفریدگان بوده است ، از همین رو بقای او و هم در این عالم مایه برطرف گشتن عذاب از امّت گنهکار اوست .

بلکه ، وجود مقدّس پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و استغفار او برای امّتش ، نقش وجود آن حضرت را در دفع عذاب از آنان دو چندان می کرد و سپر بلاـ بودن آن حضرت را برتر و بالاـتر از استغفار خودِ مردم می ساخت ، و بلکه استغفار آن حضرت برای مردم ، قابل قیاس با استغفار همه امتش در دور ساختن عذاب خداوند نیست . و این نکته ای است که خود آن وجود نازنین در سخن دُرر باری بدان اشاره کرده اند :

« مَقامی فیکُمْ وَالْاِسْتِغْفارُ لَکُمْ حِصْنٌ حَصینٌ مِنَ الْعَذابِ ، فَمَضی أَکْبَرُ الحِصْنَیْنِ وَ بَقِیَ الْاِسْتِغْفارُ فَأَکْثِرُوا مِنْهُ ، فَاِنَّهُ مُمْحاةٌ لِلذُّنُوبِ . قالَ اللّهُ تَعالی : (وَ ما کانَ اللّهُ لِیُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فیهِمْ وَ ما کانَ اللّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ) . (۲)

بودن من در میان شما و استغفار کردنم برای شما سپر محکمی است برای جلوگیری از عذاب ، (بعد از مرگ من) بزرگترین سپر از

میـان شـما رفته و اسـتغفار (که سپر کوچکتر است) بـاقی مانـده است . پس زیاد اسـتغفار کنیـد که گناهان را نابود می کنـد . خـدای متعال فرموده است : « (ای پیامبر) تا تو در میان آنان هستی ، خداونـد آن ها را مجازات نخواهـد کرد ، و تا خود آنان هم استغفار می کنند خدا آن ها را عذاب نمی کند » .

۱ سوره انفال ، سوره ۳۳ .

۲ جامع الاخبار ، ص ۱۴۶ ، ح ۵ ; وسائل الشّیعه ، ج ۱۶ ، ص ۶۸ .

استغفار ، مانند پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بلاها را دفع می کند

از این سـخن نورانی پیـامبر (صـلی الله علیه وآله وسـلم) و اسـتدلالشان به آیه مـذکور نتیجه می گیریم : آنچه در ردیف وجود نازنین پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)باعث دور ساختن عذاب خداوند می گردد ، استغفار مردم از گناهان است .

بی جهت نیست که خداوند بعد از عبارت مذکور بلافاصله می فرماید :

(وَ ما كانَ اللّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ) . (۱)

تا امّت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) استغفار می کنند خدا آنان را عذاب نمی کند .

یعنی : اسـتغفار مردم از گناهانشان همان نقشـی را در دفع بلا و عذاب دارد که وجود مقدس پیامبر (صـلی الله علیه وآله وسلم) در زمـان حیـاتش برای امّتش داشـته است ، وجودی که رسـالتش بـاعث نزول رحمت بر همه اهـل عالم بود و خـدا درباره اش فرموده است :

(وَ ما اَرْسَلْناكَ ، اِلاّ رَحْمَةً لِلْعالَمينَ) . (۲)

ما تو را به سوی مردم نفرستادیم جز برای این که وجودت باعث نزول رحمت بر همه عالمیان

گردد .

از این جا به جایگاه بلند استغفار در بهبود بخشیدن به زندگی مادّی و معنوی خویش و نزول رحمت خاصّ خداوند بر انسان ، پی می بریم ، بگونه ای که یکی از عوامل مهم دور گشتن بلاـ و بر طرف شدن عذابِ خداوند بعد از وجود مقدّس پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) استغفار مردم شمرده شده است !

۱ سوره انفال ، آیه ۳۳ .

۲ سوره انبیاء ، سوره ۱۰۷ .

جایگاه استغفار در عبادات

بعضی از عبادات باعث ریزش گناه شده و انسان را همچون روز تولّد ، از آلودگی گناه پاک می سازد . در عین حال در این عبادات سفارش به استغفار نیز شده است و این بدان جهت است که ، استغفار یعنی : طلب آمرزش از خداوند و بازگشت به معنویّت و اطاعت حقّ براساس ایمان و معرفت ، استغفار یعنی : آشتی با مبدأ همه فیوضات و پیوند با منبع همه کمالات . وجود این حالت در شخص مخصوصاً در ضمن عبادت باعث می شود که مقام والایی در نزد خداوند پیدا کرده و بهره بیشتری از عبادات خویش ببرد . از این رو در عبادات مختلف با تمام آثار پرباری که در آمرزش انسان دارد ، به استغفار و طلب آمرزش از خداوند سفارش شده و به مداومت بر آن تأکید گشته است .

به عنوان نمونه : حجّ یک عمل عبادی عظیم است و آثار معنوی فراوانی برای انسان دارد ، تا آن جا که کمترین اثر رفتن به حجّ و انجام مناسکش ، ریزش گناهان و شستوشوی دل و جان

از کثافات گناه ذکر گردیده است .

این اثر در مورد بعضی از اعمال حج ، مثل حضور در صحرای عرفات نیز آمده است :

وقتی حاجی در صحرای عرفات حاضر می گردد ، هنگام غروب که از آن جا به مقصد مشعر خارج می شود ، از گناهان خود بیرون می رود مثل روزی که از شکم مادر متولّد شده به گونه ای که هیچ گناهی بر او نیست . (۱)

ولی با همه این برکاتِ حجّ ، وقتی خداوند دستور کوچ کردن از عرفات و مشعر را می دهد بلافاصله سفارش به استغفار و طلب آمرزش می کند و می فرماید :

(ثُمَّ أَفیضُوا مِنْ حَیْثُ أَفاضَ النّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللّهَ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحیمٌ) . (۲)

سپس از همان جا که مردم کوچ می کنند (به سوی سرزمین منی) کوچ کنید . از خداوند آمرزش بطلبید که خدا آمرزنده مهربان است .

نمونه دیگر آن ، زیارت قبر مطهر امام رضا (علیه السلام) است که از عبادات عظیم و پر باری است که ثواب آن از هفتاد حجّ تا یک میلیون حجِّ قبول شده ، ذکر گردیده است ;(۳) و کمترین اثر آن ، آمرزش همه گناهان است . (۴)ولی با همه این آثار و برکات ، وقتی زائر از نماز زیارت فارغ می گردد ، موظّف است دعایی را که مشتمل بر فقرات گوناگونی از استغفار است ، تلاوت کند .

در بخشی از دعایی که بعد از نماز زیارت آن حضرت خوانده می شود ، این عبارات به چشم می خورد :

رَبِّ إِنّی أَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ حَیآء ، وَ أَسْتَغْفِرُکَ

اسْتِغْفارَ رَجاء ، وَ أَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ إِنابَه ، وَ أَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ رَغْبَه ، وَأَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ رَهْبَه ، وَ أَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ طاعَه ، وَأَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ إِیمان ، وَ أَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ إِقْرار ، وَأَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ إِخْلاص ، وَ أَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ تَقْوی ، وَأَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ تَوَکُّل ، وَ أَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ ذِلّه ، وَأَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفارَ عامِل لَکَ ، هارِب إِلَیْکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد وَ تُبْ عَلَیَّ وَ عَلی والِدَیَّ بِما تُبْتَ وَتَتُوبُ عَلی جَمیعِ خَلْقِکَ ، یا أَرْحَمَ الرّاحِمینَ .

پروردگارا ، از تو آمرزش می خواهم ، بسان آمرزش طلبی که از تو حیا و شرم دارد .

پروردگارا ، از تو عفو و بخشش می جویم ، بسان آمرزش خواهی که به تو امید دارد .

پروردگارا ، از تو طلب گذشت و بخشش دارم ، همچون بخشش طلبی که در جست و جوی توست و به سوی تو روی آورده است .

پروردگارا ، از تو آمرزش می طلبم ، همانند آمرزش طلبی که به تو اشتیاق دارد .

پروردگارا ، از تو درخواست عفو و بخشش می کنم ، بسان بخشش خواهی که از تو خائف و ترسان است .

پروردگارا ، از تو تقاضای آمرزش می کنم ، همچون آمرزش طلبی که مطیع و فرمانبردار توست .

پروردگارا ، از تو آمرزش می خواهم ، همانند آمرزش خواهی که به تو ایمان دارد .

پروردگارا ، از تو درخواست بخشش می کنم ، بسان بخشش طلبی که به تو اقرار می کند .

پروردگارا ، از تو آمرزش می طلبم ، همچون آمرزش خواهی که به تو اخلاص دارد .

پروردگارا ، از تو تقاضای عفو و گذشت می کنم

، همانند متقاضی گذشتی که تقوی دارد .

پروردگارا ، از تو آمرزش می طلبم ، نظیر آمرزش خواهی که بر تو توکّل کرده است .

پروردگارا ، از تو بخشش می جویم ، شبیه آمرزش خواهی که ذلیل درگاه تو شده است .

پروردگارا ، از تو طلب آمرزش می کنم ، بسان آمرزش طلبی که برای تو عمل می کند .

پروردگارا ، از تو درخواست گذشت و بخشش دارم ، همانند استغفار کسی که از تو گریخته و در فرجام به سویت باز گشته است .

پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست و توبه من و پدر و مادرم را بپذیر . به همان سببی که توبه همه آفریده هایت را پذیرفته ای .

ای مهربانترین مهربانان .

گویی خدا ، حالت عذرخواهی بنده اش را دوست دارد ، هر چند گناه او را قبلاً بخشیده باشد . جهت دیگر این که ، ذکر شریف استغفار ، حالتی را در بنده ایجاد می کند که نسبت به آینده خویش متوجّه باشد تا دیگر خطاهای گذشته را تکرار نکند .

۱ وسائل الشیعه ، ج ۱۳ ، ص ۵۴۶ ۵۴۷ .

۲ سوره بقره ، آیه ۱۹۹ .

۳ بحارالأنوار ، ج ۹۹ ، ص ۳۵ ، ح ۱۶ و ص ۳۳ ، ح ۴ .

۴ بحارالأنوار ، ج ۹۹ ، ص ۳۴ ، ح ۱۰ ۱۲ ; ص ۳۶ ، ح ۲۱ ; ص ۳۸ ، ح ۳۳ ; ص ۴۰ ، ح ۴۱ و ص ۴۱ ، ح ۴۴ .

استغفار کنندگان محبوب خدایند

محبوبیّت استغفار کنندگان در پیشگاه خداوند از

صریح کلمات وحی در قرآن استفاده می شود ، آن جا که می فرماید :

(إِنَّ اللهَ يُحِبُّ التَّوابينَ) . (۱)

خدا کسانی را که مرتّب و پشت سر هم توبه می کنند دوست دارد .

در سخنان اهل بیت وحی (علیهم السلام) نیز بدین محبوبیّت اشاره شده است . امام باقر (علیه السلام) در این زمینه حدیث دُرباری را از پیامبر رحمت (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل می کنند :

اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نزد آن حضرت رفته و عرض کردند : ای رسول خدا ! ما می ترسیم منافق باشیم .

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند : چرا چنین ترسی دارید ؟

گفتند : زمانی که خدمت شما شرفیاب می شویم ، ما را به یاد آخرت می اندازید ، ما هم ترسان می شویم و دنیا را فراموش کرده و به آن بی علاقه می گردیم به گونه ای که گویی آخرت و بهشت و دوزخ را به چشم خود می بینیم . ولی این حالت تا زمانی است که در محضر شما هستیم . امّا زمانی که داخل خانه هایمان می شویم ، بوی فرزندانمان را استشمام می کنیم ، و اهل و عیال و مال و منال خویش را می بینیم ، از آن حالت بیرون می آییم و گویا نورانیّتی در ما پدید نیامده است . آیا با این دگرگونی که پیدا می کنیم ، شما بر ما از نفاق و دورویی نمی ترسید ؟

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) با کمال مهر و دلسوزی فرمودند : نه ، این وسوسه شیطان است که می

خواهـد شـما را به دنیا علاقه منـد گردانـد ، به خـدا سوگنـد ! اگر در آن حالی که در نزد من پیدا می کنید ، باقی بمانید و آن نورانیّت در شما بماند ، ملائکه با شما مصافحه می کنند و روی آب راه می روید ! سپس فرمودند :

وَ لَوْلا أَنَّكُمْ تُذْنِبُونَ فَتَسْتَغْفِرُونَ اللهَ ، لَخَلَقَ اللهُ خَلْقاً لِكَيْ يُذْنِبُوا ثُمَّ يَسْتَغْفِروا ، فَيَغْفِرَ لَهُمْ اِنَّ الْمُؤْمِنَ مُفَتَّنٌ تَوّابٌ ، أَما تَسْمَعُ لِقَوْلِه : (إِنَّ اللهَ يُحِبُّ التَّوابينَ) ، (وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا اِلَيْهِ) » . (۲)

اگر شـما نبودید که گناه کرده و پس از آن استغفار کنید ، خداوند خلقی را می آفرید تا گناه کنند و پس از آن استغفار کنند ، و خداوند آن ها را ببخشد ! به راستی که مؤمن زیرک است و مرتّب توبه می کند .

آیا نشنیده ای فرمایش خداوند را که می فرماید :

« خداوند کسانی را که مرتّب توبه و استغفار می کنند دوست دارد » .

(یا فرمایش دیگرش را که می فرماید :)

« از خدا طلب آمرزش کنید و به سوی او توبه و بازگشت نمایید » .

از مجموع آیات و روایات استفاده می شود :

استغفار و آمرزش طلبیـدن از خـدا ، تنها برای آمرزش گناهی نیست که از انسان سـر زده است ، بلکه خود یک نوع عبادت و دعاست که باعث محبوبیّت انسان در نزد خداوند و تعالی روح او می گردد ، و شیوه بندگان صالح خداست .

آری ! استغفار و تقاضای عفو و بخشش از خداوند غفور ، موجب نزدیکی بنده

به خدای خویش و اوج گرفتن در مراتب کمال و معنویّت و بالا رفتن مقام و منزلتش در نزد ولیّش ، امام عصر ارواحنا فداه می گردد ، و استمرار بر آن سبب دست یافتن به روزیِ بیشتر ، چه مادی و چه معنوی است .

۱ سوره بقره ، آیه ۲۲۲ .

۲ بحارالأنوار ، ج ۶۷ ص ۵۶ ۵۷ ; تفسیر عیاشی ، ج ۱ ، ص ۱۰۹ .

تلاش شیطان برای از یاد بردن استغفار

محبوبیّت شدید استغفار در نزد خداوند و آثار پر باری که به دنبال دارد و برکات فراوانی که در زندگی دوستانِ امیرالمؤمنین (علیه السلام)به وجود می آورد ، باعث می شود که شیطان تمام نیروهایش را بسیج کند تا کَسی بر آن توفیق نیابد . و از همین روست که پس از آن که بندگان خدا را به سوی گناه سوق داد و به انحراف کشانید ، همه سعی و کوشش او بر این است که حالت توبه و پشیمانی و عذرخواهی و استغفار را از یاد آنان برده و از پیمودن راه سعادت و آشتی با خدا و دوستی با امام زمان (علیه السلام)بازشان دارد .

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند :

زمانی که این آیه نازل شد :

(وَ الَّذینَ إِذا فَعَلُوا فاحِشَةً اَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَکَرُوا اللّه فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ) . (۱)

« کسانی که وقتی عمل زشتی را انجام دهند یا به نفس خود با انجام گناهی ظلم کنند ، به یاد خدا افتاده و برای گناهانشان از خدا آمرزش می طلبند » .

شیطان بالای کوهی در مکّه به نام « ثور » رفت و با بلندترین صدای خود

یارانش را صدا زد . همگی نزدش جمع شده و گفتند : ای سرور ما ، برای چه کاری ما را نزد خود فرا خواندی ؟

شیطان گفت : این آیه نازل شده ، چه کسی مأموریت جلوگیری از آن را به عهده می گیرد ؟

یکی از شیاطین گفت : من آن را می پذیرم و برای جلوگیری از آن چنین و چنان می کنم .

شیطان گفت : تو توانایی این کار را نداری .

دیگری گفت : من چنین و چنان می کنم .

شیطان گفت : تو هم لیاقت این کار را نداری .

وسواس خنّاس گفت : من این کار را به عهده می گیرم .

شیطان گفت : چگونه ؟

گفت : آن قدر به آن ها وعده داده و آرزوی گناه را در سر آن ها می پرورانم که مرتکب گناه گردند ، و زمانی که خطایی از آن ها سر زد و گناهی را انجام دادند ، استغفار و آمرزش طلبیدن را از یادشان می برم .

شیطان گفت : تو اهلیّت و توانایی این کار را داری .

و پس از آن ، او را تا روز قیامت مأمور این کار ساخت . (۲)

اولیای خدا استغفار را فراموش نمی کنند !

دوستان واقعی خدا و کسانی که مصداق حقیقی اولیای خدایند در اثر مداومت بر ذکر خدا ، مراتب مختلف تقوا در وجودشان شکل می گیرد به حدّی که جزو بندگان مخلِص خدا می گردند و شیطان در وجود آن ها راهی ندارد .

خدا مقام آنان را در قرآن ستوده و درباره آن ها می فرماید :

(إِنَّ عِبادی لَیْسَ لَکَ عَلَیْهِم سُلْطانٌ)

(۳) .

یقیناً که برای تو (ای شیطان) در بندگان من سلطنت و تصرّفی نیست .

چنین افرادی با همه کمالات و مقاماتی که در نزد خدا دارند ، یکی از صفات دایمی آنان ، استغفار در سحرگاهان است که قرآن در تعریف و تمجید این کارشان می فرماید :

(إنَّ الْمُتَّقینَ فی جَنّات وَ عُیُون * . . . کانُوا قَلیلاً مِنَ اللَّیْلِ ما یَهْجَعُونَ * وَ بِالأَسْحارِهُمْ یَسْتَغْفِرُونَ) . (۴)

به یقین پرهیزکاران در باغ های بهشت و میان چشمه سارها قرار دارند . . . (وضع) آن ها (در دنیا چنین بود که) کمی از شب را می خوابیدند . و در سحرگاهان استغفار می کردند .

۱ سوره آل عمران ، آیه ۱۲۵ .

۲ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۵۱ ; وسایل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۶۶ .

۳ سوره حجر ، آیه ۴۲ .

۴ سوره الذاریات ، آیه ۱۸ ۱۵ .

سرّ استغفار پیامبر و اوصیائش (علیهم السلام)

از این جا سرّ استغفارهای پیامبر و اوصیای پاک او (علیهم السلام) روشن می شود . با این که کوچکترین گناهی از آنان سر نزده بود و بلکه مرتکب ترک اولایی هم نشده بودند ، صبح و شام از خداوند طلب عفو و بخشش می کردند .

علاوه بر نکاتی که در سرّ استغفار پیامبر (صلی الله علیه وآله) یاد آور شدیم ، (۱) آن بزرگواران برترین مصداق عباد صالح خدایند که به اوج نهایی تقوا ، دست یافته اند و تمام اوصافِ ممتاز بندگانِ مخلص و با تقوا در وجود پاکشان شکل

گرفته است که یکی از آن ها استغفارِ در سحرگاهان و مناجاتِ با خدای عالمیان است .

از این گذشته آن بزرگمردان آفرینش ، در کمال عبودیّتِ حقّ بر قلّه رفیعی قدم گذارده اند که هیچ کس را توان تصوّرش نیست تا چه رسد به تصدیق و درک حقیقت آن . و در آن اوج نشینی و با وجود همه کمالات و خدمات و عبادات شب و روزشان؛ باز هم خود را در برابر خدای خویش مقصّر می دیدند و مرتّب از آن ذات بی مثال تقاضای گذشت و آمرزش می نمودند .

بی شک اینان کامل ترین مصداق برای بسیاری از آیات کریمه قرآنند که خداوند در وصف بندگان صالح و کمال یافته خویش نازل کرده و آن ها را به اوصاف برازنده ای ستوده است و قرآن کریم به عنوان یکی از شاخص ترین صفات کمالیّه آنان ، از استغفار سحرگاهشان یاد می فرماید .

خداوند در سوره آل عمران کمالات آنان را چنین ذکر می کند :

(اَلصّابِرینَ وَ الصّادِقینَ وَ القانِتینَ وَ المُنْفِقینَ وَ الْمُسْتَغْفِرینَ بِالأسْحارِ) . (۲)

همان ها که (در برابر مشکلات خلق ، و در مسیر اطاعت حقّ) استقامت میورزند ، راستگو هستند ، (در برابر خدا) خضوع (و در راه او) انفاق و در سحرگاهان استغفار می کنند .

گرچه این اوصاف ، به عنوان خصال نیک متّقین و کسانی که بهشت و نعمت های بهشتی در انتظار آنان است ، ذکر شده ولی تردیدی نیست که پیامبر و اهل بیت پاکش (علیهم السلام) برترین مصداق این آیه شریفه اند .

بلکه نماز شب و استغفار در سحر ، بر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) واجب بود و خدا تنها او را مخاطب قرار داده و می فرماید :

(وَ مِنَ اللَّیْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نافِلَهً لَکَ عَسی اَنْ یَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقاماً مَحْمُوداً) . (۳)

و پاسی از شب را (از خواب برخیز) ، قرآن و نماز بخوان ، این یک وظیفه اضافی برای تو است ، امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد .

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نه تنها مقیّد بودند که هر سحرگاه با خدای خویش مناجات و از او درخواست عفو و بخشش کنند ، بلکه خود را هر روز به گفتن ذکر استغفار مقید می کردند و می فرمودند :

إنَّهُ لَیُغانُ عَلی قَلْبی حَتّی أَسْتَغْفِرَ فِی الیَوْمِ مِأَهَ مَرَّه . (۴)

تا روزی صد بار استغفار نگویم دلم آرام نمی گیرد و خاطرم آسوده نمی گردد .

بلکه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) ، در هر مجلسی می نشستند ، از آن مجلس برنمی خاستند مگر آنکه بیست و پنج بار استغفار می کردند . (۵)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز در قنوت وتر خویش ، استغفار خاصّی را تلاوت می فرمودند که مشتمل بر مجموعی از آیات قرآن است که در آن ذکری از استغفار به میان آمده است . (۶)

همچنین آنحضرت ، بعد از نافله صبح ، استغفاری را با مضامین عالی قرائت می کرند ;این استغفار دارای هفتاد فراز است ، و فراز فراز آن ، راهنمای انسان به راه های معرفت و اطاعت خداوند ، و راهگشای او

به نقائص اعمال خویش می باشد . (۷)

سایر امامان معصوم (علیهم السلام) نیز استغفارهایی را در طول شبانه روز قرائت می کردند .

علاوه بر استغفار ، که در آیات و روایات فراوانی مورد تأکید قرار گرفته ، دعاهایی مثل دعای کمیل ، دعای ابوحمزه ثمالی ، دعای امام حسین (علیه السلام)در روز عرفه و مناجات شعبانیّه که اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) بر قرائت آن در مناسبتهای مختلف ، مواظبت داشته اند ;حاکی از آمرزش خواهی آن بزرگواران از خداوند است که با اشک و آه همراه بوده ، و دلیل بر اهمیّت استغفار و نقش بسزای آن در احیاء نفس انسان و تعالی روح اوست . و در حقیقت این آمرزش طلبی ها در لسان امامان (علیهم السلام) ، علاوه بر اینکه از معرفت و خلوص بی نظیر آنان حکایت دارد ، درس بزرگی برای شیعیان و دوستان آنان است که اوّلاً : تا می توانند گناهی مرتکب نشوند . و در عین حال که گناهی نمی کنند همیشه خود را در برابر خداوند مقصّر دیده ، عبادات و اعمال نیک خود را به حساب نیاورند و برای تقصیر و کوتاهی خویش استغفار کنند و ثانیاً : اگر گناهی از آنان سر زد آن را کوچک نشمرند و بی درنگ از خدای بزرگ پوزش طلبیده ، عذرخواهی کنند ;تا ابواب معرفت ، محبّت و انس با حق به رویشان گشوده گردد .

۱ همین کتاب ، ص ۷۸ .

۲ سوره آل عمران ، آیه ۱۷ .

۳ سوره اسراء ، آیه ۷۹ .

۴ جامع الاخبار ،

ص ۱۴۷ .

۵ بحارالأنوار ، ج ۹۳، ص ۲۸۱ .

۶ همین کتاب ، ص ۲۸۰ ۲۹۷ .

۷ همین کتاب ، ص ۳۰۳ ۳۴۳ .

گفتار سوم

معنا و شرائط استغفار

اکنون که شرافت و فضیلتِ استغفار تا حدودی روشن گشت ، قبل از آن که آثار و برکات این ذکر پر بار را یادآور شویم ، خوب است بدانیم که در چه صورت استغفار انسان ، رنگ حقیقت به خود می گیرد و با گفتن آن می توان به تمام آثار و خواص استغفار دست یافت ؟

انسانی که گناه کرده و از جادّه مستقیم دین و ولایت به انحراف کشیده شده ، با اندک تأمّلی در می یابد که اگر به سوی خدا و احکام نورانی اسلام و مکتب پر بار اهل بیت (علیهم السلام) روی آورد و با خدای خود آشتی کند ، خدا نیز از گذشته او چشم پوشیده و پشیمانی او را به عنوان کفّاره گناهانش پذیرفته و از عقوبت او صرف نظر می فرماید .

توبه و بازگشت به سوی خدا ، عبارت است از گرایش قلبی توبه کننده به نور معرفت و محبّت حقّ ، و راه یابی به سرچشمه زلال هدایت و سعادت ; و نشان آن ، ندامت باطنی و اظهارات شخص توبه کننده است . و بهترین لفظ برای اظهار این ندامت ، همان ذکر « استغفار » است که خداوند در قرآن بدان سفارش کرده و از امّت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) خواسته است که از این راه ندامت خویش را اظهار کنند و از خدای خویش بخواهند که

از تقصیر آنان در گذرد و باران رحمت و مغفرتش را بر جسم و جانشان فرود آورد .

این ذکر شریف در کلمات نورانی پیامبر و اهل بیتش (علیهم السلام) با تعابیر گوناگون آمده است ، و هر تعبیری حاکی از اظهار ندامت نسبت به گناه خاصّی است که در طول هفته و ساعات شبانه روز به تعداد خاصّی بدان سفارش شده است ، که هر یک در جای خود آثار فراوانی را به دنبال دارد و ما در انتهای این کتاب به نمونه هایی از آن اشاره خواهیم کرد .

آنچه در این جا مهم است ، این که این اظهار ندامت و پشیمانی در صورتی رنگ حقیقت به خود می گیرد که از دل برخاسته و در عمل نیز آثارش آشکار گردد . امّا کسی که در حال گناه ، یا مصمّم بر تکرار گناهی است و نسبت به آن استغفار می کند ، مثل کسی است که خدای خود را به باد تمسخر گرفته باشد .

امام صادق (علیه السلام) در سخن زیبایی به این نکته اشاره کرده ، می فرمایند :

اَلتّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ کَمَنْ لا ذَنْبَ لَهُ ، وَ الْمُقیمُ عَلی ذَنْب وَ هُوَ یَسْتَغْفِرُ کَالْمُسْتَهْزِءِ . (۱)

کسی که از گناهی توبه کند ، مثل کسی است که گناهی بر او نوشته نشده است ; و کسی که گناهی را ادامه می دهد و در عین حال نسبت به آن استغفار می کند مثل کسی است که (خدای خودش را) مسخره می کند .

بی جهت نیست که در برخی روایات که حاوی دستور بعضی از نسخه های استغفار

هستند این نکته یادآوری شده است ، که گفتن این استغفار در صورتی مؤثر است که گوینده نسبت به گذشته خود پشیمان شده و در دل ، حالت نفرتی نسبت به گناهش پیدا کند .

امام صادق (علیه السلام) در سخن حکمت بار خویش چنین می فرمایند :

ما مِنْ مُؤْمِنٍ یُقارِفُ فی یَوْمِهِ و لَیْلَتِه أَرْبَعینَ کَبیرَه فیقُولُ و هُوَ نادِمٌ : « أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذی لا إِلهَ إِلاّ هُوَ الحَیُّ الْقَیُّومُ ، بدیعُ السَّمواتِ و الأَرْضِ ، ذُوالجَلالِ و الإِکْرام ، و أَسْأَلُهُ أَنْ یُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّد و آلِ مُحَمَّد وَ أَنْ یَتُوبَ عَلَیَّ » إِلاّ غَفَرَها اللهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ ، و لا خَیْرَ فیمَنْ یُقارِفُ فی کُلِّ یَوْم أَکْثَرَ مِنْ أَرْبَعینَ کَبیره . (۲)

هر مؤمنی که در شب و روزش چهل گناه کبیره انجام دهد و با حالت ندامت و پشیمانی (و نفرت از گناه خویش) بگوید :

« أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذی . . . از خدا طلب آمرزش می کنم ، خدائی که معبودی جز او نیست ، زنده ای ازلی و ابدی و سرپرستی بی مانند است ، پدید آورنده آسمان و زمین ، صاحب جلال و عظمت و مهمان نوازی بخشنده است ، از او در خواست می کنم که بر محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) درود فرستد و توبه مرا بپذیرد » ;

خداوند او را می بخشد و کسی که در روز ، بیش از چهل گناه کبیره انجام دهد ، خیری در او نیست .

۱ مستدرک سفینه البحار ، ج ۷ ، ص ۶۰۱ .

۲ المحجه البیضاء ، ج ۷ ، ص

۲۶ ; کـافی ، ج ۲ ، ص ۴۳۸ و بـا انـدک اختلافی وسائل الشّـیعه ، ج ۱۶ ، ص ۶۷ ; بحارالأـنوار ، ج ۹۰ ، ص ۳۷۷ ; ثواب الأعمال ، ص ۱۶۹ .

شرایط استغفار

امیرالمؤمنین (علیه السـلام) در سـخن پر باری ، شرایط جامع تری را برای تحقّق استغفار واقعی بیان می فرمایند که بسیار پر مغز و شایسـته دقت و به کار گرفتن است و علما و دانشـمندان در شـرح و تفسـیر آن سخنان فراوانی گفته اند . مرحوم سیّد رضی (ره) چنین روایت می کند :

مردی در محضر آن حضرت گفت : أَسْتَغْفِرُاللّه .

مولا به او فرمودند :

ثَکَلَتْکَ أُمُّکَ ، أَتَدْری مَا الْاِسْتِغْفارُ ، إِنَّ الإِسْتِغْفارَ دَرَجَهُ الْعِلِّیینَ ، و هُوَ إِسْمٌ واقِعٌ عَلی سِتِّ مَعان :

أَوَّلُها : النَّدْمُ عَلی ما مَضی .

و الثّانی : اَلْعَزْمُ عَلی تَرْکِ الْعَوْدِ عَلَیْهِ أَبَداً .

و الثّالِثُ : أَنْ تُؤَدّی إِلَی الْمَخْلُوقینَ حُقُوقَهُم حَتّی تَلْقَی الله أَمْلَسَ لَیْسَ عَلَیْکَ تَبِعَهٌ .

و الرّابِعُ : أَنْ تَعْمِدَ إِلی کُلِّ فَریضَه عَلَیْکَ ضَیَّعْتَها تُؤَدّی حَقَّها .

و الخامِسُ : أَنْ تَعْمِدَ إِلی اللَّحْمِ الَّذی نَبَتَ عَلَی السُّحْتِ فَتُذیبَه بِالأَحْزانِ حَتّی تُلْصِقَ الْجِلْدَ بِالعَظْمِ وَ یُنْشَأُ بَیْنَهُما لَحْمٌ جَدیدٌ .

وَ السّادِسُ : أَنْ تُذیقَ الجِسْمَ أَلَمَ الطّاعَهِ کَما أَذَقْتَه حَلاوَهَ المَعْصِیَهِ ، فَعِنْدَ ذلِکَ تَقُولُ : « أَسْتَغْفِرُاللّه » . (۱)

مادرت به عزایت بنشیند ، آیا می دانی معنای استغفار چیست ؟ به یقین استغفار درجه علیّین است . استغفار ، اسمی است که بر شش معنا استواراست .

نخستین آن ها : نسبت به گناه گذشته ات پیشیمان شوی .

دوّم : برای همیشه تصمیم بگیری که دیگر

به سوی گناه گذشته باز نگردی .

سوم : حق تمام مردم را ادا کنی و خدا را در حالی ملاقات کنی که هیچ حقی از دیگران به گردنت نباشد .

چهارم : هر واجبی که از تو فوت گشته و ضایع شده است ، به جا آوری ، (قضا نموده) و حقش را ادا کنی .

پنجم : هر گوشتی که بر بدنت از مال حرام روییده ، با حُزن و اندوه های فراوان ، آن را آب نمایی به گونه ای که پوست را به استخوان بچسبانی ، تا از آن پس در جسم تو گوشت نو (از مال حلال) بروید .

ششم : سختی طاعت خدا را بر بدنت چشانده ، همان گونه که شیرینی گناه را به او چشاندی .

وقتی تمام این مراحل را طی کردی می گویی : (أَسْتَغْفِرُاللّهَ) « از خدا آمرزش می طلبم » .

البتّه روشن است که رعایت چهار مطلب اوّل در فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام) ، شرط تحقق توبه و استغفار است که تا آن ها محقق نشوند توبه واقعی شکل نمی گیرد; و مطلب پنجم و ششم ، شرط کمال توبه و استغفار است; نه این که اداء واجب ، متوقف بر آن باشد . بلکه اگر کسی بخواهد به کمال توبه دست یابد و تمام آثار کمالیّه و معنوی استغفار را دریابد ، باید این دو نکته را نیز رعایت کند .

۱ المحجه البیضاء ، ج ۷ ، ص ۶۳ ; نهج البلاغه ، حکمت ۴۱۷ ; وسائل الشّیعه ، ج ۱۶ ، ص ۷۷ .

ولایت ، مهمترین شرط پذیرش توبه و استغفار

مهمترین شرطی

که برای پـذیرفته شـدن توبه و اسـتغفار از آن یاد شـده است ، و بلکه شـرط پذیرش و تأثیر سایر شـرایط نیز به شـمار می رود ، اعتقـاد به مقـام ولایت و خلافت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السـلام) به عنوان اوّلین خلیفه پیامبر (صـلی الله علیه وآله وسلم)و امامت فرزندان معصومش تا امام زمان (علیهم السلام) است .

این مطلب ، در آیات و روایات فراوانی که سُـنّی و شـیعه نقل کرده انـد مورد تأکید قرار گرفته است و فراتر از حدّ تواتر اسـت که بیان تفصـیلی آن ، کتاب های مسـتقّلی را می طلبد ، و ما در این جا فقط به بعضی از آیات و روایاتی که در ارتباط با نقش بنیادی ولایت اهل بیت (علیهم السلام) در پذیرفته شدن توبه و استغفار آمده است اشاره می کنیم .

حفص بن غیاث گوید : امام صادق (علیه السلام) فرمودند :

لا خَیْرَ فِی الدُّنْیا إلاّ لِرَجُلَیْنِ : رَجُلٌ یَزْدادُ فی کُلِّ یَوْم إحْساناً ، وَ رَجُلٌ یَتَدارَکُ ذَنْبَهُ بِالتَّوْبَهِ . وَ أَنّی لَهُ بِالتَّوْبَهِ وَ اللهِ لَوْ سَـجَدَ حَتّی یَنْقَطِعَ عُنُقُه ما قَبِلَ اللهُ مِنْه إلاّ بِوَلایَتِنا . (۱)

در دنیا جز برای دو نفر خیری نیست :

۱ مردی که هر روز نیکوکاریش را افزایش می دهد .

۲ مردی که گناهش را با توبه اش جبران می کنـد . و کجا می توانـد توبه واقعی کند ، به خدا سوگند اگر آن قدر سـجده کند که گردنش قطع شود ، خدا از او نمی پذیرد مگر آن که ولایت ما اهل بیت ((علیهم السلام)) را بپذیرد و معتقد به

امامت ما گردد .

عبدالله بن عباس نیز ، سخنی زیبا از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در مورد شخصیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل می کند که به همین معنا اشاره دارد . او می گوید :

در منی حسّان شاعر را دیدم که در محضر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)ایستاده بود و مردم هم جمع بودند ، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) رو به مردم کردند و فرمودند :

مَعاشِرَ النّاسِ ، هذا عَلِیُّ بْنُ أَبی طالب ، سَیِّدُ الْعَرَبِ وَالْوَصِیُّ الأَکْبَرِ ، مَنْزِلَتُه مِنّی مَنْزِلَهُ هارُونَ مِنْ مُوسی إِلاّ أَنَّه لا نَبِیَّ بَعْدی ، لاتُقْبَلُ التَّوْبَهُ مِنْ تائِب إِلاّ بِحُبِّهِ .

ای مردم ! این علی بن ابی طالب است که آقای عرب و بزرگترین وصیّ (من) است ، جایگاه او نسبت به من همان جایگاه هارون نسبت به موسی (علیه السلام)(خلافت و جانشینی بعد از او) است ، توبه هیچ توبه کننده ای پذیرفته نمی شود مگر به خاطر محبّت او (که همراه با عقیده به مقام خلافتش باشد) .

سپس پیامبر (صلی الله علیه وآله) به حسّان رو کردند و فرمودند : درباره ما شعری بگو .

حسّان فوری این اشعار را سرود :

۱ لا تُقْبَلُ التَّوْبَهُ مِنْ تائِب

إِلاّ بِحُبِّ إِبْنِ أَبی طالِب

۲ أَخُو رَسُولِ اللهِ بَلْ صِهْرُه

وَالصِّهْرُ لاَیَعْدِلُ بالصّاحِبِ

۳ وَ مَنْ یَکُنْ مِثْلُ عَلِیّ وَ قَدْ

رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ مِنَ المَغْرِبِ(۲)

۱ از هیچ توبه کننده ای توبه اش پذیرفته نمی شود مگر بخاطر محبت (و ولایت) علی بن ابیطالب (علیه السلام) .

۲ همان که برادر رسول خدا

(صلی الله علیه وآله وسلم) ، بلکه داماد اوست و داماد هیچ گاه برابر صحابی نیست (بلکه به مراتب از او برتر است) .

۳ چه کسی مثل علی (علیه السلام) است ، در حالی که او شخصیّتی است که خورشید برایش از مغرب برگردانده شده است .

امـام صـادق (علیه السـلام) در تفسـیر آیه ای به همین مطلب اشـاره می کننـد و جایگـاه ولایت اهل بیت (علیهم السـلام) را در ارتباط با پذیرش توبه شخص گنهکار بیان می فرمایند .

یعقوب بن شعیب گوید : از امام صادق (علیه السلام) سؤال کردم معنای فرمایش خداوند در این آیه چیست که می فرماید :

(وَ إِنّی لَغَفّارٌ لِمَنْ تاب وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی)(۳)

« من بسیار آمرزنده ام برای کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد و سپس هدایت یابد » .

امام (علیه السلام) فرمودند : « وَ مَنْ تابَ مِنْ ظُلْم ، وَ آمَنْ مِنْ کُفْر ، وَ عَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی إِلی ولایَتِنا » . (۴)

مقصود آن است : هر کس از ظلمی (که به نفس خویش کرده) توبه کنـد و از کفری که در وجودش بوده دست بکشـد و به ایمان رو آورد و عمل شایسـته و نیکو انجام دهد و سـپس به ولایت و معرفت ما هدایت یابد (به مغفرت خداوند دست خواهد یافت) .

این جمله را در حالی فرمودند که ، به سینه خود اشاره می کردند .

گویا مقصود حضرت از این بیان این است :

اگر کسی بخواهد از توبه و استغفارش بهره برده و

به آمرزش خدای غفّار دست یابد ، باید قبل از توبه اش ، معرفت به مقام و شخصیّت ما پیدا کند ، و به خلافت و امامت ما اهل بیت (علیهم السلام) ، مخصوصاً امام زمان خویش معتقد گردد ، تا خداوند توبه اش را بپذیرد و از گذشته اش صرف نظر فرماید .

در حدیث دیگری امام (علیه السلام) با بیانی روشن تر این مطلب را به اصحاب خویش گوشزد می فرمایند .

داود رقّی گوید : بر امام صادق (علیه السلام) وارد شدم و به حضرتش گفتم : جانم به فدایت باد ، این که خدا در قرآن می فرماید :

(وَ إِنّی لَغَفّارٌ لِمَنْ تاب وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی)(۵)

« من بسیار آمرزنده ام برای کسی که توبه کرده ، ایمان آورده ، عمل صالح انجام داده و سپس هدایت یابد » .

این هدایتی که بعد از توبه و ایمان و عمل صالح ، عنوان گردیده است ، هدایت به چیست ؟

امام (علیه السلام) فرمودند :

مَعْرِفَهُ الأَئِمَّهِ وَاللهِ ، إِمامٌ بَعْدَ إِمام .

به خدا سوگند (مراد خداوند) شناخت امامان معصوم ، امامی بعد از امام دیگر است . (۶)

امام باقر (علیه السلام) نیز ، بعد از آن که آیه مذکور را تلاوت کردند ، در سخن پرباری فرمودند :

وَ اللهِ لَوْ أَنَّهُ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً وَ لَمْ یَهْتَدِ إِلی وَلایَتِنا وَ مَوَدَّتِنا وَ یَعْرِفَ فَضْلَنا ما أَغْنی عَنْه ذلِکَ شَیْئاً .

به خدا سوگند ! اگر او توبه کند و ایمان آورد و عمل نیک انجام دهد ولی به ولایت و دوستی ما هدایت نیافته

باشد و فضیلت و برتری ما را نشناسد ، توبه و ایمان و عمل صالحش او را بی نیاز نکند و سودی به حالش ندارد . (۷)

نقش ولایت در پذیرش توبه و آمرزش انسان به قدری روشن و شفّاف است که در مورد بعضی از اعمال ، مثل توقف در صحرای عرفات در روز عرفه ، که آمرزش خدا حتمی است و هر کس با هر عملی در آن موقف بایستد ، به آمرزش خداوند دست می یابد ; و در روایات بسیاری آمده است : هر انسان نیکوکار و بدکاری که در صحرای عرفات حاضر گردد و دعا کند ، دعایش مستجاب و گناهش آمرزیده می شود ;(۸) با همه وعده های قطعی که در این باره داده شده است ، عدّه ای از این نعمت پر بار محروم شمرده شده اند ; و آنها کسانی هستند که از پذیرش ولایت اهل بیت پاک پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) سر باز زده ، و معتقد به امامت آن بزرگواران بعد از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)نگردیده اند . آری ! اگر منکرین ولایتِ امیرالمؤمنین و اولاد طاهرینش (علیهم السلام) هر سال عمرشان در روز عرفه ، قدم در صحرای عرفات گذارده و دعا کنند ، گناهشان بخشیده نخواهد شد و به آمرزش خداوند دست نخواهند یافت !

مرحوم علاّمه مجلسی در این زمینه ، روایتی را از فقه الرّضا (علیه السلام) نقل می کند که شایسته دقت و تأمّل است . حضرتش از پدر بزرگوار خویش حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) چنین روایت می کنند :

إِنَّه لایَقِفَ أَحَدٌ مِنْ مُوافِق

اَوْ مُخالِف فِی الْمَوْقِفِ إلاّ غُفِرَ لَهُ . فَقیلَ : إنَّه یَقِفُه الشّاری وَ النّاصِبُ وَ غَیرُهُما ؟ ! فقالَ : یُغْفَرُ لِلْجَمیعِ حَتّی إنَّ أَحَدَهُمْ لَوْ لَمْ یُعاوِدْ إلی ما کانَ عَلَیْه ، ما وُجِدَ شَیْءٌ مِمّا تَقَدَّمَ وَکُلُّهُمْ مُعاوَدٌ قَبْلَ الْخُرُوجِ مِنَ المَوْقِفِ . (۹)

هیچکس ، چه موافق (ما اهل بیت (علیهم السلام)) یا مخالف (ما) ، در موقف عرفات نمی ایستد ، مگر آنکه آمرزیده می شود .

به امام (علیه السلام) عرض شد : در موقف عرفات برخی از فرقه های خوارج که بر امام خود خروج کردند و ناصبی ها که دشمنان اهل بیت اند و غیر این دو گروه (از سایر فرقه های گمراه و مخالف با شما اهل بیت (علیهم السلام)) می ایستند ؟ !

امام (علیه السلام) فرمودند : گناه همه آنها آمرزیده می شود ، بگونه ای که هیچ گناهی از گناهانشان (در نامه عملشان) یافت نمی شود ; بشرط آنکه به عقیده باطل خویش باز نگردند . ولی همه اینان قبل از بیرون رفتن از صحرای عرفات به عقیده و عمل خویش باز می گردند .

بنابراین ، کسانی که تاج افتخار ولایت و دوستی امیرمؤمنان و اولاد معصومش (علیهم السلام) را به سر دارند ، باید قدر تشیّع خویش را دانسته ، به هیچ قیمتی از آن دست برندارند و با استغفار و آمرزش خواهی از خداوند ، گذشته خود را جبران کنند ; و با عذرخواهی از امام زمان (علیه السلام) ، دل رنجیده آن بزرگوار را بدست آورند . دلی که باگناه

شیعیان بدرد می آید و با توبه و استغفارشان مرهم می پذیرد .

۱ وسائل الشّیعه ، ج ۱۶ ، ص ۷۶ ; خصال صدوق ، ج ۱ ، ص ۴۱ ; روضه الواعظین ، ج ۲ ، ص ۴۴۷ ; مستدرک الوسائل ، ج ۱ ، ص ۱۵۲ .

۲ بشاره المصطفی ، ص ۱۴۷ .

۳ سوره طه ، آیه ۸۴ .

۴ بحارالأنوار ، ج ۲۷ ، ص ۱۷۶ ; بصائر الدرجات ، ص ۲۳ .

۵ سوره طه ، آیه ۸۴ .

۶ بحارالأنوار ، ج ۲۷ ، ص ۱۹۸ ; فضائل الشیعه صدوق .

۷ بحارالأنوار ، ج ۲۷ ، ص ۱۹۷ ; تفسیر فرات ، ص ۹۳ .

۸ وسائل الشیعه ، ج ۱۳ ، ص ۵۴۶ ، باب ۱۸ و ص ۵۴۴ باب ۱۷ .

۹ بحارالأنوار ، ج ۹۶ ، ص ۱۱ .

گفتار چهارم : موانع قبولی استغفار

مقدمه

بعضی از صفات رذیله و انحرافات فکری و عملی ، آن قدر مبغوض خداوند است که به هیچ وجه قابل گذشت نیست ، مگر آن که شخص ، خود را از آن تهی کرده و به صفات کمالیّه مقابلش مزیّن سازد . وجود چنین صفات رذیله ای در شخص گنهکار ، مانع از پذیرش استغفار و راه یافتن توبه کننده به دیار یار می گردد ، در این گفتار صفاتی را بررسی خواهیم کرد که باعث عدم پذیرش توبه و مانع از تأثیر استغفار می گردد .

۱ نفاق و دو رویی

یکی از بزرگترین موانع اجابت استغفار ، نفاق و دو رویی است . اگر کسی دارای نفاق بوده و در باطن کافر یا مشرک باشد و به ظاهر خود را مؤمن نشان دهد و شب و روزش را به استغفار بگذراند ، خدا از او نخواهد گذشت . بلکه اگر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) هم درباره چنین فردی استغفار کند خدا او را نخواهد بخشید . زیرا یکی از آثار نفاق و دو رویی ، دروغگویی و مخالفت ظاهر با باطن است . از این روست که خداوند شهادت چنین افرادی را در مورد رسالت پیامبرش نپذیرفته است ، تا آن جا که در بیان حالات و صفات آن ها یک سوره بر پیامبرش نازل کرده و آنان را شدیداً مذمّت فرموده است . و در آغاز سخن می فرماید :

(إِذا جَائَکَ الْمُنافِقُونَ قالُوا نَشْهَدُ إِنَّکَ لَرَسُولُ اللهِ وَاللهُ یَعْلَمُ إِنَّکَ لَرَسُولُهُ ، وَاللهُ یَشْهَدُ إِنَّ الْمُنافِقینَ لَکاذِبُونَ) . (۱)

زمانی که منافقان نزد تو آمدند و گفتند : ما گواهی می دهیم

که تو فرستاده خدایی ، در حالی که خدا خوب می داند که تو فرستاده او هستی (احتیاجی به گواهی آنان نیست) و خدا گواهی می دهد که منافقان دروغ گویانند .

اینان آن چنان در لجنزار کبر و خودخواهی و نفاق و دو رویی فرو رفته بودند که وقتی به آنان گفته می شد : بیایید تا پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) برایتان استغفار کند ، بلکه نجات یابید و به حقیقت ایمان دست پیدا کنید; از شدّت نخوت و خودپسندی ، سرهایشان را با حالت استهزاء و انکار تکان داده و تکبّر میورزیدند . نه حاضر بودند باطن خود را رو کنند ، و کفر خود را آشکار سازند ، تا مردم آنان را بشناسند و از آن ها فاصله بگیرند ، و نه راضی می شدند که از هواهای نفسانی و افکار شیطانی خویش دست شسته ، و ایمان بیاورند . از این رو خداوند هم با شدّت هر چه تمام تر با آنان برخورد کرده و خباثت باطنی ایشان را آشکار ساخته و می فرماید :

(وَ إِذا قيلَ لَهُمْ تَعالَوا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللهِ لَوَّوْا رُؤُوسَهُمْ وَ رَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ . سَواءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَاللهُ لَهُمْ) . (۲)

و زمانی که به آنان گفته می شود : بیایید تا رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) ،

برایتان از خدا ، طلب آمرزش کند ، سرهایشان را (از روی انکار و تمسخر) چرخانده و روی می گردانند ، و آن ها را می بینی که راه سعادت را

بر خود و دیگران بسته و تکبر میورزند . برای آن ها تفاوت نمی کند که برایشان استغفار کنی یا استغفار نکنی ; خدا آنان را نمی بخشد .

از این تعبیر خداوند : (سَواءٌ عَلَیْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ یَغْفِرَاللهُ لَهُمْ) استفاده می شود که نفاق و دو رویی ، آن چنان انسان را از میدان مغفرت و رحمت خداوند دور می سازد که اگر پیامبر رحمت (صلی الله علیه وآله وسلم)نیز برای او استغفار و درخواست آمرزش کند ، خدا نمی پذیرد .

گویا مهمترین شرط سایه افکندن ابر رحمت خداوند بر سر گنهکار قبل از توبه و استغفار ، هماهنگ گشتن ظاهر و باطن او با یکدیگر و رسوخ ایمان ، در دل و جانش و شستن افکار ، از نفاق و دو رویی و پاک ساختن اعمال ، از حیله و دغل بازی است .

وجود حالت نفاق در انسان گنهکار ، آن قدر او را از آمرزش خداوندِ غفور دور می سازد که خداوند در سوره توبه با لحن تندتری این معنا را به پیامبرش (صلی الله علیه وآله وسلم) هشدار می دهد :

(إِسْتَغْفِر لَهُمْ اَوْلا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعینَ مَرَّةً فَلَنْ یَغْفِرَاللهُ لَهُمْ) . (۳)

چه برای آنان استغفار کنی و چه استغفار نکنی (به حال آن ها فرقی نمی کند بلکه) اگر هفتاد مرتبه هم برای آنان از خدا آمرزش طلبی ، قطعاً خدا ایشان را نخواهد آمرزید .

و سپس با صراحت علّت آن را بیان می کند :

(ذلِکَ بِأَنَّهُمْ کَفَرُوا بِاللهِ وَ رَسُولِه وَاللهُ لایَهْدِی

الْقَوْمَ الفاسِقینَ) . (۴)

این بـدان علّت است که این منافقـان به ظاهر مسـلمان ، به خـدا و رسولش کافر گشـته انـد و خداونـد مردمِ فاسقِ بـد کردار را هدایت نمی کند .

همچنین خداوند در مورد دسته ای از مسلمانان که از سفر حدیبیّه جنگ با کفار قریش در رکاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) تخلّف ورزیده ، و بعد از پیمان صلح و امتیازاتی که مسلمانان به دست آوردند محضر آن حضرت رسیدند و از ایشان تقاضا کردند برای آن ها استغفار کند ، تا به خیال خویش ، سرپوشی روی نفاق و دو رویی خود گذارده باشند و عذرشان پیش مسلمانان موجّه گردد ، می فرماید :

(سَیَقُولُ لَکَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الأَعْرابِ شَغَلَتْنا أَمْوالُنا وَ أَهْلُونا فَاسْتَغْفِرْ لَنا ، یَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ ما لَیْسَ فی قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ یَمْلِکُ لَکُمْ مِنَ اللهِ شَیْئاً إِنْ اَرادَ بِکُمْ ضَرّاً اَوْ اَرادَ بِکُمْ نَفْعاً بَلْ کانَ بِما تَعْلَمُونَ خَبیراً) . (۵)

به زودی متخلّفان از اعراب بادیه نشین (نزد تو آمده عذر تراشی کرده و) می گویند : حفظ اموال و خانواده ، ما را به خود مشغول داشت (و نتوانستیم در سفر حدیبیّه تو را همراهی کنیم) برای ما طلب آمرزش کن . اینان به زبان خود چیزی می گویند که در دل ندارند ، بگو : چه کسی می تواند در برابر خداوند از شما دفاع کند ، هر گاه زیانی را برایتان بخواهد یا اگر سودی را برای شما اراده کند (چه چیز مانع آن می گردد) و خداوند به تمام اعمالی که

انجام می دهید آگاه است .

در این آیه و آیات بعد ، خداوند به منافقانی که اسلام را برای حفظ منافع خود پذیرفته بودند ، هشدار می دهد که اگر ایمان در دل و جان شما رسوخ نکند و در برابر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) و فرامین او تسلیم نشوید ، و آن حضرت را در سختی ها و مشکلات کمک و همراهی نکنید ; عذر تراشی و تقاضای استغفار از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) سودی به حالتان ندارد ، زیرا زبان شما با دل هایتان همراه نیست ، و بدانید که اگر خداوند به خاطر نفاق شما اراده سوئی نسبت به شما کند کسی نمی تواند آن را از شما دور سازد و استغفار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز فایده ای برایتان نخواهد داشت .

۱ سوره منافقون ، آیه ۱ .

۲ سوره منافقون ، آیه ۵ ۶ .

۳ و ۴ سوره توبه ، آیه ۸۰ .

۵ سوره فتح ، آیه ۱۱ .

۲ شرک به خداوند

دوّمین مانع برای پذیرش توبه و استغفار ، آلوده بودن عقیده انسان به پلیدی شرک و دوگانه پرستی است .

در قرآن ، خداوند هر گناهی به جز شرک به خودش را قابل آمرزش دانسته و می فرماید :

(إِنَّ اللّهَ لا یَغْفِرُ أَنْ یُشْرَکَ بِهِ وَ یَغْفِرُ ما دُونَ ذلِکَ لِمَنْ یَشاءُ) . (۱)

به راستی ، خداوند نمی بخشد که به او شرک ورزیده شود و کمتر از آن را برای هر کس بخواهد می بخشد .

شدت مبغوضیّت شرک به خداوند ، در حدّی

است که علاوه بر این که مانع از پـذیرش اعمال عبادی انسان ، از جمله اسـتغفار و توبه اش می شود ; مانع از پـذیرش اسـتغفار رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) و مؤمنان ، در حق او نیز می گردد .

خداوند ، پیامبر (صـلی الله علیه وآله وسلم) و ایمان آورندگان به او را از این که برای مشرکین طلب آمرزش کنند ، نهی کرده است و در سوره توبه می فرماید :

(ما کانَ لِلنَّبِیِّ وَالَّذینَ آمَنُوا أَنْ یَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِکینَ وَ لَوْ کانُوا أُولی قُرْبی مِنْ بَعْدِ ما تَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحابُ الْجَحیمِ) . (۲)

برای پیامبر (صـلی الله علیه وآله وسـلم) و مؤمنان شایسـته نیست که برای مشرکان (از خداوند) طلب آمرش کنند ، هر چند از نزدیکانشان باشند (آن هم) پس از آن که برای آن ها روشن شد که این گروه اهل دوزخند .

اگر کسـی بگوید : با توجّه به این که اسـتغفار برای مشـرک روا نیست ، پس چرا حضـرت ابراهیم (علیه السـلام) ، برای عموی خود با این که از مشرکین بود استغفار کرد ؟

در پاسخ این سؤال ، خداوند می فرماید :

(وَ ما کانَ اسْتِغْفارُ إِبْراهیمَ لِأَبِیهِ إِلاّ عَنْ مَوْعِدَه وَعَدَها إِیّاهُ فَلَمّا تَبَیَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ للهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْراهیمَ لأَوّاهٌ حَلیمٌ) . (۳)

و اسـتغفار ابراهیم (علیه السلام) برای پدرش (مراد عمویش آذر است) فقط به خاطر وعده ای بود که به او داده بود (تا وی را به سوی ایمان جذب کند) امّا هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن

خداست ، از او بیزاری جست ، به یقین ابراهیم بسیار دعا و زاری کننده و بردبار بود .

۱ سوره نساء ، آیه ۴۸ .

۲ سوره توبه ، آیه ۱۱۳ .

۳ ریا و خودنمایی

یکی از چهره های شرک به خدا ، ریا و خودنمایی است که شرک خفیّ نامیده می شود ، و به عنوان یکی از گناهان کبیره به شمار می آید . این صفت رذیله مهمترین حجاب بین بنده و خالق ، و بزرگترین مانع پس از شرک جلیّ ، برای پذیرش اعمال بندگان خدا است . چرا که خداوند عملی را از بنده اش می پذیرد که برای خدا انجام دهد ، و حقیقت هر عملی هم وابسته به نیّت بنده نسبت به آن عمل است . پس اگر نیّت برای خدا باشد عملی که خدا خواسته تحقق می پذیرد ، و چنانچه برای غیر خدا باشد ، آنچه را که خدا از او خواسته به جا نیاورده است و مقبول خداوند واقع نمی گردد .

مراد از حدیث معروف پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)که فرمودند :

إِنَّما الأَعْمالُ بِالنِّیّاتِ . (۲)

به راستی حقیقت اعمال وابسته به نیّت ها است .

این است که حقیقت عمل را نیّت انسان تشکیل می دهد . اگر نیّت برای خدا باشد ، عمل مقبول درگاه خداوند واقع می گردد و اگر نیّت برای غیر خدا باشد آن عمل پذیرفته نمی شود .

بی جهت نیست که در آیات متعددی از قرآن سفارش به اخلاص و انجام عمل فقط برای خدا شده است و از شریک گرفتن برای او در اعمال نهی

گردیده است ، خداوند می فرماید :

(وَاعْبُدُوا اللهَ وَلاتُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً) . (۳)

تنها خدا را بپرستید و عبادت کنید و هیچ چیز را (در عبادت) با او شریک نسازید .

و یا می فرماید :

(وَادْعُوهُ مُخْلِصينَ لَهُ الدّينَ) . (۴)

او را در حالی بخوانید که دین را برای او خالص گردانده باشید .

و به پیامبر خویش (صلی الله علیه وآله وسلم) چنین دستور می دهد :

(قُلْ إِنَّ صَلاتی وَ نُسُکی وَ مَحْیایَ وَ مَماتی لِلّهِ رَبِّ العالَمینَ لاشَرَیکَ لَهُ وَ بِذلِکَ اُمِرْتُ وَ اَنَا اَوَّلُ الْمُسْلِمینَ) . (۵)

بگو نماز من ، و حج من ، و زندگی من ، و مرگ من ، برای خدایی است که پروردگار عالمیان است ، هیچ گونه شریکی برای او نیست و به همین (اخلاص در عبادت و عمل) فرمان داده شدم ، و من اوّلین کسی هستم که تسلیم فرمان حق گشته و مسلمان شده ام .

این بدان خاطر است که تنها ، عملی پذیرفته می شود که برای او انجام گیرد . پس توبه و استغفار نیز در صورتی پذیرفته درگاه حق می گردد که تنها برای خدا باشد و هیچ گونه ریا و خود نمایی در آن دیده نشود . امّا اگر هدف شخص توبه گر و استغفار کننده ، غیر خدا باشد و به این امید با خدا راز و نیاز کند که مردم از توبه او با خبر شوند ، نماز شب و استغفار سحرش را بشنوند و اشک ندامت او را هنگام خواندن دعای کمیل و مناجات با خداوند ببینند; نه

نتها از توبه و استغفار خویش بهره ای نمی بَرد ، بلکه عقب گرد کرده و از میدان مغفرت و معنویّت بیشتر دور می شود و چنین عملی عقوبت خداوند را برای او به دنبال خواهد داشت .

۱ سوره توبه ، آیه ۱۱۴ .

۲ بحارالأنوار ، ج ۶۷ ، ص ۲۱۲ .

۳ سوره نساء ، آیه ۳۵ .

۴ سوره اعراف ، آیه ۲۸ .

۵ سوره انعام ، آیه ۱۶۳ .

۴ حق النّاس

مانع دیگر از پذیرش استغفار در مورد بعضی از گناهان این است که گناهی که از آن استغفار می کند ، حق النّاس باشد . مثل این که به کسی بدهکار باشد یا شخصی را مورد ضرب و شتم قرار داده یا غیبت کسی را کرده یا به شخصی تهمت زده باشد . چنین گناهانی را نمی توان با استغفار تنها جبران کرده ، به آمرزش خداوند دست یافت و از برکات استغفار بهره مند گشت . بلکه استغفار از چنین گناهانی زمانی مقبول درگاه خداوند می شود و باران مغفرت پروردگار بر قامت روح انسان می بارد ، که صاحبان حق را نیز از خود راضی کند .

اگر حقّ مالی است به او برگراند ، اگر حقّ عِرْضی است و آبروی کسی را ریخته ، اعاده حیثیت نماید ، و چنانچه دیه و قصاصی به گردن اوست بپردازد یا خود را در معرض قصاص قرار دهد ، یا به هر صورت دیگری که می تواند رضایت صاحب حق را به دست آورد ; آن گاه از خداوند طلب آمرزش کند . در این صورت ، امید می رود

خداوند توبه او را بپذیرد و از برکات استغفار بهره مندش سازد .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سخن زیبایی ، شرایط استغفار را در ضمن نکاتی یادآور شده اند ; از جمله می فرمایند :

شرط سوّمِ آن : حقّ تمام مردم را ادا کنی و خدا را در حالی ملاقات کنی که هیچ حقّی به گردنت نباشد . (۱)

۱ المحجه البیضاء ، ج ۷ ، ص ۶۳ ; نهج البلاغه ، حکمت ۴۱۷ .

۵ اصرار بر گناه

مانع دیگر برای پذیرش توبه و استغفار انسان ، تکرار گناه و دست نکشیدن از کار زشتی است که از آن توبه می کند . همان گونه که در معنا و حقیقت استغفار گفتیم ، تا حال ندامت و پشیمانی در کسی ایجاد نگردد و تصمیم بر ترک گناه نگیرد و از کردار زشت خود دست نشوید ; به توبه واقعی دست پیدا نمی کند و استغفارش رنگ خدایی نمی گیرد .

کسی که مرتّب گناهی را انجام می دهد و استغفار هم می کند مانند کسی است که خدا را مسخره می کند و بویی از واقعیّت نبرده است .

امام صادق (علیه السلام) در سخن زیبایی به این نکته اشاره می کنند :

التّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ کَمَنْ لاذَنْبَ لَهُ ، وَالمُقیمُ عَلی ذَنْب وَ هُوَ یَسْتَغْفِرُ کَالْمُسْتَهْزِءِ . (۱)

کسی که از گناهی توبه می کند همانند کسی است که هیچ گناهی برای او نیست ، و کسی که بر گناهی باقی می ماند و بر آن اصرار دارد و در عین حال استغفار هم می کند همانند کسی است که (خدای خویش را) مسخره

می کند .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) چهل سفارش به امیرالمؤمنین (علیه السلام) کرده و فرمودند :

« هر کس این سخنان را حفظ کند (و بدان عمل نماید) روز قیامت با پیامبران ، صدیقین ، شهدا و صالحین برانگیخته می شود و اینان رفیقان نیکویی هستند » .

از جمله سفارش های آن حضرت این بود :

. . . وَ أَنْ تَتُوبَ إِلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ ذُنُوبِكَ ، فَإِنَّ التّائِبَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَمَنْ لاذَنْبَ لَهُ ، وَ أَنْ لاتُصِرَّ عَلَى الذُّنُوبِ مَعَ الإِسْتِغْفارِ فَتَكُونَ كَالْمُسْتَهْزِءِ بِاللهِ وَ آياتِهِ وَ رُسُلِهِ . (۲)

. . . و این که از گناهان خویش به درگاه خدا توبه کنی . مسلّماً کسی که از گناهان خویش توبه می کند ، همچون کسی است که هیچ گناهی ندارد . و همراه با استغفار اصرار بر گناهان نداشته باشی که در این صورت همانند کسی خواهی بود که خدا و آیات و رسولان او را مسخره می کند ! .

البتّه روشن است که با توجّه به ادّله قطعی و محکمی که بر عصمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است ، معنای این سفارش ها این نیست که چنین صفاتی در امیرالمؤمنین (علیه السلام) وجود دارد و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)او را از آنها نهی می کند ، بلکه هدف پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آن است که این سخنان حکمت آمیز ، از طریق وصیّتش به تمام کسانی که سخن آن حضرت را می شنوند ، برسد . بی شک در میان آنان افراد زیادی یافت می شوند که دارای این صفات

باشند و این سفارش ها برای هدایت آنان مفید باشد .

۱ مستدرک سفیه ، ج ۷ ، ص ۶۰۱ .

۲ بحارالأنوار ، ج ۲ ، ص ۱۵۴ .

۶ پدید آوردن دین جدید و گمراه نمودن مردم

یکی از گناهـان بزرگی که توبه و اسـتغفار در مورد آن پـذیرفته نیست ، ایجاد آیین جدیـد و گـذاردن بـدعت در دین خـدا و گمراه نمـودن مردم از راه و روش توحیـد و ولایـت است . چنین گنـاهی را بـا اسـتغفار و عـذرخواهی از پروردگـار نمی تـوان جبران کرد ، بلکه چنین شخصی زمانی می تواند از گناه خویش استغفار و توبه کند که بطلان دین اختراعی خود را برای مردم بـازگو کرده ، بـدعت هـایی را که در دین خـدا گـذارده است از بین ببرد و مردمی را که گمراه سـاخته به دین خـدا و صـراط مستقیم باز گرداند .

ابابصیر گوید : امام صادق (علیه السلام) فرمودند :

در زمـان هـای گذشـته ، مردی دنبـال دنیـا رفت ، خواست که از راه حلال آن را به دست آورد ، ولی نتوانست . از راه حرام و نامشـروع در جسـتجوی دنیا برآمد ، باز هم نتوانست ، شیطان نزد او آمد و گفت : می خواهی تو را به چیزی راهنمایی کنم که بدان وسیله دنیای فراوان و پیروان زیادی پیدا کنی ؟

گفت : آری .

شیطان گفت : دینی اختراع کن و مردم را به سوی آن فرا بخوان .

آن شـخص چنین کرد ، مردم نیز دعوتش را پذیرفتنـد و از او پیروی کردند و از این راه به دنیای خوب و ثروت انبوهی دست یافت .

بعد از مدّتی فکر عمیقی کرد و با

خود گفت : این چه کاری بود که من کردم ؟ دینی اختراع کردم و مردم را به سوی آن فرا خواندم (و گمراه ساختم) برای خویش توبه و باز گشتی نمی بینم ، جز این که نزد کسانی بروم که به دین خود دعوتشان کردم و آن ها را از این دین باطل خویش بر گردانم .

یکی یکی پیش مریدان و پیروانش رفت ، به آن ها گوشزد کرد که آنچه من ، شما را به سویش فرا خواندم باطل است و این آیین بدعتی بود که من از پیش خود ساختم .

پیروانش در جواب گفتند : تو دروغ می گویی ، آنچه به ما گفته ای حقّ است ، تو در دین خویش به تردید افتاده ای و از آن بر گشته ای .

وقتی این جواب را از آن ها شنید ، غل و زنجیری تهیه کرد و به گردن خود آویخت و آن را با میخی محکم کرد و گفت :

زنجیر را از گردنم باز نمی کنم تا خدا توبه ام را بپذیرد .

خداوند به پیامبر آن زمان وحی فرمود : به فلانی بگو :

وَ عِزَّتی ، لَوْ دَعَوتَنی حَتّی یَنْقَطِعَ أَوْصالُکَ مَااسْتَجَبْتُ لَکَ حَتّی تَرُدَّ مَنْ ماتَ عَلی ما دَعَوْتَه إِلَیْه فَیَرْجِعُ عَنْهُ .

به عزّتم سوگند ، اگر آن قدر مرا بخوانی و ناله بزنی که بند بندت از هم جدا گردد ، دعایت را مستجاب نمی کنم ، مگر آن که کسانی را که به آیین تو مرده اند و گمراهشان ساخته ای (از حقیقت کارت با خبر سازی و) از آیین باطل خویش بر گردانی و آن ها

هم بپذیرند و باز گردند . (۱)

بی شک ، چنین کاری برای او ممکن نبود ، پس راهی برای توبه او هم باقی نمانده بود .

در همین راستا امام رضا (علیه السلام) حدیثی را از پدران گرامیش ، از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل می کنند که فرمودند :

إِنَّ اللهَ غافِرُ کُلِّ ذَنْب إِلاّ مَنْ أَحْدَثَ دیناً . (۲)

خداوند هر گناهی را می بخشد مگر کسی که دین تازه ای اختراع کند .

۱ وسائل الشّیعه ، ج ۱۶ ، ص ۵۴ .

۲ وسائل الشّیعه ، ج ۱۶ ، ص ۵۵ .

گفتار پنجم

آثار و برکات استغفار

با روشن شدن ارزش والای استغفار و نقش حیاتی آن در بهبود زندگی انسان ; و این که استغفار دارای شرایط ویژه ای است که بدون آن دست یابی به همه آثار و برکات استغفار ممکن نیست ; و با توجّه به موانع متعددی که با وجود یکی از آن ها استغفار انسان فایده ای ندارد ; اکنون مناسب است به بیان آثار و برکات استغفار بپردازیم . این آثار و برکات در دو عرصه ظهور پیدا می کنند : بخشی از آن مربوط به امور مادی و اقتصادی است و بخش دیگر آثار پربار معنوی است که به مراتب اهمیّت بیشتری دارد .

برکات مادّی استغفار

۱ زندگی خوب و بهرهوری از نعمت های خدا در دنیا

یکی از برکات مادّی استغفار دست یافتن به زندگی خوب و دنیای آسوده و بی دغدغه تا آخرین لحظه عمر است . افزون بر آن ، افزایش کمالات و رشد فضایل نفسانی در وجود انسان ، پی آمد دیگری است که محصول زندگی خوب و آسوده است .

خدای مهربان در این زمینه از زبان پیامبرش (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید :

(وَ أَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ یُمَتِّعْکُمْ مَتاعاً حَسَناً إِلی أَجَل مُسَمًّی وَ یُؤْتِ کُلَّ ذِی فَضْل فَضْلَه وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّی أَخافُ عَلَیْکُمْ عَذابَ یَوْم کَبِیر) . (۱)

(دعوت من این است که . . .) استغفار کنید و از پروردگار خویش آمرزش بطلبید ، سپس به سوی او باز گردید ، تا شما را تا مدّت معین (که برای عمرتان قرار داده از نعمت های این جهان) به خوبی بهره مند سازد ، و به هر صاحب فضیلتی

به مقدار فضیلتش ببخشد ، و اگر (از این فرمان) روی گردان شوید ، من بر شما از عذاب روزی بزرگ بیمناکم .

۱ سوره هود ، آیه ۳ .

۲ نزول باران رحمت و نجات از خشکسالی

اثر پر بار دیگر استغفار که برکات آن شامل حال دیگران نیز می گردد ، نزول باران رحمت و در نتیجه رویش مناسب گیاهان ، سرسبزی مزارع و باغستان ها و شادابی میوه ها و سبزی هاست که حیات تمام موجوداتِ زنده وابسته بدان است .

در آیات متعددی از قرآن به این اثر اشاره شده ، به گونه ای که جای تردید برای کسی باقی نمی گذارد .

در سوره هود خداوند کریم سخن پیامبرش حضرت هود (علیه السلام) را با مردم خویش چنین بیان می فرماید :

(وَ یا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ یُرْسِلِ السَّماء عَلَیْکُمْ مِدْراراً) . (۱)

ای قوم من از پروردگارتان طلب آمرزش کنید و به سوی او باز گردید تا (بارانِ) آسمان را پی درپی بر شما فرو فرستد .

همچنین زبان حال پیامبرش حضرت نوح (علیه السلام) را چنین بیان می کند :

(فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ إِنَّهُ کانَ غَفّارًا * یُرْسِلِ السَّماءَ عَلَیْکُمْ مِدْرارًا * . . . وَ یَجْعَلْ لَکُمْ جَنّات وَ یَجْعَلْ لَکُمْ أَنْهارًا) . (۲)

به آن ها گفتم : از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است . (و اگر چنین کنید خداوند) باران های پر برکت آسمان را پی درپی بر شما می فرستد . . . و باغ های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار می دهد .

تردیدی نیست که

کلید بارانِ رحمت ، در دست خداوند قادر متعال است و تا مشیّت و اراده حق به سیراب شدن سرزمینی تعلق نگیرد ، ابر رحمت ، باران خویش را فرو نمی فرستد .

او خود در منشور آسمانیش می فرماید

(وَ هُوَ الَّذی یُرْسِلُ الرِّیاحَ بُشْراً بَیْنَ یَدَیْ رَحْمَتِهِ حَتّی إِذا أَقَلَّتْ سَحاباً ثِقالاً سُقْناهُ لِبَلَد مَیِّت فَأَنْزَلْنا بِهِ الماءَ فَأَخْرَجْنا بِهِ مِنْ کُلِّ الثَّمَراتِ کَذلِکَ نُخْرِجُ المَوْتی لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ) . (۳)

او کسی است که بادها را بشارت دهنده در پیشاپیش (باران) رحمتش می فرستد ; تا ابرهای سنگین را (بر دوش) کشند ; (سپس) ما آن ها را به سوی زمین های مرده می فرستیم ; و به وسیله آن ها ، آب (حیاتبخش) را نازل می کنیم و با آن ، هر گونه میوه ای (را از خاک تیره) بیرون می آوریم ; همان گونه (که زمین های مرده را زنده می کنیم) مردگان را (نیز در قیامت) زنده می کنیم ، شاید (با توجّه به این مثال قدرت خدا را) متذکّر شوید .

از طرفی همان گونه که در بحث عقوبت گناهان اشاره کردیم ، یکی از آثار شوم گناهان بندگان ، در هر منطقه ای ، قحطی و خشک سالی است . پس چه بهتر که پس از انجام گناه ، از کردار خویش پشیمان شویم و به درگاه خدا روی آوریم و از او عذر خواسته و استغفار کنیم تا خداوند مهربان ، باران رحمتش را پی درپی بر ما فرو فرستد .

از مدارک معتبری استفاده می شود : هر جمعیّتی که استغفار و عذر خواهی از خدای غفّار را شعار خویش قرار دهند خدا آن ها را از قحطی و خشک سالی نجات می دهد ، و هر جمعیتی که گناهان را یکی پس از دیگری انجام داده و از استغفار و توبه غافل شوند ; خدا باران رحمتش را از آنان قطع می کند .

ذوالقرنین بنده صالحی که خداوند به او قدرت و سلطنت داده بود و در قرآن به زندگی او اشاره کرده است (۴) از امّت دانشمندی که در میان قوم موسی (علیه السلام) بودند ، پرسید : علت این که شما گرفتار قحطی (و خشک سالی) نمی شوید چیست ؟

گفتند :

مِنْ قِبَلِ إِنّا لا نَغْفَلُ عَنِ الإِسْتِغْفارِ .

بدین خاطر که ما از استغفار و طلب آمرزش از خداوند غافل نمی شویم . (۵)

۱ سوره هود ، آیه ۵۲ .

۲ سوره نوح ، آیه ۱۰ ۱۲ .

۳ سوره اعراف ، آیه ۵۷ .

۴ سوره کهف ، آیه ۸۳ ۹۸ .

۵ مستدرک سفینه البحار ، ج ۷ ، ص ۶۰۱ .

۳ تقویت قوای جسمی و روحی ، فردی و اجتماعی

بی شک بسیاری از گناهان ، قوای جسمی و روحی انسان را تحلیل برده و او را به سوی ضعف و سستی و کسالت و تنبلی می کشاند و گاهی منجر به نابودی و از بین رفتن هستی او می گردد .

از طرفی چون استغفار و عذرخواهی از خداوند غفار ، باعث ریزش گناهان و از بین رفتن آثار سوء کردار زشت انسان می گردد

، پس یکی از آثار درخواست عفو و بخشش از خداوند ، زیاد شدن قوای جسمی و افزایش نیروهای متمرکز در روح انسان است . خداوند ، سفارش حضرت هود (علیه السلام)به قومش را چنین بیان می فرماید :

(وَ یا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ یُرْسِلِ السَّماء عَلَیْکُمْ مِدْراراً وَ یَزِدْکُمْ قُوَّةً إِلی قُوَّتِکُمْ وَ لا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمینَ) . (۱)

ای قوم من از پروردگارتان طلب آمرزش کنید ، سپس به سوی او باز گردید ، تا (باران) آسمان را پی درپی بر شما بفرستد ، و نیرویی بر نیرویتان بیافزاید ، و در حالی که گناه کارید (از حق) روی برنتابید .

۱ سوره هود ، آیه ۵۲ .

۴ وسعت روزی و حلّ مشکلات اقتصادی

از آن جا که یکی از عقوبت های گناه برای مؤمن در دنیا ، گرفتاری های اقتصادی و فقر و تنگ دستی است که همچون خوره ای به جانش افتاده ، او را آزار داده و در اجتماع خوارش می کند و نیز از آن جا که استغفار شوینده گناهان و از بین برنده عقوبت آنها در دنیا با همه شدّت و عظمتشان می باشد ، و با از بین رفتن گناهان زمینه ای برای گرفتاری مؤمن در اثر ارتکاب گناه باقی نمی ماند ; بدین خاطر یکی از برکات استغفار رهایی از ناداری و حل شدن مشکلات اقتصادی شمرده شده است . پس استغفار از گناه و عذرخواهی از خداوند ; باعث زدایش فقر و بیچارگی ، افزایش رزق و روزی ، برکت در مال و ثروت ، بهره مندی از نعمت های پروردگار و گشوده

شدن گره های کور اقتصادی می گردد .

این خود اثر پربـاری است که بـاعث توفیقات معنوی بسیاری در دنیا می شود . از این روست که خداونـد با روشـنی از آن یاد کرده و می فرماید :

(اسْـتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ إِنَّهُ کـانَ غَفّـاراً * یُرْسِـلِ السَّمـاءَ عَلَیْکُمْ مِـدْراراً * وَ یُمْـدِدْکُمْ بِأَمْوال وَ بَنینَ وَ یَجْعَلْ لَکُمْ جَنّات وَ یَجْعَلْ لَکُمْ أَنْهاراً) . (۱)

از پروردگار خویش آمرزش طلبیـد که او بسـیار آمرزنده است (اگر چنین کنید) او (باران) آسـمان را پی درپی بر شـما فرو می فرستد و شما را با اموال و فرزندان بسیار کمک می کند و باغ های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار می دهد .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز در این زمینه می فرمایند :

مَنْ أَکْثَرَ الإِسْتِغْفارَ جَعَلَ اللهُ لَهُ مِنْ کُلِّ هَمّ فَرَجاً وَ مِنْ کُلِّ ضیق مَخْرَجاً وَ یَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لایَحْتَسِبُ . (۲)

کسی که زیاد استغفار گوید و از خدا عذرخواهی کند ; خداوند از هر غصّه ای برایش گشایشی قرار دهد و از هر تنگنایی راه فراری پیش پایش گذارد و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد .

امـام رضـا (علیه السـلام) حـدیث زیبایی را از پـدران خویش ، از رسول خـدا (صـلی الله علیه وآله وسـلم)روایت می کننـد که فرمودند :

مَنِ اسْتَبْطَأَ الرِّزْقَ فَلْیَسْتَغْفِرِ اللهَ . (۳)

کسی که روزیش به کندی به دست می آید ، باید استغفار کند و از خدا آمرزش طلبد .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز ، در سخن پرباری استغفار را سبب افزایش روزی شمرده ، می

فرمایند :

اَلاِسْتِغْفارُ یَزیدُ فِی الرِّزْقَ . (۴)

استغفار و طلب آمرزش از خداوند روزی انسان را زیاد می کند .

در سخن پر نور دیگری نیز همین اثر را برای زیاد گفتن استغفار ذکر می فرمایند :

أَکْثِرُوا الاِسْتِغْفارَ تَجْلِبُوا الرِّزْقَ . (۵)

زیاد استغفار گویید و از خدا پوزش بطلبید تا روزی را (به سوی خود) جذب نمایید .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) ، برای دست یافتن به روزی بیشتر و افزایش مال و ثروت ، استغفار خاصّی را با مضامین عالی ، به مرد عربی که سخت گرفتار بود آموختند . بعد از یک سال که آن را هر شب قبل از خواب تلاوت کرده بود ، خدمت مولا آمد و عرض کرد :

یا امیرالمؤمنین ! خداوند نعمتش را بر من تمام کرد . و آن قدر به من مال و ثروت عطا فرمود که از زیادیش ، نگهداری آن اموال برایم سخت شده است ، و جایی برای محافظت گوسفندان و شتران فراوانی که خداوند روزیم کرده است ندارم . (۶)

۱ سوره نوح ، آیه ۱۰ ۱۲ .

۲ بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۲۸۱ .

۳ بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۲۷۷ .

۴ بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۲۷۷ .

۵ بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۲۷۷ .

۶ صحیفه العلویه الجامعه ، ص ۶۵۹ ، جریان کامل این ماجرا و نسخه استغفاری که امیرالمؤمنین (علیه السلام)به آن مرد عطا کردند ، در فصل آخر همین کتاب صفحه ۲۵۸ آمده است .

۵ بچه دار شدن و افزایش اولاد

خانواده های بسیاری از نداشتن

، یا کمی فرزند رنج می برند و برای دست یافتن به اولاد سالم و صالح در تلاش می باشند ، به هر دکتری مراجعه کرده ، و هر دارویی را مصرف می کنند و چه بسا ثروت زیادی را در این راه هزینه کرده و عاقبت هم نتیجه ای نمی گیرند . در حالی که نعمت فرزندداری نیز یکی از نعمت هایی است که زمام امرش به دست خداوند است و تا او اراده نکند ; کسی دارای فرزند دختر یا پسر نمی شود . و لذا خدای سبحان ، با کمال دلسوزی راه دست یافتن به چنین نعمتی را زیاد استغفار کردن شمرده و می فرماید :

(اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كانَ غَفّاراً * يُرْسِلِ السَّماءَ عَلَيْكُمْ مِدْراراً * وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوال وَ بَنِينَ) . (۱)

از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است (اگر چنین کنید) او (باران) آسمان را پی درپی بر شما فرو می فرستد و شما را با اموال و فرزندان بسیار کمک می کند .

امام باقر (علیه السلام) در حدیثی ، زمان و تعداد استغفار نمودن ، برای دست یافتن به چنین نعمتی را به یکی از اصحاب خویش آموخته اند .

محمد بن یوسف از پدرش نقل می کند : خدمت امام باقر (علیه السلام) بودم که مردی خدمت آن حضرت آمد و عرض کرد : جانم به فدایت ، من ثروت زیادی دارم اما فرزندی برایم متولد نمی شود ; آیا راه چاره ای (برای رسیدن به این نعمت) هست ؟

امام (علیه السلام) فرمودند :

نَعَم

إِسْتَغْفِرْ رَبَّکَ سَنَةً فی آخِرِ اللَّیْلِ مِأَة مَرَّةً فَإِنْ ضَیَّعْتَ ذلِکَ فَاقْضِهِ بِالنَّهار فَإِنَّ اللهَ یَقُولُ : (اسْتَغْفِرُوا رَبَّکَمْ إِنَّهُ کانَ غَفّاراً * یُرْسِلِ السَّماءَ عَلَیْکُمْ مِدْراراً * وَ یُمْدِدْکُمْ بِأَمْوال وَ بَنینَ) . (۲)

آری ، یک سال در ساعت آخر شب ، شبی صد بار از پروردگار خویش آمرزش طلبیده ، استغفار کن . و چنانچه ساعت آخر شب را از دست دادی قضای آن را در روز به جا آور ، البتّه که خداوند می فرماید : « از پروردگار خویش آمرزش طلبید که او بسیار آمرزنده است . (اگر چنین کنید) او (باران) آسمان را پی درپی بر شما فرو فرستاده و شما را با اموال و فرزندان بسیار کمک می کند » .

در روایت دیگری امام باقر (علیه السلام) دستور استغفار برای فرزنددار شدن را به گونه دیگر بیان می کنند .

سلیمان بن جعفر گوید : مردی خدمت امام باقر (علیه السلام) آمد و از کمی فرزند به محضر آن حضرت گلایه کرد و گفت از کنیزان و زن های آزاد ، فرزند می خواهد ولی با این که شصت سال از عمرش می گذرد هنوز روزیش نشده است . امام (علیه السلام) فرمودند :

مدت سه روز بعد از نماز عشا ، و نماز صبح ، هفتاد مرتبه بگو : « سبحان الله » و هفتاد مرتبه استغفار کن و در انتهای ختم استغفار ، فرمایش خداوند در قرآن را بخوان . که فرموده است :

(إسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ * إِنَّهُ کانَ غَفّاراً * یُرْسِلِ السَّماءَ عَلَیْکُمْ مِدْراراً * وَ یُمْدِدْکُمْ بِأَمْوال وَ بَنینَ

وَ یَجْعَلْ لَکُمْ جَنّات وَ یَجْعَلْ لَکُمْ أَنْهاراً) . (۳)

سپس در شب سوم ، با همسرت همبستر شو . البتّه که با اجازه خداوند ، فرزندی پسر ، سالم و کامل روزیت می گردد .

سلیمان گوید : آن مرد به دستور امام (علیه السلام) ، عمل کرد و هنوز سال بر او نگذشته بود ، فرزندی روزیش شد که نور چشم او گشت . (۴)

از آنچه گذشت روشن می شود که یکی از برکات استغفار و مداومت بر آن این است که خداوند به آن ها که از او فرزند می خواهند ، فرزند عنایت می کند . و این مسأله به تجربه هم ثابت شده است .

نگارنده گوید : اینجانب نمونه ای از آن را ، در زندگی یکی از دوستان دیدم . شخصی که ده سال ازدواج کرده بود و بچه دار نمی شد ، استغفاری را که از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت شده است ; خود و همسرش یک سال هر شب قبل از خواب تلاوت کردند و بعد از یکسال خداوند فرزندی صحیح و سالم به آن ها عطا فرمود . (۵)

نمونه دیگر : شخص موثّقی از دوستان روحانی ، بعد از فرزند اوّلی که خدا به آنان داد ، تا مدّت پانزده سال از داشتن فرزند محروم بودند . و در این مدّت خود و همسرش به دکترهای متعدد و متخصصی مراجعه کرده و تحت درمان های مختلفی قرار گرفتند ولی نتیجه ای نگرفتند . بعد از آشنایی با اینجانب و سفارش به تلاوت این استغفار و ذکر آثار و برکاتش ، مدّت یکسال طبق دستور

امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن را تلاوت کردند و بعد از پانزده سال محرومیّت ، دارای فرزند دیگری گردیدند .

۱ سوره نوح ، آیه ۱۰ ۱۱ .

۲ بحارالأنوار ، ج ۸۴، ص ۲۲۱ .

۳ سوره نوح ، آیه ۱۰ ۱۲ .

۴ بحارالأنوار ، ج ۱۰۱ ، ص ۸۴.

۵ این استغفار همراه با ترجمه روان به ضمیمه داستان شیرین آن ، در همین کتاب صفحه ۲۵۸ ۲۷۸ آمده است .

۶ نجات یافتن از بلاهای خانمان سوز دنیا

یکی از عقوبت های گناه برای مؤمن در دنیا ، نزول انواع بلاهای خانمان سوز برای او و خانواده اوست . و چنانچه گناه در اجتماع مسلمین فرا گیر شود و فضای شهر یا روستایی را آلوده سازد ، این بلاها عمومیّت پیدا کرده و به صورت سیل ، طوفان ، زلزله ، تگرگ های شدید و جنگ های خانمان سوز و . . . هستی آنان را بر باد می دهد .

در آیات متعدّدی از قرآن کریم به نزول بلاهایی سخت تر از این ها به خاطر معصیت و نافرمانی مردم در امّت های گذشته ، اشاره شده است . گرچه چنین بلاهایی در امّت اسلام ، به خاطر وجود نازنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و اوصیای گرامیش (علیهم السلام) ، برداشته شده است و خداوند به صراحت آن را در قرآن اعلام کرده است :

(وَ ما کانَ اللّهُ لِیُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فیهِمْ) . (۱)

تا تو (ای رسول ما) در میان این مردم هستی خداوند آنان را عذاب نمی کند .

و امام زمان (علیه السلام) نیز

به نقش وجود پر برکت خود ، در دور کردن بلا از شیعیانشان اشاره کرده و می فرمایند :

أَنَا خاتَمُ الأَوْصِیاءِ وَ بی یَدْفَعُ اللهُ البَلاءَ عَنْ أَهْلی وَشیعَتی . (۲)

من آخرینِ اوصیایم ، خداوند به وسیله من بلا و گرفتاری را از خاندان و شیعیانم برطرف می کند .

ولی نزول بلاهایی همچون سیل ، طوفان ، زلزله و . . . هنگام زیاد شدن معصیت و نافرمانیِ خداوند در جامعه ، انکار مقدّسات و ضروریّات مذهب و بی اعتنایی به مقام ولایت امیرالمؤمنین و اولاد پاکش (علیهم السلام) ، برای احدی قابل انکار نیست و در طول تاریخ نمونه های زیادی داشته است .

از همین روست که خداوند کریم و مهربان ، برای پیشگیری از نزول چنین بلاهایی تنها راه نجات را پناه بردن به سایه استغفار بیان کرده است و بی درنگ پس از آیه مذکور می فرماید :

(وَ ما کانَ اللهُ مُعَذِّبَهُم وَ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ) . (۳)

اگر مردم استغفار کنند و از خدای خویش آمرزش بخواهند خداوند آنان را عذاب نمی کند .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز در سخن زیبایی ، استغفار را عامل دور گشتن بلا و گرفتاری برشمرده و فرموده اند :

إِدْفَعُوا أَبْوابَ البَلایا بِالإِسْتِغْفارِ .

درهای بلاها و گرفتاری ها را به کمک استغفار ببندید . (۴)

پس یکی از مهمترین آثار و برکات استغفار در دنیا نجات یافتن از بلاهای ویرانگر است که زندگی انسان را به آتش می کشند و نعمت های خداوند را از او سلب می کنند .

۱ سوره افنال ، آیه ۳۳ .

بحارالأنوار ، ج ۵۲ ، ص ۳۰ ; الدعوات ، ص ۲۰۷ ; کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۴۴۱ .

۳ سوره انفال ، آیه ۳۳ .

۴ مستدرک الوسائل ، ج ۵ ، ص ۳۱۸ .

۷ دفع عذاب از دیگران به وجود استغفار گویان

استغفار نه تنها سبب نجات انسان از بلاهاست بلکه از دیگران نیز عذاب را دور می سازد ، و این بدان خاطر است که جایگاه استغفار در نزد خدا بسیار عظیم است ، و مستغفرین بسی محبوب خدایند .

آری ! مقام استغفارگویان به قدری ارجمند است که خداوند به احترام آنان ، از عذاب مردمان شهر یا روستا که به خاطر معصیت و نافرمانی خداوند مستوجب عذاب و بلای الهی شده اند ، صرف نظر می کند و به خاطر عدّه معدودی که سحرگاهان استغفار می کنند و از خوف خدا اشک می ریزند ، آن ها را عذاب نمی کند .

امام صادق (علیه السلام) در این باره حدیث پرباری را از پدرانشان ، از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت می کنند که فرمودند :

إنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ إِذا رَأى أَهْلَ قَرْيَه قَدْ أَسْرَفُوا فِي المَعاصى وَفيها ثَلاثُ نَفَر مِنَ الْمُؤْمِنينَ ناداهُمْ جَلَّ جَلالُهُ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمائُهُ : يا اَهْلَ مَعْصِيَتى ، لَوْلا ما فيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنينَ المُتحابّينَ بِجَلالى ، الْعامِرينَ بِصَلاتِهِمْ أَرْضى وَ مَساجِدى ، اَلْمُسْتَغْفِرينَ بِالأَسْحارِ خَوْفاً مِنّى ، لَأَنْزَلْتُ بِكُمْ عَذابى ثُمَّ لا أُبالى . (۱)

زمانی که خداوند اهل شهر و دیاری را ببیند که در گناهان زیاده روی کرده اند ولی سه نفر از مؤمنان در میان آنان هستند ، خداوند که جلالتش بزرگ

و نامهایش مقدّس است اهل آن منطقه را چنین ندا می کند :

ای اهل نافرمانی من ، اگر در میان شما برادران مؤمنتان نبودند که به یکدیگر در راه جلال من اظهار محبّت کنند ، با نمازشان زمین و مساجد مرا آباد سازند و در سحرگاهان از ترس من استغفار گفته و طلب آمرزش کنند ; هر آینه عذابم را بر شما نازل می کردم و مرا باکی نبود .

۱ بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۸۱ ; علل الشرایع ، ج ۱ ، ص ۲۳۴ .

۸ رفع غم و غصّه ، رهایی از مشکلات

زندگی امروز بشر ، با مشکلات ، ناملایمات و سختی های فراوانی همراه است . هر کس برای رهایی خویش از غم و اندوه ، به وسیله ای متوسّل می شود تا از عواقب سوء آن در امان مانده و گرفتارِ پی آمدهای ناگوارش نگردد .

چه بسا افرادی در اثر دیدن مشکلات سخت و دست و پنجه نرم کردن با غم و غصّه های گوناگون ، گرفتار ناراحتی های شدید عصبی و نارسایی های سخت روحی گشته اند و برای درمان خود بار سنگین سفرهای پرتلاش و کم سودی را به دوش کشیده اند و مخارج زیادی را متحمّل شده اند و ضررهای اقتصادی فراوانی دیده اند . غافل از آن که خدای مهربان که تمام احکام و دستوراتش برای سعادت و آسایش بشر وضع شده است در این زمینه نیز دستوراتی را به انبیا و فرستادگانش داده است تا برای مردم بیان کنند و کامل ترین آن را در اختیار برترین پیامبرش قرار داده است .

مهمترین عامل نجات از

مشکلات و سختی ها و بهترین سبب زدودن غم و اندوه در کلمات نورانی پیامبر و اهل بیت پاکش (علیهم السلام)استغفار و عذرخواهی از خدای مهربان ، معرفی شده است .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در سخن زیبایی می فرمایند :

مَنْ کَثُرَ هُمُومُه فَلْیُکْثِرِ مِنَ الْاِسْتِغْفار . (۱)

هر کس غم و غصه اش زیاد است ، باید زیاد استغفار کند .

و نیز در عبارت دیگری میدان تأثیر استغفار را گسترده تر معرفی کرده و فرموده اند :

عَلَیْکَ بِالإِسْتِغْفارِ فَاِنَّهُ الْمُنْجاهُ . (۲)

بر تو باد به استغفار و عذر خواهی از خداوند که استغفار نجات دهنده (انسان از مشکلات و سختی ها) است .

امام هادی (علیه السلام) ، برای رهایی از مشکلات وناروایی ها ، به استغفار به عنوان دعایی خاصّ که مورد تأکید پدران گرامیشان (علیهم السلام) نیز بوده است ، سفارش می کنند .

محمد بن ریّان گوید : نامه ای به امام هادی (علیه السلام) نوشتم و از آن حضرت دعایی خواستم برای رهایی از سختی ها و بلاهایی که نازل می گردد و مشکلاتی که دست و پا گیر انسان می شود ، و در نامه ام تأکید کردم : همان گونه که پدران گرامیشان به دوستانشان مطالب خاصّی را می آموختند ، به من نیز دعایی مخصوص بیاموزند (که از آن بهره فراوان ببرم) ، حضرت در جواب چنین مرقوم فرمودند :

أَلْزِمِ الإِسْتِغْفارَ . (۳)

همیشه و در همه حال با استغفار همراه باش (و آن را تلاوت کن) ! .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در کلام دلنشینی

، برای نجات از غم و اندوه و تنگناهای زندگی ، به زیاد گفتن استغفار سفارش کرده اند :

مَنْ أَكْثَرَ الإِسْتِغْفارِ جَعَلَ اللهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمّ فَرَجاً وَ مِنْ كُلِّ ضيق مَخْرجاً وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لايَحْتَسِبُ . (۴)

هر کس زیاد استغفار کند خداوند ، نسبت به هر غصّه و اندوهی گشایشی برایش قرار دهد و از هر تنگنایی راه خروجی پیش پایش گذارد ، و از جایی که گمان ندارد او را روزی دهد .

۱ و ۲ بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۲۸۳ .

۳ بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۲۸۳ ; وسائل الشّیعه ، ج ۷ ، ص ۱۷۷ .

۴ بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۲۸۱ .

۹ نجات از قرض و پرداخت بدهی

یکی از مشکلات اقتصادی مسلمانان و مخصوصاً دوستان امیرمؤمنان (علیه السلام) ، گرفتار شدن به قرض و وام های دراز مدّت است که در موارد بسیاری با رِبا و سود دهیِ غیر مجاز همراه است و باعث خمودی و انحطاط فکری مسلمین و ضررهای سنگین مالی و سقوط در گرداب گناه می گردد . و عواقب سوئی را برای فرد و جامعه در بر دارد و ضربه های سهمگینی بر پیکر نظام اقتصادی اجتماع وارد می سازد .

از طرفی اشخاص بسیاری برای بهبود زندگی خویش ، ناچار به گرفتن وام بدون بهره هستند . این گونه وام گرفتن ، هر چند ضرری به همراه ندارد بلکه در بسیاری از اوقات گره های کور اقتصادی وام گیرندگان را باز می کند و برای وام دهندگان ثواب عظیم و برکات فراوانی را به دنبال دارد . امّا

فرو رفتن در گرداب قرض و دست و پا زدن برای بازپرداخت وام ، از مشکلات سختی است که مؤمن را در دنیا گرفتار ، فکرش را مشغول و عمرش را کوتاه می کند ; چرا که غم و غصه پرداخت اقساط ماهیانه و تأمین وجه چک هایی که به اشخاص مختلف داده است برای کسی که قدرت تهیّه و پرداخت آن را ندارد ، آرامش زندگیش را سلب کرده و سلامت جسم و جانش را به خطر می اندازد .

در کلمات نورانی اهل بیت (علیهم السلام) برای رهایی از این مشکل و سهولت در پرداخت بدهی ، راه هایی ارائه شده است .

یکی از مهمترین آن ها ، زیاد استغفار نمودن و عذرخواهی کردن از خدا در ساعات شب و روز است .

اسماعیل بن سهیل گوید : برای امام باقر (علیه السلام) نامه ای نوشتم ، (مشکل خود را عنوان کردم) که گرفتار قرض سنگینی شده ام (به گونه ای که فکرم را مشغول کرده و آبرویم را به خطر انداخته است) .

حضرت در جواب نامه ام نوشتند :

أَکْثِرْ مِنَ الإِسْتِغْفارِ وَ رَطِّبْ لِسانکَ بِقَراءَهِ « إِنّا أَنْزَلْناهُ » . (۱)

زیاد استغفار کن و زبانت را به تلاوت سوره « اِنا اَنْزلناهُ » تر و تازه گردان (سوره قدر را مرتّب تلاوت کن) .

۱ کافی ، ج ۵ ، ص ۳۱۶ ، ح ۵۱ .

برکات معنوی استغفار

۱ مغفرت و آمرزش خداوند

مهمترین اثر معنوی استغفار و طلب آمرزش از خداوند ، دست یافتن به مغفرت و آمرزش خدای سبحان است .

شاید این اثر ، برترین و

پر برکت ترین خاصیّت این ذکر شریف باشد . بلکه ریشه دست یابی به سایر آثار مادی و برکات معنوی استغفار ، آمرزش گناهان است . چرا که اکثر گرفتاری های انسان به انواع سختی ها و بلاها و عمده محرومیّت های او از کارهای خیر و نعمت های مادی و معنوی ، معلول غفلت و کوتاهی او در انجام واجبات و کارهای نیک ، و اصرار او بر کردار زشت و ناپسند است .

این دو عامل (ترک واجبات و انجام مُحَرَّمات) آتش غضب خداوند را شعلهور می سازد و زندگی انسان را در آتش فقر ، مرض ، قرض و محرومیّت از نعمت های مادّی و توفیقات معنوی ، می سوزاند . ولی به مجرّد عذر خواهی و استغفار ، عنایت خداوند غفار شامل حال بنده گنهکار می شود ، باران رحمت و مغفرت پروردگار بر پیکر و روح او می بارد ، جان و دل آلوده او را شستوشو می دهد ، عوامل نزول بلا و گرفتاری را از وجود او زدوده و زمینه عنایات حق را در زندگی او فراهم می سازد .

خداوند غفور برای دعوت بندگانش به سوی خویش و بهره مند ساختن آنان از عنایت و مغفرتش ، آیات متعددی بر پیامبرش نازل کرده است . در یک جا می فرماید :

(وَالَّذینَ إِذا فَعَلُوا فاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَکَرُوا اللهَ فَاسْتَغْفَروا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ اللهُ وَ لَمْ یُصِرُّوا عَلی ما فَعَلُوا وَ هُمْ یَعْلَمُونَ . أُولئِکَ جَزاؤُهُمْ مَغْفِرةٌ مِنْ رَبِّهِمْ) . (۱)

آن ها که وقتی عمل زشتی انجام دادند و یا

به خود ستم کردند ، به یاد خدا افتاده و برای گناهان خویش از خداوند آمرزش طلبیدند ، و بر گناه خویش اصرار نورزیدند ، پاداششان آمرزش پروردگارشان می باشد . و چه کسی جز خدا گناهان را می بخشد ؟ ایشان خوب می دانند (که اصرار بر گناه با استغفار سازش ندارد و جز خدا کسی گناهشان را نمی بخشد) .

در جای دیگر با تعبیر زیباتری می فرماید :

(وَ مَنْ یَعْمَلْ سُوءًا اَوْ یَظْلِمْ نَفْسَه ثُمَّ یَسْتَغْفِرِاللهَ یَجِدِ اللهَ غَفُوراً رَحیماً) . (۲)

هر کس کار بدی انجام می دهد یا به نفس خویش ستم می کند و سپس استغفار می کند خداوند را بسیار آمرزنده و مهربان می یابد .

تعبیر (یَجِدِ اللهَ غَفُوراً رَحیماً) در این آیه کریمه ، از وعده حتمی خداوند نسبت به آمرزش کسی که بعد از گناه خویش استغفار کرده ، حکایت می کند . یعنی حتماً مغفرت و آمرزش خداوند شامل حال چنین کسی می شود و آثار آن در زندگی او ظاهر می گردد .

از همین روست که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) برای رسیدن به چنین حالتی به امّت خویش سفارش می کنند که زبان خویش را به استغفار و عذرخواهی از خداوند عادت دهند تا گناهی بدون استغفار نماند و شیعه ای از آمرزش خدای غفّار محروم نگردد حضرتش می فرمایند :

عَوِّدُوا أَلْسِنَتَکُمْ الإِسْتِغَفارَ فَإِنَّ اللهَ تَعالی لَمْ یُعَلِّمْکُمُ الإِسْتِغْفارَ إِلاّ وَ هَوَ یُریُد أَنْ یَغْفِرَ لَکُمْ . (۳)

زبانهایتان را به استغفار و آمرزش طلبیدن ، عادت دهید که خداوند استغفار را به شما نیاموخت

مگر برای این که می خواهد شما را ببخشد .

امام رضا (علیه السلام) در تمثیل زیبایی ، استغفار را تشبیه می کنند به تکانی که بر درختی وارد می شود و برگ های آن را بر زمین می ریزد :

مَثَلُ الإِسْتِغْفارِ مَثَلُ وَرَق عَلی شَجَر تَحَرّکَ فَیَتَناثَرُ ، وَالْمُسْتَغْفِرُ مِنْ ذَنْب وَ یَفْعَلُهُ کَالمُسْتَهْزِئِ بِرَبِّه . (۴)

مَثَل استغفار ، مَثَل برگی است که بر درختی است ، و حرکت باد یا طوفان آن را بر زمین می افکند ، و کسی که از گناهی استغفار می کند و در عین حال مرتکب آن می شود همچون کسی است که پروردگار خویش را مسخره می کند .

آری طلب آمرزش از خداوند ، درخت عمل انسان را تکان می دهد و برگ های سیاه گناه را از شاخه های آن جدا می سازد و آمرزش خداوند را برای او به ارمغان می آورد .

۱ سوره آل عمران ، آیه ۱۳۵ .

۲ سوره نساء ، آیه ۱۱۰ .

۳ مستدرک سفینه البحار ، ج ۷ ، ص ۶۰۱ .

۴ کافی ، ج ۲ ، ص ۵۰۴ ; وسائل الشّیعه ، ج ۷ ، ص ۱۷۶ .

۲ پذیرفته شدن توبه

آنچه برای مؤمن گنهکار بعد از توبه و استغفار ، از همه چیز مهمتر است ، این است که بداند : آیا توبه اش پذیرفته شده یا نه ؟ آیا همان گونه که او به سوی خدا بازگشته است و از کردار زشت خویش دست کشیده است ، خدا هم به سوی او روی آورده و توبه اش را پذیرفته است یا

خیر ؟

از مـدارک معتبری اسـتفاده می شود که یکی از عوامل پـذیرش توبه ، اظهار نـدامت و اقرار به گناه و طلب آمرزش از خداوند است که در اصـطلاح آیـات و روایـات از آن تعبیر به اسـتغفار می شود . و نقطه مقابل آن اغترار است ، که نشانه تکبر و غرور بنده در برابر خدای سبحان است .

بنـده ای کـه آلـوده بـه اغـترار اسـت بـا این که گنـاه کرده ، از کردار خـود پشـیمان نمی شـود ، لـذا حاضـر به اقرار به گنـاه و عـذرخواهی و اسـتغفار نیسـت و این حـالتِ بنـده خوشاینـد خداونـد نیست . و از آن جـا که بهـترین دعـا اسـتغفار است ، خـدا بندگانش را دعوت به دعا کرده و سپس در مذمّت کسانی که از خواندن او تکبّر میورزند فرموده است :

(إِنَّ الَّذينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتی سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِينَ) . (۱)

به راستی کسانی که از خواندن من تکبّر میورزند به زودی با ذلّت و خواری وارد جهنم خواهند گشت ! .

و همان قدر که خداوند این حالت بنده را دشـمن می دارد ، از حال اسـتغفار و عذرخواهی او خشـنود می شود و آغوش مهر و رحمتش را به روی او می گشاید . مخصوصاً اگر شـخص گنهکار ، علاوه بر استغفار خویش ، از مولا و امام خود نیز بخواهد ، برای گناه او طلب آمرزش کنـد . که در این صورت امام مهربان او هم برایش اسـتغفار خواهـد کرد و وعـده خداوند نسـبت به پذیرش توبه او تحقّق می پذیرد . خداوند کریم در این باره می فرماید :

(وَ لَوْ أَنَّهُمْ

إِذْ ظَلَمُو أَنْفُسَهُمْ جاءُوْكَ فَاسْتَغْفَرُوا الله وَاسْتَغْفَرَ لَهُمْ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوّاباً رَحيماً) . (۲)

اگر اینان زمانی که به خود ستم کردند نزد تو آمده و از خدا آمرزش می طلبیدند ، و رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز برای آن ها استغفار می کرد ، خدا را پذیرای توبه و مهربان می یافتند .

تعبیر (لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوّاباً رَحیماً) در این آیه شریفه ، از پذیرش توبه چنین افرادی حکایت می کند ، پس اگر مؤمن گنهکار از خدای خویش آمرزش طلبد و رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) یا امامی که اعتقاد به امامتش دارد و در عصر او زندگی می کند ، برایش استغفار کند ، وعده خداوند در مورد پذیرش توبه و استجابت استغفارش درباره او به ثمر می نشیند و اثر آمرزش طلبی خویش را در می یابد .

۱ سوره غافر ، آیه ۶۰ .

۲ سوره نساء ، آیه ۶۴ .

۳ رفع بوی بد گناهان و معطّر شدن به عطر استغفار

خدای متعال ، در عین حال که ستّارالعیوب است و تا زمانی که بنده ای از حدّ خویش پا فراتر نگذاشته و بی باک در گناه نگشته باشد ، عیب او را می پوشاند ; امّا گناه و پشت پا زدن به فرامین خداوند آثار وضعی و لوازم طبیعی ای دارد که گریزی از آن نیست و بنده گنهکار چاره ای جز تحمّل آن آثار ندارد .

از طرفی اشخاص متخلّف و گنهکار نوعاً دوست ندارند کسی از گناهشان با خبر گردد و تا می توانند گناه خویش را پنهان می سازند ، و اگر کردار

زشتشان نشانه و آثاری داشته باشد ، در پوشاندن و از بین بردن آن تلاش می کنند .

یکی از پی آمدهای گناه ، تاریک شدن روح و متعفّن گردیدن جسم و جان انسان است . و در صورتی که خدا اجازه دهد ، این تعفّن و گندیدگی را فرشتگان آسمان استشمام می کنند و در بسیاری موارد صاحب آن را نفرین می کنند ; همچنین انسان هایی که پاک زیسته اند و اتّصالی با عالم ملکوت یافته اند گاهی بوی بد گناه را استشمام می کنند .

یکی از آثار و برکات استغفار مخصوصاً اگر بلافاصله بعد از گناه باشد از بین بردن آثار گناه از جمله بوی بد گناهان این اثر رسوا کننده است . افزون بر این ، معطّر گشتن انسان به عطر دل انگیز استغفار ، یکی از برکات معنویِ این ذکر شریف به شمار می رود .

آری ! کسی که هر روز و هر شب در گلستان عذرخواهی و آمرزش طلبی قدم زند و از انواع گل های معطّر آن در هر فصلی ، شاخه ای بچیند ، خانه وجودش معطّر می گردد .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سخن پر مغزی می فرمایند :

تَعَطَّروا بِالإِسْتِغْفارِ ، فَلا تَفْضَحَنَّکُم رَوائِحُ الذُّنُوبِ . (۱)

با استغفار و آمرزش خواهی از خداوند ، خود را معطّر کنید ، تا بوی بد گناهان شما را رسوا نکند .

۱ وسائل الشّیعه ، ج ۱۶ ، ص ۷۰ ; بحارالأنوار ، ج ۶ ، ص ۲۲ .

۴ دست یافتن به رضوان خداوند

مقام رضا و خشنودی خداوند ، برترین مقامی است که خدا در

قیامت به بندگانش عطا می فرماید . وقتی در قرآن سخن از پاداش مؤمنین و مؤمنات به میان می آید و از بهشت عَدْن به عنوان بهـترین منزلگـاه ، یـاد می شـود ، از مقـام رضـا و خشـنودی حق به عنوان ثوابی بزرگـتر و بالاـتر از بهشت عَـدْن و نعمت هـای جاودانه خدای سبحان یاد می گردد و رستگاری عظیمی برای مؤمن به شمار می آید .

ذات اقدس حق در این باره می فرماید :

(وَعَـدَ اللهُ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ جَنّات تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الأَنْهارُ خالِدینَ فیها وَ مَساکِنَ طَیِّبَه فی جَنّاتِ عَدْن وَ رِضْوانٌ مِنَ اللهِ أَکْبَرُ ذلِکَ هُوَ الفَوْزُ العَظیمُ) . (۱)

خداونـد به مردان و زنان با ایمان ، باغ هایی از بهشت وعـده داده است که نهرهایی از زیر درختانش جاری است ، جاودانه در آن خواهند ماند و مسـکن های پاکیزه ای در بهشت های عَدْن (نصـیب آن ها ساخته) است ، و رضا و خشـنودی خداوند (از همه این ها برتر و) بزرگتر است و این رستگاری بزرگی است .

بزرگتر بودن مقام رضا و خشنودی حقّ از بهشتِ عَدْن و برترین نعمت های بهشت ، بدان جهت است که دست یافتن به رضا و خشـنودی خـدا در دنیـا و در نتیجه رسـیدن به رضوان حق در آخرت ، عامل دست یافتن به همه نعمت های ابـدی خداونـد در قیـامت می باشـد که برترین آن هـا ، دخول در زمره بنـدگان مخلَص او ، محمّـد و آل محمّـد (علیهم السـلام)است . و بهشـت واقعی برای اهل بهشت ، همنشینی با این پاکان عالم وجود است

. از همین روست که خداوند پاداش بندگان پاک و مورد پسند خویش را چنین بیان می فرماید :

(يا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ ارْجِعی إِلی رَبِّكِ راضِيَهً مَرْضِيّهً فَادْخُلی فی عِبادی وَادْخُلی جَنَّتی) . (۲)

ای روح آرام یافته ! به سوی پروردگارت باز گرد در حالی که تو از او خشنودی و او هم از تو راضی است ، پس در زمره بندگانم درآی و در بهشتم وارد شو .

اکنون که عظمت و بزرگی مقام رضوان و خشنودی ذات اقدس پروردگار روشن شد ، باید بدانیم که یکی از برکات استغفار دست یافتن به چنین عظمتی است ; و از همین جا مفهوم عناوینی که درباره استغفار به کار رفته است بهتر مشخص می شود .

عبارت هایی مانند : « خَيْرَ الدُّعا » و « خَيْرُ العِبادَه » و « نِعْمَ الوَسيلَه » و « أَعْظَمُ أَجْراً » و « أَسْرِعُ مَثُوبَهً » و « أَعْظَمُ بَرَكَهً » ، عناوینی است که در مورد استغفار به چشم می خورد . این تعابیر بلند ، همگی حکایت از این دارد که یکی از برکات معنوی این ذکر مبارک ، دست یافتن به مقام رضوان و خشنودی ذات قدّوس إله است که از بهشت و تمام نعمت های جاودانه خدا نیز برتر و بالاتر است و سبب همنشینی با عباد مخلص خدا ، محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) در بهشت می گردد . و این خود بیانگر اوج ارزش استغفار است .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سخن پربار و جامعی می فرمایند :

ثَلاثٌ يَبْلُغْنَ بِالْعَبْدِ رِضْوانَ اللهِ : كَثْرَهُ الإِسْتِغْفارِ ، وَ خَفْضُ

الجانِبِ ، وَ كَثْرهُ الصَّدَقَهِ . (۳)

سه چیز است که بنده را به رضوان و خشنودی خدا می رساند :

۱ زیاد استغفار کردن .

۲ فروتن و نرم خوی بودن .

۳ زیاد صدقه دادن .

۱ سوره توبه ، آیه ۷۲ .

۲ سوره فجر ، آیه ۲۷ ۳۰ .

۳ مستدرک سفینه البحار ، ج ۷ ، ص ۶۰۱ .

۵ همراهی با امامان معصوم (علیهم السلام) مخصوصاً امام زمان (علیه السلام)

یکی از وظایف سنگینی که خداوند بر دوش همه ایمان آورندگان به خویش و رسولش گذارده ، این است که هر مسلمانی به گونه ای باید گام بردارد که در عقیده و عمل ، رفتار و گفتار و اذکار و اوراد ، همراه با اولیای او ، یعنی پیامبر و اهل بیت پاکش (علیهم السلام) باشد ; قدمی از آنان جلو نرود ، گامی از ایشان عقب نماند و همراهی با آن بزرگواران را همیشه و همه جا رعایت نماید . او خود در قرآن کریمش می فرماید :

(یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اِتَّقُوا اللهَ وَ کُونُوا مَعَ الصّادقین) . (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید ، از خدا بترسید ، تقوا پیشه کنید و همراه با صادقین باشید .

صادقین در این آیه شریفه ، کسی جز پیامبر و اوصیای پاکش (علیهم السلام)نیست . در روایات متعدّدی صادقین به امامان دوازده گانه شیعه تفسیر شده اند . و ظاهر امر و فرمان خداوند که بدون قید و شرط صادره شده است وجوب معیّت و همراهی با این بزرگواران در تمام جهات فکری و اعتقادی ، فقهی و عملی ، عرفانی و اخلاقی است .

نه تنها همه مسلمین موظّفند در تمام ابعاد زندگی با اینان و همراه ایشان باشند ، بلکه از معیّت و همراهی با غیر آنان مخصوصاً دشمنانشان باید پرهیز نمایند .

از این روست که در زیارت جامعه کبیره که سراسر آن درس امام شناسی است خطاب به آن بزرگواران عرض می کنیم :

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ غَيْرِكُمْ (عَدُوِّكُمْ) . (۲)

من همیشه و همه جا با شما و همراه شمایم ، نه با غیر شما و دشمنان شما .

بی شکّ ، همراهی با این بزرگانِ آفرینش ، اکسیر اعظمی است که موجب توفیقات فراوانی در زندگی مادّیِ دنیوی ، و منشأ دستیابی به مقامات عالیه در حیات جاودانه آخرت است .

آنچه در این رابطه حایز اهمیّت می باشد ، دست یافتن به کلید این گنجینه کمال است ، که راه را کوتاه می کند و باب وصال اولیای حقّ را به روی انسان می گشاید .

یکی از عواملی که توفیق همراهی با این بزرگواران را نصیب انسان می سازد ، و کلید خانه وصل امام زمان (علیه السلام) به شمار می آید ، کثرت استغفار و عذرخواهی همیشگی از خداوند است .

اسماعیل بن سهل گوید : به امام جواد (علیه السلام) نامه ای نوشتم بدین مضمون :

عَلِّمْني شَيْئاً إِذا أَنَا قُلْتُه كُنْتُ مَعَكُمْ فِي الدُّنْيا وَالآخِرَهِ .

به من چیزی بیاموزید که هر گاه آن را خواندم در دنیا و آخرت با شما و همراهتان باشم .

امام (علیه السلام) به خط مبارکشان ، که آن را می شناختم ، چنین مرقوم فرمودند :

أَكْثِرْ مِنْ تَلاوَهِ إِنّا أَنْزَلْناهُ ،

وَ رَطِّبْ شَفَتَیْکَ بِالْاِسْتِغْفارِ . (۳)

سوره « انا انزلناه » را زیاد تلاوت کن ، و دو لب خویش را به طلب آمرزش ، تر و تازه گردان (و زبانت را همیشه به ذکر استغفار مترنّم ساز) .

بنابراین یکی از آثار معنوی استغفار و عذرخواهی از خداوند این است که توفیق همراهی با امامان معصوم (علیهم السلام) در دنیا و آخرت ، مخصوصاً بودن با امام زمان (علیه السلام) و بهره جستن از وجود پر برکت آن ذات پاك را نصیب انسان می گرداند .

۱ سوره توبه ، آیه ۱۱۹ .

۲ مفاتیح الجنان .

۳ بحارالأنوار ، ج ۹۰، ص ۲۷۹ .

۶ محبوبیت نزد خدا و امام زمان (علیه السلام)

علاقه به محبوب شدن در نزد دیگران ، در فطرت هر انسانی نهفته است . کسی را نمی یابید که دوست نداشته باشد محبوب دیگران شود . نوعِ افراد دوست دارند محبوب کسانی باشند که دارای علم ، قدرت ، کمال ، جمال ، معنویّت و صفات نیک انسانی باشند ، تا هر زمان که به مشکلی برخوردند ، با مراجعه به ایشان و اشاره آنان مشکلشان حل شود .

پس شکّی نیست که هر چه محبوب انسان ، قدرت و آگاهی بیشتری داشته باشد ، علاقه به محبوب گشتن در نزد او بیشتر می شود . از طرفی هر چه محبوبیّت انسان در نزد صاحب قدرتی بیشتر باشد استفاده بیشتری از نفوذ و قدرت او می تواند بکند . به همین دلیل افراد زیرک ، سعی می کنند کاری کنند که خوشایند محبوبشان باشد و بر محبوبیّت خویش در نزد او بیافزایند

تا از طریق او به تمام خواسته هایشان برسند .

اکنون اگر شخص مورد علاقه انسان ، خداوند قدرتمندی باشد که در علم ، کمال ، قدرت و توانگری ، نظیری ندارد . او که هر چه را اراده کند برایش فراهم است :

(إِذا أَرادَ شَيْئَاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ) . (۱)

هر زمان چیزی را اراده کند ، به آن می گوید باش ، پس آن چیز تحقّق می پذیرد .

پس محبّت به محبوبیّت در نزد چنین محبوبی ، نباید قابل قیاس با علاقه به محبوبیّت در نزد دیگران باشد .

این محبوبیّت زمانی تحقّق پیدا می کند که بنده ای که طالب چنین موقعیّتی است ، خواسته های محبوب خویش را به جا آورد .

یکی از کارهایی که خدا از بندگانش خواسته است و بسیار خوشایند اوست ، حالت توبه و استغفار پی درپی بنده به پیشگاه خداوند ذوالجلال است . او خود در قران کریمش می فرماید :

(إِنَّ اللهَ يُحِبُّ التَّوّابينَ وَ يُحَبُّ الْمُتَطَهِّرينَ) . (۲)

خداوند کسانی را که زیاد توبه و استغفار می کنند ، دوست دارد و (همچنین) پاکی طلبان را (نیز) دوست دارد .

با توجه به اینکه « توّاب » صیغه مبالغه است ، و به کسی گویند که پیاپی توبه و استغفار کند ; بنابراین ، خداوند کسانی را که مرتّب ، هر روز و شب استغفار می کنند ، دوست دارد . علاوه بر این ، توبه و استغفار یکی از مصادیق روشن دعا است و بلکه از استغفار به عنوان بهترین دعا یاد شده است

. (۳) پس کسی که زیاد توبه کند و از خدا آمرزش طلبد ، مصداق اصرار کننده در دعا نیز بشمار می آید ; و تردیدی نیست که چنین فردی محبوب خدا می باشد .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرمایند :

إِنَّ اللهَ یُحِبُّ الْمُلِحّینَ فِی الدُّعاءِ . (۴)

به راستی ، خداوند اصرار کنندگان در دعا را دوست دارد .

بنابراین یکی از آثار پر بار استغفار و طلب آمرزش از خداوند ، محبوب شدن در نزد خدایی است که همه عالم تشنه محبت او و در انتظار عنایت اویند . بی شک کسی که محبوب خدا گردد همه عالم کارگزارش می گردند و تا آن جا که صلاح اوست خواسته هایش برآورده می شود . و کسی که محبوب خدا گشت ولیّش ، امام زمان (علیه السلام)نیز دوستش دارد ، و از برکات وجودی خویش بهره مندش می سازد .

۱ سوره یس ، آیه ۸۲ .

۲ سوره بقره : آیه ۲۲۲ .

۳ کافی ، ج ۲ ، ص ۵۰۴ ; وسائل الشّیعه ، ج ۷ ، ص ۱۷۶ .

۴ بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۳۷۸ ; الدعوات ، ص ۲۰ .

۷ ورود در نور اعظم خدا

نور زیباترین و لطیف ترین موجودات در جهان مادّه است و سرچشمه همه زیبایی ها و لطافت ها به شما می رود و وسیله ای برای مشاهده موجودات مختلف در جهان ماده است .

نور خورشید پرورش دهنده گل ها و گیاهان و رمز بقای تمام موجودات زنده و نابود کننده انواع میکروب ها و موجودات موذی است . و بدون

آن ادامه حیات برای هیچ موجود زنده ای امکان ندارد .

نور مبدأ همه کمالات و توفیقات مادّی و معنوی است ; زندگی بدون روشنایی برای احدی مقدور نیست . توفیق کمال یابی نیز در سایه نور و روشنایی به دست می آید . با توجّه به این که همه کمالات دنیوی و اخروی و تمام پیشرفت های مادّی و معنوی از برکت نور برای بشر فراهم می گردد ، خداوند از میان تمام محسوسات ، وجود اقدس و بی مثال خویش را به نور مثل می زند و می فرماید :

(اللهُ نُوُر السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکوه فیها مِصْباحُ المِصْباحُ فی زُجاجَه الزُّجاجَهُ کَأَنَّها کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَه مُبارَکَه زَیْتُونَه لاشَرْقِیَّه وَلاغَرْبِیَّه یَکادُ زَیْتُها یُضیئُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلی نُور یَهْدِی اللهُ لِنُورِه مَنْ یَشاءُ وَ یَضْرِبُ اللهُ الأَمْثالَ لِلنّاسِ وَاللهُ بِکُلِّ شَیْء عَلیم) . (۱)

خدا نور بخش آسمان ها و زمین است ، مَثَل نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پر فروغ) باشد ، چراغ در حبابی قرار دارد که شفاف و درخشنده ، همچون ستاره فروزان است . این چراغ با روغنی افروخته می شود که از درخت زیتونی گرفته شده که نه شرقی و نه غربی است (هم از نور آفتاب که از سمت شرق در صبح می تابد استفاده می کند و هم از نوری که از سوی غرب می تابد . آنچنان روغنش صاف و خالص است که) نزدیک است بدون تماس با آتش شعلهور شود ، نوری بر فراز نور دیگر است ، و

خدا هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می کند و خداوند برای مردم مثل هایی می زند و بر هر چیزی آگاه است .

هر بخشی از این آیه به پیغمبر و اوصیای پاکش (علیهم السلام) ، این انوار مقدسه هدایتگر ، تفسیر شده است و خدا هر که را بخواهد از ظلمت جهل و گمراهی نجات دهد و با دین خویش آشنا سازد ، به نور اینان ، مخصوصاً امام زمان (علیه السلام)هدایت می نماید .

پس راه یافتنِ به نور ، به معنای راه یابی به کلید همه مشکلات و گشوده شدن باب همه کمالات ، و هدایت یافتن به همه سعادت ها است .

از سوی دیگر هر چه قدرت نور و شدّت تابش آن بیشتر شود ، منطقه وسیع تری را روشن می کند و امکانات بیشتری را برای بشر در پیمودن راه سعادت ، فراهم می سازد .

اضافه بر این ، هر چه عظمتِ آنچه نور بدان اضافه می گردد ، بیشتر باشد به همان میزان ، نور هم عظمت می یابد . زیرا یکی از خواص اضافه ، سرایت خصوصیّات مضاف الیه به مضاف است . گفته می شود : نور شمع ، نور لامپ ، نور پروژکتور ، نور ستاره ، نور ماه ، تا می رسد به نور خورشید که منبع همه انوار در جهان مادّه است . پس هر نوری به ملاحظه آنچه که بدان اضافه گشته است ، دامنه روشنایی و تابش مشخصی دارد و محدود به گستره وجودی مضافٌ الیه است . هر چه مضافٌ الیه عظمتش بیشتر ، عظمت نور

هم بیشتر می گردد .

اکنون اگر نور به خدایی نسبت داده شود که خالق همه انوار و مصدر همه فیوضات است و حقیقت هر نوری به لطف و عطای او وابسته است ، دامنه این نور تا چه حد گسترش پیدا کرده و چه آثار پرباری را به ارمغان می آورد ؟ خدا می داند .

با روشن شدن این مقدّمه ، باید بگوییم : یکی از آثار و برکات عجیب استغفار که در روایات بدان اشاره شده ; این است که انسان ، در نور اعظم خداوند وارد می شود . ورود در میدان این نور ، با هستیِ انسان چه می کند ؟ و چه ابوابی را به روی او می گشاید ؟ جز خدا کسی نمی داند .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در کلام پر نوری می فرمایند :

أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فيهِ كانَ فى نُورِ اللهِ الأَعْظَمِ :

مَنْ كانَ عِصْمَةُ أَمْرِه شَهادَةُ أَنْ لا ـ إِلهَ إِلاّـ اللهَ وَ أَنّى رَسُولُ اللهِ وَ مَنْ إِذا أَصابَتْهُ مُصيبَةٌ قال : إِنّا للهِ وَ إِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ ، وَ مَنْ إِذا أَصابَ خَيْراً قالَ : اَلْحَمْدُللهِ ، وَ مَنْ إِذا أَصابَ خطيئَةً قالَ : أَسْتَغْفِرُاللهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ . (۲)

چهار چیز است که در هر کس باشد ، در نور اعظم خدا خواهد بود :

۱ کسی که گواهی به این که معبودی در عالم جز خدای یکتا نیست و این که من رسول خدایم ، باعث حفظ و نگاه داری او (از خطا و لغزش) گردد .

۲ کسی که هر گاه مصیبت و سختی بر او وارد

شود بگوید : « إِنّا للهِ وَ إِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ » ، ما برای خداییم و به سوی او بازگشت می کنیم .

۳ کسی که هر گاه خیری به او رسید بگوید : « اَلْحَمْدُللهِ » ، حمد و سپاس مخصوص خدای یکتا است .

۴ کسی که هر زمان مرتکب خطایی گشت بگوید : « أَسْتَغْفِرُاللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ » ، از خدا آمرزش می طلبم و به سوی او باز می گردم .

۱ سوره نور ، آیه ۳۵ .

۲ وسائل الشّیعه ، ج ۱۶ ، ص ۷۰ ; مستدرک الوسائل ، ج ۵ ، ص ۳۱۰ ; بحارالأنوار ، ج ۷۴ ، ص ۱۴۶ ; ثواب الأعمال ، ص ۱۶۵ .

۸ درخشش نامه عمل ، آن گاه که بالا می رود

با توجّه به آنچه در بحث قبل ذکر شد ، قدم نهادن در وادی عذرخواهی و پوزش طلبی از خداوند غفور ، یعنی : گام نهادن در بساط نورانی حق و نشستن بر سر سفره روحانی خدایی که خالق همه انوار ، و پذیرای توبه بندگانی است که با باز نمودن پنجره توبه و استغفار ، به سوی خورشید مغفرتِ حق نوری یافته اند و خانه دل خویش را روشن ساخته اند . و لازمه روی آوردن به چنین شعاع پرنوری ، نورانی شدن همه وجود انسان و نجات هستی او از تمام ظلمت ها و تاریکی هاست .

از جمله تاریکی هایی که امنیّت انسان را در عوالم بعد از مرگ تهدید می کند ، تاریکی نامه عمل اوست ، که در واقع انعکاس اعمال زشت او در عالم برزخ و قیامت است .

پر واضح

است ، وقتی انسـان بر اثر اسـتغفار ، در نور اعظم حق داخل گشت و ظلمت گناهانش برطرف شـد ، تاریکی نامه عمل او نیز از بین خواهـد رفت . بلکه می توان گفت : بنـده گنهکار ، به خاطر توبه و آشتی با خداونـد به جایی می رسد که خدا به سوی او رو می کند و روی آوردن خدا به سوی او باعث می شود که نور قُدْسی حق در صحیفه کردارش منعکس گردد و نامه عملش نورانی شود .

از این جا به یکی دیگر از آثار و برکات معنویِ اسـتغفار پی می بریم که عبارت است از : نورانی شـدنِ نامه عمل انسان به نور حق ، به گونه ای که وقتی به آسمان برده می شود از درخشش خاصّی برخوردار است .

امام صادق (علیه السـلام) در حـدیثی به این مطلب اشاره کرده و شـرط دست یافتن به چنین اثر پر باری را زیاد اسـتغفار کردن معرفی می فرمایند :

إِذا اَكْثَرَ الْعَبْدُ مِنَ الإِسْتِغْفارِ ، رُفِعَتْ صَحیفَتُه وَ هِیَ تَلَاْ لَأُ . (۱)

هر گاه بنده ای زیاد استغفار گوید و از خدا آمرزش طلبد ، نامه عملش در حالی که نور افشانی کرده ، و می درخشد ، بالا می رود .

۱ کافی ، ج ۲ ، ص ۵۰۴ ; وسائل الشّیعه ، ج ۷ ، ص ۱۷۶ .

۹ زمین خوردن شیطان و خنثی شدن وسوسه های او

شیطـان دشـمن درجه یک بشـر ، و عامل تمام انحرافات و لغزش های فکری و عملی انسان است و پیوسـته دنبال گمراه نمودن مؤمنین و دوستان امیرالمؤمنین (علیه السلام) است .

تنها بندگان خاصّ خدایند که در اثر

اخلاص در ایمان و عمل ، از شرّ او در امانند . روزی که خداوند او را از درگاه خویش راند ، قسم یاد کرد که به جز بندگان مخلَص خدا ، همه بندگان را گمراه خواهم نمود :

(فَبِعِزَّتِکَ لَأُغْوِیَنَّهُمْ أَجْمَعینَ إِلاّ عِبادَکَ مِنْهُم الْمُخْلَصینَ) . (۱)

به عزّت سوگند همه آنان را گمراه خواهم کرد ، مگر از میان آن ها بندگان خالص شده تو ، را .

مخلَصین در دیدگاه روایات ، ائمه طاهرین (علیهم السلام) هستند ، که راه های مبارزه با شیطان را از خدای خویش آموخته اند ، و برای رهایی از چنگال شیطان ، مؤمنان را به پیمودن آن سفارش کرده اند .

کسی که طالب کمال و رهایی از دام شیطان است ، باید این ارشادات را در زندگی خود به کار گیرد و بدین وسائل ، با شیطان و مریدانش مبارزه کند .

یکی از مهمترین عوامل مبارزه با شیطان که در روایات اهل بیت (علیهم السلام)از آن یاد شده است ، زیاد استغفار کردن ، و مرتّب از خدا عذرخواستن است .

روزی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به اصحاب خویش فرمودند :

أَلا أُخْبِرُکُمْ بِشَیْء إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَباعَدَ الشَّیْطانُ مِنْکُمْ کَما تَباعَدَ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ .

آیا به شما خبر دهم آنچه را که اگر انجام دهید شیطان از شما دور شود ، همان گونه که مشرق از مغرب فاصله دارد ؟

اصحاب عرض کردند : آری (بفرمایید) .

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند :

الصَّومُ یَسْوَدُّ وَجْهَه ، وَالصَّدَقَهُ تُکْسِرُ ظَهْرَهُ ، وَالحُبُّ فِی اللهِ وَالمُوازَرَهُ عَلَی العَمَلِ الصّالِحِ

يَقْطَعُ دابِرَه ، وَالإِسْتِغْفارُ يَقْطَعُ وَتينَهُ . (۲)

روزه چهره او را سیاه می کند ، صدقه پشت او را می شکند ، محبّت ورزیدن در راه خدا و مواظبت بر عمل نیک ریشه او را بَرکَند و استغفار رگ حیاتی او را می بُرّد .

بنابر این یکی از آثار و برکات استغفار ، به زمین خوردن شیطان و خنثی شدن تلاش های بیوقفه اوست ، که با توجّه به گستره فعالیت های او در گمراه نمودن مردم ، عظمت و اهمیّت این خاصیّت بیشتر روشن می شود .

۱ سوره ص ، آیه ۸۳ .

۲ کافی ، ج ۴ ، ص ۶۳ ; من لایحضر الفقیه ، ج ۲ ، ص ۷۵ ; التهذیب ، ج ۴ ، ص ۱۹۱ ; وسائل الشّیعه ، ج ۱۰ ، ص ۳۹۵ .

۱۰ زوال کابوس یأس و امیدوار شدن به مغفرت خداوند

یکی از بزرگترین گناهان که به هیچ وجه قابل گذشت و چشم پوشی نیست ، یأس از رحمت خداوند و قطع امید از مغفرت اوست . کسی که از آمرزش خداوند مأیوس است و به گذشت کریمانه پروردگار امیدی ندارد ، هر گناهی را مرتکب می شود و در منجلاب انحرافات فرو می رود ، در درّه های شقاوت سقوط می کند و روز به روز در حال استدراج و فرو رفتن در درکات عذاب خداوند خواهد بود .

خدای مهربان برای جلوگیری از پدید آمدن این حالت و رسیدن به چنین سرانجامی ، باب توبه و استغفار را به روی انسان گشوده است ، تا هیچ مجرمی از رحمت واسعه الهی مأیوس نشود و به سوی خدا باز گردد

. و باران مغفرت حقّ ، بر سرزمین جانش ببارد و غنچه ایمان و معرفت در بوستان وجودش شکوفا گردد .

در این راستا یکی از برکات معنوی استغفار که خود دارای آثار پرباری است ; از بین رفتن کابوس یأس و ناامیدی ، و تابش خورشید امید و رجاء در خانه دل گنهکار است ; که این خود باعث رویش درخت معنویّت در بهشت ایمان انسان ، و لبخند شکوفه های آمرزش بر چهره وجود او می گردد . به همین دلیل امیرالمؤمنین (علیه السلام) از کسی که با وجود استغفار ، از آمرزش خدا ناامید گشته ، اظهار شگفتی کرده و می فرمایند :

اَلْعَجَبُ مِمَّنْ یَقْنَطُ وَ مَعَهُ المُمْحاهُ . قیلَ : وَ مَا المُمْحاهُ ؟ قالَ : اَلْاِسْتِغْفارُ . (۱)

تعجب از کسی است که از رحمت و آمرزش خداوند ناامید می گردد ، در حالی که وسیله پاک کننده دارد .

سئوال شد : پاک کننده چیست ؟

فرمودند :

استغفار و طلب آمرزش از خداوند .

۱ وسائل الشّیعه ، ج ۷، ص ۱۷۷ .

۱۱ پاک شدن زنگار دل و صفا یافتن قلب انسان

یکی از علل عدم پذیرشِ حق ، و سستی در انجام واجبات و نپرداختنِ به عبادات این است که ، دل انسان را زنگار گناه گرفته باشد ، و فکر او را کدورتِ علاقه به شهوات تاریک و ظلمانی ساخته باشد ; و از سوی دیگر قلب او را قساوت فرا گرفته ، حالت پذیرش و نرمش در برابر حق را از دست داده و در درّه های شقاوت سقوط نموده باشد . بی جهت نیست که خداوند ، علّت انکار و روی گردانی

قوم موسی (علیه السلام)را ، سختی دل آنان دانسته و می فرماید :

(ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُکُمْ مِنْ بَعْدِ ذلِکَ فَهِیَ کَالْحِجارَهِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَهً وَإِنَّ مِنَ الْحِجارَهِ لَما یَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهارُ وَإِنَّ مِنْها لَما یَهْبِطُ مِنْ خَشْیَهِ اللهِ . . .) . (۱)

شما بعد از معجزاتی که از موسی (علیه السلام) دیدید ، سخت دل شدید و دل هایتان چون سنگ ، یا سخت تر از سنگ گردیده است . از میان پاره ای سنگ ها نهرهای آب می جوشد و برخی دیگر شکافته می شود و از دل آن آب بیرون می آید و پاره ای دیگر از ترس خدا فرو ریزد .

روشن است که بزرگترین مانع برای هدایت و سعادت بشر ، پدید آمدن چنین حالتی در دل و جان اوست ، که شخص را از پذیرش حق باز داشته و از توفیقات و پیشرفت های معنوی او جلوگیری می کند ، پس در این راستا ، یکی از برکات مهمّ استغفار این است که زنگار دل را می زداید ، قلب را صفا می بخشد ، به فکر انسان نور و روشنایی عطا می کند و ظرف وجود او را پذیرای هدایت های خداوند و هادیان راه سعادت و فضیلت می سازد .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در این زمینه می فرمایند :

إِنَّ لِلْقُلوبِ صَداءً کَصَداءِ النُّحاسِ فَاجْلُوها بِالإِسْتِغْفارِ . (۲)

برای دل ها زنگار و کدورتی است مثل زنگار و کدورت مِسْ ، دل های خویش را با استغفار و طلب آمرزش از خدا ، جلا دهید .

۱ سوره بقره ، آیه ۷۴ .

۲ بحارالأنوار

، ج ۹۰ ، ص ۲۸۴ .

۱۲ روی آوردن خیر و خوبی به انسان

توجّه به استغفار و روی آوردن به درگاه خدا و عذرخواهی از گناه ، توجّه به همه خوبی ها ، خیرات و برکات است ; و نشانه آن است که خداوند اراده خیر و خوبی به انسان دارد . و غفلت از آن ، فرو رفتن در منجلاب زشتی ها و بدی ها را به دنبال دارد و علامت آن است که خداوند اراده شرّ و بدی نسبت به او دارد .

سفیان بن سمط گوید : امام صادق (علیه السلام) فرمودند :

إنَّ اللهَ إذا أَرْادَ بِعَبْد خَيْراً فَأَذْنَبَ ذَنْباً أَتْبَعَهُ بِنِقْمَه وَيُذَكِّرُهُ الْإِسْتِغْفارَ ، وَ إذا أَرادَ بِعَبْد شَرّاً فَأَذْنَبَ ذَنْباً أَتْبَعَهُ بِنِعْمَه لِيُنْسِيَهُ الإِسْتِغْفارَ وَ يَتَمادى بِها وَ هُو قَوْلُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ (سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لايَعْلَمُونَ) بِالنِّعَمِ عِنْدَ المَعاصى . (۱)

به راستی ، هرگاه خداوند اراده می کند خیری را به بنده ای (برساند) و او گناهی می کند ، به بلایی گرفتارش می کند ، آن گاه استغفار را به یادش می آورد . (تا بدین وسیله گناهش را ببخشد و از عقوبت دنیا و آخرت ، نجاتش دهد) .

و هرگاه اراده می کند شرّ و بدی را به بنده ای (برساند) و او گناه می کند ، پس از گناه نعمتی به او می دهد تا استغفار را فراموش کند و مشغول آن نعمت گردد . و همین مراد خداوند است که می فرماید :

« ما آن ها را در درکات عذاب خویش پایین می بریم به گونه ای که خود نمی دانند » .

یعنی

: به واسطه نعمت هایی که پس از عصیان و نافرمانی خدا ، به آنان می دهیم ، (ایشان را در عذاب خویش لحظه به لحظه پایین تر می بریم) .

پس چه بهتر که وِرْد شب و روز خود را استغفار و عذرخواهی از خداوند قرار دهیم ، تا خالق خیرات ، اراده خیر و نیکی به زندگی ما کند و خیرات مادّی و برکات معنویش را به سوی ما گسیل دارد و از شرور و بدی ها نگاهمان دارد .

۱ کافی ، ج ۲ ، ص ۴۵۲ .

۱۳ بازگشت روح ایمان و تکمیل حقیقتش در انسان

از مدارکی استفاده می شود : هنگام گناه ، روح ایمان از انسان جدا می گردد و بین او و حقیقت ایمان فاصله می افتد و چنانچه شخص گنهکار توبه و استغفار کند ، این روح به او برمی گردد . و این یکی از برکات مهمّ استغفار است که نباید از اهمیّت آن غافل شد .

محمّد بن مسلم گوید : امام باقر (علیه السلام) فرمودند :

إِذا زَنَى الزّانِی خَرَجَ مِنْهُ رُوحُ الایمانِ ، فَإِنْ إِسْتَغْفَرَ

عادَ إِلَيْهِ . (۱)

هنگامی که شخص زناکار زنا می کند ، روح ایمان از او بیرون می رود . پس اگر توبه و استغفار کند ، این روح به او بر می گردد ! .

از این مهمتر آن که پس از بازگشت روح ایمان به انسان ، اگر او استغفار و عذرخواهی خداوند را ادامه دهد ; مراتب ایمان در وجودش کامل می شود و حقیقت اعتقاد به حق در او شکل می گیرد .

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در

سفارش هایی که به امیرالمؤمنین (علیه السلام) دارند ، استغفار بعد از گناه را یکی از هفت عاملی می شمارند که باعث تکمیل حقیقت ایمان در انسان می گردد :

یا عَلیُّ سَبْعَةٌ مَنْ کُنَّ فِیهِ فَقَدْ اسْتَکْمَلَ حَقیقَةَ الایمانِ وَ أَبْوابُ الْجَنَّهِ مُفَتَّحَةٌ لَهُ : مَنْ أَسْبَغَ وُضُوئَه ، وَ أَحْسَنَ صَلاتَه ، وَ اَدّی زَکاةَ مالِه ، وَ کَفَّ غَضَبَه ، وَ سَجَنَ لِسانَه ، وَاسْتَغْفَر لِذَنْبِه ، وَ اَدّی النَّصیحَهَ لِاِهْلِ بَیْتِ نَبِیّهِ . (۲)

ای علی ! هفت چیز است که در هر کس باشد حقیقت ایمان را در خود کامل کرده است ، و درهای بهشت به رویش باز می گردد :

۱ کسی که وضویش را شاداب و کامل بگیرد .

۲ نمازش را نیکو بجا آورد .

۳ زکاه مالش را بپردازد .

۴ خشم خود را باز دارد .

۵ زبانش را در زندان دهان حبس کند .

۶ برای گناهش استغفار کرده ، آمرزش طلبد .

۷ برای اهل بیت پیامبرش (علیهم السلام) ، خیرخواهی کند .

۱ وسائل الشّیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۱۰ ; من لایحضر الفقیه ، ج ۴ ، ص ۱۴ .

۲ من لایحضره الفقیه ، ج ۴ ، ص ۲۵۹ . این حدیث از سکونی از امام صادق (علیه السلام) به همین مضمون با اندک اختلافی نیز ، روایت شده است . بحارالأنوار ، ج ۷۷ ، ص ۳۰۴ .

۱۴ ورود به بهشت

کسی نیست که آرزوی بهشت و نعمت های بی نظیر بهشتی را در سر نپروراند . و شکی نیست که ورود به بهشت شرایطی دارد که بخشی از

آن مربوط به اعتقاد انسان و بخش دیگرش وابسته به عمل اوست . در آیات و روایات به صورت پراکنده به این شرایط اشاره شده است .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در سخنی زیبا و پر بار به چهار عمل برای انسان اشاره می کنند که اگر در کسی باشد ، از اعتقاد راسخ او به خدا حکایت می کند . و کسی که عمر گران مایه خویش را با این صفات سپری می کند ، وارد بهشت می گردد . یکی از آن ها این است که هر گاه ، مرتکب گناهی شد ، بگوید : « أَسْتَغْفِرُاللهَ » . (۱)

پس یکی از برکات معنوی استغفار ، ورود در بهشت و بهره مندی از نعمت های ابدی بهشتی است . و این مطلبی نیست که تنها در این روایت آمده باشد . در حدیث دیگری پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فضایل زیادی را برای استغفار بعد از نافله فجر ، قبل از نماز صبح ذکر می کنند . از جمله می فرمایند :

هر کس این استغفار را تلاوت کند ، اگر در آن روز یا شبی که استغفار کرده بمیرد ، وارد بهشت می گردد . (۲)

در روایت صفحه قبل نیز ، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به این مطلب اشاره کرده و استغفار را یکی از هفت عاملی می شمارند که باعث تکمیل ایمان و باز شدن درهای بهشت به روی انسان می گردد .

۱ مستدرک الوسائل ، ج ۱۲ ، ص ۱۲۰ .

۲ بحارالأنوار ، ج ۸۴ ، ص ۳۲۶ .

ما متن این استغفار را در بحث انواع استغفار ، صفحه ۲۵۳ آورده ایم .

گفتار ششم : نکته ها و رموز استغفار

برکات فراوان برای استغفار زیاد

از مجموع روایاتی که در فضیلت استغفار روایت شده است ، استفاده می شود که آثار مادّی و برکات معنویِ استغفار برای کسی است که زیاد و پی درپی ، شب و روز ، در هر حال و همه جا ، از خدا عذرخواهی کرده و آمرزش طلبد .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در سخن پرباری می فرمایند :

أَکْثَرُوا مِنَ الإِسْتِغْفارِ ، فی بُیوتِکُمْ وَ فی مَجالِسِکُمْ وَ عَلی مَوائِدِکُمْ وَ فی أَسْواقِکُمْ وَ فی طُرُقِکُمْ وَ أَیْنَما کُنْتُمْ فَإِنَّکُمْ لاتَدْرُونَ مَتی تَنْزِلُ الْمَغْفِرَهُ . (۱)

زیاد استغفار کنید ، در خانه ها و مجالستان ، سر سفره ها و در بازارهایتان ، و در مسیر رفت و آمدهایتان و هر جا که بودید (استغفار نمایید) . چرا که شما نمی دانید آمرزش خداوند چه زمانی نازل می شود .

در بیان گوهر افشان و حکمت بار دیگری خطاب به زن های مسلمان می فرمایند :

یا مَعاشِرَ النِّساءِ تَصَدَّقْنَ وَ أَکْثِرنَ الإِسْتِغْفارَ ، فَإِنّی رَأَیْتُکُنَّ أَکْثَرَ أَهْلِ النّارِ . (۲)

ای بانوان صدقه دهید و زیاد استغفار کنید که من بیشترِ اهل آتش را از شما زنان دیدم .

علاوه بر این ، در روایات ، فضایل خاصّی برای این ذکر شریف وارد شده است که خود عامل مهمّی برای زیاد گفتن استغفار است ، ما نمونه هایی از آن را زینت بخش این فصل کتاب قرار می دهیم .

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در سخن زیبایی استغفار را برترین دعا شمرده اند

:

ما مِنَ الدُّعاءِ شَیْءٌ أَفْضَلُ مِنَ الإِسْتِغْفار . (۳)

هیچ دعایی برتر و با فضیلت تر از استغفار نیست .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) اضافه بر این ، از آن به عنوان پربرکت ترین دعا در دنیا و آخرت ، یاد فرموده اند :

أَیُّ دُعاء أَفْضَلُ مِنَ الإِسْتِغْفار وَ أَعْظَمُ بَرَکَهً مِنْهُ فِی الدُّنْیا وَالآخِرَهِ . (۴)

چه دعایی از استغفار ، با فضیلت تر ، و برکت آن در دنیا و آخرت از طلب آمرزش ، بزرگتر و بیشتر است .

در سخن زیبای دیگری آن حضرت ، اجر و پاداش این ذکر مبارک را بزرگترین پاداش دانسته و از آن به عنوان سریع ترین عامل برای دست یافتن به ثواب خداوند یاد نموده اند :

الإِسْتِغْفارُ أَعْظَمُ أَجْراً وَ أَسْرَعُ مَثُوبَهً . (۵)

استغفار بزرگترین اجر و پاداش و سریع ترین مزد و ثواب را دارد .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در گفتار حکیمانه ای آن را سلاح گنهکار ، برای دفاع از خویشتن در برابر دشمن (گناه و عقوبتش) شمرده اند :

سِلاحُ الْمُذِنْبِ ، اَلإِسْتِغْفارُ . (۶)

اسلحه گنهکار ، طلب آمرش از خداوند است .

همچنین آن حضرت استغفار را وسیله خوبی برای شستوشوی گناهان دانسته اند :

نَعْمَ الْوَسیلَهُ ، اَلإِسْتِغْفارُ . (۷)

(برای از بین بردن آثار شوم گناه) استغفار خوب وسیله ای است .

در سخن پر بار دیگری ، آن پیامبر رحمت از گناهان به عنوان درد و مرض یاد کرده و دوای آن را استغفار معرفی کرده اند :

اَلذُّنُوبُ داءٌ وَالدَّواءُ الإِسْتِغْفارُ وَالشَّفاءُ أَنْ لاتَعُودَ . (۸)

گناهان درد و مرض هستند و دوای آن استغفار است ،

و شفا یافتن از آن به این است که دیگر به سوی آن ها برنگردی .

باز پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله وسلم) در دو کلام نورانی ، استغفار را بهترین عبادت و دعا معرفی کرده و فرموده اند :

خَیْرُ العِبادَهِ الإِسْتِغْفارُ . (۹)

استغفار بهترین عبادت است .

خَیْرُ الدُّعاءِ الإِسْتِغْفارُ . (۱۰)

بهترین دعا ، طلب آمرزش از خداوند است .

افزون بر این ، در بعضی از روایات که در زمینه آثار و برکات استغفار رسیده است ، به صراحت و روشنی اثرهای یاد شده ، برای زیاد استغفار کردن ذکر گردیده است .

به نمونه هایی از آن ها توجّه کنید :

امام صادق (علیه السلام) حدیثی را از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت می کنند که آن حضرت فرمودند :

عَلَیْکُمْ فی شَهْرِ رَمَضانِ بِکَثْرَهِ الإِسْتِغْفارِ وَالدُّعاءِ ، فَأَمَّا الدُّعْاءُ فَیَدْفَعُ بِهِ عَنْکُمْ البَلاءَ وَ أَمَّا الإِسْتِغْفارُ فَیَمْحی ذُنُوبَکُمْ . (۱۱)

بر شما باد که در ماه رمضان زیاد استغفار و دعا کنید ، که دعای زیاد ، بلا و گرفتاری را از شما دور می سازد ; و استغفار زیاد ، گناهان شما را نابود می کند .

* نصر بن کثیر گوید : بر امام صادق (علیه السلام) وارد شدم در حالی که سفیان ثوری هم همراه من بود . امام صادق (علیه السلام) سفارش هایی کردند ، از جمله فرمودند :

إِذَا اسْتَبْطَأْتَ الرِّزْقَ فَأَکْثِرْ مِنَ الإِسْتِغْفارِ . (۱۲)

هرگاه روزیت به کُندی آید و به سختی به تو رسد ، زیاد استغفار کن .

* رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در کلامی نورانی ، فرمودند :

مَنْ أَکْثَرَ الإِسْتِغْفارَ جَعَلَ اللهُ لَهُ مِنْ

كُلِّ هَمّ فَرَجاً وَ مِنْ كُلِّ ضيق مَخْرَجاً وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لايَحْتَسِبُ . (۱۳)

هر کس زیاد استغفار کند ، خداوند نسبت به هر غصّه و اندوهی ، گشایشی برایش قرار دهد و از هر تنگنایی راه خروجی پیش پایش گذارد و از جایی که گمان ندارد او را روزی دهد .

از مجموع سخن در این بخش نتیجه می گیریم :

همانگونه که در گفتار قبل عنوان گردید ، در پاره ای آیات و روایات ، آثار و برکات عظیمه ای برای ذکر استغفار بیان شده که هضم آن برای همگان آسان نیست ; و این خود باعث تشکیک در اصل مطلب می شود که چگونه ممکن است ، کسی عمری گناه کند و سپس با درخواست بخشش از پروردگار خویش ، آمرزش خداوند شامل حالش شود و یا با گفتن یک استغفار به چنین آثار و برکاتی دست یابد ؟ !

پاسخ این سؤال ، به صورت پراکنده در مکتب وحی و سخنان اهل بیت (علیهم السلام) آمده است ، چکیده اش این است :

اولاً ـ : همانگونه که در فصل های گذشته یادآور شدیم ، استغفار ، تنها لغلغه زبان نیست ، بلکه حقیقت آن ، ندامت قلبی گوینده و پشیمانی باطنی او از گذشته و تصمیم جدّیش به ترک گناه و رو آوردنش به سوی خدا و احکام نورانی اسلام است .

ثانیاً : قوام توبه و استغفار به اینست که اگر واجباتی از او فوت شده ، آن ها را جبران سازد ، به این صورت که قضایش را بجا آورده ، کفّاره اش را بپردازد و یا به گونه دیگر

آن را تدارک کند .

ثالثاً : اگر گناه او حق الناس است ، آن را پرداخته و یا صاحب حق را راضی کند ، بگونه ای که هنگام گفتن استغفار هیچ حقی از مردم به عهده او نباشد .

رابعاً : گناهی که از آن توبه کرده و برایش استغفار می کند گناهی باشد که قابل گذشت و بخشش باشد ، نه آن که توبه در مورد آن مفهومی نداشته و قابل گذشت و آمرزش نباشد . مثل اینکه ، آئین جدیدی پدید آورده و یا بدعتی در دین خدا گذارده و بدین واسطه جمعی را گمراه و از آغوش دین خدا جدا ساخته باشد . زیرا کسانی که بر دین اختراعی او باقی مانده ، بدعتهای او را پذیرفته ، بدان عمل کرده و بر آن عقیده مرده اند ، قابل بازگشت نیستند .

بی شک ، چنین گناهی توبه ای ندارد ، مگر آن که تمام کسانی را که گمراه ساخته ، به صراط مستقیم باز گرداند ; و این کار نیز برای او امکان پذیر نیست .

آخرین سخن در پاسخ به سؤال مذکور ، که از روایات گذشته استفاده می شود این است :

آمرزش خداوند و سایر برکات استغفار برای کسی است که علاوه بر شرایط یاد شده ، زیاد و پی در پی استغفار گوید نه آنکه عمری گناه کند و سپس با گفتن یک استغفار همه گناهانش آمرزیده شود ! همچنانکه اگر پی در پی استغفار کند ، ولی تصمیم جدّی بر ترک گناه نگیرد و گذشته تاریک خویش را جبران نکند ، از استغفار خویش سودی نمی

برد !

پس زیاد استغفار کردن ، مصمم بر ترک گناه بودن و گذشته خویش را جبران کردن از مهمترین شرایط پذیرش توبه و مهمترین عامل پدیدآورنده آثار و برکات استغفار ، مخصوصاً آمرزش خداوند است .

از سوی دیگر ، گاهی سؤال می شود زیاد گفتن استغفار به چه شکل صورت می پذیرد و بر چه گفتنی اطلاق می گردد ؟

پاسخ این سؤال نیز در سخنان نورانی اهل بیت (علیهم السلام) به صورت اجمال آمده است . خلاصه جواب این است :

زیاد گفتن استغفار به این است که هر کسی در روز صد مرتبه و در شب هفتاد بار استغفار گوید . علاوه بر این ، به مقداری که وقت و توان دارد ، استغفارهای وارده را تلاوت کرده ، بخصوص در اوقات نماز و ساعات استجابت دعا از خدا آمرزش بخواهد . در این صورت ، بی تردید گناهش بخشیده شده و آثار و برکات آمرزش خواهی را خواهد دید .

بنابراین ، با وجود این همه مدارک محکم و روشن ، نباید از رحمت و مغفرت خداوند مأیوس بود و از توبه و استغفار دست شست . همچنانکه ، نباید به یاوه سرایی عده ای گوش فرا داد ، که سر و کار چندانی با دین ندارند و از تحقیق در آیات و روایات معتبرترین مدارکِ مفاهیم دینی بویی نبرده و تنها با خطور اشکالی به ذهن خویش ، تیشه به ریشه مقدسات مذهبی زده و دوستان امیرالمؤمنین (علیه السلام) را از بازگشت به سوی خدا و امام زمان (علیه السلام) باز داشته و از آمرزش خداوند مأیوس

می سازند .

۱ مستدرک الوسائل ، ج ۵ ، ص ۳۱۹ .

۲ مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۳۰۹ .

۳ مستدرک الوسائل ، ج ۵ ، ص ۳۱۸ .

۴ مستدرک الوسائل ، ج ۶ ، ص ۱۸۸ .

۵ و ۶ مستدرک الوسائل ، ج ۱۲ ، ص ۱۲۲ .

۷ مستدرک الوسائل ، ج ۱۲ ، ص ۱۲۴ .

۸ مستدرک الوسائل ، ج ۱۲ ، ص ۱۲۹ .

۹ کافی ، ج ۲ ، ص ۵۶۷ .

۱۰ کافی ، ج ۲ ، ص ۵۰۴ ; وسائل الشّیعه ، ج ۷ ، ص ۱۷۶ ; بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۱۹۰ .

۱۱ وسائل الشّیعه ، ج ۱۰ ، ص ۳۰۹ ; من لایحضر الفقیه ، ج ۲ ، ص ۶۰۸ .

۱۲ بحارالأنوار ، ج ۶۶ ، ص ۴۰۷ .

۱۳ بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۲۸۱ .

اثر نوشتن استغفار روی انگشتر

محبوبیّت استغفار ، پیش خداوند به حدّی است که نوشتن جمله « أَسْتَغْفِرُاللّهَ » به ضمیمه دو ذکر دیگر ، روی نگین انگشتر ، و همراه داشتن آن ، نیز دارای آثار و برکاتی است . تا چه رسد به این که این ذکر

ورد شب و روز انسان باشد ! از جمله آثاری که برای نوشتن این جمله روی نگین انگشتر ذکر گردیده است ، رهایی از فقر و تنگ دستی است .

محمد بن ابی عمیر ، در حدیثی از امام صادق (علیه السلام)روایت می کند :

مَنْ کَتَبَ عَلی خاتَمِهِ « ما شاءَ اللهُ لا قُوَّهَ إلاّ

بِاللّه أَسْتَغْفِرُاللّهَ »

أَمِنَ مِنَ الْفَقْرِ الْمُدْقِعِ . (۱)

هر کس روی انگشترش این عبارت را بنویسد :

« آنچه خدا بخواهد (همان می شود) ، هیچ نیروی نیست مگر به کمک خداوند ، از خدا طلب آمرزش می کنم » .

از فقری که او را خوار و سر افکنده سازد ، در امان می ماند .

گفتنی است : ظاهر حدیث این است که برای دست یافتن به اثر یاد شده ، باید متن عربی اذکار نوشته شود .

اثر دیگر نوشتن این اذکار روی انگشتر عقیق ، اینست :

اگر کسی تربت قبر مطهر امام حسین (علیه السلام) را با آدابی که امام باقر (علیه السلام)برای جابر ذکر می کنند ، بردارد و سپس آن را با انگشتر عقیقی که ذکر شریف « ما شاءَ اللّهُ لا قُوَّةَ إِلاّ بِاللّه أَسْتَغْفِرُاللّهَ » ، روی آن نوشته شده است ، مهر کند ; چنین تربتی باعث شفای هر مرضی خواهد بود . (۲)

۱ وسائل الشّیعه ، ج ۵ ، ص ۱۰۲ .

۲ بحارالأنوار ، ج ۹۸ ، ص ۱۳۸ ، ح ۸۳ . در این حدیث امام باقر (علیه السلام) آداب برداشتن تربت قبر امام حسین (علیه السلام) را برای جابر بن یزید جعفی بیان می کنند که شایسته دقت و تأمّل است .

سیّد الاستغفار

پیامبر و اهل بیت پاکش (علیهم السلام) با بیانات وحی گونه خویش راه عذرخواهی از خدا را به شیعیان آموخته اند و در فرصت های مختلف ، نسخه های گوناگونی از استغفار را به آنان یاد داده اند که هر یک در جای خود دارای آثار

و برکات خاصّی است . در میان نسخه های استغفار به بعضی از آن ها با عناوین برگزیده ای اشاره شده است که دارای مزیّت و شرافت بیشتری است ، و البتّه سرّ آن برای ما فاش نشده است و تنها با رمز و

اشاره بیان گردیده است . بسیار به جاست که راهیان کوی دوست ، با دقّت و تأمل بیشتر ، نکات آن را دریابند و از فیوضات و برکاتش بهره مند گردند .

یکی از رموز یاد شده ، عنوان سیّد الاستغفار است که پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله وسلم) ، در سخن زیبایی بدان اشاره می کنند .

جابر بن عبدالله انصاری گوید : رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند :

تَعَلَّمُوا سَیِّدَ الإِسْتِغْفارِ .

آقای استغفار را بیاموزید (و آن را تلاوت کنید) .

سپس این عبارت را بیان فرمودند :

اَللّهُمَّ أَنْتَ رَبّی لا إِلهَ إِلاّ أَنْتَ خَلَقْتَنی وَ أَنَا عَبْدُکَ وَ عَلی عَهْدِکَ وَ أَبْوءُ بِنِعْمَتِکَ عَلَیَّ وَ أَبُوءُ لَکَ بِذَنْبی فَاغْفِرْ لی إِنَّهُ لایَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاّ أَنْتَ . (۱)

خدایا تو پروردگار منی ، هیچ معبودی جز تو نیست ، تو مرا آفریده ای و من بنده توام و بر عهد و پیمان باقی ام ، به کمک نعمتی که به من دادی زندگی می کنم و به گناه خویش اقرار دارم ، (خدایا) مرا ببخش که جز تو کسی گناهان را نمی بخشد .

۱ مستدرک الوسائل ، ج ۵ ، ص ۳۱۷ .

نماز استغفار

یکی از دستوراتی که در کلمات نورانی پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) ، برای رهایی از مشکلات و

نجات از سختی ها ، بدان سفارش شده است ، خواندن نماز استغفار است که دارای آثار و برکات فراوانی است و کیفیّت آن بدین صورت است :

دو رکعت ، و در هر رکعت بعد از حمد سوره قدر خوانده می شود و پس از آن پانزده مرتبه استغفار گفته می شود ، و سپس به رکوع رفته و بعد از ذکر رکوع ده مرتبه استغفار و پس از برخاستن از رکوع و قبل از رفتن به سجده همین ذکر ده مرتبه ، و پس از ذکر سجده ده مرتبه ، و بعد از برخاستن از سجده اول ده مرتبه ، و در سجده دوّم بعد از ذکر سجده باز ده مرتبه ، و پس از برخاستن از سجده دوم نیز ده مرتبه استغفار گفته می شود . رکعت دوم نیز به همین صورت به جا آورده می شود .

این نماز شبیه نماز جعفر طیّار است با این تفاوت که دو رکعت است و در هر رکعت بعد از حمد سوره قدر تلاوت می شود و به جای تسبیحات

اربعه ، در هر جا به تعداد خاصّی که ذکر گردید ، استغفار گفته می شود .

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در فضیلت این نماز می فرمایند :

إِذا رَأَیْتَ فی مَعاشِکَ ضیقاً وَ فی أَمْرِکَ إِلْتِیاثاً فَأَنْزِلْ حاجَتَکَ بِاللهِ تَعالی وَ جَلَّ ، وَلاتَدَعْ صَلاةَ الإِسْتِغْفارِ .

هر زمان در روزی خود تنگی و سختی دیدی و در کار خویش پراکندگی و از هم پاشیدگی مشاهده کردی ، که کار را بر تو مشتبه ساخت ; حاجتت را با خدا در میان گذار

و نماز استغفار را رها مکن .

سپس نماز را به همان صورت که که گذشت توضیح دادند و فرمودند :

(اگر این نماز را بخوانی) خداوند کار تو را اصلاح می کند انشاءالله . (۱)

گفتنی است : برای استغفار در این نماز ، صورت خاصّی ذکر نشده است . بنابراین هر یک از نسخه های استغفار را که در بخش آخر این کتاب آمده است ، به عنوان ذکر نماز استغفار می توان گفت ، هر چند مختصر باشد .

۱ مستدرک الوسائل ، ج ۶ ، ص ۳۰۶ .

زمان استغفار

سؤالی که به ذهن بعضی ممکن است خطور کند این است :

پس از انجام گناه ، فرصت استغفار و عذرخواهی از خداوند ، تا چه زمانی برای انسان باقیست ؟

باید بگوییم : توبه و بازگشت به سوی خداوند واجب است و وجوب آن فوریست . به این معنی که شخص گنهکار بلافاصله باید از کردار زشت خویش استغفار کند و از گناهانش دست بکشد و تصمیم جدّی بر ترک آن بگیرد . ولی این هرگز به معنای محدودیت زمانی برای استغفار نیست ، از مدارکی استفاده می شود : کسی که گناه کند و مدّت زمانی بر آن بگذرد و از توبه کردن غافل شود ، هر زمان که از گناه خود پشیمان شود و تصمیم بر ترک گناه بگیرد و دیگر به سوی آن برنگردد و سپس استغفار کند ، خدای مهربان او را می بخشد و از سر تقصیرش در می گذرد . (۱)

از سوی دیگر از بعضی روایات استفاده می شود : از زمانی

که انسان گناه می کند ، تا هفت ساعت بیشتر برای استغفار و عذرخواهی از خداوند مهلت ندارد و چنانچه استغفار نکند ، گناه در نامه عملش ثبت می شود . (۲)

جمع بین این دو دسته روایات ، به این است :

مهلت هفت ساعت برای این است که گناه در نامه عمل انسان ثبت نگردد . یعنی اگر قبل از هفت ساعت استغفار و توبه کند اصلاً گناهی در نامه عمل او نوشته نمی شود . ولی چنانچه توبه و عذرخواهی نکند ، گناه نوشته می شود و اگر بعد از هفت ساعت توبه کند و اصرار در طلب آمرزش از خدا نماید امید می رود که آنچه برایش نوشته شده است از نامه عملش پاک گردد . امام صادق (علیه السلام) در حدیثی می فرمایند :

مؤمن بعد از گذشت بیست سال به یاد گناهش افتاده و از آن استغفار می کند و خدا او را می بخشد . در حالی که کافر همان ساعتی که گناه می کند ، گناه خویش را از یاد می برد . (۳)

از همین روست که امیرالمؤمنین (علیه السلام) ، از استغفار به عنوان وسیله ای برای پاک کردن نامه عمل یاد می کنند :

تعجّب از کسی است که از آمرزش خداوند ناامید گشته است ، در حالی که با او وسیله پاک کننده است .

شخصی سؤال کرد : پاک کننده چیست ؟

امام (علیه السلام) فرمودند : استغفار . (۴)

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز به استغفار خاصّی اشاره کرده و می فرمایند :

هر کسی هر روز بعد از نماز عصر ، روزی

یک بار آن را تلاوت کند ، خداوند به دو ملک مأمور او دستور می دهد ، نامه عمل زشت او را ، هر چه هست پاره کنند . (۵)

گفتنی است : هر چه استغفار انسان به گناهش نزدیکتر باشد ، سریع تر به آمرزش خداوند دست می یابد و چنانچه قبل از هفت ساعت استغفار و توبه کرده باشد ، از عقوبت های گناه در دنیا نیز در امان می ماند . در حالی که اگر هفت ساعت بر او گذشت و توبه و استغفاری نکرد ، گناه در نامه عملش ثبت می شود و چنانچه بعد از گذشت زمانی رو به توبه و استغفار آورد ، ممکن است بعد از دیدن بلاهایی در دنیا از قبیل فقر ، مرض ، قرض و ناراحتی هایی از این قبیل ، توبه اش پذیرفته و گناهش آمرزیده شود .

پس چه بهتر که اگر گناهی از ما سر زد ، بلافاصله توبه و استغفار کرده و ندامت خود را به خدای خویش اظهار کنیم ، تا هم گناهی در نامه عملمان ثبت نگردد و هم علاوه بر مصونیت از عذاب های حتمی خداوند در آخرت ، از عقوبت ها و بلاهای احتمالی او در دنیا ، نیز محفوظ بمانیم .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در سخنی زیبا و نورانی می فرمایند :

خوشا به حال بنده ای که از گناهی استغفار کند که کسی جز خودش از آن با خبر نیست . به راستی مَثَل استغفار به دنبال گناه ، مَثَل آبی را ماند که روی آتش ریخته می شود و آن را

خاموش می کند . (۶)

۱ وسائل الشّیعه ، ج ۱۶ ، ص ۷۱ ، باب ۸۶ .

۲ کافی ، ج ۲ ، ص ۴۳۴ ; وسائل الشّیعه ، ج ۱۶ ، ص ۶۴ .

۳ کافی ، ج ۲ .

۴ وسائل الشّیعه ، ج ۷ ، ص ۱۷۷ .

۵ مستدرک الوسائل ، ج ۵ ، ص ۱۲۰ . متن این استغفار را در بخش « انواع استغفار و برکات آنها » در همین کتاب صفحه ۲۳۸ ، ملاحظه فرمایید .

۶ وسائل الشّیعه ، ج ۱۲ ، ص ۱۲۴ .

استغفار بهترین هدیه برای اموات

اموات و کسانی که دستشان از این عالم خاکی کوتاه گشته ، سخت در انتظارند که هدیه ای برای آن ها از سوی دوستان و بستگانشان فرستاده شود . و هیچ هدیه ای شادی بخش تر از طلب آمرزش برای آنان نیست . آری ، استغفار بهترین هدیه و برترین سوغاتی برای مردگان است که همچون نسیم خنک و دلپذیری ، در صحرایی سوزان و بی آب و علف ، بر پیکر خسته انسانی از پا افتاده میوزد و روحی تازه به او می بخشد . طلب آمرزش برای گناهانِ اموات به سان آب سرد و گوارایی است که جگرِ سوخته لب تشنگان را مرهم می بخشد و جان از دست رفته آنان را به ایشان باز می گرداند .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) حدیث زیبایی را از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در این زمینه روایت می کنند که آن حضرت فرمودند :

ما اُهْدِیَ إِلَی الْمَیِّتِ هَدِیَّهٌ وَ لا اُتْحِفَ تُحْفَهٌ أَفْضَلُ مِنَ الإِسْتِغْفارِ

(۱) .

هیچ چیزی به شخص مرده هدیه نمی گردد و هیچ سوغاتی برای او برده نمی شود که برتر از استغفار و طلب آمرزش باشد ! .

همان گونه که انسان از هدیه دوستان و بستگان خویش شادمان می گردد ، اموات و مردگان نیز از استغفار برای آنان شاد و خوشحال می شوند .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در تشبیه زیبایی به این نکته اشاره می کنند :

إنَّ الْمَیِّتَ لَیَفْرَحُ بِالتَّرَحُّمِ عَلَیْه وَ الإسْتِغْفارِ کَما یَفْرَحُ الحَیُّ بِالْهَدِیَّهِ تُهْدی إلَیْه . (۲)

به راستی ، که ترحّم بر مرده و آمرزش طلبیدن برای او باعث خوشحالی او می گردد همان گونه که انسان زنده از هدیه ای که برایش برده می شود خشنود می گردد .

این بدان جهت است که علّت اساسی گرفتاری مؤمن در عوالم بعد از مرگ ، گناهان و اعمال ناشایست اوست . و یکی از دعاهای مستجاب ، دعا در حقّ برادر یا خواهر مؤمن است ، مخصوصاً که استغفار ، خود نیز جامع ترین و بهترین دعای مستجاب شمرده می شود و به مجرّد این که شخصی برای آمرزش شیعه گنهکاری که از دنیا رفته است ، دعا می کند ، خداوند گناه او را می بخشد و از عقوبتش صرف نظر می کند و این خود باعث نجات مؤمن از گرفتاری های عالم برزخ است . پس هیچ هدیه ای برای او بالاتر از این نیست که کسی با دعا و استغفارش بلاها و عذاب های سخت آن عالم را از او دور کند و مقدمات آسایش ، امنیّت و ورود به بهشت را برایش

فراهم سازد ، به همین خاطر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)می فرمایند :

قَدْ اُمِرْتُ اَنْ اَسْتَغْفِرَ لِاَهْلِ البَقیعِ .

به من دستور داده شده است که برای ساکنانِ در بقیع استغفار و طلب آمرزش کنم .

آری رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در لحظات آخر عمرشان با گامهایی لرزان در حالی که با یک دست به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) تکیه کرده بودند و دست دیگرشان را بر فضل بن عباس نهاده بودند ، خود را به بقیع رساندند و بر خفتگان آن دیار سلام دادند ، سپس برایشان استغفار کرده ، و مدّتی طولانی از خدا برای آنان طلب آمرزش و بخشش نمودند . (۳)

از این فرمان خداوند به برترین پیامبر خویش و عمل آن حضرت ، آن هم در آخرین مرض آن بزرگوار که منجر به رحلت جان سوز حضرتش گشت ، استفاده می شود که استغفار برای مردگان و دوستان امیرالمؤمنین (علیه السلام)مخصوصاً در قبرستان مسلمین ، سنّت مؤکّدی است که برای همه دوستداران حضرتش ، شایسته پیروی است . و برکات فراوانی را برای استغفار گویان و مردگانی که برایشان طلب آمرزش می شود ، به ارمغان خواهد آورد .

۱ الجعفریات ، ص ۲۸۸ .

۲ عوالی اللئالی ، ج ۲ ، ص ۵۳ .

۳ ارشاد القلوب دیلمی ، ج ۱ ، ص ۳۳ .

استغفار برای پدر و مادر

یکی از حقوقی که پدر و مادر بر فرزند خویش دارند این است که در زمان حیات و بعد از مرگشان ، برای آن ها استغفار کند .

خداوند برای بیان اهمیّت این مطلب

به استغفار پیامبر اولوالعزم خویش ، حضرت ابراهیم (علیه السلام) ، برای پدر و مادرش ، اشاره می کند :

(رَبَّنَا اغْفِرْلی وَ لِوالِدَیَّ وَ لِلْمُؤْمِنینَ یَوْمَ یَقُومُ الحِسابُ) . (۱)

پروردگارا ! من و پدر و مادرم و تمام مؤمنین را روزی که همه در برابر تو برای حساب می ایستند ، ببخش و بیامرز .

در جای دیگر خداوند طلب آمرزش پیامبر بزرگ خویش حضرت نوح (علیه السلام) را برای پدر و مادرش ، چنین بازگو می کند :

(رَبِّ اغْفِرلی وَ لِوالِدَیَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَیْتِیَ مُؤْمِناً وَ لِلْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ) . (۲)

ای پروردگارم ، من و پدر و مادرم و هر کس که با ایمان (به تو) داخل خانه ام می شود و همه مردان و زنان با ایمان را ببخش و بیامرز .

از این آیات و مدارک بسیار دیگری استفاده می شود :

استغفار فرزند برای پدر و مادر ، مخصوصاً بعد از مرگ آنان ارزش والایی در پیشگاه خداوند دارد و باعث آمرزش و نجات آنان از گرفتاری های عالم برزخ و قیامت می شود ، و برکات فراوانی را برای خودِ انسان به ارمغان می آورد .

حقّ پدر و مادر به قدری عظیم است که ترک استغفار برای آنان بعد از مرگشان شدیداً نکوهش شده است و چنانچه با علم و آگاهی باشد ، به عاق والدین منجر می گردد .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند :

إنَّ الرَّجُلَ یَکُونَ بارّاً بِوالِدَیْهِ وَ هُما حَیّانِ فَإذا ماتا وَ لَمْ یَسْتَغْفِرْ لَهُما کُتِبَ عاقّاً لَهُما ، إنَّ الرَّجُلَ یَکُونُ عاقّاً لَهُما فی حَیاتِهِما فَإذا ماتا

وَ أَكْثَرَ الإِسْتِغْفارَ لَهُما كُتِبَ بارّاً . (۳)

به راستی ، مردی در زمان حیات پدر و مادرش فرزند نیکوکاری است و به آنان احسان و نیکی می کند ، ولی زمانی که (پدر و مادرش) می میرند و برایشان استغفار نمی کند ، نام او در زمره کسانی ثبت می شود که عاقّ والدین و آزار دهنده پدر و مادرشان بوده اند . و شخصی در زمان حیات پدر و مادرش آنان را آزار می داده است ، امّا بعد از مرگشان فردی نیکوکار نوشته می شود ، زیرا برای والدین خود زیاد استغفار کرده و آمرزش طلبیده است .

۱ سوره ابراهیم ، آیه ۴۱ .

۲ سوره نوح ، آیه ۲۸ .

۳ کافی ، ج ۲ ، ص ۱۶۳ .

استغفار برای مردان و زنان مؤمن

یکی از دعاهای مستجاب ، دعا برای آمرزش برادران و خواهران مؤمن به ویژه کسانی است که حقی بر گردن انسان دارند . طلب آمرزش برای دوستان و شیعیان امیرمؤمنان (علیه السلام) ، علاوه بر اینکه درخواستی است قرین اجابت ، برکات فراوانی نیز برای دنیا و آخرت دعا کننده به همراه دارد . بی جهت نیست که در سحرگاهان ، ساعت استجابت دعا و مهم ترین وقت استغفار ، سفارش اکید بر طلب آمرزش برای چهل مؤمن در قنوت « نماز وتر » شده است .

همچنین در مورد کسی که بر گردن انسان حقّی پیدا کرده مثل آنکه دانشی را به انسان آموخته باشد ، و یا توسّط انسان حقّ او ضایع شده مثل اینکه غیبت کسی را کرده

و رضایت طلبیدنِ از او مفسده انگیز باشد به آمرزش خواهیِ برای آنان به خصوص دستور داده شده است .

این ها بدان خاطر است که حق مؤمن عظیم است و رعایت حرمت او لازم و دعا ، باعث اداء برخی از حقوق فراوان او می گردد .

و چنین است که یکی از صفات شایسته بندگان صالح خدا ، دعا برای آمرزش برادران و خواهران مؤمن شمرده شده است .

خداوند زبان حال آنان را این گونه بیان می کند :

(رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا وَ لِاِخْوانِنا الَّذینَ سَبَقُونا بِالإیمانِ وَ لاتَجْعَلْ فی قُلوبِنا غِلاًّ لِلَّذینَ آمَنُوا رَبَّنا إِنَّکَ رَؤُوفٌ رَحیمٌ)(۱)

پروردگارا ! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفته اند ، بیامرز ، و در دل هایمان حسد و کینه ای نسبت به مؤمنان قرار مده . پروردگارا ، تو دلسوز و مهربانی .

دعا برای آمرزش مردان و زنان مؤمن آنقدر با ارزش و پر برکت است که فرشتگان آسمان نیز بدین واسطه به خدا تقرّب می جویند . خداوند ، حال آنان را چنین توصیف می فرماید :

(الَّذینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَیُؤْمِنُونَ بِهِ وَیَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذینَ آمَنُوا رَبَّنا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْء رَحْمَةً وَعِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذینَ تابُواْ وَاتَّبَعُواْ سَبیلَکَ وَقِهِمْ عَذابَ الْجَحیمِ)(۲)

فرشتگانی که حاملان عرشند و آنها که گرداگرد آن (طواف می کنند) تسبیح و حمد پروردگارشان را می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می کنند (و می گویند) : پروردگارا ! رحمت و علم تو همه چیز را فرا گرفته ، پس کسانی

را که توبه کرده و راه تو را پیروی می کنند بیامرز ، و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار .

در زیارت جامعه ائمّه المؤمنین (علیهم السلام) ، از این مطلب با صراحت و روشنی بیشتری یاد شده است . در فرازی از آن می خوانیم :

« بَلْ یَتَقَرَّبُ اَهْلُ السَّماۤءِ بِحُبِّكُمْ وَبِالْبَراۤئَهِ مِنْ اَعْداۤئِكُمْ وَتَواتُرِ الْبُكاۤءِ عَلی مُصابِكُمْ وَالاِْسْتِغْفارِ لِشیعَتِكُمْ وَمُحِبّیكُمْ » . (۳)

بلکه اهل آسمان (فرشتگان) با محبّت شما و بیزاری جستن از دشمنان شما و گریه های پی در پی بر مصایبتان و استغفار برای شیعیان و دوستانتان ، به خدا تقرّب می جویند .

نه تنها فرشتگان مقرّب خدا با دعا برای مؤمنان ، به خدا تقرّب می جویند ، بلکه روش انبیاء مرسل و الوالعزم خدا نیز ، بر این بود که با دعا برای آمرزش زنان و مردان با ایمان ، خود را به خدای خویش نزدیک می ساختند ! سخن پیامبر خدا ، حضرت نوح (علیه السلام) ، در این باره شنیدنی است که می گفت :

(رَّبِ اغْفِرْ لی وَلِوالِدَیَّ وَلِمَن دَخَلَ بَیْتِیَ مُؤْمِناً وَلِلْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ)(۴)

پروردگارا ! مرا و پدر و مادرم و تمام کسانی را که با ایمان وارد خانه من شدند ، و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرز .

۱ سوره حشر : آیه ۱۰ .

۲ سوره غافر : آیه ۷ .

۳ مفاتیح الجنان ، زیارت جامعه ائمّه المؤمنین (علیهم السلام) ; مصباح الزائر ، سید بن طاووس ، ص ۴۶۲ .

۴ سوره نوح : آیه ۲۸ .

برکات دعا برای مؤمنین و مؤمنات

از

مجموع آیات و روایات استفاده می شود که دعا برای آمرزش مؤمنین و مؤمنات ، آثار بسیار دارد . ما به فهرستی از آن اشاره می کنیم تـا خواننـدگان محترم به ارزش والای آن پی برده و از برکـات آن بهره گیرنـد و نگارنـده را مشـمول دعای خیرشان فرمایند :

برای مؤمنین و مؤمنات دعا کردن

۱ غم و اندوه را برطرف و گرفتاری را از بین می برد . (۱)

۲ روزی انسان را زیاد می کند . (۲)

۳ بلا و سختی را از انسان دور می سازد . (۳)

۴ باعث استجابت همان دعا در حق دعا کننده می شود . (۴)

۵ دعا کننده ، فردای قیامت به شفاعت کسانی که بر ایشان دعا کرده از آتش و عذاب خداوند نجات می یابد . (۵)

۶ به پاداش دعایی که کرده ، از صدهزار تا یک میلیون برابر دست می یابد . (۶)

۷ دعای او در حق خودش مستجاب می شود . (۷)

۸ فرشته مأموری برایش دعا می کند . (۸)

۹ از طرف هر مؤمنی که برایش دعا کرده ، حسنه ای برای دعا کننده نوشته می شود . ۹

در انتهای این بحث ، برای روشن شدن چگونگی و تعداد اسـتغفار در روز برای برادران و خواهران مؤمن ، به دو روایت اشاره می کنیم تا مشوّق و راهگشای کسانی باشد که در جست و جوی انواع بیشتر آمرزش خواهی و فیوضات فراوان آنند .

عبدالله بن سنان حدیثی را از امام صادق (علیه السلام) چنین روایت می

کند :

هر کس روزی بیست و پنج مرتبه بگوید :

« اَللّهُمَّ اغْفِر لِلْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمینَ وَالْمُسْلِماتِ » .

خداونـد به تعداد همه مؤمنانی که از دنیا رفتند و هر مرد و زن با ایمانی که تا روز قیامت خواهند آمد ، برای او حسـنه نوشـته ، گناه پاک کرده و درجه بالا می برد . (۱۰)

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی ، سخن درربار پیامبر (صلی الله علیه وآله) را چنین نقل می کنند :

هر مرد و زن با ایمانی که از اول روزگار آمده و یا تا روز قیامت می آیند شفیع کسی خواهندبود که در دعایش بگوید :

« اَللّهُمَّ اغْفِر لِلْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ » .

به راستی ، روز قیامت (از طرف خداونـد) دسـتور می آیـد بنـده ای را به سوی آتش برند ، پس او به سوی آتش کشـیده می شود . ناگاه مردان و زنان مؤمنی که این شخص برایشان دعا کرده ، به درگاه خداوند عرضه می دارند :

پروردگارا ، این شخص (در دنیا) برای ما دعا می کرد ، شفاعت ما را درباره او بپذیر (و او را از آتش نجات بده) .

خداوند ، شفاعت آنان را درباره او پذیرفته و او نجات می یابد . (۱۱)

با توجه به آثار و برکاتی که دعا برای مؤمن در دین و دنیای انسان دارد ، بسـیار بجاست که شیعیان و چشم انتظاران امام عصر عجـل الله فرجه ، هر زمـان دست به دعـا برداشـتند قبـل از هر چیز برای تعجیـل فرج مولـای مظلومشان دعا کرده و سـپس برای آمرزش گناهان خود و

دیگر مؤمنان به حضرتش استغفار کنند ، تا به استجابت دعا دست یابند .

۱ و ۲ بحارالأنوار ، ج ۵۳ ، ص ۱۸۰ .

۳ بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۳۸۷ ، ح ۱۹ .

۴ کافی ، ج ۲ ، ص ۵۰۷ ، ح ۳ .

۵ کافی ، ج ۲ ، ص ۵۰۷ و ۵۰۸ .

۶ بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۳۸۷ ، ح ۱۹ .

۷ بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۳۸۴ .

۸ و ۹ بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۳۸۷ .

۱۰ وسائل الشّیعه ، ج ۷ ، ص ۱۱۴ ، ح ۳ .

۱۱ وسائل الشّیعه ، ج ۷ ، ص ۱۱۴ .

شروع و ختم استغفار با صلوات

یکی از نکاتی که در استغفارِ برای خود یا دیگران باید رعایت کرد ، فرستادن صلوات بر محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) قبل از استغفار و بعد از آن است . زیرا استغفار دعا برای آمرزش خود و دیگران است و یکی از شرایط استجابت هر دعایی فرستادن صلوات در ابتدا و انتهای آن است .

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در حدیث دُرر باری به این مطلب تصریح می کنند :

لاتَجْعَلُونی کَقَدَحِ الرّاکِبِ ، فَإِنَّ الرّاکِبَ یَمْلأُ قَدَحَهُ فَیَشْرِبُه إِذا شاءَ ، إِجْعَلُونی فی أَوَّلَ الدُّعاء وَ فی آخِرِهِ وَ فی وَسَطِهِ . (۱)

مرا مثل ظرف آب کسی که سوار مرکب است قرار ندهید چرا که شخص سواره ظرف آبش را پر می کند و هر گاه خواست از آن می آشامد ، بلکه مرا در

ابتدا و انتها و وسط دعا قرار دهید .

گویا مقصود پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از این سخن آن است :

آن گونه که عادت سواران است که ظرف آب را در انتهای مرکب خویش ، پشت سر ، میان خورجین می نهند و هرگاه بدان احتیاج پیدا کرده سراغش می روند ; با من رفتار نکنید . بلکه یاد من و صلوات بر من و آل مرا در ابتدا ، انتها و وسط دعای خویش بیاورید ، تا دعایتان مستجاب گردد و از برکات آن کاملاً برخوردار شوید .

امام صادق (علیه السلام) در حدیث پرباری ، با صراحت بدین مطلب سفارش می کنند :

هر کس حاجتی به سوی خدا دارد ، باید با صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام)شروع کند ، سپس حاجتش را بخواهد و در انتهای دعا نیز صلوات بفرستد . به راستی خداوند ، کریم تر از آن است که ابتدا و انتهای دعایی را بپذیرد ، امّا وسط دعا را رها کند و نپذیرد . چرا که ، صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) از درگاه خدای متعال محجوب نمی ماند (و مستجاب می گردد) . (۲)

در حدیث دیگری آن حضرت ، صلوات نفرستاندن را یکی از علل عدم استجابت دعا می شمارند :

لا یَزالُ الدُّعا مَحْجُوباً عَنِ السَّماءِ حَتّی یُصَلّی عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد (علیهم السلام) . (۳)

« هر دعایی دائماً از آسمان محجوب است (و بالا نمی رود) ، مگر آن که (در کنار آن) بر محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) صلوات

فرستاده شود .

پس با توجّه به این که استغفار بهترین دعا است و دارای آثار و برکات فراوانی است ، خوب است که آن را با صلوات شروع کنیم و با صلوات نیز پایان دهیم ; تا از برکت پیامبر و آلش (علیهم السلام) به تمام خواص مادّی و آثار معنوی استغفار دست یابیم . مخصوصاً که صلوات خود یکی از عوامل مهمّ آمرزش و ریزش گناهان است .

امام رضا (علیه السلام)در سخن زیبایی می فرمایند :

مَنْ لَمْ یَقْدِرْ عَلی ما یُکَفِّر بِهِ ذُنُوبَهُ ، فَلْیُکْثِرْ مِنَ الصَّلاهِ عَلی مُحَمَّد وَ آلِهِ ، فَإِنَّها تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَدْماً . (۴)

هر کس قدرت ندارد ، کاری کند که کفاره گناهانش باشد (و بار عقوبت گناه را از دوشش بردارد) باید بر محمد و آل محمد (علیهم السلام)زیاد صلوات بفرستد . مسلماً ، صلوات ، گناهان را نابود می سازد بگونه ای که اثری از آن نمی ماند .

۱ کافی ، ج ۲ ، ص ۴۹۲ ; وسائل الشّیعه ، ج ۷ ، ص ۹۴ ; بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۳۱۶ .

۲ بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۳۱۶ .

۳ بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۳۱۲ ; امالی طوسی ، ج ۲ ، ص ۲۷۵ .

۴ بحارالأنوار ، ج ۹۱ ، ص ۶۳ .

گفتار هفتم : برترین اوقات استغفار

مقدمه

در طول ساعات شبانه روز ، ساعات خاصّی به عنوان بهترین ساعات استغفار ; و در طول هفته ، شب و روز خاصّی به عنوان برترین روزها برای طلب آمرزش از خداوند ; و در طول سال ،

ماه های خاصّی به عنوان بهترین ماه برای استغفار و عذرخواهی از پروردگار ، یاد شده اند که باید غنیمت شمرده شوند .

اگر این اوقات را دوران طلایی عمر انسان بنامیم ، با توجّه به آثار گرانبهایی که این ذکر مبارک دارد ، سخن گزافی نگفته ایم . بلکه گفتار زیبایی است که ریشه در قرآن و کلمات نورانی پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)دارد . و کسی که طالب کمال و معنویّت و در جستجوی کیمیای سعادت است باید از این فرصتهای طلایی ، استفاده کند و دل و جان خویش را بدان مزیّن سازد .

سحر هر شب

یکی از اوقاتی که استغفار در آن ، از ارزش والایی برخوردار است و آثار پر باری را برای دین و دنیای انسان به ارمغان می آورد ، وقت سحر است . خداوند در تعریف از بندگان صالح خویش می فرماید :

(كانُوا قليلًا مِنَ اللَّيْلِ ما يَهْجَعُونَ * وَ بِالأَسْحارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ)(۱)

متّقین در دنیا چنین بودند که کمی از شب را می خوابیدند ، و در سحرگاهان استغفار می کردند .

روش همه انبیا ، اوصیا و اولیای خدا نیز بر این بوده که استغفار سحرگاه آنان ترک نگردد ; چون نیک در یافته بودند که هر کس به جایی رسیده است از بیداری ثلث آخر شب و استغفار در سحر بوده است .

امام صادق (علیه السلام) ، در حدیثی نورانی به جایگاه و تعداد استغفار در این ساعت ، اشاره می کنند ، تا شیعیان و دوستانشان از برکات این ساعات محروم نگردند و از این فیض بزرگ بی بهره نباشند حضرتش

می فرمایند :

إِسْتَغْفِرِاللهَ فِی الوِتْرِ سَبْعِینَ مَرَّةً . (۲)

در (قنوت) نماز وتر هفتاد مرتبه از خدا طلب آمرزش نما ، استغفار کن .

هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) برای مناجات با خدا در این ساعت برمی خاستند در قنوت نماز وتر خود هفتاد مرتبه به خداوند عرض می کردند :

« أَسْتَغْفِرُاللهَ رَبّی وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ » . (۳)

از پروردگارم طلب آمرزش می کنم و به سوی او باز می گردم .

امام رضا (علیه السلام) استغفار نماز وتر خویش را بدین صورت می گفتند :

« أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبَهِ » . (۴)

از خدا طلب آمرزش می نمایم و از او درخواست توبه دارم .

و برای تشویق شیعیانشان ، در فضیلت استغفار سحرگاهان ، بخصوص در قنوت نماز وتر ، می فرمودند :

بر شما باد به خواندن نماز شب ، هیچ بنده ای نیست که آخر شب (در برابر خدا) بایستد ، هشت رکعت نماز شب بخواند ، سپس دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر به جا آورد و در قنوت وترش ، هفتاد بار از خدا آمرزش طلبد و استغفار کند ; مگر این که از عذاب قبر و عذاب آتش پناه داده می شود ، عمرش طولانی می گردد و روزیش گشایش می یابد .

سپس امام رضا (علیه السلام) فرمودند :

إِنَّ الْبُیوتَ الَّتی یُصَلّی فیهَا اللَّیْلُ یَزْهَرُ نُورُها لِاَهْلِ السَّماءِ کَما یَزْهَرُ الکَواکِبُ لِاَهْلِ الْاَرْضِ .

خانه هایی که در آن نماز شب خوانده می شود (و در سحرگاهش استغفار می گردد) نورش برای اهل آسمان می درخشد ،

همان گونه که نور ستارگان برای اهل زمین می درخشند . (۵)

امام صادق (علیه السلام) در حدیث زیبایی مقام استغفار کنندگان در سحرگاهان را چنین می ستایند :

هر کس در قنوت نماز وترش در حالی که ایستاده است ، هفتاد مرتبه بگوید : « أَسْتَغْفِرُاللّهَ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ » و تا یک سال هر شب بر آن مداومت نماید ، نامش جزو « استغفار کنندگان در سحرها » نوشته می شود و بهشت بر او واجب می گردد . (۶)

۱ سوره الذّاریات ، آیه ۱۷ ۱۸ .

۲ کافی ، ج ۳ ، ص ۴۵۰ ; من لایحضر الفقیه ، ج ۶ ، ص ۴۸۹ .

۳ وسائل الشّیعه ، ج ۱۶ ، ص ۸۱ .

۴ وسائل الشّیعه ، ج ۴ ، ص ۵۵ .

۵ مستدرک الوسائل ، ج ۶ ، ص ۳۶۱ .

۶ مستدرک الوسائل ، ج ۴ ، ص ۴۰۷ .

بعد از نافله فجر

دوّمین ساعتی که در شبانه روز ، برای استغفار و درخواست آمرزش از خداوند تعیین گشته است و از فضایل بالایی برخوردار است ، بعد از نافله فجر و قبل از نماز صبح است .

امام سجاد (علیه السلام) مواظبت تامّی بر تلاوت استغفار بعد از دو رکعت نافله فجر داشتند . (۱)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) ، استغفاری را برای این ساعت ذکر کرده و برکات فراوانی را برای آن بیان می نمایند :

کسی که در این ساعت استغفار کند ، خداوند تمام گناهانش را می آمرزد ، اگر چه گناهانش آسمان ها و زمین

های هفتگانه را پر کرده باشد و به سنگینی کوه ها و تعداد قطرات باران و به عدد آنچه در دشت و دریا است ، باشد . و به همین اندازه برایش حسنات نوشته می شود .

و هر بنده ای که در شب یا روزی که این استغفار را تلاوت می کند بمیرد ، داخل بهشت می گردد ، و هیچ گاه فقیر نمی شود . (۲)

سپس پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) ، استغفار خاصّی را برای این ساعت ذکر می کنند . (۳)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این ساعت هفتاد مرتبه از خدا طلب آمرزش می کردند ، و در هر بار استغفار خاصّی را با مضامینی عالی تلاوت می فرمودند . (۴)

توجّه به متن عالی این استغفار ابواب معرفت حق را به روی انسان می گشاید و روشنگر اهمیّت استغفار در این ساعت است . (۵)

۱ بحارالأنوار ، ج ۸۴ ، ص ۳۲۵ .

۲ بحارالأنوار ، ج ۸۴ ، ص ۳۲۶ .

۳ ما این نسخه استغفار را در بحث انواع استغفار صفحه ۲۵۳ آورده ایم .

۴ بحارالأنوار ، ج ۸۴ ، ص ۳۲۶ ; بلد الامین ، ص ۳۸ .

۵ ما در بحث استغفارهای امیرالمؤمنین (علیه السلام) صفحه ۳۰۵ هفتاد فقره زیبای آن را آورده ایم .

بعد از نماز صبح

سوّمین ساعتی که در طول شبانه روز به استغفار در آن سفارش اکید شده است ، هر روز بعد از نماز صبح است . برای استغفار در این ساعت ، آثار پر باری ذکر شده است .

امام باقر (علیه السلام) در

سخنی زیبا می فرمایند :

هر کس بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه از خدا آمرزش طلبیده و استغفار کند ، خداوند او را می بخشد ; اگر چه در آن روز بیش از هفتاد هزار گناه کند ! . (۱)

۱ بحارالأنوار ، ج ۸۰ ، ص ۱۱۱ .

بعد از نماز عصر

چهارمین زمانی که در طول شبانه روز ، برای استغفار و عذرخواهی از خداوند ، تعیین شده است و ثواب زیادی برای آن ذکر گردیده است ، بعد از نماز عصر است که دارای برکات فراوانی است .

امام صادق (علیه السلام) در فضیلت استغفار در این ساعت می فرمایند :

هر کس بعد از نماز عصر ، هفتاد مرتبه استغفار کند و از خدا آمرزش طلبد ، خدا در آن روز هفت صد گناه او را می آمرزد ، و اگر خودش گناهی نداشته باشد ، گناه پدرش را می آمرزد ، و اگر پدرش هم گناهی نکرده باشد ، گناه مادرش را می آمرزد و چنانچه مادرش هم بی گناه باشد ، گناه برادرش را می بخشد ; و اگر برادرش هم گناهی نداشته باشد ، خدا گناه خواهرش را می بخشد ; و اگر برای خواهرش هم گناهی نباشد ، گناه سایر اقوام و بستگانش را ، هر کدام که نزدیکتر به او باشند و گناهی داشته باشند می آمرزد . (۱)

۱ وسائل الشّیعه ، ج ۶ ، ص ۴۸۲ .

هنگام خواب

پنجمین وقتی که نسبت به استغفار در آن سفارش شده و از عوامل ریزش گناهان ، همچون افتادن برگ درختان ، شمرده شده است ; هنگام خواب است .

امام صادق (علیه السلام) در اهمیّت توجّه به خدا و طلب آمرزش از آن ذات مهربان در این ساعت می فرمایند :

اگر کسی هنگامی که برای استراحت و خوابیدن ، به بستر می رود صد مرتبه بگوید : « لاْ إِلَهَ إِلاَّ اللهَ » خدا خانه ای در بهشت برایش

بنا می کند . و اگر صد مرتبه از خدا آمرزش طلبیده و استغفار کند ، گناهانش می ریزد همان گونه که برگ های درخت می ریزد . (۱)

۱ وسائل الشّیعه ، ج ۶ ، ص ۴۴۹ .

بعد از گفتن تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام)

ششمین ساعتی که در شبانه روز ، برای استغفار مطلوب دانسته شده و بدان تأکید شده است ، بعد از گفتن تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام)است که مایه ریزش گناه و دست یافتن به برکات استغفار است .

محمّد بن مسلم گوید : امام باقر (علیه السلام) فرمودند :

هر کس تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام) را گوید و سپس استغفار کند ، تمام گناهانش آمرزیده می شود . این تسبیح در زبان صد تسبیح ، و در میزان هزار تسبیح به حساب می آید ، شیطان را دور می سازد و خدای رحمان را خشنود می کند . (۱)

۱ وسائل الشّیعه ، ج ۶ ، ص ۴۴۲ .

بعد از نماز واجب

هفتمین موردی که به استغفار در آن سفارش شده است و عامل ریزش همه گناهان به حساب آمده ، بعد از هر نماز واجب است .

امام باقر (علیه السلام) می فرمایند :

هر کس بعد از نماز واجب ، قبل از آن که از حال نماز خارج شده و پایش را تکان دهد ; سه مرتبه بگوید :

« أَسْتَغْفِرُاللهَ الَّذی لا إِلهَ إِلاّ هُو الْحَیُّ الْقَیُّومُ ذُوالجَلالِ وَ الاِکْرامِ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ » . (۱)

خداوند همه گناهانش را می بخشد ، اگر چه به اندازه کف دریا باشد .

۱ کافی ، ج ۲ ، ص ۵۲۱ .

سحر شب جمعه

علاوه بر ساعات شبانه روز ، در طول هفته نیز به استغفار در شب و روز خاصّی سفارش و تأکید شده است که شایسته دقّت و بهره جستن هستند .

مهمترین شبی که در طول هفته به استغفار در آن سفارش شده است ، شب جمعه و مخصوصاً سحر آن است .

صرف نظر از آیات و روایاتی که برای بیداری در ثلث آخر شب و استغفار در سحر آثار پر باری نقل می کند و بیانگر مواظبت تامّ انبیا ، اوصیا و اولیای خدا ، نسبت به استغفار در سحرگاهان است ; در روایات برای شب جمعه و بیداری در سحر آن ، ارزش و بهای مضاعفی ذکر شده است و تأکید بیش از حدّی ، نسبت به بیداری و مناجات با حقّو طلب آمرزش از خداوند ، در این شب دیده می شود . (۱)

انبیای عظام الهی (علیهم السلام) با این که دارای مقام استجابت دعا بودند ولی اگر از آن

ها تقاضای دعایی می شد به شب جمعه و سحر آن موکول می کردند .

برادران یوسف ، وقتی برای عـذرخواهی از ظلمی که به یوسف روا داشـتند ، خـدمت پـدرشان حضـرت یعقوب (علیه السـلام) رسیدند و از او خواستند که برای آنان استغفار کند ; یعقوب در جواب گفت :

سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّی .

بزودی برایتان به سوی پروردگارم استغفار می کنم .

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه می فرمایند :

یعقوب (علیه السلام) ، استغفار برای فرزندانش را به خاطر درک سحر جمعه به تأخیر انداخت . (۲)

۱ ما در کتاب « اسـرار فضایل فاطمه (علیها السـلام) » به مناسـبت اهمیّت دادن فاطمه (علیها السلام) به دعا و مناجات با خدا در شب و روز جمعه و دعـا برای برادران و خواهران دینی خویش ، روایـات پربـاری را در فضـیلت دعا و توجّه به خـدا در شب و روز جمعه آورده ایم . طالبین می توانند به این کتاب مراجعه کنند .

۲ من لایحضره الفقیه ، ج ۱ ، ص ۴۲۲ .

صبح جمعه ، قبل از نماز صبح

دوّمین زمانی که در طول هفته ، برای اسـتغفار در آن ثواب خاصّی در نظر گرفته شده است و برکاتی را متوجّه انسان می سازد ، روز جمعه بعد از دو رکعت نافله فجر و قبل از نماز صبح است .

ابی حمزه گوید : از امام صادق (علیه السلام) شنیدم می فرمودند :

هر کس بعد از دو رکعت نافله ای که قبل از نماز صبح در روز جمعه می خواند ، صد مرتبه بگوید :

سُبْحانَ رَبّی وَ بِحَمْدِهِ وَ أَسْتَغْفِرُ رَبّی وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ

.

خداوند منزلی در بهشت ، برای او بنا می کند . (۱)

۱ بحارالأنوار ، ج ۸۷ ، ص ۱۸ .

عصر جمعه

سوّمین وقتی که در طول هفته از ارزش خاصّی برخوردار است و به استغفار در آن سفارش اکید شده است ، عصر جمعه است . از روایات زیادی استفاده می شود که روز جمعه همچون شب جمعه ، دارای فضیلت و شرافت است و امامان معصوم (علیهم السلام) شیعیان خویش را به دعای در ساعات آن دعوت کرده اند ; و یکی از اوقات استجابت دعا ، عصر جمعه شمرده شده است .

امام صادق (علیه السلام) در فضیلت استغفار در عصر جمعه می فرمایند :

کسی که بعد از عصر روز جمعه (هنگام غروب آفتاب) ، هفتاد مرتبه بگوید : « أَسْتَغْفِرُاللهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ » خداوند همه گناهان گذشته اش را بیامرزد و در باقی مانده عمرش او را از گناه حفظ کند و اگر گناهی برایش ثبت نشده باشد گناه پدر و مادرش را می آمرزد . (۱)

۱ بحارالأنوا ، ج ۸۷ ، ص ۹۱ .

ماه رجب

در میان ماه های سال ، از ماه های خاصّی به عنوان ماه استغفار و روی آوردن به خداوند برای طلب آمرزش ، یاد شده است . و می توان این ماه ها را بهار مغفرت الهی نامید . در این میان ، ماه رجب دارای فضایل زیادی است و نسبت به عبادت و استغفار در آن ، تأکید فراوانی شده است .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) ، در سخن پر باری به اهمیّت استغفار در این ماه اشاره می کنند :

رَجَب شَهْرُ الإِسْتِغْفارِ لِأُمَّتی ، أَكْثِرُوا فيه مِنَ الإِسْتِغْفارِ فَانَّه غَفُورٌ رَحيمٌ ، و شَعْبانُ شَهْری ، إِسْتَكْثِرُوا

فی رَجَب مِنْ قَوْلِ « أَسْتَغْفِرُاللّه » ; وَاسْأَلُوا اللّه الأقالَهَ والتَّوْبَهَ فیما مَضی وَ الْعِصْمَهَ فیما بَقِیَ مِنْ آجالِکُمْ . . . وَ سُمِّی شَهْرُ رَجَب الأَصَبُّ لِاَنَّ الرَّحْمَهَ تُصَبُّ عَلی اُمَّتی فیهِ صَبّاً . (۱)

رجب ، ماه استغفار و آمرزش طلبیدن برای امّت من است . در این ماه زیاد استغفار کنید ، که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است . و ماه شعبان ماه من است . در ماه رجب ، زیاد بگویید « أسْتَغْفِرُاللّه » و از خدا بخواهید که از تقصیرتان در گذرد ، و توبه شما را نسبت به گذشته بپذیرد ، و نسبت به باقی مانده عمرتان شما را از خطا و لغزش نگاه دارد .

به ماه رجب ، ماه « أَصَبّ » گفته شده است ، زیرا در این ماه ، رحمت خداوند پی درپی بر امّت من ریزش می کند .

در حدیث دیگری پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) ، گفتن استغفار در ماه رجب را (با کیفیّت و تعداد خاصّی) سبب عاقبت به خیری و عامل دست یافتن به پاداش صد شهید شمرده اند :

هر کس در ماه رجب صد بار بگوید :

أَسْتَغْفِرُاللّه الَّذی لا إلَهَ إلاّ هُو وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَ أَتُوبُ إلَیْهِ .

و آن را با صدقه ای ختم کند ، خداوند عاقبت او را به رحمت و آمرزش خودش ، ختم می فرماید .

و هر کس این استغفار را چهار صد بار بگوید ، خداوند پاداش صد شهید را برایش می نویسد و زمانی که در قیامت خدا را ملاقات کند ، خداوند به او می گوید

: تو به سلطنت من اقرار کردی ، اکنون هر آرزویی داری از من بخواه تا به تو عطا کنم ، به راستی که قدرتمندی غیر من نیست (۲) .

سیّد بن طاووس در کتاب اقبال گوید : در روایتی چنین آمده است :

هر کس در ماه رجب از خدا آمرزش طلبد ، استغفار کرده و از

خدا درخواست توبه کند و هفتاد مرتبه در صبح و هفتاد مرتبه

در شب بگوید : « أَسْتَغْفِرُاللّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ » و بعد از آن که

هفتاد مرتبه تمام شد ، دست هایش را بلند کرده و بگوید : « اَللّهُمَّ اغْفِرْلي وَتُبْ عَلَيَّ » اگر در ماه رجب بمیرد ، در حالی از دنیا رفته است که خدا از او راضی است و از برکت ماه رجب آتش او را فرا نمی گیرد . (۳)

۱ وسائل الشّیعه ، ج ۱۰ ، ص ۵۱۱ ; بحارالأنوار ، ج ۹۴ ، ص ۳۸ .

۲ وسائل الشّیعه ، ج ۱۰ ، ص ۴۸۴ .

۳ وسائل الشّیعه ، ج ۱۰ ، ص ۴۸۴ .

ماه شعبان

دوّمین ماهی که می توان از آن به عنوان بهار استغفار یاد کرد و بهترین عمل در آن را ، استغفار و طلب آمرزش از خداوند دانست ; ماه شعبان است .

ابراهیم بن میمون گوید : از امام صادق (علیه السلام) سؤال کردم : برترین دعا در ماه شعبان چیست ؟

حضرت فرمودند : استغفار .

آن گاه فرمودند : هر کس در ماه شعبان روزی هفتاد مرتبه استغفار بگوید همچون کسی است که در ماه های دیگر ، هفتاد هزار بار استغفار گفته باشد

.

من گفتم : چگونه در این ماه استغفار کنم ؟

فرمودند : بگو : « أَسْتَغْفِرُاللهَ وَ أسْأَلُهُ التَّوبَهَ » . (۱)

در روایات متعددی به استغفار هر روز ماه شعبان تأکید شده است . و برکات فراوانی برای آن ذکر گردیده است .

امام رضا (علیه السلام) در حدیث پر باری می فرمایند :

هر کس در ماه شعبان ، روزی هفتاد بار استغفار کند ، خداوند روز قیامت او را همراه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) محشور می گرداند و بر خدا واجب می شود او را گرامی بدارد . (۲)

ریّان بن صلت در فضیلت استغفار هر روز ماه شعبان حدیث دیگری را از امام رضا (علیه السلام) روایت می کند که از آن حضرت شنیدم می فرمودند :

هر کس در ماه شعبان هر روز هفتاد مرتبه بگوید : « أَسْتَغْفِرُاللهَ وَ أسْأَلُهُ التَّوبَهَ » خداوند نامه بیزاری از آتش و جواز عبور از صراط را برایش می نویسد ، و او را در دارالقرار (بهشت) داخل می گرداند . (۳)

در سخن زیبای دیگری ، امام رضا (علیه السلام) می فرمایند :

کسی که در ماه شعبان هفتاد بار از خدا طلب آمرزش کند ، خداوند گناهانش را می بخشد ، هر چند به تعداد ستارگان باشد . (۴)

۱ وسائل الشّیعه ، ج ۱۰ ، ص ۵۱۱ .

۲ بحارالأنوار ، ج ۹۴ ، ص ۷۲ .

۳ بحارالأنوار ، ج ۹۴ ، ص ۹۰ .

۴ بحارالأنوار ، ج ۹۴ ، ص ۹۰ .

ماه رمضان

مهمترین ماهی که در سال به آمرزش طلبی و

استغفار در آن سفارشِ أکید شده است ، ماه مبارک رمضان است . ماهی که ماه رحمت ، مغفرت ، برکت ، اِنابه ، توبه و ماه آزادی از آتش نام گرفته است . (۱)

ماهی که اگر کسی با نیّتی پاک و ایمانی راسخ ، سی روزش را روزه بدارد و خدا را در نظر داشته باشد ، همه گناهانش آمرزیده می شود . (۲)

ماهی که وقتی فرا می رسید ، امام سجاد (علیه السلام) جز دعا ، تسبیح ، تکبیر و استغفار ، سخن دیگری نمی گفت . (۳)

ماهی که در آن ، دست و پای شیطان و مریدانش ، در غل و زنجیر است و درهای آسمان باز ، ابواب رحمت حق گشوده ، درهای جهنّم بسته ، و دعایِ در آن مستجاب است و هنگام افطار گروه های زیادی از آتش آزاد می گردند و در هر شبش منادی خداوند فریاد می زند :

هَلْ مِنْ سائِل ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِر ؟

آیا سؤال کننده ای هست (که از خدا حاجتی بخواهد) ؟ آیا استغفار کننده ای هست (که از خدا آمرزش طلبد و خدا او را بیامرزد) ؟ . (۴)

آمرزش خداوند در ماه رمضان آن چنان گسترده است که اگر کسی این ماه را درک کند و اعتقاد و عملش به گونه ای نباشد که خدا او را بیامرزد ، از رحمت خدا دور گشته است(۵) و تا سال دیگر آمرزیده نمی شود مگر آن که روز عرفه و صحرای عرفات را درک کند . (۶)

دست یافتن به آمرزش خداوند در این بهار مغفرت

، به قدری سهل و آسان است که اگر کسی وارد این ماه شود و کاری نکند که خدا او را بیامرزد ، رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) آن را نشانه شقاوت و بدبختی وی شمرده و می فرمایند :

إِنَّ الشَّقِيَّ مِنْ حَرُمَ غُفْرانَ اللّهِ فی هذَا الشَّهْرِ المُبارَكِ . (۷)

شقی و بدبخت کسی است که از آمرزش خداوند در این ماه مبارک محروم گردد .

شکّی نیست که بهترین وسیله برای آمرزش ، استغفار و طلب آمرزش نمودن از خداوند است . لذا امیرالمؤمنین (علیه السلام) با تأکید هر چه بیشتر به استغفار در این ماه اشاره می کنند :

عَلَيْكُمْ فی شَهْرِ رَمَضانَ بِكَثْرَهِ الإِسْتِغْفارِ وَ الدُّعاءِ ، فَاَمَّا الدُّعاءُ فَيَدْفَعُ بِهِ عَنْكُمْ الْبَلاءَ ، وَ أَمَّا الإِسْتِغْفارُ فَيَمْحی ذُنُوبَكُمْ . (۸)

بر شما باد به زیاد استغفار گفتن و دعا کردن در ماه مبارک رمضان ، که دعای زیاد بلا را از شما دور می سازد و استغفار فراوان گناهان شما را نابود می کند .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز در خطبه ای که قبل از ماه مبارک رمضان ایراد کردند ، چنین فرمودند :

یا أَیُّهَا النّاسُ . . . تُوبوُا إِلَی اللهِ مِنْ ذُنُوبِكُمْ . . . أَیُّهَا النّاسُ إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرْهُونَهٌ بِأَعْمالِكُمْ فَفكُّوها بِاسْتَغْفارِكُمْ . (۹)

ای مردم ، در این ماه از گناهانتان به سوی خدا باز گردید . . . ای مردم ، جان های شما در گرو اعمال شماست . جان های خویش را با استغفاری که می کنید ، آزاد و رها سازید .

پس با توجّه به این که ، دعای روزه

دار مستجاب و عمل او پـذیرفته است(۱۰) و بهترین دعـا ، استغفار شـمرده شـده است ; چقـدر زیبـا است که وِرْد شب و روزِ خویش را ، در این ماه نورانی و پر برکت ، استغفار و عـذرخواهی از خداونـدِ متعال قرار دهیم ، تا به همه آثار مادّی و برکات معنوی این ذکر مبارک در این ماه آمرزش دست یابیم .

از مجموع سخن در این بخش نتیجه می گیریم :

استغفار ذکر مبارکی است که زیاد گفتن آن در همه اوقات ، محبوبیّت دارد و دارای آثار و برکاتی است . ولی در طول سال ، ماه ، هفته ، و ساعاتِ شبانه روز ، از زمانهایی به عنوان برترین اوقات استغفار یاد شـده است که باید غنیمت شـمرده شده و از برکات آن استفاده گردد ; مخصوصاً بعضی از اوقات که تأکید بیشتری نسبت به آن شده و ثواب آمرزش خواهی در آن چند برابر ذکر شده است . چنانچه در ضمن مدارک یاد شده ، ملاحظه گردید .

ولی یادآوری این نکته ضروری است که بهترین زمان برای هر دعا و مناجاتی ، بخصوص استغفار که بهترین دعا شمرده شده ، وقتی است که انسان حال دعا داشته باشـد و دل او همراه با زبانش با خداونـد راز و نیاز کنـد . علاوه بر این ، از نظر عملی هم ساعاتی را برای دعا انتخاب کند که در آن تقوا را رعایت کرده و نیتش برای روی آوردن به دعا و مناجات ، خالص باشد .

امام صادق (علیه السلام)در این زمینه سخنی را از جدّشان امیرالمؤمنین (علیه السلام)روایت می کنند

که شنیدنی است . حضرتش می فرمایند :

الدُّعاءُ مَفاتیحُ النَّجاحِ ، وَ مَقالیدُ الْفَلاحِ ; وَ خَیْرُ الدُّعاءِ ما صَدَرَ عَنْ صَدْر نَقیّ ، وَ قَلْب تَقِیّ ; و فِی المُناجاهِ سَبَبُ النَّجاهِ ; وَ بالإِخْلاصِ یَکُونُ الخَلاصُ ; فَإذَا اشْتَدَّ الْفَزَعُ فَإلی اللهِ المَفْزَعُ . (۱۱)

دعاها کلیدهای پیروزی و گنجینه های رستگاری هستند ; و بهترین دعا ، دعایی است که از سینه پاکیزه و دل پرهیزکار برخیزد ; و مناجات با خدا ، سبب نجات و پیروزی است ; و با اخلاص می توان از سختی ها و مشکلات رهایی یافت ; و هر زمان هراس و وحشت شدّت یافت ، پناهگاه (شما) به سوی خداست .

۱ تهذیب ، ج ۳ ، ص ۱۱۱ ; وسائل الشّیعه ، ج ۱۰ ، ص ۳۱۳ .

۲ مستدرک الوسائل ، ج ۷ ، ص ۳۹۷ .

۳ کافی ، ج ۴ ، ص ۱۹۳ .

۴ وسائل الشّیعه ، ج ۱۰ ، ص ۳۱۰ ; تهذیب ، ج ۴ ، ص ۱۹۳ .

۵ وسائل الشّیعه ، ج ۷ ، ص ۲۰۶ .

۶ وسائل الشّیعه ، ج ۱۰ ، ص ۳۰۵ .

۷ وسائل الشّیعه ، ج ۱۰ ، ص ۳۱۳ .

۸ کافی ، ج ۴ ، ص ۸۸ .

۹ وسائل الشّیعه ، ج ۱۰ ، ص ۳۱۳ ۳۱۴ .

۱۰ وسائل الشّیعه ، ج ۱۰ ، ص ۳۱۳ ۳۱۴ .

۱۱ وسائل الشّیعه ، ج ۱۰ ، ص ۳۱۳ ۳۱۴ .

گفتار هشتم : انواع استغفار و برکات آنها

انواع استغفار و برکات آنها

یکی از پرسش های مهم

در زمینه استغفار ، این است که : چگونه استغفار کنیم ؟ و چه استغفاری مجرب تر است ، و ما را در دست یافتن به آثار و برکات استغفار زودتر به مقصد می رساند ؟

پاسخ این سؤال به صورت پراکنده در الهامات پیامبر و اهل بیت پاکش (علیهم السلام) آمده است ، و با توجّه به موارد گوناگونی که ، به تلاوت نسخه های متفاوت استغفار سفارش شده ، به میزان فهم و ظرفیّت اشخاص ، برای هر نوع استغفار ، آثار خاصّی ذکر گردیده است . و هر یک جایگاه ویژه ای دارد و اثر خاصّی را ایفا می کند . و در اکثر موارد آثار مشترکی نیز دارند .

این بدان خاطر است که همانگونه که بدن انسان ، به غذاها ، میوه ها ، سبزی ها و نوشیدنی های مختلف احتیاج دارد ; تا انواع ویتامین های لازم بدن تأمین شود . و اکتفا کردن به یک نوع خوردنی یا نوشیدنی ، باعث نارسایی ها و کمبودهایی در بدن گشته و سلامت جسم او را به خطر می اندازد ; روح بشر نیز محتاج به انواع عبادات ، اذکار و ادعیه است ; که هر نوعی از آن ها مکمّل نوع دیگر است و از تأثیر آن ها در شادابی و سبک بالی روح انسان ، نباید غافل گشت .

در مورد استغفار نیز ، این مسأله رعایت شده است . از آن جا که گناهان انواع مختلفی دارند ، هر گناهی استغفاری مخصوص لازم دارد ; در تعالیم نورانی قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) به تلاوت استغفارهای گوناگونی

سفارش شده است .

در نسخه های استغفار که از معصومین (علیهم السلام) رسیده است ، به مناسبت های گوناگون نوع خاصّی از استغفار ذکر گردیده است که باید قرائت شود . همچنین در بسیاری از موارد ، زمان و تعداد آن نیزمشخص شده است . پس شایسته است ، انسانی که شیفته کمال و در جستجوی گل های هدایت است ، در گلستان استغفار قدم گذارده و از هر شاخه ای گلی چیده و مشام جانش را به انواع عطرهای دل انگیز آن ها ، معطّر سازد .

در این بخشِ کتاب ، ما ابتدا به نمونه های مختلف استغفار و آثار پربار آن اشاره می کنیم تا آن دسته از راهیان کوی دوست ، که تشنه شربت گوارای بزرگی و کرامت ، و دلباخته پرواز در آسمان معنویّت ، و شیفته صعود بر قله های بلند کمال و فضیلت هستند ; با توجّه به فرازهای متفاوت این ذکر پر بار و تلاوت انواع گوناگونش ، هستی خویش را از زندان تاریک گناهان رهانیده و دل و جان خود را به انوار سخنان نورانی معصومین (علیهم السلام) ، روشن سازند .

البتّه در لابلای بحث ، به استغفارهای مجرّب نیز ، اشاره ای خواهیم داشت .

استغفاری برای نوشته نشدن گناه در نامه عمل

یکی از انواع استغفار ، استغفاری است که با عبارات مختلف در روایات ذکر شده است و کمترین اثر آن جلوگیری از نوشته شدن گناه در نامه عمل انسان است .

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند :

کسی که مرتکب گناهی می گردد ، هفت ساعت به او مهلت داده می شود ، اگر سه مرتبه گفت

:

« أَسْتَغْفِرُاللهَ الَّذی لا إِلهَ إِلاّ هُو الْحَیُّ الْقَیُّومُ » .

« از خداوند ، طلب آمرزش می کنم ، خدائی که معبودی جز او نیست زنده ای ازلی و ابدی و سرپرستی بی همتا است » ;

آن گناه در نامه عملش نوشته نمی شود . (۱)

در حدیث دیگر ، امام صادق (علیه السلام) همین پاداش را برای این نوع

استغفار ، با مختصر اضافه ای ، بیان می کنند ، متن استغفار در این روایت چنین است :

أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذی لا إِلهَ إِلاّ هُو الْحَیُّ الْقَیُّومُ ذُوالجَلالِ وَ الإِکْرامِ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ . (۲)

« از خداوند ، طلب آمرزش می کنم ، خدائی که معبودی جز او نیست زنده ای ازلی و ابدی ، سرپرستی بی همتا و صاحب جلالت و جوانمردی است به سوی او توبه می کنم » .

این اثر در روایتی ، برای استغفار دیگری نیز بیان گردیده است ، با توجّه به این که از نکات ارزنده و زیبایی برخوردار است تمام حدیث را ذکر می کنیم .

امام صادق (علیه السلام) حدیثی از جدّشان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت می کنند که در بخشی از آن رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می فرمایند :

بنده تصمیم می گیرد عمل نیکی را انجام دهد . اگر بعد از تصمیم ، آن را انجام نداد ، خدا به خاطر نیّت نیکش ثواب یک حسنه برایش می نویسد . ولی اگر براساس نیّتش عمل کرد ثواب ده حسنه برای او قرار می دهد .

همین بنده تصمیم می گیرد گناهی را مرتکب شود ، چنانچه آن را انجام ندهد ،

هیچ چیز در نامه عملش نوشته نمی شود . و اگر مرتکب آن گشت ، هفت ساعت مهلت داده می شود ، فرشته مأموری که کارهای نیک را ثبت می کند ، به فرشته مأمور کارهای زشت که فرشته سمت چپ است می گوید : عجله نکن شاید پس از گناه ، عمل نیکی انجام دهد که آن را از بین ببرد ، چرا که خداوند می فرماید :

إِنَّ الْحَسَناتِ یُذْهِبْنَ السَّیِّئاتِ . (۳)

به راستی ، اعمال نیک ، اعمال بد را از بین می برد .

و شاید توبه و استغفار کند .

اگر این بنده بگوید :

« أَسْتَغْفِرُاللهَ الَّذی لا إِلهَ إِلاّ هُو ، عالمُ الْغَیْبِ والشَّهادَه ، العَزیزُ الحَکیمُ ، الغَفُورُ الرَّحیمُ ، ذُوالجَلالِ وَ الإِکْرامِ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ » .

« از خداوند ، طلب آمرزش می کنم ، خدائی که معبودی جز او نیست ، دانای نهان و آشکار ، ارجمند و نیرومند و صاحب حکمت است ; (نسبت به گنهکاران) بسیار آمرزنده و (نسبت به مؤمنان) بسیار مهربان و صاحب جلالت و جوانمردی است . و به سوی او توبه می کنم » ;

چیزی در نامه عملش نوشته نمی شود .

ولی اگر هفت ساعت بگذرد ، حسنه ای انجام ندهد و توبه و استغفار هم نکند ، مأمور حسنات به مأمور سیئات می گوید :

« أُکْتُبْ عَلیَ الشَّقِیِّ المَحْرومِ » .

بنویس گناه او را که (بخاطر انجام ندادن عمل نیک و ترک توبه و استغفار) شقیّ و بدبخت ، و از رحمت خدا محروم گردید . (۴)

۱ کافی ، ج ۲

، ص ۴۳۷ .

۲ کافی ، ج ۲ ، ص ۴۳۸ ; وسائل الشّیعه ، ج ۱۶ ، ص ۶۵ .

۳ سوره اعراف ، آیه ۱۱۴ .

۴ کافی ، ج ۲ ، ص ۴۲۹ ۴۳۰ .

استغفاری برای بخشش تمام گناهان

استغفار دیگری که امامان (علیهم السلام) بدان سفارش کرده اند ، استغفار کوتاهیست که کمترین اثر آن ، آمرزش همه گناهان است .

امام باقر (علیه السلام) می فرمایند :

هر کس بعد از نماز واجب و قبل از آن که از حالت نماز خارج شود و پایش را تکان دهد ; بگوید : « أَسْتَغْفِرُاللهَ الَّذی لا إِلهَ إِلاّ هُو الْحَیُّ الْقَیُّومُ ذُوالجَلالِ وَ الإِکْرامِ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ »

« از خداوند ، آمرزش می طلبم ، خدائی که معبودی جز او نیست ، زنده ای ازلی و ابدی و سرپرستی بی همتا و صاحب جلالت و جوانمردی است به سوی او توبه می کنم » .

خداوند همه گناهانش را می آمرزد ، اگر چه گناهانش به اندازه کف دریا باشد . (۱)

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) این اثر را برای استغفار دیگری ، در ضمن سفارش هایشان به امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیان می فرمایند :

ای علی ، هر کس هنگامی که سوار مرکب شد ، آیه الکرسی را تلاوت کند و سپس بگوید :

« أَسْتَغْفِرُاللهَ الَّذی لا إِلهَ إِلاّ هُو الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ ، اَللّهُمَّ اغْفِرْلی ذُنُوبی ، إِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاّ أَنْتَ » .

« از خداوند ، آمرزش می طلبم ، خدائی که معبودی جز او نیست زنده ای ازلی و ابدی ، سرپرستی بی همتا

است ، و به سوی او توبه می کنم . خدایا گناهانم را ببخش ، که کسی جز تو گناهان را نمی بخشد » .

سیّدالکریم (خداوند) خطاب به ملائکه می فرماید :

ای فرشتگان من ، بنده من می داند که غیر از من کسی گناهان او را نمی بخشد . شما شاهد باشید که من همه گناهان او را آمرزیدم . (۲)

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در سخن زیبای دیگری ، برای استغفاری که قبل از خواب تلاوت می شود نیز همین اثر را ذکر می فرمایند :

هر کس هنگامی که برای خوابیدن به بستر می رود ، سه مرتبه بگوید : « أَسْتَغْفِرُاللهَ الَّذی لا إِلهَ إِلاّ هُو الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ » خداوند همه گناهان او را می بخشد ، اگر چه گناهانش مثل کف دریا ، به تعداد برگ درختان و ریگ های انباشته بیابان و به عدد روزهای دنیا باشد . (۳)

۱ کافی ، ج ۲ ، ص ۵۲۱ .

۲ بحارالأنوار ، ج ۷۳ ، ص ۲۹۴ .

۳ بحارالأنوار ، ج ۷۳ ، ص ۲۰۴ .

استغفاری برای آمرزش چهل گناه کبیره در روز

نوع دیگر استغفار ، استغفاریست که به تلاوت آن با حال ندامت و پشیمانی ، سفارش شده است و اثرش آمرزش چهل گناه کبیره است .

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند :

هر مؤمنی که شبانه روز چهل گناه کبیره انجام دهد و با حالت ندامت و پشیمانی (از کردار زشت خویش) بگوید :

« أَسْتَغْفِرُاللهَ الَّذی لا إِلهَ إِلاّ هُو الْحَیُّ الْقَیُّومُ بَدیعُ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ ، ذُوالجَلالِ وَ الإِکْرام

، وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلی مُحَمَّد و آلِ مُحَمَّد وَ اَنْ یَتُوبَ عَلَيَّ » .

« از خداونـد ، طلب آمرزش می کنم ، خـدائی که معبـودی جز او نیست ، زنـده ای ازلی و ابـدی ، سـرپرستی بی همتـا ، پـدید آورنده آسـمان ها و زمین و صاحب جلالت و جوانمردی است . از او می خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستد و توبه مرا بپذیرد » .

خداوند همه گناهان او را می بخشد و کسی که در روز بیش از چهل گناه کبیره انجام دهد خیری در او نیست . (۱)

۱ کافی ، ج ۲ ، ص ۴۳۸ ; بحارالأنوار ، ج ۸۴ ، ۱ .

دو فرشته مأمور ، نامه اعمال زشت را پاره می کنند

زیباترین اسـتغفار از نظر پاداش ، اسـتغفاری است که بعد از نماز عصـر خواندنش مطلوب است . و اگر هر روز تلاوت گردد ، فرشتگان مأمور انسان موظّف می شوند ، نامه اعمال زشت استغفار کننده را پاره کنند .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرمایند :

هر کس بعد از نماز عصر هر روز ، روزی یک بار بگوید :

« أَسْتَغْفِرُاللهَ الَّذی لا إِلهَ إِلاّ هُو الْحَيُّ الْقَيُّومُ ، الرَّحْمنُ الرَّحيمُ ، ذُوالجَلالِ وَ الإِكْرام ، وَ أَسْأَلُهُ اَنْ یَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبد ذَلیل خاضِع فَقیر بائِس مِسْکین (مُسْتَکین) مُسْتَجیر لایَمْلِکُ لِنَفْسِهِ نَفْعاً وَ لاضَرّاً وَ لا مَوْتاً وَ لا حَیاةً وَ لانُشُوراً » .

« از خداونـد ، طلب آمرزش می کنم ، خـدائی که معبودی جز او نیست ، زنـده ای ازلی و ابـدی ، بخشـنده و مهربان ، صاحب جلالت و جوانمردی است .

و از او می خواهم که توبه مرا بپـذیرد ، بسان (پذیرش) توبه بنده خواری که فروتن و تهیدست ، نیازمند و درمانده ، و حقیر و پناهنده گشته ، و مالک هیچ سود و زیان ، مرگ و حیات و دوباره زنده شدنی نیست » .

خداوند به دو ملک مأمور او دستور می دهد که نامه کردار زشت او را ، هر چه هست ، پاره کنند . (۱)

۱ مستدرک الوسائل ، ج ۵ ، ص ۱۲۰ .

استغفاری برای دست یافتن به گنج علم یا مال

یکی از انواع استغفار که تلاوت آن به تعداد خاصّی برای حلّ مشکلات اقتصادی یا علمی به تجربه رسیده است ، استغفاری است که خواندن آن به مدّت دو ماه ، روزی چهارصد مرتبه سفارش شده است .

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند :

هر کس تا دو ماه روزی چهارصد بار پی در پی بگوید :

« أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذی لا اِلهَ اِلاّ هُو الرَّحمنُ الرَّحیمُ ، الْحَیُّ الْقَیُّومُ ، بَدیعُ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ ، مِنْ جَمیعِ ظُلْمی وَ جُرْمی و اِسْرافی عَلی نَفْسی وَ أَتُوبُ اِلَیْهِ . »

« از خداونـد ، طلب آمرزش می کنم ، خـدائی که معبودی جز او نیست ، زنـده ای ازلی و ابـدی ، سـرپرستی بی همتـا و پـدید آورنـده آسـمان ها و زمین است . از همه سـتمی که به خود کرده و جرمی که مرتکب گشـته ام و اسـراف و زیاده روی که بر نَفْس خویش روا داشته ام (آمرزش طلبیده) و به سوی او باز می گردم » ;

یا گنجی از علم و دانش به او داده می شود ،

یا گنجی از مال و ثروت روزیش می گردد . (۱)

۱ وسائل الشّیعه ، ج ۷، ص ۲۲۵ .

استغفاری برای ثبت در « مُسْتَغْفِرینَ بِالأَسْحارِ »

استغفار دیگری که ذکر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در سحر و در هر روز عمرشان بوده است ، استغفاری است که مداومت بر آن ، به مدّت یک سال ، باعث می شود نام انسان در شمار استغفار کنندگان در سحرها نوشته شود ، و عامل مهمی برای ورود شیعیان و دوستان امیرالمؤمنین (علیه السلام) به بهشت است .

امام صادق (علیه السلام) در حدیث زیبایی می فرمایند :

هر کس در نماز وتر (یک رکعت آخر نماز شب ، هنگام قنوت) هفتاد مرتبه بگوید :

« أَسْتَغْفِرُاللّهَ رَبّی وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ » و مدّت یک سال هر شب بر آن مداومت نماید ، خداوند در نزد خویش او را از استغفار گویان در سحرها ، می نویسد ، و آمرزش ومغفرت خدا برایش واجب می شود . (۱)

استغفار پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در نماز شب همین استغفار بوده است . علاوه بر این ، حضرتش روزی هفتاد مرتبه می فرمودند : « أَسْتَغْفِرُاللّهَ رَبّی وَأَتُوبُ

إِلَيْهِ » و اهل بیت آن حضرت (علیهم السلام) و صالحین از اصحابشان نیز به همین روش عمل می کردند . (۲)

۱ وسائل الشّیعه ، ج ۶ ، ص ۲۷۹ ; من لایحضره الفقیه ، ج ۱ ، ص ۴۸۹ .

۲ وسائل الشّیعه ، ج ۱۶ ، ص ۸۱ .

استغفاری برای آمرزش هفت صد گناه

کوتاهترین استغفاری که در روایات ، بدان اشاره شده است ، استغفاری است که ذکر پیامبر (صلی الله علیه وآله) نیز بوده است و باعث آمرزش هفت صد گناه انسان در روز می گردد . این نوع استغفار

برای همه افراد با فرصت های شغلی مختلفی که دارند ، قابل استفاده است . به گونه ای که در مسیر رفت و آمد و سایر فرصت های بیکاری خویش ، می توانند آن را تلاوت کنند و از برکات آن بهره مند شوند .

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند :

هر کسی روزی هفتاد بار بگوید : « أَسْتَغْفِرُ اللَّه » خداوند هفت صد گناه او را می آمرزد . و در بنده ای که روزی هفت صد گناه می کند ، خیری نیست . (۱)

در اهمیّت و شرافت این ذکر همین بس که امام صادق (علیه السلام)می فرمایند :

برنامه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) چنین بود که روزی هفتاد بار استغفار کرده و هفتاد مرتبه به سوی خدا توبه می کردند .

حارث می گوید : من گفتم : یعنی هفتاد مرتبه می گفتند : أَسْتَغْفِرُ اللهَ

وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ ؟

امام صادق (علیه السلام) فرمودند :

روش آن حضرت چنین بود که هفتاد مرتبه (به درگاه خدا) عرضه می داشتند : «أَسْتَغْفِرُ اللهَ ، أَسْتَغْفِرُ اللهَ . . . » و هفتاد مرتبه می گفتند : « وَ أَتُوبُ إِلَى اللهَ ، وَ أَتُوبُ إِلَى اللهَ . . . » . (۲)

۱ کافی ، ج ۲ ، ص ۴۳۹ .

۲ کافی ، ج ۲ ، ص ۵۰۴ .

استغفاری برای ثروت بی گمان

گفتن استغفار همراه با اذکار دیگر ، بار معنوی آن را بیشتر می کند ، به همین خاطر امامان (علیهم السلام) برای حلّ مشکلات دوستان و شیعیانشان ، گاهی تلاوت استغفار را همراه با اذکار دیگر سفارش می نمودند ،

که این خود یکی از انواع استغفار به شمار می آید و نقش به سزایی در رواساختن خواسته های انسان دارد .

ابی جعفر شامی گوید : در شام مردی به نام هلقام بود ، او این حدیث را برایم نقل کرد :

خدمت مولایم موسی بن جعفر (علیهما السلام) رفتم و عرض کردم : به من دعایی تعلیم نمایید که جامع دنیا و آخرت باشد و مختصر هم باشد .

امام (علیه السلام) فرمودند :

بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب این ذکر را بگو :

« سُبْحانَ اللهِ العَظیمِ وَبِحَمْدِهِ ، أَسْتَغْفِرُ اللهَ ، وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ »

« منزّه است خدائی که با عظمت است و به حمد و ستایش او مشغولم ، از خداوند آمرزش می طلبم و از فضل و عنایتش سؤال می کنم » .

هلقام گفت : وضعیّت من در میان خاندانم از همه بدتر بود ، نمی دانم چه شد که (بعد از تلاوت این ذکر شریف) ناگهان ارثی از طرف شخصی به من رسید که فکر نمی کردم بین او و من پیوند خویشاوندی باشد ، به حدّی وضع مالی و اقتصادیم رونق یافت که امروز توانگرترین فرد در میان بستگان خود هستم ، این برکات نبود مگر به خاطر آنچه بنده صالح خدا ، مولایم حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) به من آموخت . (۱)

۱ کافی ، ج ۲ ، ص ۵۵۰ .

استغفاری برای محبوبیّت نزد خدا و استجابت دعا

نمونه دیگر طلب آمرزش از خداوند که در روایات متعدّدی بدان سفارش شده است و فضایل زیادی برایش نقل گردیده است ، گفتن « أَتُوبُ إِلَی اللهِ »

است ، که آثـار و برکـات فراوانی را برای انسـان به ارمغـان می آورد . پیامبر و امامان معصوم (علیهم السـلام) مواظبت تامّی بر تلاوت این ذکر داشته اند .

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند :

خدا مؤمنی را دوست دارد که زیرک باشد و زیاد توبه کند . آن گاه فرمودند : رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)بدون آن که گناهی کرده باشند ، روزی هفتاد بار توبه می کردند .

حـارث گویـد : به امام صادق (علیه السـلام) گفتم آیا پیامبر (صـلی الله علیه وآله وسـلم) (ذکر توبه را چنین) می فرمودنـد : « أَسْتَغْفِرُاللهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ » ؟

فرمودند : رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرمودند : « أَتُوبُ إِلَى اللهِ » . (۱)

بی جهت نیست که در شب عید فطر که شب نتیجه گیری از عبادات و روزه های ماه مبارک رمضان است گفتن این ذکر صـد مرتبه سفارش شده است و اثر آن ، استجابت دعا و روا گشتن حاجت ، ذکر گردیده است .

حـارث اعور گویـد : عـادت مولا‌یم امیرالمؤمنین (علیه السـلام) این بود که شب عیـد فطر ، دو رکعت نمـاز می خواندنـد ، در رکعت اوّل بعـد از حمد هزار مرتبه سوره توحید و در رکعت دوم بعد از حمد یک مرتبه آن را تلاوت می فرمودند ، سـپس به رکوع می رفتند و پس از آن سجده می کردند و بعد از سلام نماز به سجده می رفتند و صد بار می گفتند :

« أَتُوبُ إِلَى اللهِ » سپس می فرمودند : « یا ذَالمَنِّ وَ الجُودِ ،

یا ذَا المَنِّ وَ الطَّوْلِ ، یا مُصْطَفِیَ مُحَمَّد ، صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ آلِهِ وَ افْعَلْ بی کَذا و کَذا » « ای خدائی که صاحب منّت و

سخاوتی ، ای خدائی که صاحب انعام و برتری هستی ، ای برانگیزنده محمّد ، بر محمّد و آلش درود فرست و با من چنین و چنان کن (حاجتم را برآور » .

و چون سر از سجده بر می داشتند ، چهره نورانیشان را به طرف ما برگردانده و می فرمودند :

« وَالَّذی نَفْسی بِیَدِهِ لا یَفْعَلُها أَحَدٌ یَسْأَلُ اللهَ تَعالی شَیْئاً

إِلاّ أَعْطاهُ ، فَلَوْ أَتاهُ مِنَ الذُّنُوبِ بِعَدَدِ رَمْل عالِج ، غَفَرَاللهُ تَعالی لَهُ . »

سوگند به آن کس که جان من در دست اوست ، هیچ کس این عمل را انجام نمی دهد و از خدا حاجتی نمی خواهد مگر این که خدا حاجتش را به او عطا می فرماید . اگر کسی با کوله باری از گناه به تعداد ریگ های روی هم انباشته شده ، به درگاه او روی آورد (و این ذکر را بگوید) ، خدا او را می آمرزد . (۲)

مهمتر این که ، یکی از اعمال شب قدر ، گفتن این ذکر شریف در حال سجده است که استجابت دعا را برای انسان به ارمغان می آورد .

حسن بن راشد حدیثی را از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که بعضی از اعمال شب قدر را در آن بیان می کنند ، در بخشی از آن می فرمایند :

وقتی نماز مغرب و عشایت را خواندی ، دستهایت را بلند کن و بگو :

« یا

ذَالمَنِّ یـا ذَا الطَّوْلِ (والطَّوْلِ) یـا ذَالجُودِ یا مُصْطَفِی مُحَمَّد وَ ناصِرَهُ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ آلِهِ وَ اغْفِرْلی کُلَّ ذَنْب اَحْصَیْتَه وَ هُوَ عِنْدَکَ فی کِتاب مُبین . »

« ای خدائی که صاحب نعمت هستی و بر بندگانت منّت داری ، ای کسی که صاحب برتری هستی ، ای کسی که صاحب جود و سخاوتی ، ای برانگیزنده محمّد و یاور او ، بر محمّد و آلش درود فرست و هر گناهی (که از من سر زده و) تو آن را شماره کرده ای و در نزد تو در کتاب مبین ثبت گردیده است ، ببخشای » .

سپس به سجده رفته و صد بار در حال سجده می گویی : « أَتُوبُ إِلَی اللهِ » .

بعد حاجتت را می خواهی انشاءالله برآورده می شود . (۳)

چقدر مناسب و بجاست که منتظران و دلباختگان امام زمان (علیه السلام) بعد از انجام این عمل در شب عید فطر و شبهای قدر ، که وعده استجابت داده شده است ، تعجیل ظهور مولای مظلوم خویش را از خدا بخواهند و این دعا را ورد زبان خویش ساخته و بگویند :

« اَللّهُمَّ عَجِّلْ لِوَلِیِّکَ الْفَرَج »

به این امید که آن یار سفر کرده که در این شبها ، بعد از مناجات با خدای خویش ، دست به دعا برمی دارد ، دعا کنندگان برای ظهورش را نیز از دعای پر بارش بهره مند ساخته ; آن ها را از خاطر عاطرش دور نگرداند و برای گناهانشان استغفار کند .

۱ مستدرک الوسائل ، ج ۵ ، ص ۳۲۰ .

بحارالأنوار ، ج ۸۸ ، ص ۱۲۰ .

۳ الاقبال ، ص ۲۷۱ .

استغفاری برای نجات از سختی های قیامت

نامه برائت از آتش به انسان داده می شود

مجوز عبور از صراط برایش نوشته می شود

در دارالقرار ساکن می گردد

گرچه هر نوع استغفار ، در هر زمان ، محبوب خدا است ، و آثار پرباری برای انسان دارد . ولی گفتن بعضی از اذکار در برخی اوقات ، از پاداش و بهره بیشتری برخوردار است . از جمله نسخه های استغفار که به آن سفارش شده است ، گفتن : « أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبهَ » است .

تلاوت کردن این نوع استغفار در هر روز ماه شعبان ، روزی هفتاد بار ، موجب نجات یافتن از سختی های قیامت است .

ریّان بن صلت گوید : از مولایم علی بن موسی الرّضا (علیه السلام) شنیدم که می فرمودند :

هر کس در هر روز ماه شعبان ، هفتاد بار بگوید : « أَسْتَغْفِرُاللهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوبَهَ » خداوند نامه ای به عنوان برائت از آتش برایش می نویسد و مجوّزی برای عبور از صراط برای او صادر می کند و او را در دارالقرار (بهشت) ساکن می نماید . (۱)

گفتن این استغفار ، اگر در ماه شعبان باشد هزار برابر استغفار در ماه های دیگر است . و برترین عمل در این ماه شمرده شده است .

ابراهیم بن میمون گوید : از امام صادق (علیه السلام) سؤال کردم : برترین دعا در ماه شعبان چیست ؟

فرمودند : « استغفار » . آن گاه فرمودند :

هر کس در ماه شعبان روزی هفتاد

بار استغفار بگوید مثل کسی است که در ماه های دیگر غیر از ماه شعبان هفتاد هزار بار استغفار گفته است .

من گفتم : چگونه در این ماه استغفار کنم ؟

فرمودند : بگو « أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ أَسْأَلُهُ التَّوبَهَ » . (۲)

استغفار امام رضا (علیه السلام) در قنوت نماز وتر ، همین استغفار بوده است . (۳)

۱ وسائل الشّیعه ، ج ۱۰ ، ص ۵۰۹ .

۲ وسائل الشّیعه ، ج ۱۰ ، ص ۵۱۱ .

۳ وسائل الشّیعه ، ج ۴ ، ص ۵۵ .

استغفاری عجیب و مشکل گشا

باعث آمرزش گناه گذشته انسان می شود

از گناه در آینده محفوظ می ماند

اگر گناهی نداشته باشد ، خدا پدر و مادرش را می آمرزد

یکی از انواع استغفار که در موارد متعددی به قرائت آن سفارش شده است و آثار مادّی و برکات معنوی فراوانی برایش ذکر گردیده است ، و نتیجه بخش بودن آن هم به تجربه ثابت شده است ; ذکر شریف « أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ » است .

یکی از اوقات ، عصر روز جمعه است که در فضیلت استغفار در این ساعت امام صادق (علیه السلام)می فرمایند :

هر کس بعد از عصر روز جمعه هفتاد مرتبه بگوید : « أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ » .

خداوند گناه گذشته او را می آمرزد و در باقی مانده عمرش او را از گناه حفظ می کند و چنانچه گناهی نداشته باشد ، گناهان پدر و مادرش را می بخشد . (۱)

وجوب آمرزش خداوند را در پی دارد

نام انسان در شمار استغفار گویان در سحرها نوشته می

شود

بهشت برایش واجب می شود

امام صادق (علیه السلام) برای تلاوت این نوع استغفار ، در صورتی که در نماز وتر (رکعت آخر نماز شب) باشد ، اثر دیگری بیان کرده اند :

کسی که در آخر (قنوت) نماز وتر در سحر ، هفتاد بار بگوید : « أَسْتَغْفِرُاللّه وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ » آمرزش (خداوند) برای او واجب می شود . (۲)

و نیز در سخن زیبای دیگری می فرمایند :

اگر این ذکر را هفتاد بار در حال ایستاده در (قنوت) نماز وترش بگوید ، و یک سال بر آن مواظبت کند ، (نام او) نزد خداوند در شمار استغفارگویان در سحرها نوشته می شود و بهشت برایش واجب می گردد . (۳)

و در حدیث سوّمی همین اثر ، برای گفتن این نوع استغفار ، چهل شب در نماز وتر ، بدون عبارت «بهشت برایش واجب می گردد» ذکر شده است . (۴)

برای گشایش در امور و حلّ مشکلات سخت

گفتن این استغفار در حلّ معضلات سخت زندگی به تجربه رسیده است

و گره های کور بسیاری از افراد ، با همین ذکر باز شده است ! آنچه مهم به نظر می رسد تعداد آن است که در حدیث پر باری سی هزار بار ذکر شده است و اشخاص متعددی با تلاوت آن به این تعداد ، به حوایج خود دست یافته اند .

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در حدیث زیبایی می فرمایند :

هر کس مشکلی طاقت فرسا پیدا کرد ، یا مصیبتی سخت بر او وارد شد ، یا در زندگی به

تنگنا افتاد ، سی هزار بار بگوید : « أَسْتَغْفِرُاللّه وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ » در این صورت خداوند گره از کارش می گشاید و گشایشی در زندگی او قرار می دهد . (۵)

و چگونه چنین اثر پر باری نداشته باشد ، در حالی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)در سخن نورانی دیگری اثر گفتن این نوع استغفار را چنین بیان می فرمایند :

چهار چیز است که در هر کس باشد در نور اعظم خدا وارد گشته است :

۱ کسی که نگه دار کارش شهادت به این باشد که معبودی در عالم جز خدای یکتا نیست . و من رسول خدایم .

۲ کسی که هر گاه مصیبتی به او رسد بگوید : « إِنّا للهِ وَ إِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ » .

۳ کسی که هر گاه به خیری دست یافت بگوید : « اَلْحَمْدُللهِ » .

۴ کسی که هر گاه گناهی مرتکب شد بگوید : « أَسْتَغْفِرُ اللّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ » . (۶)

تردیدی نیست که اگر کسی با گفتن این اذکار ، در نور اعظم خدا داخل شود ، قطعاً از ظلمت گناه و انحراف و سایر تاریکی ها نیز بیرون رفته است . وگرنه محال است داخل در نور حق گردد ، بی تردید کسی که از این ظلمت ها خارج شود و در نور خدا داخل گردد ، ذات بی مثال حق عهده دار امورش می شود و او را از رنج ها و تنگناهای زندگی نجات می دهد و زندان تاریک دنیا را برایش بهشت روشنِ آرامش ، معنویّت و اُنس با خدا می سازد و

در همه مشکلات و ناملایمات ، فرج و گشایشی برایش قرار می دهد .

چه زیبا است ! که شیعه گنهکاری ، به نیّت بر طرف شدن موانع فرج مولای عزیزش که گناه شیعیان یکی از آن ها است همین استغفار را به تعداد مذکور سی هزار بار در اوقات استجابت دعا ، تلاوت کند ; تا هم گناهش ریخته و غمی از دل مولای غریبش برداشته شود و هم مقدّمات خلاصی یوسف زندانی فاطمه (علیها السلام) را از زندان غیبت فراهم کرده باشد ! و در ضمن خداوند گره از کارش بگشاید .

۱ بحارالأنوار ، ج ۸۷، ص ۹۱ .

۳ و ۲ مستدرک الوسائل ، ج ۴ ، ص ۴۰۷ .

۴ مستدرک الوسائل ، ج ۴ ، ص ۴۰۸ .

۵ مستدرک الوسائل ، ج ۱۲ ، ص ۱۴۳ .

۶ وسائل الشّیعه ، ج ۳ ، ص ۲۴۸ .

خانه ای در بهشت برای گوینده استغفار

نمونه دیگر استغفار که بعد از نافله صبح روز جمعه ، تلاوت می شود ،

ذکر « أَسْتَغْفِرُ رَبّی وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ » است ، که همراه با تسبیح و سپاس خداوند تلاوت می شود و سبب دست یافتن به منازل بهشتی است .

ابی حمزه گوید : از امام صادق (علیه السلام) شنیدم می فرمودند :

کسی که بعد از دو رکعت نافله صبح قبل نماز واجب روز جمعه ، صد بار بگوید : « سُبْحانَ رَبّی وَ بِحَمْدِهِ وَ أَسْتَغْفِرُ رَبّی وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ » خداوند منزلی در بهشت برایش بنا می کند . (۱)

۱ بحارالأنوار ، ج

۸۷ ، ص ۱۸ .

استغفاری پر برکت

همه گناهان آمرزیده می شود

گوینده آن هیچ گاه فقیر نمی شود .

به تعداد آنچه در آسمان و زمین است ، برایش حسنات نوشته می شود .

اگر در شب یا روزی که آن را تلاوت کرده بمیرد وارد بهشت می گردد .

نسخه دیگری از استغفار ، که به تلاوت آن بعد از نافله صبح در طول هفته ، سفارش شده است ، و امام سجاد (علیه السلام) بر قرائت آن در این ساعت مواظبت می کردند ; استغفاری است که برکات فراوانی برای آن نقل شده و قرائت آن ، آثار پر باری را برای دین و دنیای انسان به ارمغان می آورد .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در فضیلت این استغفار می فرمایند :

خداوند گناهان صاحب این استغفار را می آمرزد ، اگر چه گناهان او آسمان ها و زمین های هفتگانه را پر کرده باشد ، به سنگینی کوه ها و

عدد قطرات باران ، و به تعداد آنچه در بیابان و دریا است ; باشد . و به همین اندازه برای کسی که این استغفار را تلاوت کند ، حسنات نوشته می شود . و چنانچه بنده ای ، در شب یا روزی که این استغفار را قرائت می نماید ، بمیرد ، داخل بهشت می شود و هیچ گاه فقیر نمی گردد . (۱)

متن این استغفار چنین است :

« اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ مِمّا تُبْتُ اِلَیْکَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فیهِ ، وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِما اَرَدْتُ بِهِ وَجْهَکَ فَخالَطَنی فیهِ ما لَیْسَ لَکَ ، وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِلنِّعَمِ الَّتی مَنَنْتَ بِها عَلَیَّ فَقَوِیْتُ بِها عَلی مَعاصیک

.

أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذی لا إِلهَ إِلاّ هُوَ الحَیُّ الْقَیُّومُ ، عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ الرَّحْمنُ الرَّحیمُ ، لِکُلِّ ذَنْب اَذْنَبْتُهُ وَ لِکُلِّ مَعْصِیَه ارْتَکَبْتُها .

اَللّهُمَّ ارْزُقْنی عَقْلاً کامِلاً ، وَ عَزْماً ثابِتاً ، (۲) وَ لُبّاً راجِحاً ، وَ قَلْبًا زَکِیاً ، (۳) وَ عِلْماً کَثیراً ، وَ اَدْباً بارِعاً ، وَاجْعَلْ ذلکَ کُلَّهُ لی ، وَ لا تَجْعَلْهُ عَلَیَّ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ » .

« خداونـدا ، از گنـاهی آمرزش می طلبم که از آن به سـوی تـو توبه کردم ، سـپس به سوی آن بـاز گشـتم ، از تو آمرزش می جـویم برای عملی که در انجـامش تـو را اراده نمـودم سـپس در نیّت من چیزی راه یـافت که برای تـو نبـود ، از تو آمرزش می خواهم برای نعمتهایی که آن ها را بر من منّت نهادی ولی من از آن ها برای نافرمانی های تو نیرو گرفتم .

از خـدائی طلـب آمرزش می کنم که معبـودی جز او نیست ، زنـده ای ازلی و ابـدی ، سـرپرستی بی همتـا ، دانـایی به پنهـان و آشـکار و بخشـنده ای مهربـان است . از او برای هر گناهی که انجامش داده و هر معصـیتی که مرتکبش شـده ام ، آمرزش می طلبم .

« خدایا به من عقل کامل ، اراده پا بر جا ، عقل برتر ، قلب پاکیزه ، علم فراوان و ادب نیکو عطا فرما ، و همه این نعمت ها را به سود من قرار ده و بر ضرر من قرار مده ، به رحمت خودت ای مهربان ترین مهربانان » .

سپس پنج مرتبه می گویی :

« أَسْتَغْفِرُ اللهَ

الَّذی لا إِلهَ إِلاّ هُو الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ » . (۴)

« از خدائی آمرزش می طلبم که معبودی جز او نیست ، زنده ای ازلی و ابدی و سر پرستی بی همتا است و به سوی او باز می گردم » .

۱ بحارالأنوار ، ج ۸۴ ، ص ۳۲۶ .

۲ ثاقباً (مصباح الکفعمی و البحار والعلویه) .

۳ ذاکیاً (مصباح الکفعمی) .

۴ بحارالأنوار ، ج ۸۴ ، ص ۳۲۶ .

گفتار نهم : استغفارهای امیرالمؤمنین (علیه السلام)

مقدمه

همچنانکه قبل از این ، یادآور شدیم رسول خدا و امامان معصوم (علیهم السلام) بر تلاوت استغفارهایی در طول شبانه روز مواظبت داشتند ، که این خودبیانگر اوجِ عظمتِ این عمل عبادی عظیم و حاکی از آثار پر بار این ذکر شریف می باشد . در این فصل کتاب به سه نمونه از استغفارهای امیرالمؤمنین (علیه السلام) و آثار و برکات آنها اشاره می کنیم که تلاوت مداوم آن تأثیر عجیبی در حل مشکلات انسان دارد و سریعترین عامل برای دست یافتن به روزی بیشتر و گشایش در زندگی است .

استغفار مجرّب امیرالمؤمنین (علیه السلام) ، با خواصّ فراوان

آمرزش تمام گناهان

برآورده شدن خواسته های انسان

ازدیاد مال و ثروت

یافتن اولاد خوب و سالم

یکی از انواع استغفار که دارای مضامین عالی است و تلاوت آن برای برطرف کردن بسیاری از مشکلات ، و برآورده شدن بسیاری از خواسته های انسان به تجربه ثابت شده است ، استغفاری است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) متن آن را به دست مبارک خود نوشته و به فردی که دستش از مال دنیا تهی شده بود دادند ، و او هم طبق دستور حضرت عمل کرد و به ثروت انبوهی دست یافت .

افراد زیادی از خواندن این استغفار برای حل مشکلات اقتصادی خویش نتیجه گرفته اند و گره های کور زندگی خود را با

تلاوت آن باز نموده اند .

از آن جمله همـانگونه که قبـل از این یـادآور شـدیم ، یکی از دوسـتان که ده سـال قبـل ازدواج کرده بود ولی صـاحب فرزند نگشته بود ، خود و همسرش به مدّت یک سال آن را هر شب قبل از خواب تلاوت کرده و پس از

یک سال خدا فرزندی سالم به آن ها عطا فرمود .

بسیار به جاست که دوستان امیرالمؤمنین (علیه السلام) با تلاوت آن به خواسته های مادی و معنویِ خویش برسند و از فیوضات آن بهره مند گردند .

ما ابتدا اصل داستان را که از امام رضا (علیه السلام) روایت شده است ، برای خوانندگان محترم نقل می کنیم و سپس متن زیبای دستخطّ مولا امیرالمؤمنین (علیه السلام) را با مضامین بلندی که دارد ، خدمت دوستداران ولایت و شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) تقدیم می کنیم .

امام رضا (علیه السلام) از پدرانشان از امام سجاد (علیه السلام) و آن حضرت از پدرشان امام حسین (علیه السلام) چنین روایت می فرمایند :

یک روز در خدمت پدرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) نشسته بودم که مرد عربی خدمت آن حضرت رسید و اظهار کرد :

ای امیرمؤمنان من مردی عیال مندم و بهره ای از مال دنیا ندارم . امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند : چرا استغفار نمی کنی تا حالت خوب شود ؟

مرد عرب گفت : یا امیرالمؤمنین من استغفار زیاد کردم و تغییر و افزایشی در وضع خود ندیدم .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند : خداوند در قرآن می فرماید :

(اِسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ اِنَّهُ کانَ غَفّاراً یُرْسِلِ السَّماءَ عَلَیْکُمْ مِدْراراً وَ یُمْدِدْکُمْ بِاَمْوال وَ بَنینَ وَ یَجْعَلْ لَکُمْ جَنّات وَ یَجْعَلْ لَکُمْ اَنْهاراً) . (۱)

« از خدا طلب عفو و بخشش کنید که او آمرزنده است و اگر چنین کنید از آسمان باران رحمتش را برای شما پیاپی فرو می فرستد و شما را با اموال و فرزندان متعدّد کمک می کند و باغ های سرسبز و خرّم

و رودهای جاری و خوشگوار برایتان فراهم می سازد» .

آن گاه فرمودند : من استغفاری را به تو یاد می دهم که هنگام خواب باید آن را تلاوت کنی که اگر این استغفار را هر شب قبل از خواب بخوانی خداوند روزی تو را افزایش می دهد .

سپس نسخه استغفار را برای او نوشته و به او دادند و فرمودند : هر گاه برای خواب به بستر رفتی و خواستی بخوابی ، این استغفار را بخوان و گریه کن و اگر اشکت نیامد حالت گریه به خود بگیر و تباکی کن .

امام حسین (علیه السلام) می فرمایند : مرد عرب رفت و سال بعد خدمت پدرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) رسید و گفت : یا امیرالمؤمنین ، خداوند نعمتش را بر من تمام کرد . و آن قدر به من ثروت و مکنت عطا کرد که از زیادی اموال ، محل نگهداری آن ها برایم تنگ شده است و جایی برای بستن و محافظت شتران و گوسفندانم ندارم .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند : ای برادر عرب سوگند به آن خدایی که محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) را به رسالت برانگیخته است ، هر بنده ای که این استغفار را قرائت کند و به واسطه آن خدا را بخواند ، خداوند گناهان او را ببخشد ، حوایج مشروع او را برآورد ، و از برکت تلاوت این استغفار مال و فرزند او را زیاد کند . (۲)

قابل تذکّر است : دست یافتن به آثار و برکات این استغفار ، علاوه بر آنچه گذشت همچنانکه امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده اند مشروط به این

است که اولاً : با وضو و هنگام رفتن به بستر خواب قرائت شود . ثانیاً : هنگام تلاوت آن اشک ندامت و پشیمانی ریخته شود و چنانچه اشکی نداشت تباکی کند و حالت گریه کنندگان را به خود بگیرد .

از همه مهمتر این که ، واقعاً از گذشته خود پشیمان شود ، از گناهان خود توبه کند ، تصمیم جدّی بر ترک گناه بگیرد و از هر گونه معامله حرام و درآمد غیرمشروع فاصله جوید ، خداوند را رازق خود بداند ، و در عین حال که برای کسب حلال و درآمد مشروع تلاش می کند ; به درگاه خداوند پناه برده و از او بخواهد که به کسب و کارش برکت دهد و روزی او را وسیع گرداند .

با حفظ همه این جهات ، دست یافتن به نتیجه قطعی متوقّف بر این است که مصلحت انسان در ثروتِ بیشتر و روزیِ فراوان تر و یا حاجتِ دیگری که از خدا خواسته است ، باشد . و اگر مانعی چون ترک دعا ، عدم توجّه به خدا و ارتکاب بعضی از گناهان برای رسیدن به آن در میان باشد ، با قرائت این استغفار همه موانع برطرف می شود و روزی انسان زیاد می گردد و به حاجت خویش دست می یابد .

نکته مهمّ دیگر این است : زمانی اثر این استغفار دو چندان می گردد که بعد از قرائت این استغفار ، مولای خود و امام زمانت را مخاطب قرار دهی و بگویی :

یا اَیُّهَا الْعَزیزُ مَسَّنا وَ اَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِئِنا بِبِضاعَه مُزْجاه ، فَأَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَیْنا

اِنَّ اللهَ یَجْزِی الْمُتَصَدِّقینَ تَاللهِ لَقَدْ آثَرَکَ اللهُ عَلَیْنا وَ اِنْ کُنّا لَخاطِئینَ . یا اَبانا اِسْتَغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا اِنّا کُنّا خاطِئینَ . (۳)

ای مولای عزیز ، ما و اهل و عیالمان گرفتار شده ایم ، و با متاع ناچیزی به بازار آمده ایم و از شما می خواهیم که پیمانه ما را پر کنی و بر ما تصدق نمایی ; که خداوند صدقه دهندگان را پاداش می دهد .

به خدا سوگند ! خدا شما را به عنوان مولا ـ و همه کاره دین و دنیای ما برانگیخته است . گرچه ما در گذشته از خطاکاران بودیم .

ای پدر دلسوز و مهربان ما برای گناهان ما استغفار کن که ما در گذشته از خطاکاران بودیم .

آن گاه با اشک و آه برای مولایت دعا کرده و بگویی :

« اللّهُمَّ عَجِّلْ لِوَلِّیِکَ الْفَرَجْ »

این جاست که مولای عزیزت در هر کجا که باشد برای مشکلات تو دعا خواهد کرد و روزی بیشتری از خدا برایت طلب می نماید .

در خاتمه یادآور می شود : در چاپ اوّل این کتاب ، ما این استغفار را از کتاب شریف « الصّحیفه العلویه الجامعه » تحقیق مدرسه الامام المهدی (علیه السلام)ذکر کردیم ; ولی بعد از چاپ کتاب ، به نسخه خطّی کتاب « مفاتیح النّجاه » تألیف مولی محمد باقر سبزواری ، در کتابخانه آستان قدس رضوی برخوردیم ; و با مقابله این دو نسخه با هم ، و همچنین با نسخه « الصّحیفه العلویه الثّانیه » تألیف علاّمه نوری (رحمه الله) تفاوتهایی بین این سه نسخه مشاهده گردید که برای استفاده بیشتر خوانندگان محترم ،

نسخه صحیح تر را در متن آورده و اختلاف نسخه ها را در حاشیه ذکر کردیم .

شایان ذکر است که غلط های ادبی که در چاپها و نسخه مذکور ملاحظه شد ، بر اساس رعایت قواعد عربی اصلاح گردید . این استغفار دارای سی فراز است که هر شب قبل از خواب باید تلاوت گردد :

۱ سوره نوح ، آیه ۱۰ ۱۲ .

۲ الصّحیفه العلویه الجامعه ، ص ۶۵۹ ، متن این استغفار در ص ۱۶۴ تا ۱۶۸ ، کتاب مذکور آمده است . و ما آن را در صفحات آینده با ترجمه روان آورده ایم .

۳ بر گرفته از آیات ۸۸ و ۹۷ سوره یوسف .

استغفار مجرّبی که امیرالمؤمنین (علیه السلام)به مرد عرب آموختند

متن عربی

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

۱) اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ مِنْ کُلِّ ذَنْب قَوِیَ عَلَیْهِ بَدَنی بِعافِیَتِکَ ، اَوْ نالَتْهُ قُدْرَتی بِفَضْلِ نِعْمَتِکَ ، اَوْ بَسَطْتُ اِلَیْهِ یَدی بِسابِغِ رِزْقِکَ ، اَوِ اتَّکَلْتُ فیهِ عِنْدَ خَوْفی مِنْهُ عَلی اَناتِکَ ، اَوِ احْتَجَبْتُ فیهِ مِنَ النّاسِ بِسَتْرِکَ ، أَوْ وَثِقْتُ مِنْ سَطْوَتِکَ(۱) عَلَیَّ فیهِ بِحِلْمِکَ ، أَوْ عَوَّلْتُ فیهِ عَلی کَرَمِ عَفْوِکَ .

۲) اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ مِنْ کُلِّ ذَنْب خُنْتُ فیهِ اَمانَتی ، اَوْ بَخَّسْتُ بِفِعْلِهِ نَفْسی ، اَوِ احْتَطَبْتُ بِهِ عَلی بَدَنی ، اَوْ قَدَّمْتُ فیهِ لَذَّتی ، (۲) اَوْ آثَرْتُ فیهِ شَهْوَتی ، اَوْ سَعَیْتُ فیهِ لِغَیْری ، اَوِ اسْتَغْوَیْتُ اِلَیهِ مَنْ تَبِعَنی ، اَوْ کایَدتُ فیهِ مَنْ مَنَعَنی ، اَوْ قَهَرْتُ عَلَیْهِ مَنْ عاداني ، اَوْ غَلَبْتُ عَلَیْهِ بِفَضْلِ حیلَتی ،

اَوْ اَحَلْتُ عَلَیْکَ مَوْلایَ ، فَلَمْ تَغْلِبْنی عَلی فِعْلی ، اِذْ کُنْتَ کارِهاً لِمَعْصِیَتی فَحَلُمْتَ عَنّی ، لکِنْ

سَبَقَ عِلْمُکَ فِیَّ بِفِعْلی ذلِکَ لَمْ تُدْخِلْنی یا رَبِّ فیهِ جبْراً ، وَ لَمْ تَحْمِلْنی عَلَیْهِ قَهْراً ، وَ لَمْ تَظْلِمْنی فیهِ شَیْئاً فَاسْتَغْفِرُکَ لَهُ وَ لِجَمیعِ ذُنُوبی .

۳) اَللّهُمَّ اِنی اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب تُبْتُ اِلَیْکَ مِنْهُ ، وَ اَقْدَمْتُ عَلی فِعْلِهِ ، فَاسْتَحْیَیْتُ مِنْکَ(۳) وَ اَنَا عَلَیْهِ ، وَ رَهِبْتُکَ وَ اَنَا فیهِ تَعاطَیْتُهُ وَ عُدْتُ اِلَیْهِ .

۴) اَللّهُمَّ اِنی اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب کَتَبْتَهُ عَلَیَّ بِسَبَبِ خَیْر اَرَدْتُ بِهِ وَجْهَکَ فَخالَطَنی فیهِ سِواکَ ، وَ شارَکَ فِعْلی ما لایَخْلُصُ لَکَ ، اَوْ وَجَبَ عَلَیَّ ما اَرَدْتُ بِهِ سِواکَ ، وَ کَثیرُ مِنْ فِعْلی ما یَکُونُ کَذلِکَ .

۵) اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب تَوَرَّکَ عَلَیَّ بِسَبَبِ عَهْد عاهَدْتُکَ عَلَیْهِ اَوْ عَقْد عَقَدْتُهُ لَکَ ، اَوْ ذِمَّه واثَقْتُ بِها مِنْ اَجْلِکَ لِاَحد مِنْ خَلْقِکَ ، ثُمَّ نَقَضْتُ ذلِکَ مِنْ غَیْرِ ضَرُوره لَزِمَتْنی فیهِ ، بَل اسْتَزَّلَنی اِلَیْهِ عَنْ الْوَفاءِ بِهِ الْاَشَرُ ، وَ مَنَعَنی عَنْ رِعایَتِهِ الْبَطَرُ . (۴)

۶) اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب رَهِبْتُ فیهِ مِنْ عِبادِکَ ، وَ خِفْتُ فیهِ غَیْرَکَ ، وَ اسْتَحْیَیْتُ فیهِ مِنْ خَلْقِکَ ثُمَّ اَفْضَیْتُ بِهِ فِعْلی اِلَیْکَ ،

۷) اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب اَقْدَمْتُ عَلَیْهِ وَ اَنَا مُسْتَیْقِنٌ اَنَّکَ تُعاقِبُ عَلَی ارْتِکابِهِ فَارْتَکَبْتُهُ .

۸) اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب قَدَّمْتُ فیهِ شَهْوَتی عَلی طاعَتِکَ وَ آثَرْتُ مَحَبَّتی عَلی اَمْرِکْ ، وَ اَرْضَیْتُ فیهِ نَفْسی بِسَخَطِکَ وَ قَدْ نَهَیْتَنی عَنْهُ بِنَهْیِکَ ، وَ تَقَدَّمْتَ اِلَیَّ فیهِ بِاِعْذارِکَ ، وَاحْتَجَجْتَ عَلَیَّ فیهِ بِوَعیدِکَ .

۹) اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب عَلِمْتُهُ مِنْ نَفْسی ، اَوْ ذَهَلْتُهُ ، اَوْ

نَسيتُهُ ، اَوْ تَعَمَّدْتُهُ ، أَوْ اَخْطَأْتُهُ ، مِمّا لا اَشُكّ أَنَّکَ سائِلی عَنْهُ ، وَ اَنَّ نَفْسی مُرْتَهَنَهٌ بِهِ لَدَیْکَ ، وَ اِنْ کُنْتُ قَدْ نَسیتُهُ ، اَوْ غَفَلَتْ نَفْسی عَنْهُ .

١٠) اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب واجَهْتُکَ بِهِ ، وَ قَدْ اَیْقَنْتُ اَنَّکَ تَرانی ، وَ اُغْفِلْتُ اَنْ اَتُوبَ اِلَیْکَ مِنْهُ ، اَوْ نَسیتُ اَنْ اَتُوبَ اِلَیْکَ مِنْهُ ، اَوْ نَسیتُ اَنْ اَسْتَغْفِرَکَ لَهُ .

١١) اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب دَخَلْتُ فیهِ ، وَ اَحْسَنْتُ ظَنّی بِکَ(۵) اَنْ لاتُعَذِّبَنی عَلَیْهِ ، وَ اَنَّکَ تَکْفینی مِنْهُ .

١٢) اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب اسْتَوجَبْتُ بِهِ مِنْکَ رَدَّ الدُّعاء ، وَ حِرْمانَ الْاِجابَهِ ، وَ خَیْبَهَ الطَّمَعِ ، وَانْفِساخَ الرَّجاءِ .

١٣) اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب یُعَقِّبُ الْحَسْرَهَ ، وَ یُورِثُ النَّدامهَ وَ حَبسُ الرِّزْقَ وَ یَرُدُّ الدُّعاءَ .

١۴) اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب یُورِثُ الْاَسْقامَ ، وَ یُعَقِّبُ الضَّناءَ ، (۶)وَ یُوجِبُ النِّقَمَ ، وَ یَکُونُ آخِرُهُ حَسْرَهً وَ نَدامَهً .

١۵) اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب مَدَحْتُهُ بِلِسانی ، اَوْ هَشَّتْ(٧) اِلَیْهِ نَفْسی ، اَوِ اکْتَسَبْتُهُ بِیَدی وَ هُوَ عِنْدَکَ قَبیحٌ تُعاقِبُ عَلی مِثْلِهِ ، وَ تَمْقُتُ مَنْ عَمِلَهُ .

١۶) اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب خَلَوْتُ بِهِ فی لَیْل اَوْ نَهار ، حَیْثُ لا یَرانی اَحَدٌ مِنْ خَلْقِکَ ، فَمِلْتُ فیهِ مِنْ تَرْکِهِ بِخَوْفِکَ اِلَی ارْتِکابِهِ بِحُسْنِ الظَّنِّ بِکَ ، فَسَوَّلَتْ لی نَفْسِی الْاِقْدامَ عَلَیْهِ فَواقَعْتُهُ ، وَ اَنَا عارِفٌ بِمَعْصِیَتی لَکَ فیهِ .

١٧) اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب اسْتَقْلَلْتُهُ ، اَوِ اسْتَصْغَرْتُهُ ، اَوِ اسْتَعْظَمْتُهُ وَ تَوَرَّطْتُ فیهِ

.

۱۸) اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِكُلِّ ذَنْب مالَئْتُ(۸) فیهِ عَلی اَحَد مِنْ بَرِیَّتِک ، اَوْ زَیَّنْتُهُ لِنَفْسی اَوْ اَوْ مَأْتُ بِهِ اِلی غَیْری ، وَ دَلَلْتُ عَلَیْهِ سِوایَ ، اَوْ(۹) اَصْرَرْتُ عَلَیْهِ بِعَمْدی ، اَوْ اَقَمْتُ عَلَیْهِ بِحیلَتی .

۱۹) اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِكُلِّ ذَنْب اسْتَعَنْتُ عَلَیهِْ بِحیلَتی ، بِشَیْء مِمّا یُرادُ بِهِ وَجْهُکَ ، اَوْ یُسْتَظْهَرُ بِمِثْلِهِ عَلی طاعَتِکَ ، اَوْ یُتَقَرَّبُ بِمِثْلِهِ اِلَیْکَ ، وَ وارَیْتُ عَنِ النّاسِ وَ لَبَسْتُ فیهِ ، كَاَنّی اُریدُکَ بِحیلَتی ، وَ المُرادُ بِهِ مَعْصِیَتُک وَ اَلْهَوی(۱۰) فیهِ مُتَصَرِّفٌ عَلی غَیْرِ طاعَتِکَ .

۲۰) اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِكُلِّ ذَنْب كَتَبْتَهُ عَلَیَّ بِسَبَب عُجْب كانَ بِنَفْسی ، اَوْ رِیاء ، اَوْ سُمْعَه ، اَوْ خُیَلاءَ ، اَوْ فَرَح ، اَوْ مَرَح ، اَوْ اَشَر ، اَوْ بَطَر ، اَوْ حِقْد ، اَوْ حَمِیَّه ، اَوْ غَضَب ، اَوْ رِضیً ، اَوْ شُحّ ، اَوْ بُخْل ، اَوْ ظُلْم ، اَوْ خِیانَه ، اَوْ سَرِقَه ، اَوْ كِذْب ، اَوْ لَهْو ، اَوْ لَعْب ، اَوْ نَوْع مِنْ اَنْواعِ ما یُكْتَسَبُ بِمِثْلِهِ الذُّنُوبُ وَ یَكُونُ بِاجْتِراحِهِ الْعَطَبُ . (۱۱)

۲۱) اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِكُلِّ ذَنْب سَبَقَ فی عِلْمِک ، اَنّی فاعِلُهُ فَدَخَلْتُ فیهِ بِشَهْوَتی ، وَاجْتَرَحْتُهُ بِاِرادَتی ، وَ قارَفْتُهُ بِمَحَبَّتی وَ لَذَّتی وَ مَشِیَّتی ، وَ شِئْتُهُ إِذْ شِئْتَ اَنْ اَشائَهُ ، وَ اَرَدْتُهُ اِذْ اَرَدْتَ اَنْ اُریدَهُ ، فَعَمِلْتُهُ اِذْ كانَ فی قَدیم تَقْدیرِکَ وَ نافِذِ عِلْمِکَ اَنّی فاعِلُهُ ، لَمْ تُدْخِلْنی فیهِ جَبْراً ، وَ لَمْ تَحْمِلْنی عَلَیْهِ قَهْراً ، وَ لَمْ تَظْلِمْنی فیهِ(۱۲) شَیْئاً ، فَاَسْتَغْفِرُکَ لَهُ وَ لِكُلِّ ذَنْب جَری بِهِ

عِلْمُکَ عَلَیَّ وَفِیَّ اِلی آخِرِ عُمْری .

۲۲) اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب مالَ بِسَخَطی فیهِ عَنْ رِضاکَ ، وَ مالَتْ نَفْسی اِلی رِضاکَ(۱۳) فَسَخِطْتُهُ ، اَوْ رَهِبْتُ فیهِ سِواکَ ، اَوْ عادَیْتُ فیه اَوْلِیاءَکَ ، اَوْ والَیْتُ فیهِ اَعْداءَکَ ، اَوْ اخْتَرْتُهُمْ عَلی اَصْفِیائِکَ ، اَوْ خَذَلْتُ فیهِ اَحِبّاءَکَ ، اَوْ قَصَّرْتُ فیهِ عَنْ رِضاکَ یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۲۳) اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب تُبْتُ اِلَیْکَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فیهِ . (۱۴)

۲۴) وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِما اَعْطَیْتُکَ مِنْ نَفْسی ثُمَّ لَمْ اَفِ بِهِ .

۲۵) وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِلنِّعْمَهِ الَّتی أَنْعَمْتَ بِها عَلَیَّ فَقَوِیتُ بِها عَلی مَعْصِیَتِکَ .

۲۶) وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ خَیْر اَرَدْتُ بِهِ وَجْهَکَ فَخالَطَنی ما لَیْسَ لَکَ .

۲۷) وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِما دَعانی اِلَیْهِ الرُّخَصَ(۱۵) فیما اشْتَبَهَ عَلَیَّ مِمّا هُوَ عِنْدَکَ حَرامٌ .

۲۸) وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِلذُّنُوبِ الَّتی لا یَعْلَمُها غَیْرُکَ ، وَ لایَطَّلِعُ عَلَیْها سِواکَ ، وَ لایَحْتَمِلُها إلّا حِلْمُکَ ، وَ لا یَسَعُها اِلّا عَفْوُکَ .

۲۹) وَ اَسْتَغْفِرُکَ وَ اَتُوبُ اِلَیْکَ مِنْ مَظالِمَ کَثیرَه لِعِبادِکَ قِبَلی یا رَبِّ ، فَلَمْ أَسْتَطِعْ رَدَّها عَلَیْهِمْ وَ تَحْلیلَها مِنْهُمْ ، اَوْ شَهِدُوا فَاسْتَحْیَیْتُ مِنِ اسْتِحْلالِهِمْ وَ الطَّلَبِ اِلَیْهِمْ وَ اِعْلامِهِمْ ذلِکَ ، وَ اَنْتَ الْقادِرُ عَلی اَنْ تَسْتَوهِبَنی مِنْهُمْ ، وَ تُرضِیَهُمْ عَنّی کَیْفَ شِئْتَ وَ بِما شِئْتَ ، یا اَرْحَمَ الرّحِمینَ ، وَ اَحْکَمَ الْحاکِمینَ ، وَ خَیْرَ الْغافِرینَ .

۳۰) اَللّهُمَّ اِنَّ اَسْتِغْفاری اِیّاکَ مَعَ الْاِصْرارِ لُؤْمٌ ، وَ تَرْکِیَ الْاِسْتِغْفارَ

مَعَ مَعْرِفَتی بِسَعَهِ جُودِکَ وَ رَحْمَتِکَ عَجْزٌ ، فَکَمْ تَتَحَبَّبُ اِلَیَّ یا رَبِّ وَ اَنْتَ الْغَنِیُّ عَنّی ، وَ کَمْ

اَتَبَغَّضُ اِلَيْکَ وَ اَنَا الْفَقيرُ اِلَيْکَ وَ اِلى رَحْمَتِکَ ، فَيا

مَنْ وَعَدَ فَوَفا ، وَ اَوْعَدَ فَعَفا ، اِغْفِرْ لى خَطاياىَ ، وَ اعْفُ وَ ارْحَمْ ، وَ اَنْتَ خَيْرُ الرّاحِمينَ . (۱۶)

۱ « مفاتيح » : سَطَواتِکَ .

۲ « مفاتيح » : يَدى .

۳ « مفاتيح » : مِنْه .

۴ « العلويه الجامعه » : الْبَصَرُ .

۵ هکـذا فى « العلويه کلتيهما » و فى « مفاتيـح » : وَ اَحْسَـنْتُ اَلاّ تُعَـذِّبَنى عَلَيْهِ اَوْ رَجَوْتُکَ لِمَغْفِرَتِهِ لى فارْتَکَبْتُهُ و قَـدْ عَوَّلْتُ عَلى حُسْنِ ظَنّى بِکَ اَنْ لا تُعَذِّبَنى عَلَيْه .

۶ المرض و الهزل . و فى « العلويه الثانيه » وخل : الفناء .

۷ اشتهدت و فى «مفاتيح» : اَوْ حَثَّتْ .

۸ شايعتُ و ساعدتُ و عاونت و فى «مفاتيح» : ما يَلْتُ .

۹ « مفاتيح » : وَ اَصْرَرْتُ .

۱۰ هکذا فى « مفاتيح و العلويه الثانيه » ، و فى « العلويه الجامعه » : وَ أَطْوى .

۱۱ باکتسابه الهلاک .

۱۲ « مفاتيح » : و لَم تَظْلِمْنى شَيْئاً .

۱۳ « مفاتيح » : اِلى اِرْضاها .

۱۴ « مفاتيح » : ثُمَّ عُدْتُ فيه و عُدْتُ فيه .

۱۵ « مفاتيح » : التَّرَخُّصْ .

۱۶ الصّحيفه العلويّه الجامعه ، ص ۱۶۴ ۱۶۸ ;مفاتيح النّجاه ، نسخه خطى آستان قدس ; الصّحيفه العلويه الثّانيه ، ص ۶۴ ۷۰ .

ترجمه استغفار مجرّبى که اميرالمؤمنين (عليه السلام) به مرد عرب آموختند

۱) خدایا از تو طلب عفو و بخشش دارم

درباره هر گناهی که با سلامتی که به من دادی ، بدنم بر آن نیرو گرفت . یا گناهی که به خاطر زیادی نعمت تو ، بر انجام آن قدرت یافتم . یا با افزون گشتن روزیت ، بر آن دست درازی کردم . یا هنگام ترس از آن ، بر متانت و تحمل تو اعتماد کردم و مرتکب آن گشتم . یا گناهی که از مقام ستّاریت و پوشانندگی تو کمک گرفتم و آن را از مردم پنهان کردم . یا به خاطر حلم و بردباریت از چیره گشتن و سختگیری تو در مورد آن خاطرم جمع گردید . یا گناهی که در مورد آن ، بر گذشت کریمانه تو اعتماد کردم و مرتکب آن گردیدم .

۲) خداوندا ، از تو عفو و گذشت می طلبم در مورد هر گناهی که در انجام آن به امانت خود (ایمان و معرفتم) خیانت کردم . یا گناهی که با انجامش نفس خود را بی ارزش ساختم یا هیزم (عقوبت و کیفر قیامت) را به دوش خویش کشیدم . یا در مورد آن ، لذّت و کامیابی خویش را مقدّم داشتم و شهوت و خواسته دل خود را در راه رسیدن به آن برگزیدم . یا برای رسیدن دیگران بدان تلاش کردم . یا کسی را که از من پیروی نموده بود به سوی آن فریب داده و گمراه کردم . و با کسی که مانع از انجام آن گردید ، حیله به خرج دادم ; و کسی را که به خاطر ارتکابش با من دشمنی کرد ، مقهور خود ساختم

و با چاره اندیشیِ برترم بر او غالب و پیروز گشتم . یا تو را (برای دست یافتن به آن گناه) ای مولای ، من ضعیف شمردم ; ولی تو مرا بر این کار زشتم مغلوب نساختی و با این که از گناه من ناراحت بودی ، نسبت به کردار ناپسند من خویشتن داری کردی . و تو از قبل ، کردار مرا می دانستی ، نه به گونه ای که مرا به اجبار در میدان آن وارد سازی و به زور به آن واداری ، که تو کمترین ظلمی در مورد آن به من نکردی . من برای این گناه و همه گناهانم از تو درخواست آمرزش می کنم .

۳) خداوندا ، برای هر گناهی که به سوی تو توبه کرده ام ، تقاضای گذشت و بخش دارم ، گناهی که بر انجام آن اقدام کردم در حالی که از تو حیا می کردم امّا از آن جدا نمی شدم ، از تو می ترسیدم ولی در آن غرق بودم ، مرتکب آن می شدم و دوباره به سویش برمی گشتم .

۴) بارالها ، از تو آمرزش می خواهم درباره هر گناهی که بر من نوشته ای ، به واسطه کار خیری که تصمیم گرفتم آن را برای تو انجام دهم ، ولی غیر تو در نیّت من مخلوط گشت ; و چیزی که نیّتم را برای تو ناخالص می ساخت ، در آن شرکت جست ; یا مرا ملزم ساخت که به واسطه آن غیر تو را اراده کنم . و بسیاری از کارهای من بدینسان بوده

است .

۵) خداونـدا ، از تـو آمرزش می طلبم برای هر گنـاهی که دست و پـای مرابست ، به خـاطر عهـد و پیمـانی که بـا تـو بسـتم یا قراردادی که برای تو داشـتم یا مطلبی را برای یکی از بنـدگان تو ، به خاطر تو ، به عهـده گرفتم ; سـپس بدون هیچ ضـرورتی عهد شـکنی کرده و نقض پیمان کردم . بلکه تکبّر و خودبینیِ من ، مرا از وفای به عهدم بازداشت و به سوی نقض آن لغزاند ; و شادی بیجا و ناسپاسی ، مرا از رعایت آن بازداشت .

۶) خداونـدا ، از تو عفو و بخشـش می جویم در مورد هر گنـاهی که هنگام انجام آن از بنـدگان تو ترسان گشـتم و از غیر تو خائف بودم ، (از تو حیا نکردم) امّا از آفریده های تو حیا کردم و در خلوت تو مرتکب آن گردیدم .

۷) بارالها ، از تو درخواست بخشش و آمرزش هر گناهی را دارم که بر آن اقدام کردم ، در حالی که یقین داشتم که تو مرا به خاطر آن عقاب می کنی ، ولی مرتکب آن شدم .

۸) خداوندا ، از تو درباره هر گناهی طلب آمرزش می کنم که در مسیر دست یافتن به آن ، شهوت و خواسته دلم را بر طاعت و خواسـته تو مقدّم داشـتم ، و محبّت به خویشتن را بر دستور و فرمان تو برگزیدم ، و نفس خود را با غضب و خشم تو خشنود ساختم ; در حالی که تو با نَهی خود ، مرا از

فعل آن بازداشتی و قبل از آن که من به سوی آن حرکت کنم ، نصیحتم کردی و راه عذرتراشی را به رویم بستی ; و با وعده عقاب و عذاب خویش ، حجّت را بر من تمام کردی .

۹) بـار خـدایا ، از تو خواهش بخشـش دارم برای هر گناهی که از آن اطلاع دقیق داشـتم و یا از آن غافل گشـته و فراموشـش کرده ام ، خواه با علم و آگاهی

مرتکب آن شـده بـاشم یـا بـا جهل و نادانی ، گناهی که شک نـدارم روزی از من سئوال خواهی کرد و نَفْس من در گرو آن خواهد بود ، اگر چه آن را فراموش کرده یا نَفْس خود را از آن غافل کرده باشم .

۱۰) بارالها ، از تو طلب آمرزش و ریزش هر گناهی را دارم که در برابر تو با آن عمل حاضـر گشـتم در حالی که یقین داشـتم که تو مرا می بینی ، ولی از این که توبه کنم و به سوی تو بـاز گردم ، خود را غافل کرده یا فراموش کردم که توبه کنم و از تو آمرزش بخواهم .

۱۱) خداوندا ، از تو تقاضای عفو و گذشت می کنم برای هر گناهی که در میدان آن داخل گشـتم و به تو گمان نیک داشتم که بر انجام آن ، مرا عذاب نمی کنی و عهده دار نجات من از آثار و عواقب بد آن می شوی .

۱۲) کردگارا ، از تو خواهش آمرزش دارم درباره هر گناهی که به خاطر آن استحقاق رد شدن درخواست ، محروم گردیدن

از اجابت دعا ، نرسیدن به مقصود ، به هم پاشیدن امید ، و دست نیافتن به آرزو را پیدا کردم .

۱۳) بار پروردگارا ، از تو درخواست عفو و بخشش می نمایم برای هر گناهی که حسرت و اندوه به دنبال داشته و ندامت و پشیمانی از خود به جای گذارده و روزی را حبس کرده ، و دعا را رد می کند .

۱۴) خداوندا ، از تو طلب گذشت و آمرزش می کنم درباره هر گناهی که بیماری های مختلف از خود به جای می گذارد ، رنجوری و لاغری به دنبال دارد ، باعث عقوبت و سختی می گردد ، و سرانجامش حسرت و پشیمانی است .

۱۵) بارخدایا ، از تو آمرزش می طلبم در مورد هر گناهی که آن را به زبان خود تعریف کردم ، یا نَفْسم به سوی آن میل پیدا کرد ، یا به دست خویش تحصیلش کردم ; در حالی که آن کار نزد تو کار زشتی است که بر مثل آن بندگانت را عقاب می کنی ، و هر که را مرتکب آن گردد دشمن می داری .

۱۶) بارالها ، از تو طلب عفو آمرزش می کنم برای هر گناهی که شب یا روزم را با آن خلوت کردم ، به گونه ای که هیچ یک از آفریده هایت مرا نمی دید اگر چه به خاطر ترس از تو آن را ترک کرده ولی آنچه مرا به اقدام بر آن مایل ساخت ، گمان نیکی بود که به تو داشتم ، لذا نَفْسم مرا فریب داد و از

ترک گناه به انجام آن مایل گشتم و در منجلابش فرورفتم ، و این در حالی بود که عصیان خود را نسبت به تو می شناختم .

۱۷) خداوندا ، از تو تقاضای عفو و بخشش می کنم درباره هر گناهی که آن را کم یا کوچک شمردم ، یا در عین حالی که بزرگ دانستم در گردابش فرو رفتم .

۱۸) پروردگارا ، از تو خواهش آمرزش و ریزش هر گناهی را دارم که در مورد آن یکی از بندگان تو را به انجام آن کمک و یاری کردم ، یا آن را برای نفس خود زینت دادم یا با اشاره ام دیگری را بدان واداشتم و غیر خود را به سوی آن رهنمون گردیدم و با علم و آگاهی بر آن اصرار ورزیدم ، یا با چاره اندیشی خویش بدان استقامت کردم .

۱۹) کردگارا ، برای هر گناهی از تو درخواست عفو و بخشش دارم که با حیله های شیطانی خویش برای انجام آن ، از طریق کاری کمک جستم که بواسطه آن می توان تو را قصد کرد و به تو تقرّب جست و بر طاعت و پیروی تو غالب گشت یا به تو نزدیک شد ; امّا من باطن کارم را از مردم پنهان کردم و مطلب را بر آن ها مشتبه ساختم و چنین وانمود کردم که مقصودم از انجام این کار تو هستی ; در حالی که مراد من نافرمانی تو بود ، و هوای نفس ، باطن کارم را از ظاهرش که برای تو بود جدا ساخته و به غیر طاعت تو برگرداند .

۲۰) خداونـدا ، از تو طلب عفو و آمرزش می کنم نسبت به هر گنـاهی که بر من نوشـته ای به خاطر عجب و خودبینی ، ریا و خودنمایی ، رساندن صدای عبادت خویش به دیگران ، تکبر و بزرگ منشی ، شادی بی جا و نشاط غرور آفرین ، خودپسندی و گردن کشـی در برابر حق ، ناسپاسـی در مقابـل نعمـت هـای تـو ، کینـه تـوزی و رشـگ بردن به دیگران ، غضب نمـودن و خشـمگین شدن ، راضی گشتن و خشنود شدن ، آزمندی و بخل ورزیدن ، ظلم و خیانت ، سرقت و دروغگویی ، کار بیهوده و بازی نمودن ، یا نوعی از انواع صـفات زشت و کارهای ناپسندی که با مثل آن گناهان تحصیل می گردد ، و با ورود در میدان آن انسـان به هلاکت می افتـد (خداونـدا ، از هر گناهی که به واسـطه یکی از این صـفات بر آن دست یافتم از تو طلب عفو و بخشش می کنم) .

۲۱) بارالهـا ، از تو تمنّای آمرزش و گـذشت دارم برای هر گنـاهی که در علم تو گذشـته است که من آن را انجام می دهم ، گناهی که به شهوت و خواسته دل خویش در آن قدم گذارده ام و با اراده خود انجامش داده ام و به خاطر علاقه ای که به آن داشـتم و لـذّتی که از آن می بردم بـا خـواست خـود مرتکبش گشـتم ، و این خـواست من در حـالی است که تـو خواسـتی من بخواهم ، آن را اراده کردم در حالی که تو اراده نمودی من

اراده کنم و در نتیجه آن را انجام دادم ، زیرا در تقـدیر قـدیم و علم گـذرای تو چنین گذشـته که من آن را به اراده خود انجام می دهم ، نه این که تو مرا به زور وادار به این گنـاه کنی یـا بی اختیار مرا به آن وا داری ، تو هیـچ ظلمی در ارتباط با این کار زشت ، به من نکردی پس ، از تو برای این گنـاه و هر گنـاهی که علم تو بر آن جـاری گشـته است و دربـاره من تا آخر عمرم جاری می شود طلب عفو و بخشش می کنم .

۲۲) پروردگـارا ، از تو تقاضای مغفرت و آمرزش دارم ، در مورد هر گناهی که به خشم خود درباره آن از خشـنودی تو روی گرداندم و نَفْسم به سوی خشـنودی تو مایل گشت ولی به خاطر دست یافتن به گناه ، خشـنودی تو را دشـمن داشتم ; در انجام آن از غیر تو ترسـیدم ، با دوسـتان تو دشـمنی و با دشـمنان تو دوستی کردم و آنان را بر بهترین بنـدگانت برگزیـدم ; و در راه ارتکاب آن دوسـتان تو را بیچاره و گرفتار کردم ; یا برای دست یافتن به آن از خشـنودی تو کاسـتم و در تحصیل آن کوتاهی کردم ، ای بهترین بخشندگان .

۲۳) خداونـدا ، از تو تقاضای بخشـش و آمرزش دارم درباره هر گناهی که به سوی تو توبه کردم ، سـپس دوباره به سوی آن بازگشتم .

۲۴) از تو می خواهم مرا ببخشی نسبت به وعده ایی که به تو دادم ، پیمان هایی

که با تو بستم ، ولی به آن وفا نکردم .

۲۵) از تو طلب آمرزش می کنم برای نعمت هایی که به من عطا کردی ، و من به واسطه آن ها خود را برای نافرمانی تو نیرومند ساختم .

۲۶) از تو تقاضای عفو و بخشش دارم در مورد هر کار خیری که تصمیم گرفتم آن را برای خشنودی تو انجام دهم ، امّا در نیّتم آنچه برای تو نبود راه یافت .

۲۷) از تو می خواهم مرا عفو فرمایی نسبت به امور شبهه ناکی که در نزد تو حرام بود ، و اجازه ظاهری مرا به سوی آن فرا خواند .

۲۸) از تو درخواست آمرزش دارم ، نسبت به گناهانی که غیر از تو کسی از آن با خبر نیست ، و جز تو کسی از آن اطلاع ندارد ، و جز حلم و بردباری تو عامل دیگری گنجایش در بر گرفتن آن را ندارد .

۲۹) ای خدای من ، از تو می خواهم مرا ببخشی و توبه ام را بپذیری نسبت به مظالم و حقوق فراوانی که از بندگانت به عهده من است ، امّا من قدرت برگرداندن و حلالیّت طلبیدن از آن ها را ندارم ; یا اگر صاحبان حق برای حلال نمودن نزد من حاضر شدند ، حیا کردم که از آن ها حلالیّت بطلبم و از آنان بخواهم و به آن ها اعلام کنم که از من راضی شوند ; و تو قدرت داری که برایم از آنان طلب بخشش نمایی و آن ها را از من راضی گردانی ،

به هر صورت که خودت می خواهی ، و به هر چیزی که می خواهی . ای مهربـانترین مهربانـان و ای بهـترین حکم کننـدگان و برترین بخشندگان .

۳۰) خداونـدا ! طلب عفو و بخشـش من از تو بـا اصـرار و پافشـاری فرومایگی است . و ترک آمرزش خواهی من با معرفتم به گسـترش جـود و رحمت تو ، عجز و نـاتوانی است . ای پروردگـارم ، چه بسـیار اوقـاتی که تو به من اظهـار محبّت کردی ، در حالی که تو از من بی نیاز هستی ، و چه بسیار که من با تو دشمنی کردم ، در حالی که سر تا پا نیازمند به تو و رحمتت هستم . ای کسـی که وعده به ثواب می دهی و به وعده ات وفا می کنی ، و از عقاب می ترسانی امّا می بخشـی ، خطاها و لغزش های مرا ببخش ، مرا عفو کن و بر من رحم فرما که تو بهترین رحم کنندگانی .

شفا یافتن دل و نورانی شدن قلب با تلاوت آیات استغفار

توجّه به قرآن و تلاوت آیاتش و تفکّر در مضامین و اشاراتش ، باعث نورانی شدن قلب ، شـفا یافتن دل و شـکوفا گشتن غنچه ایمان در باغسـتان جان انسان است آیاتی که علاوه بر این که کلمات نورانی حق هسـتند ، بیانگر دسـتور اسـتغفار ، ذکر حیات بخشی می باشندکه بعد از ولایت اهل بیت (علیهم السلام)به عنوان بهترین عبادت ، جامع ترین دعا و پر بارترین عمل عبادی از آن یاد شده است .

از طرفی اگر این آیات در سخن کسی به نظم کشیده شده و به درگاه خداوند عرضه شده باشند که

خودش قرآن ناطق و سینه اش گنجینه علوم قرآن و کردارش نشانگر عمل به آن است ، اثر تلاوتش را دو چندان می سازد .

آری ، این امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که در مناجات و استغفاری که با خدای خویش دارد ، اشاره ای به تمام آیات قرآن می فرمایـد که در آن ذکری از اسـتغفار به میان آمـده است و بیان کننده آثار و برکات اسـتغفار ، و نشانگر تقاضای امت ها از انبیا برای آمرزش خواهی از خدا ، و مشتمل بر تعریف از مستغفرین و عذرخواهان است .

لذا این بخش کتاب را با استغفاری زینت می دهیم که مرحوم علاّمه مجلسی ، از بلدالأمین کفعمی ، نقل کرده و می فرماید :

مستحب است انسان در قنوت نماز وتر ، استغفاری را تلاوت کند که امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن را قرائت می فرمودند . (۱)

لازم به تذکر است که تکیه عمده آن حضرت در این استغفار ، بر آیات نورانی قرآن است . و تلاوت آن در قنوت نماز شب ، آثار پر باری را برای انسان به ارمغان خواهد آورد .

اینک متن استغفاری که از لَبان دُرر بار مولی الموحّدین علی (علیه السلام) صادر گشته ، از نظر خوانندگان محترم می گذرد :

۱ بحارالأنوار ، ج ۸۴ ، ص ۲۸۲ .

استغفار امیرالمؤمنین (علیه السلام) در قنوت نماز وتر

متن استغفار امیرالمومنین

۱) اَللّهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ فی کِتابِکَ الْمُنْزَلِ عَلی نَبِیّکَ الْمُرسَلِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ ، وَ قَولُکَ الْحَقُّ (کانُوا قَلیلاً مِنَ اللَّیْلِ ما یَهْجَعُونَ وَ بِالْاَسْحارِ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ)(۱) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَیْکَ .

۲) وَ قُلْتَ تَبارَکْتَ وَ تَعالَیْتَ

: (ثُمَّ اَفيضُوا مِنْ حَيْثُ اَفاضَ النّاسُ وَ اسْتَغْفِرُوا اللهَ اِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحيمٌ)(٢) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَيْکَ .

٣) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (اَلصّابِرينَ وَ الصّادِقينَ وَ الْقانِتينَ وَ الْمُنْفِقينَ وَ الْمُسْتَغْفِرينَ بِالْاَسْحارِ)(٣) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَيْکَ .

٤) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (وَ الَّذينَ اِذا فَعَلُوا فاحِشَةً اَوْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اللهُ وَ لَمْ

يُصِرُّوا عَلى ما فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ)(٤) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَيْکَ .

٥) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاوِرْهُمْ فِى الْاَمْرِ فَاِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ اِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلينَ)(٥) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَيْکَ .

٦) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (وَ لَوْ اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ جاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللهَ تَوّاباً رَحيماً) (٦) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَيْکَ .

٧) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (وَ مَنْ يَعْمَلْ سُوءً اَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللهَ يَجِدِ اللهَ غَفُوراً رَحيماً)(٧) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَيْکَ .

٨) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (اَفَلا يَتُوبُونَ اِلَى اللهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَهُ وَ اللهُ غَفُورٌ رَحيمٌ)(٨) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَيْکَ .

٩) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (وَ ما كانَ اللهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ اَنْتَ فيهِمْ وَ ما كانَ اللهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ)(٩) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَيْکَ .

١٠) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (

اِسْتَغْفِرْ لَهُمْ اَوْ لا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ اِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَاللهُ لَهُمْ)(١٠) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ .

١١) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (ما كانَ لِلنَّبِيِّ وَ الَّذينَ امَنُوا مَعَهُ أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكينَ وَ لَوْ كانُوا اُولى قُرْبى مِنْ بَعْدِ ما تَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُمْ اَصْحابُ الْجَحيمِ)(١١) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ .

١٢) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (وَ ما كانَ اسْتِغْفارُ اِبْراهيمَ لِاَبيهِ اِلاّ عَنْ مَوْعِدَه وَعَدَها اِيّاهُ)(١٢) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ .

١٣) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (وَ اَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا اِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتاعاً حَسَناً اِلى اَجَلٍ مُسَمًّى وَ يُؤْتِ كُلَّ ذى فَضْلٍ فَضْلَهُ)(١٣) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ .

١۴) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (وَ يا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا اِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّماءَ عَلَيْكُمْ مِدْراراً وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً اِلى قُوَّتِكُمْ وَ لا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمينَ)(١۴) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ .

١۵) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْاَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فيها فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا اِلَيْهِ اِنَّ رَبّى قَريبٌ مُجيبٌ)(١۵) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ .

١۶) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (وَ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا اِلَيْهِ اِنَّ رَبّى رَحيمٌ وَدُودٌ)(١۶) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ .

١٧) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (وَ اسْتَغْفِرى لِذَنْبِكِ اِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخاطِئينَ)(١٧) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ .

١٨) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (يا اَبانا اِسْتَغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا اِنّا

كُنّا خاطِئينَ)(١٨) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ .

١٩) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (سَوْفَ اَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبّى اِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ)(١٩) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ .

٢٠) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (وَ ما مَنَعَ النّاسَ اَنْ يُؤْمِنُوا اِذْ جاءَهُمُ الْهُدى وَ يَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ)(٢٠) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ .

٢١) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (سَلامٌ عَلَيْكَ سَاَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبّى اِنَّهُ كانَ بى حَفِيّاً)(٢١) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ .

٢٢) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (فَأْذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللهَ اِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحيمٌ)(٢٢) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ .

٢٣) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (يا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلا تَسْتَغْفِرُونَ اللهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ)(٢٣) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ .

٢٤) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (وَ ظَنَّ داوُدُ اَنَّما فَتَنّهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ راكِعاً وَ اَنابَ)(٢٤) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ .

٢٥) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (الَّذينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذينَ امَنُوا)(٢٥) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ .

٢٦) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ : (فَاصْبِرْ اِنَّ وَعْدَاللهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَ الْاِبْكارِ)(٢٦) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ .

٢٧) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (فَاسْتَقيمُوا اِلَيْهِ وَ اسْتَغْفِرُوهُ)(٢٧) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ .

٢٨) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ

وَ تَعالَیْتَ : (وَ المَلائِکَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِی الْاَرْضِ اَلا اِنَّ اللهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ)(۲۸) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَیْکَ .

۲۹) وَ قُلْتَ تَبارَکْتَ وَ تَعالَیْتَ : (فَاعْلَمْ اَنَّهُ لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِکَ وَ لِلْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ اللهُ یَعْلَمُ مُتَقَلَّبَکُمْ وَ مَثْویکُمْ)(۲۹) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَیْکَ .

۳۰) وَ قُلْتَ تَبارَکْتَ وَ تَعالَیْتَ : (سَیَقُولُ لَکَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْاَعْرابِ شَغَلَتْنا اَمْوالُنا وَ اَهْلُونا فَاسْتَغْفِرْ لَنا)(۳۰) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَیْکَ .

۳۱) وَ قُلْتَ تَبارَکْتَ وَ تَعالَیْتَ : (حَتّی تُؤْمِنُوا بِاللهِ وَحْدَهُ اِلاّ قَوْلَ اِبْراهیمَ لِاَبیهِ لَاَسْتَغْفِرَنَّ لَکَ وَ ما اَمْلِکُ لَکَ مِنَ اللهِ مِنْ شَیْء رَبَّنا عَلَیْکَ تَوَکَّلْنا وَ اِلَیْکَ اَنَبْنا وَ اِلَیْکَ الْمَصیرُ)(۳۰) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَیْکَ .

۳۲) وَ قُلْتَ تَبارَکْتَ وَ تَعالَیْتَ : (وَ لا یَعْصینَکَ فی مَعْرُوف فَبایِعْهُنَّ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللهَ اِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحیمٌ)(۳۲) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَیْکَ .

۳۳) وَ قُلْتَ تَبارَکْتَ وَ تَعالَیْتَ : (وَ اِذا قیلَ لَهُمْ تَعالَوْا یَسْتَغْفِرْ لَکُمْ رَسُولُ اللهِ لَوَّوْا رُؤُسَهُمْ وَ رَأَیْتَهُمْ یَصُدُّونَ وَ هُمْ مُسْتَکْبِرُونَ)(۳۳) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَیْکَ .

۳۴) وَ قُلْتَ تَبارَکْتَ وَ تَعالَیْتَ : (سَواءٌ عَلَیْهِمْ اَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ اَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ یَغْفِرَ اللهُ لَهُمْ)(۳۴) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَیْکَ .

۳۵) وَ قُلْتَ تَبارَکْتَ وَ تَعالَیْتَ : (وَ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ اِنَّهُ کانَ غَفّاراً)(۳۵) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَیْکَ .

۳۶) وَ قُلْتَ تَبارَکْتَ وَ تَعالَیْتَ : (هُوَ

خَيْرٌ وَ اَعْظَمُ اَجْراً وَ اسْتَغْفِرُوا اللهَ اِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحيمٌ)(۳۶) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ .

۳۷) وَ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ : (فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ اِنَّهُ كانَ تَوّاباً)(۳۷) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ . (۳۸)

پی نوشتها

۱ سوره ذرایات ، آیه ۱۷ .

۲ سوره بقره : آیه ۹۹ .

۳ و ۴ و ۵ سوره آل عمران : آیه ۱۷ ، ۱۳۵ ، ۱۵۹ .

۶ سوره نساء : آیه ۶۴ .

۷ سوره نساء : آیه ۱۱۰ .

۸ سوره مائده : آیه ۷۴ .

۹ سوره انفال : آیه ۳۳ .

۱۰ سوره توبه : آیه ۸۰ .

۱۱ سوره توبه : آیه ۱۱۳ .

۱۲ سوره توبه : آیه ۱۱۴ .

۱۳ سوره هود ، آیه ۳ .

۱۴ سوره هود : آیه ۵۲ .

۱۵ سوره هود : آیه ۶۱ .

۱۶ سوره هود : آیه ۹۰ .

۱۷ سوره یوسف : آیه ۲۹ .

۱۸ سوره یوسف : آیه ۹۷ .

۱۹ سوره یوسف : آیه ۹۸ .

۲۰ سوره کهف : آیه ۵۵ .

۲۱ سوره مریم : آیه ۴۷ .

۲۲ سوره نور : آیه ۶۲ .

۲۳ سوره نمل : آیه ۴۶ .

۲۴ سوره ص : آیه ۲۴ .

۲۵ سوره غافر : آیه ۷ .

۲۶ سوره غافر : آیه ۵۵ .

۲۷ سوره فصلت : آیه ۶ .

۲۸ سوره

شوری : آیه ۵ .

۲۹ سوره محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) : آیه ۱۹ .

۳۰ سوره فتح : آیه ۱۱ .

۳۱ سوره ممتحنه : آیه ۴ .

۳۲ سوره ممتحنه : ۱۲ .

۳۳ سوره منافقون : آیه ۵ .

۳۴ سوره منافقون : آیه ۶ .

۳۵ سوره نوح ، آیه ۱۰ .

۳۶ سوره مزّمّل : آیه ۲۰ .

۳۷ سوره نصر : آیه ۳ .

۳۸ الصّحیفه العلویّه الجامعه ، ص ۱۵۷ ۱۶۲ ; البلد الأمین ، ص ۶۵ ، چ اعلمی بیروت .

ترجمه استغفار امیرالمؤمنین (علیه السلام) ، همراه آیات استغفار

۱) خدایا تو خود ، در کتاب محکمت که بر پیامبر مرسل خویش (صلی الله علیه وآله وسلم) ، فرو فرستاده ای ، فرموده ای و گفتار تو حق است که فرموده ای : « (متّقین در دنیا چنین بودند که) کمی از شب را می خوابیدند و در سحرگاهان استغفار می کردند . » و من از تو آمرزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم .

۲) تو (ذات پاکی داری که) مبارک هستی و دارای علوّ مرتبه ای و فرموده ای : « سپس از همان جا که مردم کوچ می کنند (به سوی سرزمین منی) کوچ کنید . و از خدا آمرزش بخواهید ، به راستی که خدا بسیار آمرزنده و مهربانست . » و من از تو آمرزش می خواهم و به سوی تو باز می گردم .

۳) تو (ذات پاکی هستی که) مبارکی و مرتبه ات

عـالی و بلنـد است و فرموده ای : « آن ها که (در برابر مشـکلات و در مسـیر اطاعت خـدا) صابر و خویشـتن دارنـد ، راسـتگو هسـتند و (در برابر خدا) خضوع و (در راه او مال خویش را) انفاق می کنند ، و در سـحرگاهان استغفار می کنند . » و من از تو آمرزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم .

۴) تو (ذات مقدّسـی هستی که) مبارکی و علوّ مرتبه داری و فرموده ای : « کسانی که هرگاه ، کار زشتی انجام می دهند ، یا به نَفْس خویش ظلم می کننـد ، خدا را به یاد می آورند و برای گناهانشان اسـتغفار می کنند ; و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد; و اینان بر آنچه کرده اند ، اصـرار و پافشاری ندارند ، و خوب می دانند (که اصرار بر گناه با استغفار سازش ندارد) » و من از تو آمرزش می طلبم و به سویت باز می گردم .

۵) تو (ذات منزهی هستی که) وجودت مبارک و برتر از افکار همه است و فرموده ای : « آن ها را ببخش و برایشان اسـتغفار کن و در کارشـان با آنان مشورت کن . امّا هنگامی که تصـمیم گرفتی (قاطع باش) و بر خـدا توکّل کن ، به راستی که خـدا توکّل کنندگان را دوست دارد . » و من از تو طلب آمرزش می کنم و به سوی تو باز می گردم .

۶) تو (ذات بی مثالی

هستی که) وجودی مبارک و مرتبه ای بلند داری و فرموده ای : « اگر اینان زمانی که به نَفْسهای خویش ستم می کنند ، نزد تو آیند

و از خدا آمرزش طلبند ، و رسول خدا هم برای آنان استغفار کند ، خدا را توبه پذیر و مهربان می یابند . » و من از تو آمرزش می جویم و به سوی تو باز می گردم .

۷) تو ذات مبارکی هستی که برتر از دسترس عقول و افکاری و فرموده ای : « هر کس کار بدی کند ، یا به نَفْس خویش ستم روا دارد ، سپس از خدا آمرزش طلبد ، خدا را بسیار آمرزنده و مهربان می یابد . » و من از تو آمرزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم .

۸) تو وجود مبارکی هستی که مرتبه ای عالی و بلند داری و فرموده ای : « چرا به سوی خدا باز نمی گردند و از خدا آمرزش نمی طلبند ؟ (مگر نمی دانند که) خدا بسیار آمرزنده و مهربان است . » و من از تو طلب آمرزش می کنم و به سوی تو باز می گردم .

۹) تو (ذات پاکی داری که) مبارک هستی و دارای علوّ مرتبه ای و فرموده ای : « (ای رسول ما) تا تو در میان ایشان هستی ، خدا آنان را عذاب نمی کند و (نیز) تا آن ها استغفار می کنند و از خدا آمرزش می طلبند ، خدا آنان را عذاب نمی کند . » و

من از تو آمرزش می خواهم و به سوی تو باز می گردم .

۱۰) تـو (ذات مطهّری هسـتی که) مبـارکی و مرتبه ات عـالی و بلنـد است و (دربـاره منـافقین) فرموده ای : « تو (ای پیـامبر (صـلی الله علیه وآله وسـلم)) برای آن هـا اسـتغفار کنی یـا نکنی (به حالشان فرق نمی کنـد) اگر هفتاد مرتبه هم برای آن ها طلب آمرزش کنی ، خدا آن ها را نمی بخشد . » و من از تو آمرزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم .

۱۱) تو (ذاتی پـاک داری که) مبـارک است و برتر از عقول همه ای و فرموده ای : « پیغمبر و کسـانی که ایمـان آورده انـد ، نبایـد برای مشـرکین اسـتغفار کننـد ، اگر چه از نزدیکان آن ها باشـند ، بعـد از آن که برای آنان روشن شد که این گروه اهل دوزخند . » و من از تو آمرزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم .

۱۲) تو وجودی مبارک و مرتبه ای بلنـد داری و فرموده ای : « اسـتغفار ابراهیم (علیه السـلام) برای پـدرش (عمویش آذر) به خاطر وعده ای بود که به او داده بود » و من از تو آمرزش می جویم و به سوی تو باز می گردم .

۱۳) وجود تو مبـارک و مرتبه ات بلنـد است و فرموده ای : « از پروردگارتان آمرزش طلبیـد ، سـپس به سوی او باز گردیـد تا شما را به مدّت معینی (که برای عمرتان

قرار داده است) از نعمت ها و زنـدگی خوب بهره مندتان فرماید ، و هر صاحب فضـیلتی را به مقدار فضـیلتش ببخشد . » و من از تو طلب آمرزش می کنم و به سوی تو باز می گردم .

۱۴) تو (ذات پـاک و) مبـارکی هستی که علوّ مرتبه داری و فرموده ای : « ای قوم من از پروردگارتـان طلب آمرزش کنیـد ، سپس به سوی او بـاز گردیـد تـا (بـاران) آسـمان را به سوی شـما ، پی در پی فرو فرسـتد . و نیرویی بر نیرویتان بیافزایـد و در حالی که گنهکارید از حق روی برنتابید » و من از تو آمرزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم .

۱۵) تو (ذات مقدسـی هستی که) مبارکی و علوّ مرتبه داری و فرموده ای : « اوست خـدایی که شـما را از زمین پدید آورد و آبادانیش را با عمری که به شـما عطا کرد ، در اختیارتان قرار داد . پس از او آمرزش بخواهید ، سپس به سوی او باز گردید به تحقیق که پروردگار من (به بندگان خویش) نزدیک ، و اجابت کننده (خواسته آنان) است . » و من از تو طلب آمرزش می کنم و به سوی تو باز می گردم .

۱۶) تو (ذات پاک و) مبارکی هستی و دارای علوّ مرتبه ای و فرموده ای : « از پروردگارتان آمرزش طلبید ، سپس به سوی او باز گردید . به راستی ، پروردگار من مهربان و دوستدار (بندگان توبه

کار) است . » و من از تو آمرزش می طلبم و به سویت باز می گردم .

۱۷) وجود تو مبارک و برتر از همه افکار است و فرموده ای : « (تو ای زلیخا) برای گناهت استغفار کن ، به راستی که تو از خطاکاران بودی . » و من از تو آمرزش می خواهم و به سویت باز می گردم .

۱۸) تو وجود مبارکی هستی که دارای علوّ مرتبه ای و فرموده ای : « ای پدر ما (یعقوب (علیه السلام)) برای گناهان ما (و آنچه نسبت به فرزندت یوسف (علیه السلام) روا داشتیم) استغفار کن ، به تحقیق که ما همگی از خطاکاران بودیم . » و من از تو طلب آمرزش می نمایم و به سویت باز می گردم .

۱۹) تو ذاتی مبارک هستی و دارای علوّ مرتبه ای و (و از زبان پیامبرت یعقوب (علیه السلام)) فرموده ای : « بزودی برایتان استغفار می کنم و از پروردگارم برای شما آمرزش می طلبم ، به راستی که او بسیار آمرزنده و مهربان است . » و من از تو آمرزش می جویم و به سوی تو باز می گردم .

۲۰) تو مبارکی و برترین رتبه را داری و فرموده ای : « چه چیز جلوگیر مردم شده است که وقتی هدایت سراغشان آمد ، ایمان آورند و از پروردگار خویش آمرزش طلبیده ، استغفار کنند ؟ » و من از تو خواهش آمرزش دارم و به سویت باز می گردم .

۲۱) تو ذاتی مبارک و برتر

از همه ای و فرموده ای : « (ابراهیم (علیه السلام) به پدرش گفت :) سلام بر تو باد ، به زودی برایت از پروردگار خویش آمرزش می طلبم ، به راستی که او همواره نسبت به من مهربان بوده است . » و من از تو درخواست آمرزش دارم و به سوی تو باز می گردم .

۲۲) تو وجودی مبارک و دارای مرتبه برتر هستی و فرموده ای : « (ای پیامبر ، هرگاه از تو برای بعضی از کارهای مهم خویش اجازه خواستند) ، به هر یک از آنان که می خواهی اجازه بده و برای ایشان ، از خدا آمرزش بخواه که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است . » و من از تو آمرزش می خواهم و به سوی تو باز می گردم .

۲۳) وجود تو مبارک و مرتبه ات بلند است و (از قول پیامبرت صالح (علیه السلام)) فرموده ای : « ای مردمی که در عهد من زندگی می کنید ، چرا برای بدی قبل از نیکی عجله می کنید (و عذاب الهی را می طلبید نه رحمت او را ؟) چرا از خداوند تقاضای آمرزش نمی کنید ، تا بلکه مشمول رحمت خداوند قرار گیرید ؟ » و من از تو آمرزش می خواهم و به سوی تو باز می گردم .

۲۴) تو (ذات پاکی هستی که) مبارک و دارای برترین مرتبه ای و فرموده ای : « داود ، دانست که ما با این ماجرا او را آزمودیم از این رو از پروردگارش طلب

آمرزش کرد ، به سجده افتاد ، به سوی حق بازگشت و توبه کرد . » و من از تو آمرزش می طلبم و به سویت باز می گردم .

۲۵) تو وجودی مبارک و دارای مرتبه ای بلند هستی و فرموده ای : « فرشتگانی که عرش را بدوش می کشند ، و آن ها که در اطرافشان هستند ، با حمد پروردگارشان (خدا را) تسبیح گفته و به او ایمان می آورند ، و برای کسانی که ایمان آورده اند استغفار می کنند . » و من از تو طلب آمرزش می کنم و به سویت باز می گردم .

۲۶) تو (ذات پاک و) مبارکی هستی که علوّ مرتبه داری و فرموده ای : « صبر و شکیبایی پیشه کن که وعده خداوند حق است . و برای گناهت استغفار کن ، و صبح و شام با حمد پروردگارت ، تسبیح (او را) به جای آور . » و من از تو آمرزش می طلبم و به سویت باز می گردم .

۲۷) تو ذات مبارکی هستی که دارای علوّ مرتبه ای و فرموده ای : « پس تمام توجّه خویش را به او کنید و از وی آمرزش طلبید . » و من از تو آمرزش می خواهم و به سویت باز می گردم .

۲۸) تو (ذات پاکی هستی که) مبارک و برتر از همه ای و فرموده ای : فرشتگان با حمد پروردگارشان تسبیح (خدا) می گویند و برای کسانی که در زمین اند (و به خدای خویش

ایمان دارند) ، استغفار می کنند . آگاه باشید که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است . » و من از تو تقاضای عفو و بخشش دارم و به سویت باز می گردم .

۲۹) وجود تو مبارک و علوّ مرتبه ات از همه بیشتر است و فرموده ای : « بدان که معبودی جز خدای یکتا نیست . و برای گناه خودت و گناه مردان و زنان با ایمان ، استغفار کن و خداوند محل حرکت و قرارگاه شما را می داند . » و من از تو آمرزش می طلبم و به سویت باز می گردم .

۳۰) تو وجودی مبارک و برتر از همه داری و فرموده ای : « به زودی آن دسته از اعراب که از شرکت در جنگ تخلف ورزیدند (نزد تو آمده و) می گویند : (اموال و اهل و عیال) ما را مشغول کرد (و از شرکت در جنگ بازداشت) پس برای (این گناه) ما استغفار کن . » و من از تو عفو و بخشش می خواهم و به سویت باز می گردم .

۳۱) تو (ذات مقدّسی هستی که) وجودت مبارک است و دارای مرتبه ای بلند هستی و فرموده ای : « (ابراهیم به قوم مشرک خود گفت : . . . میان ما و شما دشمنی همیشگی آشکار شده) تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان آورید . جز آن سخن که ابراهیم به پدرش (عمویش آذر) گفت (و وعده داد) که برای تو آمرزش

می طلبم ، و در عین حال در برابر خـدا مالک چیزی نیستیم (و اختیاری نـداریم) پروردگارا ، ما بر تو توکّل کردیم و به سوی تو بازگشتیم و همه فرجام ها به سوی تو است . » و من از تو طلب آمرزش می نمایم و به سویت باز می گردم .

۳۲) تـو (ذات مطهّری هسـتی که) مبـارک و دارای علوّ مرتبه ای و فرموده ای : « (ای پیـامبر هنگـامی که زنـان مؤمن نزد تو آیند ، تا با تو بیعت کنند اگر) در هیچ کار شایسته ای با تو مخالفت نمی کنند ، با آن ها بیعت کن و برای آنان از درگاه خدا آمرزش بخواه که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است . » و من از تو آمرزش می جویم و به سویت باز می گردم .

۳۳) تـو وجـود مبـارکی هسـتی که علوّ مرتبه داری و فرموده ای : « و هر زمـان به آن هـا (منـافقین) گفته می شود : بیاییـد تا رسول خدا برایتان اسـتغفار کند ، (از شدّت تکبر و غرور) سـرهایشان را به عقب می چرخانند و آن ها را می بینی که راه حق و سعادت را به روی خود و دیگران می بندند و تکبر میورزند . » و من از تو خواهش آمرزش دارم و به سویت باز می گردم .

۳۴) تـو (ذات مهربـان و) مبـارکی هسـتی که برتر از عقـول همه ای و فرموده ای : « برای اینـان (منـافقین) مسـاوی است که برایشان استغفار

کنی یا نکنی ، خدا آن ها را نخواهد آمرزید . » و من از تو آمرزش می طلبم و به سویت باز می گردم .

۳۵) تـو وجود مبـارکی داری که برتر از افکـار همه ای و فرموده ای : « از پروردگارتـان آمرزش طلبیـد که او بسـیار آمرزنـده است . » و من از تو تقاضای عفو و بخشش دارم و به سویت باز می گردم .

۳۶) وجود تو مبارك و مرتبه تو بلنـد است و فرموده ای : « (آنچه از کارهای نیک برای خود از پیش می فرستید) نزد خدا به بهترین وجه و بزرگترین پاداش خواهید یافت . و از خدا آمرزش بخواهید که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است . » و من از تو عفو و آمرزش می طلبم و به سویت باز می گردم .

۳۷) تو وجودی مبـارک و دارای مرتبه ای بلنـد هستی و فرموده ای : « با حمـد پروردگارت تسبیـح بگو و از او آمرزش بطلب که او توبه پذیر است . » و من از تو طلب و عفو و آمرزش دارم و به سویت باز می گردم .

نجات از فقر و گسترش روزی

اسـتغفار در ساعت بین الطّلوعین ، بعـد از نافله صـبح ، مخصوصاً اگر هفتاد مرتبه باشد ، دارای آثار و برکات فراوانی است . ما در بحث « بهترین اوقات اسـتغفار » به بخشـی از آن اشاره کردیم . از جمله آثار آن وسـعت رزق و روزی است ، زیرا علاوه بر این که ، یکی از برکات استغفار وسعت روزی است; بیدار ماندن در این ساعت تا طلوع

آفتاب و پرداختن به عبادت خدا نیز باعث افزایش روزی انسان است .

محمد بن مسلم از امام صادق (علیه السلام) ، یا امام باقر (علیه السلام) سؤال کرد : خواب بعد از نماز صبح چگونه است ؟

حضرت فرمودند : روزی (انسان) در این ساعت گسترش پیدا می کند و من دوست ندارم ، شخص در این ساعت بخوابد (و از روزی خویش محروم گردد .)(۱)

خواب صبح ، خواب شومی است که نحوست آن در زندگی روزمره انسان آشکار گشته ، از جمله آنکه روزی را از او دور کرده ، رنگ چهره را تغییر داده و رخساره شخص را دگرگون و زشت می سازد . (۲)

خواب بین الطلوعین اگر همراه با ترک نماز صبح باشد مبغوضیّتش شدیدتر و آثار شومش بیشتر می گردد ، تا آنجا که زمین هم تحمّل چنین انسانی را نداشته و از این کردار ناپسند او ناله می کند ، همانگونه که از خون حرامی که بر روی آن ریخته می شود ، و غسلی که بر روی آن از زنا می گردد ، ناله می زند ! (۳)

خواب در این ساعت به قدری مذموم است که در الهامات نورانی امامان پاک (علیهم السلام) شدیداً نکوهش شده و برای اینکه شیعیان گرفتار پی آمدهای ناگوارش نگردند ، به آنان دستور داده اند : در ساعت بین الطلوعین ، قبل از طلوع و غروب آفتاب ، زیاد به یاد خدا باشید ، از شرّ ابلیس و لشکریانش به او پناه برده و فرزندان خردسالتان را در پناه خداوند در آورید . چه آنکه

این دو ساعت ، ساعت غفلت شمرده شده است . (۴)

مهمترین اثر شومِ غفلت در این ساعت ، محرومیّت از روزی ، مخصوصاً روزی های اضافه و بی گمان است !

در دورانهای گذشته وضع بنی اسرائیل چنین بود که روزیِ آنان (انگبین و عسل و بلدرچین) ، از طلوع فجر تا طلوع خورشید ، نازل می گشت ، و هرکس می خوابید سهم او نازل نمی شد و چون بیدار می شد و سهم خویش را نمی دید ، ناچار برای گذران روزیش از مردم سؤال و درخواست می کرد . (۵) بدین خاطر ، امامان معصوم (علیهم السلام) تأکید فراوانی نسبت به بیداری در این ساعت داشتند ، تا شیعیانشان از روزی خویش محروم نمانند .

امام سجاد (علیه السلام) در کلامی زیبا و پر معنا به ابوحمزه ثمالی فرمودند :

لا تَنامَنَّ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ ، فَاِنّی اَکْرَهُها لَکَ ، إِنَّ اللهَ یُقَسِّمُ فی ذلِکَ الْوَقْتِ اَرْزاقَ العِبادِ وَ عَلی اَیْدینا یُجْریها . (۶)

حتماً سعی کن قبل از طلوع خورشید نخوانی ، که من این کار را برای تو خوش ندارم . به راستی ، خداوند در این ساعت روزی های بندگان را تقسیم می کند ; و این کار را خدا به دست ما اجرا می کند .

بنابراین با توجّه با اینکه ، خوابیدن در این ساعت باعث از دست دادن روزی خویشتن است و یا زحمت انسان را برای تحصیل آن ، دو چندان کرده و چه بسا مساوی با ریختن آبروی او است ; خوب است که در این دقایق سرنوشت ساز بیدار مانده ، با خدای

مهربان مناجات کرده و از او آمرزش طلبیم .

همچنین برای گناهانمان از امام زمان خویش ارواحنا فداه عذرخواهی کنیم ، به این امید که وقتی روزیِ ما را از خدا طلب می کند ، سهم بیشتری برایمان درخواست فرماید .

آری ! چه زیباست که بعد از قرائت استغفارهای وارده در این ساعت دعای عهد را تلاوت کرده و با یکی از زیارات امام عصر عجلّ الله فرجه آن بزرگوار را زیارت کنیم . و با او پیمان ببندیم که دیگر با کردار ناشایستمان قلب نورانیش را جریحه دار نسازیم . (۷)

در این صورت است که استغفارمان به درگاه خدا ، با آمین آن بزرگوار عجین گشته ، به استجابت رسیده و به همه برکات استغفار دست خواهیم یافت .

امام سجاد (علیه السلام) در این ساعت ، استغفاری را تلاوت می کردند که ما در بحث نمونه های استغفار ، آن را یادآور شدیم . (۸)

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) برای استغفار خاصّی در این ساعت فضایل زیادی ذکر می کنند ، از جمله می فرمایند :

هر کس (در این ساعت) آن را تلاوت کند ، هیچ گاه فقیر نمی شود . (۹)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) مقید بودند ، این ساعت را بیدار مانده با خدای خویش مناجات کرده و هفتاد بار استغفار کنند ، و در هر مرتبه استغفار خاصّی را با مضامینی عالی تلاوت فرمایند . ما متن عربی و ترجمه این استغفار را در پایان این بخش کتاب می آوریم ، بسیار بجا و شایسته است ، شیفتگان مکتب

علوی ، از مضـامین پر بـارش بهره منـد شونـد و بـا توجه به مضـامین بلنـد و زیبای آن ، با معرفت بیشتری به مولای خود عشـق ورزیده ، قدر مذهب خویش را بدانند ، و برای سـیر و سـلوک و درک کمالات معنوی به مولایشان تأسـی کرده و همچون آن بزرگوار با خدا مناجات نمایند و به دنبال هر صدایی نروند .

مرحوم کفعمی می فرماید :

روش امیرالمؤمنین علی (علیه السـلام) چنین بود که در سـحر هر شب بعد از دو رکعت نافله صـبح ، هفتاد مرتبه چنین اسـتغفار می کردند ، یعنی این نسخه استغفار را که دارای هفتاد فراز است ، یک بار تلاوت می فرمودند . (۱۰)

مـا متن این اسـتغفار را بـا چهار نسـخه « بحارالأنوار ، علامه مجلسـی (ره) » ، « بلـد الأمین ، مرحوم کفعمی (ره) » ، « الصّحیفه العلویه الثّانیه ، محدّث نوری (ره) » و « الصّحیفه العلویه الجامعه ، تحقیق مدرسه الإمام المهدی (علیه السـلام) » مقابله کردیم و نسخه کامل و صحیح تر را در متن و اختلاف نسخه ها را در حاشیه آوردیم .

اینک متن استغفار مذکور و سپس ترجمه روان آن ، از نظر خوانندگان محترم می گذرد

۱ من لایحضره الفقیه ، ج ۱ ، ص ۵۰۱ ; التهذیب ، ج ۲ ، ص ۱۳۸ ; وسائل الشیعه ، ج ۶ ، ص ۴۹۶ .

۲ وسائل الشیعه ، ج ۶ ، ص ۴۹۷ ، ح ۳ .

۳ وسائل الشیعه ، ج ۶ ، ص ۴۹۷ ، ح ۷ .

۴ وسائل الشیعه ، ج ۶ ، ص

۴۹۶ ، ح ۵ .

۵ وسائل الشیعه ، ج ۶ ، ص ۴۹۶ ، ح ۴ .

۶ وسائل الشیعه ، ج ۶ ، ص ۴۹۹ ، ح ۱۱ ; بحارالأنوار ، ج ۴۶ ، ص ۲۳ ; و ج ۷۳ ، ص ۱۸۵ ; بصائر الدّرجات ، ص ۳۴۳ .

۷ دعای عهد و زیارات امام زمان علیه السّلام را در اواخر « مفاتیح الجنان » قبل و بعد از دعای ندبه ، می توانید بیابید .

۸ بحارالأنوار ، ج ۸۴ ، ص ۳۲۵ . همین کتاب ، ص . . .

۹ متن زیبای این استغفار ، در صفحه ۲۵۳ همین کتاب آمده است .

۱۰ البلد الامین ، ص ۳۸ تا ۴۶ ، چ سنگی ; بحارالأنوار ، ج ۸۴ ، ص ۳۲۶ .

استغفار امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از نافله صبح

متن استغفار(۱)

۱) اَللّهُمَّ اِنّی اُثْنی عَلَیْکَ بِمَعُونَتِکَ عَلی ما نِلْتُ بِهِ الثَّناءَ عَلَیْکَ ، وَ اُقِرُّ لَکَ عَلی نَفْسی بِما اَنْتَ اَهْلُهُ ، وَ الْمُسْتَوْجِبُ لَهُ فی قَدْرِ فَسادِ نِیَّتی وَ ضَعْفِ یَقینی ، اَللّهُمَّ نِعْمَ الاِْلهُ اَنْتَ ، وَ نِعْمَ الرَّبُّ اَنْتَ ، وَ بِئْسَ الْمَرْبُوبُ اَنَا وَ نِعْمَ الْمَوْلی اَنْتَ ، وَ بِئْسَ الْعَبْدُ اَنَا ، وَ نِعْمَ الْمالِکُ ، اَنْتَ ، وَ بِئْسَ الْمَمْلُوکُ اَنَا ، فَکَمْ قَدْ اَذْنَبْتُ فَعَفَوْتَ عَنْ ذَنْبی ، وَ کَمْ قَدْ اَجْرَمْتُ فَصَفَحْتَ عَنْ جُرْمی ، وَ کَمْ قَدْ اَخْطَأْتُ فَلَمْ تُؤاخِذْنی ، وَ کَمْ قَدْ تَعَمَّدْتُ فَتَجاوَزْتَ عَنّی ، وَ کَمْ قَدْ عَثَرْتُ فَاَقَلْتَنی عَثْرَتی وَ لَمْ تُؤاخِذْنی عَلی غِرَّتی ، فَاَنَا الظّالِمُ لِنَفْسِی ، اَلْمُقِرُّ بِذَنْبی ، الْمُعْتَرِفُ بِخَطیئَتی ، فیا غافِرَ الذُّنُوبِ اَسْتَغْفِرُکَ لِذَنْبی ، وَ اَسْتَقیلُکَ

لِعَثْرَتی ، فَاَحسِنْ اِجابَتی ، فَاِنَّکَ اَهْلُ الْاِجابَهِ ، وَ اَهْلُ التَّقْوی وَ اَهْلُ الْمَغْفِرَهِ .

۲) اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب قَوِیَ بَدَنی عَلَیْهِ بِعافِیَتِک ، اَوْ نالَتْهُ قُدْرَتی بِفَضْلِ نِعْمَتِکَ ، اَوْ بَسَطْتُ اِلَیْهِ یَدی بِتَوْسِعَهِ رِزْقِکَ ، اَوِ احْتَجَبْتُ فیهِ مِنَ النّاسِ بِسَتْرِکَ اَوِ اتَّکَلْتُ فیهِ عِنْدَ خَوْفی مِنْهُ عَلی اَناتِکَ وَ وَثِقْتُ مِنْ سَطْوَتِکَ عَلَیَّ فیهِ بِحِلْمِکَ ، وَ عَوَّلْتُ فیهِ عَلی کَرَمِ عَفْوِکَ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِهِ ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۳) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب یَدْعُو إِلی غَضَبِکَ ، اَوْ یُدْنی مِنْ سَخَطِکَ اَوْ یَمیلُ بی اِلی مَا نَهَیْتَنی عَنْهُ ، اَوْ یَنْأی(۱) عَمّا دَعَوْتَنی اِلَیْهِ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِهِ ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۴) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب اسْتَمَلْتُ اِلَیْهِ اَحَداً مِنْ خَلْقِکَ بِغَوایَتی ، اَوْ خَدَعْتُهُ بِحیلَتی فَعَلَّمْتُهُ مِنْهُ ما جَهِلَ ، وَ عَمَّیْتُ عَلَیْهِ مِنْهُ ما عَلِمَ وَ لَقیتُکَ غَداً بِاَوْزاری وَ اَوْزار مَعَ اَوْزاری ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِهِ ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۵) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب یَدْعُو اِلَی الْغَیِّ ، وَ یُضِلُّ عَنِ الرُّشْدِ ، وَ یُقِلُّ الرِّزْقَ ، وَ یَمْحَقُ الْبَرَکَهَ ، (۲) وَ یُخْمِلُ الذِّکْرَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۶) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب اَتْعَبْتُ فیهِ جَوارِحی فی لَیْلی وَ نَهاری وَ قَدِ اسْتَتَرْتُ مِنْ عِبادِکَ بِسَتْری ، وَ لا سَتْرَ اِلاّ ما سَتَرْتَنی ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۷) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب

رَصَدَنی فیهِ اَعْدائی لِهَتْکی فَصَرَفْتَ کَیْدَهُمْ عَنّی ، وَ لَمْ تُعِنْهُمْ عَلی فَضیحَتی ، کَاَنّی لَکَ وَلیٌّ فَنَصَرْتَنی ، وَ اِلی مَتی یا رَبِّ اَعْصی فَتُمْهِلُنی ، وَ طالَ ما عَصَیْتُکَ فَلَمْ تُؤاخِذْنی ، وَ سَاَلْتُکَ عَلی سُوءِ فِعْلی فَاَعْطَیْتَنی ، فَاَیُّ شُکْرٍ یَقُومُ عِنْدَکَ بِنِعْمَه مِنْ نِعَمِکَ عَلَیَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

٨) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب قَدَّمْتُ اِلَیْکَ فیهِ تَوْبَتی ، ثُمَّ واجَهْتُ بِتَکَرُّم قَسَمی بِکَ ، وَ اَشْهَدْتُ عَلی نَفْسی بِذلِکَ اَوْلِیاءَکَ مِنْ عِبادِکَ اَنّی غَیْرُ عائِد اِلی مَعْصِیَتِکَ ، فَلَمّا قَصَدَنی بِکَیْدِهِ الشَّیْطانُ ، وَ مالَ بی اِلَی الْخِذْلانِ ، وَ دَعَتْنی نَفْسی اِلَی الْعِصْیانِ ، اسْتَتَرْتُ حَیاءً مِنْ عِبادِکَ ، جُرْاَةً مِنّی عَلَیْکَ وَ اَنَا أَعْلَمُ اَنَّهُ لا یُکِنُّنی مِنْکَ سِتْرٌ وَ لا بابٌ ، وَ لا یَحْجُبُ نَظَرَکَ اِلَیَّ حِجابٌ ، فَخالَفْتُکَ فِی الْمَعْصِیَهِ اِلی ما نَهَیْتَنی عَنْهُ ثُمَّ کَشَفْتَ السِّتْرَ عَنّی ، وَ ساوَیْتُ اَوْلِیاءَکَ کَاَنّی لَمْ اَزَلْ لَکَ طائِعاً ، وَ اِلی اَمْرِکَ مُسارِعاً وَ مِنْ وَعیدِکَ فازِعاً ، فَلَبَّسْتُ عَلی عِبادِکَ ، وَ لا یَعْرِفُ بِسَریرَتی(٣) غَیْرُکَ فَلَمْ تَسِمْنی بِغَیْرِ سِمَتِهِمْ ، بَلْ اَسْبَغْتَ عَلَیَّ مِثْلَ نِعَمِهِمْ ، ثُمَّ فَضَّلْتَنی فی ذلِکَ عَلَیْهِمْ حَتّی کَاَنّی عِنْدَکَ فی دَرَجَتِهِمْ ، وَ ما ذلِکَ اِلاّ بِحِلْمِکَ وَ فَضْلِ نِعْمَتِکَ ، فَلَکَ الْحَمْدُ مَوْلایَ فَاَسْاَلُکَ یا اَللهُ ، کَما سَتَرْتَهُ عَلَیَّ فِی الدُّنْیا اَنْ لا تَفْضَحْنی بِهِ فِی الْقِیامَهِ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ .

٩) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب سَهِرْتُ لَهُ لَیْلی فِی التَّاَنّی لاِتْیانِهِ وَ التَّخَلُّصِ اِلی وُجُودِهِ حَتی اِذا أَصْبَحْتُ تَخَطَّأْتُ اِلَیْکَ بِحِلْیَهِ الصّالِحینَ وَ اَنَا مُضْمِرٌ

خِلافَ رِضاكَ یا رَبَّ الْعالَمینَ . فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۱۰) اَللّٰهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب ظَلَمْتُ بِسَبَبِهِ وَلِیّاً مِنْ اَوْلِیائِکَ ، اَوْ نَصَرْتُ بِهِ عَدُوّاً مِنْ اَعْدائِکَ ، اَوْ تَکَلَّمْتُ فیهِ بِغَیْرِ مَحَبَّتِکَ ، اَوْ نَهَضْتُ فیهِ اِلی غَیْرِ طاعَتِکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَ اغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۱۱) اَللّٰهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب نَهَیْتَنی عَنْهُ فَخالَفْتُکَ اِلَیْهِ ، اَوْ حَذَّرْتَنی اِیّاهُ فَاَقَمْتُ عَلَیْهِ ، اَوْ قَبَّحْتَهُ لی فَزَیَّنْتُهُ لِنَفْسی ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۱۲) اَللّٰهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب نَسیتُهُ فَاَحْصَیْتَهُ ، وَ تَهاوَنْتُ بِهِ فَاَثْبَتَّهُ وَ جاهَرْتُکَ فیهِ(۴) فَسَتَرْتَهُ عَلَیَّ ، وَ لَوْ تُبْتُ اِلَیْکَ مِنْهُ لَغَفَرْتَهُ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۱۳) اَللّٰهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب تَوَقَّعْتُ فیهِ قَبْلَ انْقِضائِهِ تَعْجیلَ الْعُقُوبَهِ فَاَمْهَلْتَنی ، وَ اَوْلَیْتَ(۵) عَلَیَّ سِتْراً فَلَمْ الُ فی هَتْکِهِ عَنّی جُهْداً ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۱۴) اَللّٰهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب یَصْرِفُ عَنّی رَحْمَتَکَ ، اَوْ یُحِلُّ بی نِقْمَتَکَ ، اَوْ یُحْرِمُنی کَرامَتَکَ ، اَوْ یُزیلُ عَنّی نِعْمَتَکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۱۵) اَللّٰهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب یُورِثُ الْفَناءَ ، اَوْ یُحِلُّ الْبَلاءَ ، اَوْ یُشْمِتُ الْاَعْداءَ ، اَوْ یَکْشِفُ الْغِطاءَ ، اَوْ یَحْبِسُ قَطْرَ السَّماءِ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۱۶)

اَللّهُمَّ وَ اَستَغْفِرُکَ لِکَلِّ ذَنْب عَیَّرْتُ بِهِ اَحداً مِنْ خَلْقِکَ ، اَوْ قَبَّحْتُهُ مِنْ فِعْلِ اَحد مِنْ بَرِیَّتِک ، ثُمَّ تَقَحَّمْتُ عَلَیْهِ وَ انْتَهَکْتُهُ جُرْاَةً مِنّی عَلی مَعْصِیَتِکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرِینَ .

۱۷) اَللّهُمَّ وَ اَستَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب تُبْتُ اِلَیْکَ مِنْهُ ، وَ اَقْدَمْتُ عَلی فِعْلِهِ فَاسْتَحْیَیْتُ مِنْکَ وَ اَنَا عَلَیْهِ ، وَ رَهِبْتُکَ وَ اَنا فیهِ ثُمَّ اسْتَقَلْتُکَ مِنْهُ وَعُدْتُ اِلَیْهِ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرِینَ .

۱۸) اَللّهُمَّ وَ اَستَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب تَوَرَّکَ عَلَیَّ وَ وَجَبَ فی فِعْلی بِسَبَب عَهْد عاهَدْتُکَ عَلَیْهِ ، اَوْ عَقْد عَقَدْتُهُ لَکَ ، اَوْ ذِمَّه الَیْتُ بِها مِنْ اَجْلِکَ لِاَحَد مِنْ خَلْقِکَ ، ثُمَّ نَقَضْتُ ذلِکَ مِنْ غَیْرِ ضَرُورَه لِرَغْبَتی فیهِ ، بَلِ اسْتَزَلَّنی عَنِ الْوَفاءِ بِهِ الْبَطَرُ ، وَ اسْتَحَطَّنی عَنْ رِعایَتِهِ الْاَشَرُ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرِینَ .

۱۹) اَللّهُمَّ وَ اَستَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب لَحِقَنی بِسَبَبِ نِعْمَه اَنْعَمْتَ بِها عَلَیَّ فَقَوِیْتُ بِها عَلی مَعْصِیَتِکَ ، وَ خالَفْتُ بِها اَمْرَکَ ، وَ قَدَّمْتُ بِها عَلی وَعیدِکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرِینَ .

۲۰) اَللّهُمَّ وَ اَستَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب قَدَّمْتُ فیهِ شَهْوَتی عَلی طاعَتِکَ ، وَ اثَرْتُ فیهِ مَحَبَّتی عَلی اَمْرِکَ ، وَ اَرْضَیْتُ نَفْسی فیهِ بِسَخَطِکَ اِذْ اَرْهَبْتَنی(۶) مِنْهُ بِهَیْبَتِکَ ، وَ قَدَّمْتَ اِلَیَّ فیهِ بِاِعْذارِکَ ، وَ احْتَجَجْتَ عَلَیَّ فیهِ بِوَعیدِکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرِینَ .

۲۱) اَللّهُمَّ وَ اَستَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب عَلِمْتُهُ

مِنْ نَفْسی اَوْ نَسیتُهُ اَوْ ذَکَرْتُهُ اَوْ تَعَمَّدْتُهُ اَوْ اَخْطَأْتُهُ(۷) مِمّا لا اَشُّکَ اَنَّکَ سائِلٌ(۸) عَنْهُ ، وَ اَنَّ نَفْسی مُرْتَهَنَهٌ (بِهِ) لَدَیْکَ ، وَ اِنْ کُنْتُ قَدْ نَسیتُهُ وَ غَفَلْتُ عَنْهُ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۲۲) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب واجَهْتُکَ (بِهِ وَ قَدْ اَیْقَنْتُ اَنَّکَ ترانی) عَلَیْهِ ، وَ اُغْفِلْتُ اَنْ اَتُوبَ اِلَیْکَ مِنْهُ ، (۹) وَ اُنْسیتُ اَنْ اَسْتَغْفِرَکَ لَهُ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۲۳) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب دَخَلْتُ فیهِ بِحُسْنِ ظَنّی بِکَ اَنْ لا تُعَذِّبَنی عَلَیْهِ ، وَ رَجَوْتُکَ لِمَغْفِرَتِهِ ، فَاَقْدَمْتُ عَلَیْهِ ، وَ قَدْ عَوَّلْتُ عَلی مَعْرِفَتی بِکَرَمِکَ اَنْ لا تَفْضَحَنی بَعْدَ اَنْ سَتَرْتَهُ عَلَیَّ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۲۴) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب اسْتَوْجَبْتُ مِنْکَ بِهِ رَدَّ الدُّعاءِ ، وَ حِرْمانَ الْاِجابَهِ ، وَ خَیْبَهَ الطَّمَعِ ، وَ انْفِساخَ الرَّجاءِ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۲۵) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب یُعْقِبُ الْحَسْرَهَ ، وَ یُورِثُ النَّدامَهَ ، وَ یَحْبِسُ الرِّزْقَ ، وَ یَرُدُّ الدُّعاءَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۲۶) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب یُورِثُ الْاَسْقامَ وَ الْفَناءَ ، وَ یُوجِبُ النِّقَمَ وَ الْبَلاءَ ، وَ یَکُونُ فِی الْقِیامَهِ حَسْرَهً وَ نَدامَهً ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۲۷) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ

لِكَلِّ ذَنْب مَدَحْتُهُ بِلسانی ، اَوْ اَضْمَرَهُ جنانی ، اَوْ هَشَّتْ اِلَیْهِ نَفْسی ، اَو اَتَیْتُهُ(۱۰) بِفِعالی ، اَوْ کَتَبْتُهُ بِیَدی ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۲۸) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب خَلَوْتُ بِهِ فی لَیْل اَوْ نَهار ، وَ اَرْخَیْتَ عَلَیَّ فیهِ الْاَسْتارَ حَیْثُ لا یَرانی اِلاّ اَنْتَ یا جَبّارُ ، فَارْتابَتْ فیهِ نَفْسی وَ تَحَیَّرْتُ(۱۱) بَیْنَ تَرْکِهِ لِخَوْفِکَ ، وَ انْتِهاکِهِ لِحُسْنِ الظَّنِّ بِکَ ، فَسَوَّلَتْ لی نَفْسِیَ الْاِقْدامَ عَلَیْهِ فَواقَعْتُهُ وَ اَنا عارِفٌ بِمَعْصِیَتی فیهِ لَکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۲۹) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب اِسْتَقْلَلْتُهُ ، اَوِ اسْتَکْثَرْتُهُ ، اَوِ اسْتَعْظَمْتُهُ ، اَوِ اسْتَصْغَرْتُهُ ، اَوْ وَرَّطَنی جَهْلی فیهِ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۳۰) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب مالَئْتُ(۱۲) فیهِ عَلی اَحَد مِنْ خَلْقِکَ ، اَوْ اَسَأْتُ بِسَبَبِهِ اِلی اَحَد مِنْ بَرِیَّتِکَ ، اَوْ زَیَّنَتْهُ لی نَفْسی ، اَوْ اَشَرْتُ بِهِ اِلی غَیْری اَوْ دَلَلْتُ عَلَیْهِ سِوایَ ، اَوْ اَصْرَرْتُ عَلَیْهِ بِعَمْدی ، اَوْ اَقَمْتُ عَلَیْهِ بِجَهْلی ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۳۱) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب خُنْتُ فیهِ اَمانَتی ، اَو بَخَّسْتُ(۱۳) فیهِ بِفِعْلِهِ نَفْسی ، اَوِ احْتَطَبْتُ(۱۴) بِهِ عَلی بَدَنی ، اَوْ اثَرْتُ فیهِ شَهَواتی ، اَوْ قَدَّمْتُ فیهِ لَذّاتی ، اَوْ سَعَیْتُ فیهِ لِغَیْری ، اَوِ اسْتَغْوَیْتُ(۱۵) اِلَیْهِ مَنْ تابَعَنی ، اَوْ کاثَرْتُ فیهِ مَنْ مَنَعَنی ، اَوْ قَهَرْتُ عَلَیْهِ مَنْ غالَبَنی ، اَوْ غَلَبْتُ عَلَیْهِ بِحیلَتی

، اَوْ اسْتَزَلَّنی عَلَیْهِ(۱۶) مَیْلی ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۳۲) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب اِسْتَعَنْتُ عَلَیْهِ بِحیلَه تُدْنی مِنْ غَضَبِکَ ، اَوِ اسْتَظْهَرْتُ بِنَیْلِهِ عَلی اَهْلِ طاعَتِکَ ، اَوِ اسْتَمَلْتُ بِهِ أَحَداً اِلی مَعْصِیَتِکَ ، اَوْ (رائَیْتُ)(۱۷) فیهِ عِبادَکَ ، اَوْ لَبَّسْتُ عَلَیْهِمْ بِفِعالی ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۳۳) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب کَتَبْتَهُ عَلَیَّ بِسَبَبِ عُجْب کانَ مِنّی بِنَفْسی ، اَوْ ریاء ، اَوْ سُمْعَه ، اَوْ خُیَلاءَ ، اَوْ فَرَح ، اَوْحِقْد ، اَوْ مَرَح ، اَوْ اَشَر ، اَوْ بَطَر ، اَوْ حَمِیَّه ، اَوْ عَصَبِیَّه ، اَوْ رِضیً ، اَوْ سُخْط ، اَوْ سَخاء ، اَوْ شُحٍّ ، اَوْ ظُلْم ، اَوْ خِیانَه ، اَوْ سَرِقَه ، اَوْ کِذْب ، اَوْ نَمیمَه ، اَوْ لَهْو ، اَوْ لَعِب ، اَوْ نَوْع مِمّا یُکْتَسَبُ بِمِثْلِهِ الذُّنُوبُ ، وَ یَکُونُ فِی اجْتِراحِهِ الْعَطَبُ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۳۴) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب سَبَقَ فی عِلْمِکَ اَنّی فاعِلُهُ بِقُدْرَتِکَ الَّتی قَدَرْتَ بِها عَلی کُلِّ شَیْء ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۳۵) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب رَهِبْتُ فیهِ سِواکَ اَوْ عادَیْتُ فیهِ اَوْلِیاءَکَ ، اَوْ والَیْتُ فیهِ اَعْداءَکَ ، اَوْ خَذَلْتُ فیهِ اَحِبّاءَکَ اَوْ تَعَرَّضْتُ فیهِ لِشَیْء مِنْ غَضَبِکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَالِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

متن استغفار(۲)

۳۶) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب تُبْتُ

اِلَیْکَ مِنْهُ ، ثُمَّ عُدْتُ (فیهِ) وَنَقَضْتُ الْعَهْدَ فیما بَیْنی وَ بَیْنَکَ ، جُرْاَةً مِنّی عَلَیْکَ ، لِمَعْرِفَتی بِکَرَمِکَ وَ عَفْوِکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۳۷) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب اَدْنانی مِنْ عَذابِکَ ، اَوْ نَأی بی عَنْ ثَوابِکَ اَوْ حَجَبَ عَنّی رَحْمَتَکَ ، اَوْ کَدَّرَ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَالِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۳۸) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب حَلَلْتُ بِهِ عَقْداً شَدَدْتَهُ ، اَوْ حَرَمْتُ بِهِ نَفْسی خَیْراً وَعَدْتَنی بِهِ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۳۹) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب ارْتَکَبْتُهُ بِشُمُولِ عافِیَتِکَ ، اَوْ تَمَکَّنْتُ مِنْهُ بِفَضْلِ نِعْمَتِکَ ، اَوْ قَوِیْتُ عَلَیْهِ بِسابِغِ رِزْقِکَ ، اَوْ خَیْر اَرَدْتُ بِهِ وَجْهَکَ فَخالَطَنی فیهِ وَ شارَکَ فِعْلی ما لا یَخْلُصُ لَکَ ، اَوْ وَجَبَ عَلَیَّ ما اَرَدْتُ بِهِ سِواکَ ، فَکَثیرٌ ما یَکُونُ کَذالِکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۴۰) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب دَعَتْنِی الرُّخْصَهُ فَحَلَّلْتُهُ لِنَفْسی ، وَ هُوَ فیما عِنْدَکَ مُحَرَّمٌ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۴۱) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب خَفِیَ عَنْ خَلْقِکَ وَ لَمْ یَعْزُبْ عَنْکَ فَاسْتَقَلْتُکَ مِنْهُ فَاَقَلْتَنی ، ثُمَّ عُدْتُ فیهِ فَسَتَرْتَهُ عَلَیَّ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۴۲) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب خَطَوْتُ اِلَیْهِ بِرِجْلی ، اَوْ مَدَدْتُ اِلَیْهِ یَدی اَوْ تَاَمَّلَهُ بَصَری ، اَوْ اَصْغَیْتُ

اِلَیْهِ بِسَمْعی ، اَوْ نَطَقَ بِهِ لِسانی ، اَوْ اَنْفَقْتُ فیهِ ما رَزَقْتَنی ثُمَّ اسْتَرْزَقْتُکَ عَلی عِصْیانی فَرَزَقْتَنی ، ثُمَّ اسْتَعَنْتُ بِرِزْقِکَ عَلی مَعْصِیَتِکَ فَسَتَرْتَ عَلَیَّ ، ثُمَّ سَاَلْتُکَ الزِّیادَهَ فَلَمْ تُخَیِّبْنی و جاهَرْتُکَ فیهِ فَلَمْ تَفْضَحْنی ، فَلا اَزالُ مُصِرّاً عَلی مَعْصِیَتِکَ ، وَ لا تَزالُ ساتِراً(۱۸) عَلَیَّ بِحِلْمِکَ وَ مَغْفِرَتِکَ ، یا اَکْرَمَ الْاَکْرَمینَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۴۳) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب یُوجِبُ عَلی صَغیرِهِ اَلیمُ عَذابِکَ ، وَ یَحِلُّ(۱۹) بِهِ عَلی کَبیرِهِ شَدیدُ عِقابِکَ ، وَ فی اِتْیانِهِ تَعْجیلُ نِقْمَتِکَ ، وَ فِی الْاِصْرارِ عَلَیْهِ زَوالُ نِعْمَتِکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۴۴) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب لَمْ یَطَّلِعْ عَلَیْهِ اَحَدٌ سِواکَ ، وَ لا عَلِمَهُ اَحَدٌ غَیْرُکَ ، وَ لا یُنْجینی مِنْهُ اِلاّ حِلْمُکَ ، وَ لا یَسَعُهُ اِلاّ عَفْوُکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۴۵) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب یُزیلُ النِّعَمَ ، اَوْ یُحِلُّ النِّقَمَ ، اَوْ یُعَجِّلُ الْعَدَمَ ، اَوْ یُکْثِرُ النَّدَمَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۴۶) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب یَمْحَقُ الْحَسَناتِ ، وَ یُضاعِفُ السَّیِّئاتِ ، وَ یُعَجِّلُ النَّقِماتِ ، وَ یُغْضِبُکَ یا رَبَّ السَّماواتِ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۴۷) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب اَنْتَ اَحَقُّ بِمَعْرِفَتِهِ ، اِذْ کُنْتَ اَوْلی بِسَتْرَتِهِ ، فَاِنَّکَ اَهْلُ التَّقْوی وَ اَهْلُ الْمَغْفِرَهِ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد

وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۴۸) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب تَجَهَّمْتُ(۲۰) فیهِ وَلِیّاً مِنْ اَوْلِیائِکَ مُساعَدَةً فیهِ لاَِعْدائِکَ ، اَوْ مَیْلاً مَعَ اَهْلِ مَعْصِیَتِکَ عَلی اَهْلِ طاعَتِکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۴۹) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب اَلْبَسَنی کِبْرُهُ ، وَانْهِماکی فیهِ ذِلَّةً و اَیَسَنی مِنْ وُجودِ(۲۱) رَحْمَتِکَ ، اَوْ قَصُرَ بِیَ الْیَأْسُ عَنِ الرُّجوعِ اِلی طاعَتِکَ لِمَعْرِفَتی بِعَظیمِ جُرْمی ، وَ سُوءِ ظَنّی بِنَفْسی ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۵۰) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب اَوْرَدَنِی الْهَلَکَةَ لَوْلا رَحْمَتُکَ ، وَ اَحَلَّنی دارَ الْبَوارِ لَوْلا تَغَمُّدُکَ ، وَ سَلَکَ بی سبیلَ الْغَیِّ لَوْلا رُشْدُکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۵۱) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب اَلْهانی(۲۲) عَمّا هَدَیْتَنی اِلَیْهِ ، اَوْ اَمَرْتَنی بِهِ اَوْ نَهَیْتَنی عَنْهُ ، اَوْ(۲۳) دَلَلْتَنی عَلَیْهِ ، مِمّا فیهِ الْحَظُّ لی لِبُلُوغِ رِضاکَ و ایثارِ مَحَبَّتِکَ وَ الْقُرْبِ مِنْکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۵۲) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب یَرُدُّ عَنْکَ دُعائی ، اَوْ یَقْطَعُ مِنْکَ رَجائی اَوْ یُطیلُ فی سَخَطِکَ عَنائی ، اَوْ یُقَصِّرُ عِنْدَکَ اَمَلی ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۵۳) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب یُمیتُ الْقَلْبَ ، وَ یُشْعِلُ الْکَرْبَ ، وَ یُرْضِی الشَّیْطانَ ، وَ یُسْخِطُ الرَّحْمانَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۵۴)

اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب یُعْقِبُ الْیَأْسَ مِنْ رَحْمَتِکَ وَ الْقُنُوطَ مِنْ مَغْفِرَتِکَ ، وَ الْحِرْمانَ مِنْ سَعَهِ ما عِنْدَکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۵۵) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب مَقَتُّ نَفْسی عَلَیْهِ اِجْلالاً لَکَ ، وَ اَظْهَرْتُ لَکَ التَّوْبَهَ (فَقَبِلْتَ ، وَ سَاَلْتُکَ الْعَفْوَ فَعَفَوْتَ ثُمَّ مالَ بِیَ الْهَوی اِلی مُعاوَدَتِهِ)(۲۴) طَمَعاً فی سَعَهِ رَحْمَتِکَ ، وَ کَریمِ عَفْوِکَ ، ناسِیاً لِوَعیدِکَ ، راجِیاً لِجَمیلِ وَعْدِکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۵۶) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب یُورِثُ سَوادَ الْوُجُوهِ یَوْمَ تَبْیَضُّ وُجوهُ اَوْلِیائِکَ ، وَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ اَعْدائِکَ اِذا اَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلی بَعْض یَتَلاوَمُونَ فَقیلَ لَهُمْ : (لا تَخْتَصِمُوا لَدَیَّ وَ قَدْ قَدَّمْتُ اِلَیْکُمْ بِالْوَعیدِ)فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۵۷) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب یَدْعُو اِلَی الْکُفْرِ ، وَ یُطیلُ الْفِکْرَ ، وَ یُورِثُ الْفَقْرَ ، وَ یَجْلِبُ الْعُسْرَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۵۸) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب یُدْنِی الْاجالَ ، وَ یَقْطَعُ الْامالَ وَ یَبْتُرُ الْاَعْمارَ ، فُهْتُ بِهِ ، اَوْ صُمْتُ عَنْهُ ، حَیاءً مِنْکَ عِنْدَ ذِکْرِهِ ، اَوْ اَکْنَنْتُهُ فی صَدْری وَ عَلِمْتَهُ مِنّی ، فَاِنَّکَ تَعْلَمُ السِّرَّ وَ اَخْفی ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۵۹) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب یَکُونُ فِی اجْتِراحِهِ قَطْعُ الرِّزْقِ ، وَ رَدُّ الدُّعاءِ ، وَ تَواتُرُ الْبَلاءِ ، وَ وُرُودُ الْهُمُومِ ، وَ

تَضاعُفُ الْغُمُومِ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لى يا خَيْرَ الْغافِرينَ .

۶۰) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْب يُبَغِّضُنى اِلى عِبادِكَ ، وَ يُنَفِّرُ عَنّى اَوْلِياءَكَ وَ يُوحِشُ مِنّى اَهْلَ طاعَتِكَ لِوَحْشَهِ الْمَعاصى ، وَ رُكُوبِ الْحُوْبِ وَ كَابَهِ الذُّنُوبِ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لى يا خَيْرَ الْغافِرينَ .

۶۱) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْب دَلَّسْتُ بِهِ مِنّى ما اَظْهَرْتَهُ ، اَوْ كَشَفْتُ بِهِ عَنّى ما سَتَرْتَهُ ، اَوْ قَبَّحْتُ بِهِ مِنّى ما زَيَّنْتَهُ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لى يا خَيْرَ الْغافِرينَ .

۶۲) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْب لا يُنالُ بِهِ عَهْدُكَ ، وَ لا يُؤْمَنُ مَعَهُ(۲۵)غَضَبُكَ (وَ لا تُنْزَلُ مَعَهُ رَحْمَتُكَ) وَ لا تَدُومُ مَعَهُ نِعْمَتُكَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لى يا خَيْرَ الْغافِرينَ .

۶۳) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْب اسْتَخْفَيْتُ لَهُ ضَوْءَ النَّهارِ مِنْ عِبادِكَ وَ بارَزْتُ (بِهِ) فى ظُلْمَهِ اللَّيْلِ ، جُرْاَةً مِنّى عَلَيْكَ ، عَلى اَنّى اَعْلَمُ اَنَّ السِّرَّ عِنْدَكَ عَلانِيَهٌ ، وَ اَنَّ الْخَفِيَّهَ عِنْدَكَ بارِزَهٌ ، وَ اَنَّهُ لَمْ يَمْنَعْنى مِنْكَ مانِعٌ وَ لا يَنْفَعْنى(۲۶) عِنْدَكَ نافِعٌ مِنْ مال وَ بَنينَ ، اِلاّ اَنْ اتيكَ بِقَلْب سَليم ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لى يا خَيْرَ الْغافِرينَ .

۶۴) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْب يُورِثُ النِّسْيانَ لِذِكْرِكَ ، وَ يُعْقِبُ الْغَفْلَهَ عَنْ تَحْذيرِكَ ، اَوْ يُمادى فِى الْاَمْنِ مِنْ مَكْرِكَ ، اَوْ يُطْمِعُ فى طَلَبِ الرِّزْقِ مِنْ عِنْدِ غَيْرِكَ ، اَوْ يُؤْيِسُ مِنْ خَيْرِ ما عِنْدَكَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ

الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۶۵) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب لَحِقَنی بِسَبَبِ عُتْبی عَلَیْکَ فِی احْتِباسِ الرِّزْقِ عَنّی ، وَ اِعْراضی عَنْکَ ، وَ مَیْلی اِلی عِبادِکَ ، بِالْاِسْتِکانَهِ لَهُمْ وَ التَّضَرُّعِ اِلَیْهِمْ ، وَ قَدْ اَسْمَعْتَنی قَوْلَکَ فی مُحْکَمِ کِتابِکَ : (فَمَا اسْتَکانُوا لِرَبِّهِمْ وَ ما یَتَضَرَّعُونَ) فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۶۶) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب لَزِمَنی بِسَبَبِ کُرْبَه اسْتَعَنْتُ عِنْدَها بَغَیْرِکَ ، اَوِ اسْتَبَدَدْتُ بِاَحَد فیها دُونَکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۶۷) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب حَمَلَنی عَلَی الْخَوْفِ مِنْ غَیْرِکَ ، اَوْ دَعانی اِلَی التَّواضُعِ لِاَحَد مِنْ خَلْقِکَ ، اَوِ اسْتَمالَنی اِلَیْهِ (لِلطَّمَعِ فیما) عِنْدَهِ ، اَوْ زَیَّنَ لی طاعَتَهُ فی مَعْصِیَتِکَ اِسْتِجْراراً لِما فی یَدِهِ ، وَ اَنَا اَعْلَمُ بِحاجَتی اِلَیْکَ ، لا غِنی لی عَنْکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۶۸) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب مَدَحْتُهُ بِلِسانی ، اَوْ هَشَّتْ(۲۷) اِلَیْهِ نَفْسی ، اَوْ حَسَّنْتُهُ بِفِعالی ، اَوْ حَثَثْتُ(۲۸) عَلَیْهِ بِمَقالی ، وَ هُوَ عِنْدَکَ قَبیحٌ تُعَذِّبُنی عَلَیْهِ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۶۹) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب مَثَّلْتُهُ فی نَفْسی اِسْتِقْلالاً لَهُ ، وَ صَوَّرَتْ لی اِسْتِصْغارَهُ ، وَ هَوَّنَتْ عَلَیَّ الْاِسْتِخْفافَ بِهِ حَتّی اَوْرَطَتْنی(۲۹) فیهِ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَاغْفِرْهُ لی یا خَیْرَ الْغافِرینَ .

۷۰) اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب جَری بِهِ عِلْمُکَ فِیَّ

وَ عَلیَّ اِلی اخِرِ عُمْری بِجَمیعِ ذُنُوبی ، لِاَوَّلِها وَ اخِرِها ، وَ عَمْدِها وَ خَطائِها ، وَ قَلیلِها وَ کَثیرِها ، وَ دَقیقِها وَ جَلیلِها ، وَ قَدیمِها وَ حَدیثِها ، وَ سِرِّها وَ عَلانِیَتِها وَ جَمیعِ ما اَنَا مُذْنِبُهُ ، وَ اَتُوبُ اِلَیْکَ ، وَ اَسْاَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّد وَ الِ مُحَمَّد ، وَ اَنْ تَغْفِرَ لی جَمیعَ ما اَحْصَیْتَ مِنْ مَظالِمِ الْعِبادِ قِبَلی ، فَاِنَّ لِعِبادِکَ عَلَیَّ حُقُوقاً اَنَا مُرْتَهَنٌ بِها تَغْفِرُها لی کَیْفَ شِئْتَ ، وَ اَنّی شِئْتَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ . (۳۰)

پی نوشتها

۱ فی « البحار و العلویه الثانیه » : أو ینأبی و فی « البلد » : یَنآنی .

۲ « البلد » : و یمحق التالد . ای : یهلک المال الذی کان من القدیم عند الرجل .

۳ « البلد » : بِسیرتی .

۴ جاهرت به .

۵ « البحار و البلد » : أذْلَیْتَ .

۶ « البلد » : رَهَّبْتَنی . و فی « البحار » : اذ رهبتنی .

۷ « البحار و البلد » : اَخْطَأتُ .

۸ « البحار و البلد » : سائِلی .

۹ هکذا فی « البلد و العلویه الجامعه » و فی « العلویه الثانیه » : اَللّهُمَّ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ ذَنْب دَخَلْتُ فیهِ بِحُسْنِ ظَنّی بِکَ اَنْ لا تُعَذِّبَنی . ، واجَهْتُکَ عَلَیْهِ وَ اُغْفِلْتُ اَنْ اَتُوبَ اِلَیْکَ مِنْهُ .

۱۰ زینته .

۱۱ « العلویّه : الثانیه و خ ل » : حیّرت و فی « البحار و البلد » :

مَیَّزْتُ .

۱۲ ساعدت . و فی « البلد » : مالَیْتُ .

۱۳ « العلویه الثانیه » : نَجَّسْتُ .

۱۴ « البحار و البلد » : اَخْطأتُ .

۱۵ « البلد » : او اسْتَقْوَیْتُ .

۱۶ « البحار » : اِلَیْه .

۱۷ « العلویه الثانیه » : او رَأَیْتُ .

۱۸ « البحار و البلد » : عائداً .

۱۹ « البلد » : یُحلّ بی کبیرهُ فی شدیدِ عقابِکَ .

۲۰ استقبلت بوجه عبوس .

۲۱ « العلویه کلتیهما » : موجود .

۲۲ من « البلد و البحار » ، و فی « العلویه الثانیه و خ ل » : نهانی .

۲۳ (خ ل) صرفنی عمّا نهیتنی عنه ، أو أمرنی بما .

۲۴ من البلد .

۲۵ « البحار » : به .

۲۶ « البلد » : ولا سَعْیی .

۲۷ ارتاحت و نشطت .

۲۸ (خ ل) حَنَنْتُ .

۲۹ هکذا فی « البحار و البلد » : و هو الاصح . و فی « العلویه کلتیهما » : مثَّلْتُ فی نَفْسی اِسْتِقْلالَهُ و صوّرْتُ . . . و هوَّنْتُ . . . حتّی اَوْ رَطْتَنی فیه .

۳۰ الصّحیفه العلویّه الجامعه ، ص ۱۸۴ ۱۶۹ ; البلد الامین ص ۶۸ ، چ بیروت ; بحارالأنوار ، ج ۸۴ ، ص ۳۲۶ ; الصّحیفه العلویّه الثّانیه ، ص ۷۸ ۹۹ .

ترجمه استغفار امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از نافله صبح(۱)

۱ خدایا ، من به کمک خودت تو را مدح و

ستایش می کنم بر آنچه که بواسطه آن به مدح و ستایش تو دست یافتم . و برای تو به اندازه فساد نیّت و ضعف یقینم ، بر خودم اقرار می کنم به آنچه تو اهل و مستحقّ آن هستی .

خدایا تو خدای خوبی هستی ! تو نیک پروردگاری هستی و من بد پرورده ای هستم ، تو خوب مولایی هستی و من بد بنده ای ، تو خوب مالکی هستی و من بد مملوکی ، چه بسا که من گناه کردم و تو گناهم را بخشیدی ، چه بسیار جرائمی که مرتکبش گشتم و تو از جرمم صرف نظر کردی ، چه بسیار خطایی که از من سر زد و تو مرا مؤاخذه نکردی ، چه بسیار گناهی که من عمداً آن را انجام دادم و تو از من گذشتی ، و چه بسیار که من لغزیدم و تو لغزش مرا نادیده گرفتی و مرا بر غفلت و فریب خوردگیم مؤاخذه نکردی . پس من ظالم به نَفْس خود هستم ، به گناهم اقرار و به خطایم اعتراف می کنم ، پس ای آمرزنده گناهان از تو برای گناهم آمرزش می طلبم و از تو تقاضای نادیده گرفتن لغزشم را دارم ، پس نیکو اجابتم کن که تو اهل اجابت و تقوی و آمرزشی .

۲ بار الها ، از تو آمرزش می طلبم برای هر گناهی که بدنم بخاطر عافیت تو بر آن نیرومند گردید ، یا به زیادی نعمتت بر آن قدرت یافتم ، یا بخاطر وسعت روزیت به سوی آن دست درازی کردم ، یا گناهی که از مقام

ستاریّت و پوشانندگی تو کمک گرفتم و آن را از مردم پنهان ساختم ، یا هنگام ترس از آن بر متانت و تحمّل تو اعتماد کرده و مرتکبش گشتم ، یا به خاطر حلم و بردباریت از چیره گشتن و سختگیری تو در مورد آن خاطرم جمع گردید و یا گناهی که در مورد آن بر گذشت کریمانه تو اعتماد کردم و مرتکب آن شدم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را برایم ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۳ خداوندا ، از تو درخواست عفو و بخشش دارم برای هر گناهی که غضب تو را فرا می خواند ، خشم تو را نزدیک می سازد ، مرا به چیزی که از آن باز داشته ای ، مایل می کند و یا از آنچه به سویش دعوت کرده ای ، دور می سازد . پس بر محمّد و آل او درود فرست و این گناه را برایم ببخش ای بهترین بخشندگان .

۴ پروردگارا ، از تو تقاضای گذشت و آمرزش دارم برای هر گناهی که با فریبکاریم ، یکی از آفریده هایت را به سوی آن متمایل ساختم ، یا با حیله گری ام او را فریب داده و آنچه را نمی دانست به او آموختم و آنچه را می دانست بر او پوشاندم ، و من فردای قیامت با گناهانم تو را ملاقات می کنم ، در حالی که به گناهان خود گناهان دیگری را افزوده ام . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را برایم ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۵ بـار الهـا ، از تو طلب بخشـش دارم برای هر گنـاهی که باعث فریب خوردن می گردد ، از هـدایت به گمراهی می کشانـد ، روزی را کم می کنـد ، برکت را نابود می سازد و یاد تو و اولیایت را از یاد می برد ، پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را برای من ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۶ خداونـدا ، از تو برای هر گنـاهی آمرزش می طلبم که در شب و روزم ، اعضـای بـدنم را در راهش ، به زحمت افکنـده و با پرده پوشـیم ، آن را از بندگان پوشاندم ; و هیچ پوششـی نیست مگر آنچه تو مرا به آن پوشاندی . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۷ خـدایا ، از تو برای هر گناهی آمرزش می خواهم که دشـمنانم در کمین بودنـد که بـدین واسـطه مرا رسوا کنند و تو نیرنگ آنـان را از مـن برطرف سـاختی و آنهـا را برای رسـوائی من کمـک نکردی ، گـویی من دوسـتدار تـوام که یـاریم کردی ، ای پروردگـار من تـا کی تو را نافرمـانی کنم و تو مرا مهلت دهی ! دیر زمانی است که ترا نافرمانی می کنم و تو مرا مؤاخـذه نمی کنی ، بلکه از تو برای کردار بـدم درخواست کردم و تو به من عطا فرمودی ! کدام شـکر است که در برابر نعمتی از نعمتهایت که به من ارزانی داشتی ، بپا خیزد ؟ ! پس بر محمّد و آلش درود فرست

و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۸ پروردگارا از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که درباره آن توبه ام را به پیشگاهت ، پیش فرستادم ؛ سپس به گرامیداشت سوگندی که به تو خوردم با تو روبرو شدم ، و از میان بندگانت ، اولیای تو را بر توبه خویش شاهد گرفتم که دیگر به سوی نافرمانیت باز نگردم ؛ اما همین که شیطان با حیله اش مرا هدف قرار داد ، بر من غالب گشت و به سوی خذلان منحرف ساخت (آنسان که دیگر کسی یاریم نکند) ؛ و نَفْسم مرا به سوی عصیان و نافرمانی دعوت کرد ؛ از بندگانت حیا کردم و خود را پوشاندم ، و این کار گستاخی من نسبت به تو بود ؛ و من می دانم که هیچ در و حجابی مرا از دیدگاه تو تو نمی پوشاند و هیچ پرده ای ، مانع از نظر تو به سوی من نمی گردد ؛ پس ترا با معصیت و نافرمانی نسبت به آنچه مرا از آن بازداشتی ، مخالفت کردم ؛ و تو پرده را از من برداشتی ، ولی من خودم را با اولیای تو مساوی قرار دادم ، گویی همیشه مطیع و فرمانبردار توام و به سوی فرمان تو سرعت گرفته و از وعده های عذابت ترسانم ؛ پس بر بندگانت امر را مشتبه ساختم ، ولی هیچکس جز تو باطن مرا نمی شناسد ؛ در عین حال مرا به غیر از ملامت و نشانه آنان علامت گذاری نکردی ، بلکه مثل نعمت هایی را که به آنان

عطـا کردی ، به من نیز عنایت فرمودی ; سـپس در این نعمت ها مرا بر آنان فضـیلت بخشـیدی ، گویی من در نزد تو در درجه آنان هسـتم ; و این نیست مگر بخاطر حلم و بردباری و زیادی نعمت تو ! پس حمد و ستایش برای تو است ای مولای من ، ای خـدای مهربـان از تو می خواهم همـانگونه که در دنیـا مرا پوشانـدی ، در قیـامت نیز به گناهم رسوا نگردانی ، ای مهربان ترین مهربانان .

۹ خدایا ، از تو درخواست آمرزش دارم برای هر گناهی که شـبم را تا سـحر بیدار ماندم تا با حیله گری و فریبکاری آن را بجا آورده و بـدان دست یـابم ، و صـبحگاه بـا ظـاهر آراسـته و سـیمای صـالحین به سوی تو گـام برداشـتم ، در حالی که در باطن خـویش خلاـف خوشـنودی تو را در نظر داشـتم ، ای پروردگـار جهانیـان . پس بر محمّـد و آلش درود فرست و این گنـاه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۱۰ بارالها ، از تو آمرزش می طلبم برای هر گناهی که به سـبب آن به دوستی از دوسـتانت ستم نمودم ، دشمنی از دشمنانت را یاری کردم ، در مورد آن با غیر دوسـتانت سـخن گفتم و یا بخاطر آن به سوی غیر طاعت تو بپا خاستم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۱۱ پروردگارا ، از تو آمرزش می جویم برای هر گناهی که مرا از آن بازداشتی و من با تو مخالفت کردم ،

مرا از آن بر حـذر داشـتی و من بر آن اسـتقامت ورزیـدم و یـا آن را در نظرم زشت جلوه دادی و من آن را برای نَفس خویش زینت بخشیدم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۱۲ خداوندا ، از تو طلب عفو و بخشـش دارم برای هر گناهی که آن را فراموش کردم ولی تو آن را شـمارش و حفظ کردی ، نسـبت به آن بی اعتنا گشـتم ولی تو آن را نوشته و ثبت کردی ، من آن را آشکارا انجام دادم ولی تو آن را پوشاندی ، گناهی که اگر به سوی تو باز گردم و از آن توبه کنم تو آن را خواهی بخشید . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را برایم ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۱۳ خـدایا ، از تو برای هر گناهی آمرزش می طلبم که قبل از تمام شـدنش ، توقّعم آن بود که مرا زود عقوبت کنی ، امّا به من مهلت داده و بر من پرده پوشـش افکندی ولی من از کوششِ در هتك و بی احترامی تو برنگشتم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را بر من ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۱۴ بار الها ، از تو آمرزش می جویم برای هر گناهی که رحمت تو را از من بر می گرداند ، عقوبت تو را بر من روا می سازد ، مرا از گرامیداشت تو محروم می کند و یا نعمت تو را از من

می گیرد . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را بر من ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۱۵ پروردگارا ، از تو درخواست آمرزش دارم برای هر گناهی که نیستی بجا می گذارد ، نزول بلا را روا می سازد ، دشمنان را در غمم شاد می کند ، پرده پوشش را برمی دارد و یا قطره های باران را حبس می سازد . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۱۶ خداوندا ، از تو آمرزش می طلبم برای هر گناهی که به خاطر آن یکی از بندگانت را سرزنش و نکوهش کردم ، یا آن کار را از یکی از مخلوقاتت زشت شمردم سپس خودم بر آن اشتها یافته و برای دست یافتن بدان ، حرمت او را شکسته و آبرویش را بردم ; و این نبود مگر بخاطر جرأتی که بر نافرمانی تو پیدا کردم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۱۷ بارالها ! از تو درخواست عفو و گذشت دارم برای هر گناهی که از آن توبه کرده و به سویت باز گشتم و سپس بر انجام آن اقدام نمودم ، از تو حیا کردم امّا در حال انجام آن بودم ، از تو ترسیدم در صورتی که مشغول به آن بودم ، سپس تو را کوچک شمرده و به سوی آن باز گشتم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را بر من ببخش ، ای

بهترین بخشندگان .

۱۸ خدایا ، از تو خواهش آمرزش دارم برای هر گناهی که دست و پای مرا بست و در کردار من ثابت گشت به خاطر عهد و پیمانی که با تو بستم ، یا قراردادی که برای تو داشتم ، یا مطلبی را که برای یکی از بندگانت به خاطر تو به عهده گرفتم ، سپس بدون هیچ ضرورتی به خاطر اشتیاقی که به آن گناه داشتم ، عهدشکنی کردم بلکه شادی بیجا و تکبر و ناسپاسی ، مرا از وفای به عهدم بازداشت ; و غرور و خودبینی ، مرا از رعایت آن منحرف ساخت . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۱۹ پروردگارا ، از تو طلب عفو و بخشش دارم برای هر گناهی که به (نامه اعمال) من پیوست ، به خاطر نعمتی که بر من انعام کردی ، و بواسطه آن بر نافرمانی تو نیرومند گشتم . و بدین خاطر فرمان ترا مخالفت کردم ، و به کمک آن بر عقوبت تو اقدام نمودم ، پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۲۰ خداوندا ، از تو تقاضای آمرزش هر گناهی را دارم که در آن شهوت و خواسته دلم را بر فرمانبرداری تو مقدّم داشته و محبّت به نَفْس و خواهشهای نفسانی را بر فرمان تو برگزیدم و نفس خود را در انجام آن ، به خشم تو راضی ساختم ، چه آنکه تو مرا به هیبت و سلطنت خویش ترساندی

و در مورد آن عذر خویش را در عقوبتم ، پیش فرستادی و با وعده عذابت حجّت را بر من تمام فرمودی . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را برایم ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۲۱ بارالها ، از تو عفو و بخشش می جویم برای هر گناهی که می دانم آن را انجام داده ام ، خواه آن را فراموش کرده یا به خاطر داشته باشم ، به عمد انجام داده یا به اشتباه مرتکب شده باشم ، گناهی که شک ندارم تو مرا بر آن باز خواست می کنی و جانم پیش تو در گرو آن است ; اگر چه آن را فراموش کرده و از آن غافل شده باشم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۲۲ خدایا ، از تو درخواست عفو و گذشت دارم برای هر گناهی که توسّط آن با تو روبرو گشتم و یقین داشتم که تو مرا در حال انجامش می بینی ، امّا غافل شدم که از آن گناه به سوی تو توبه کنم ، و فراموش کردم که از تو برای آن آمرزش طلبم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۲۳ خداوندا ، از تو آمرزش می طلبم برای هر گناهی که در میدانش وارد شدم به خاطر گمان نیکی که به تو داشتم ; که مرا عذاب نمی کنی ، بدین جهت بر انجامش اقدام کردم که امید به آمرزش تو داشتم

، به راستی ، اعتماد من بر شناختی بود که نسبت به کرم و بزرگواری تو داشتم که بعد از آن که این گناه را بر من پوشاندی ، مرا رسوا نمی کنی . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۲۴ پروردگارا ، از تو طلب آمرزش می کنم برای هر گناهی که به واسطه آن استحقاق رد گشتن درخواست ، محروم گردیدن از اجابت دعا ، به هم پاشیدن امید ، و دست نیافتن به آرزو را پیدا کردم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را بر من ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

ترجمه استغفار امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از نافله صبح(۲)

۲۵ کردگارا ، از تو تقاضای عفو و بخشش دارم برای هر گناهی که حسرت و اندوه به دنبال دارد ، ندامت و پشیمانی بجا می گذارد ، مانع از روزی می شود و دعا را رد می کند . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۲۶ خدایا ، از تو عفو و بخشش می طلبم برای هر گناهی که بیماریهای مختلف و فناء و نیستی به جا می گذارد ، باعث عقوبت و گرفتاری می شود و در قیامت به حسرت و پشیمانی می انجامد . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را برایم ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۲۷ پروردگارا ، از تو خواهش آمرزش دارم برای هر گناهی که آن را با زبانم تعریف و در قلب خویش پنهانش کردم

، نَفْسم به سویش متمایل گشت و با کردارم آن را بجا آوردم ، و یا به دست خویش آن را در نامه عملم نوشتم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۲۸ خداوندا ، از تو عفو و بخشش می خواهم برای هر گناهی که شب یا روزم را با آن خلوت کرم و تو پرده های پوششت را بر من آویختی ، بگونه ای که جز تو کسی مرا نمی دید ، ای خدای جبّار ! پس نَفْس من در مورد آن به شک افتاد که آن را از ترس تو ترک کنم ، یا به خاطر گمان نیک به تو انجامش دهم ; اینجا بود که متحّیر گشتم ، ناگهان نَفْسم مرا فریب داد و از ترک آن به انجامش مایلم ساخت ، و عاقبت در منجلابش فرو رفتم ; و این در حالی بود که عصیان و نافرمانی خود را نسبت به تو می شناختم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۲۹ بارالها ، از تو آمرزش می طلبم برای هر گناهی که آن را کم یا زیاد دانستم ، بزرگ یا کوچکش شمردم ، و نادانیم مرا در گردابش فرو برد . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۳۰ کردگارا ، از تو تقاضای عفو و گذشت دارم برای هر گناهی که در مورد آن ، یکی از بندگانت را کمک کردم ; یا

به خاطر آن به یکی از آفریده هایت بدی کردم ; یا آن را برای نَفْس خویش زینت داده ، به غیر خود اشاره کرده و دیگری را بدان رهنمون گردیدم . گناهی که به علم و آگاهی بر آن اصرار و با نادانی خویش بر آن استقامت ورزیدم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۳۱ پروردگارا ، از تو درخواست بخشش و آمرزش دارم برای هر گناهی که در مورد آن به امانت خویش (ایمان و معرفتم) خیانت کردم ، با انجام آن نَفْس خویش را بی بها ساختم ، هیزم (عقوبت و کیفر قیامت) را بدوش کشیدم ، در راه آن شهوتها و خواسته های دلم را برگزیده و لذّت ها و کامیابی های خویش را مقدّم داشتم ، برای رسیدن دیگران بدان تلاش کردم ، کسی را که از من پیروی نمود به سوی آن فریب داده و گمراه ساختم ، با کسی که از انجام آن ممانعت کرد به نبرد برخاسته و بر او چیره گشتم ، کسی را که در مقام غلبه بر من برآمده مقهور خود ساختم و با چاره اندیشی و حیله گری خویش بر او غالب آمدم و یا گناهی که گرایش و تمایلم به آن ، مرا به سویش لغزاند . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۳۲ خدایا ، از تو خواهش بخشش دارم برای هر گناهی که برای انجامش متوسّل به حیله ای شدم که

غضب ترا نزدیک می سازد ، یا با دستیابی بر آن بر اهل طاعت تو غالب و پیروز گردیدم ، یا به واسطه آن کسی را شیفته نافرمانی تو ساختم ، یا در مورد آن خود را بر خلاف اعتقاد و عملم نشان دادم و با کارهایم امر را بر آنان مشتبه ساختم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۳۳ خداوندا ، از تو تقاضای بخشش و آمرزش دارم برای هر گناهی که بر من نوشته ای به خاطر عجب و خودبینی ، ریا و خودنمایی ، رساندن صدای عبادت خود به دیگران ، تکبّر و بزرگ منشی ، شادی بیجا و کینه توزی ، نشاط غرور آفرین و خودپسندی ، گردن کشی در برابر حق و ناسپاسی در برابر نعمت ، رشک بردن بر دیگران و عصبانی شدن ، خوشنودی بیجا و غضبناک شدن ، سخاوت بی مورد و بخل ورزیدن ، ظلم و خیانت و دزدی ، دروغ و سخن چینی ، لهو و بیهودگی ، بازی و سرگرمی ، و یا نوعی از انواع صفات زشت و کارهای ناپسندی که با مثل آن گناهان تحصیل می گردد ، و با ورود در میدان آن انسان به هلاکت می افتد . (خداوندا ، از هر گناهی که به واسطه یکی از این صفات بر آن دست یافتم از تو طلب عفو و بخشش می کنم) . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۳۴ بارالها ، از

تو عفو و بخشش می جویم برای هر گناهی که در علم تو گذشته که من آن را انجام می دهم ، به آن قدرتی (مرا ببخش) که بواسطه آن بر هر چیز توانایی . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۳۵ پروردگارا ، از تو آمرزش می طلبم برای هر گناهی که در مورد آن از غیر تو ترسیدم ، با دوستان تو دشمنی کردم ، با دشمنان تو دوست شدم ، دوستان تو را گرفتار و بیچاره ساختم و یا در مسیر رسیدن به آن متعرّض کاری که مبغوض تو بود گردیدم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۳۶ کردگارا ، از تو درخواست آمرزش می کنم برای هر گناهی که از آن توبه کرده سپس به سویش باز گشتم ، و عهد و پیمانی را که بین تو و خودم بستم ، شکستم . و این جرأت من بر عهدشکنی بخاطر شناختی بود که نسبت به گذشت و بزرگواری تو داشتم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۳۷ خدایا ، از تو طلب بخشش می کنم برای هر گناهی که مرا به عذابت نزدیک می سازد ، از ثوابت دور می کند ، مانع از رحمتت می گردد و یا نعمت تو را بر من تیره و تار می کند پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش

، ای بهترین بخشندگان .

۳۸ خداوندا ، از تو خواهش آمرزش دارم برای هر گناهی که به واسطه آن گرهی را که تو بسته بودی ، گشودم ، یا نَفْس خویش را از خیری که وعده اش را داده بودی ، محروم ساختم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را برایم ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۳۹ بارالها ، از تو تقاضای عفو و بخشش دارم برای هر گناهی که مرتکب آن شدم ، بخاطر عافیتی که تو شامل حالم ساختی ، یا زیادی نعمتی که به کمکش بر آن تمکّن یافتم ، یا روزی فراوانی که بدان واسطه بر آن قدرت پیدا کردم ، یا کار نیکی که مقصودم از انجام آن تو بود ولی در آن چیزی مخلوط گشت و در کارم چیزی راه یافت که خالص برای تو نبود ، و یا بر من چیزی ثابت گردید که از آن غیر تو را قصد نمودم ، و زیادی از کارهای من بدینسان بود . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را بر من ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۴۰ پروردگارا ، از تو آمرزش می جویم برای هر گناهی که اجازه ظاهری تو مرا به سوی آن فرا خواند و آن را برای خویش روا دانستم ، در حالی که آن کار نزد تو حرام بود . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۴۱ کردگارا ، از تو درخواست گذشت و بخشش دارم برای هر

گناهی که از آفریده هایت مخفی گردید ولی از تو پنهان نگشت ، از تو طلب گذشت کردم و تو نیز از من گذشتی ، سپس به سوی آن باز گشتم و تو آن را بر من پوشاندی ، پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۴۲ خدایا ، از تو آمرزش می طلبم برای هر گناهی که به پای خویش به سویش گام برداشتم ، به طرف آن دست درازی کردم ، با چشمانم بدان نگاه کردم ، با گوشم آن را گوش دادم ، با زبانم درباره اش سخن گفتم ; و یا در راه آن از مالی که روزیم کردی ، خرج کردم ; سپس از تو برای نافرمانیم روزی خواستم و تو به من عطا کردی ، آنگاه توسط روزیت بر معصیت تو کمک جستم و تو مرا پوشاندی ; از تو درخواست روزی بیشتری کردم ، مرا ناامید نکردی ; آشکارا تو را نافرمانی کردم ولی رسوایم نساختی ; دائماً ، اصرار بر عصیان تو داشتم ولی همیشه با بردباری و آمرزشت مرا پوشاندی ; ای کریم ترین کریمان ! پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۴۳ خداوندا ، از تو تقاضای عفو و گذشت دارم برای هر گناهی که انجام کوچک آن عذاب دردناک تو را فراهم می آورد ، بجا آوردن بزرگ آن عذاب شدید ترا روا می سازد ، ارتکاب آن عقوبت سریع تو را در بردارد و اصرار و پافشاری بر آن از

دست دادن نعمت تو را به دنبال دارد . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۴۴ بارالها ، از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که کسی غیر از تو از آن با خبر نیست ، احدی جز تو آن را نمی داند ، جز حلم و بردباریت از عقوبت آن نجاتم نمی دهد و جز عفو و بخششت گنجایش آن را ندارد . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۴۵ پروردگارا ، از تو خواهش بخشش دارم برای هر گناهی که نعمت ها را از بین می برد ، عقوبت را روا می سازد ، نیستی و نابودی را زودرس می کند و یا پشیمانی را زیاد می گرداند . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۴۶ کردگارا ، از تو آمرزش می طلبم برای هر گناهی که کارهای نیک را نابود می سازد ، کارهای بد را افزایش می دهد ، گرفتاری ها را زودرس می کند ، و تو را به غضب می آورد ; ای پروردگار آسمانها ! پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۴۷ خدایا ، از تو درخواست عفو و بخشش می کنم برای هر گناهی که تو احقّ از دیگران به شناخت آنی ، زیرا تو سزاوارتر به پوشاندن آن از دیگرانی ، چه آنکه تو اهل تقوی و

آمرزشی پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

ترجمه استغفار امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از نافله صبح(۳)

۴۸ خداونـدا ، از تو آمرزش می جویم برای هر گنـاهی که در مورد آن با چهره گرفته دوستی از دوسـتانت را ملاقات کردم تا دشـمنان تو را کمک کنم ، یا تمایلی به اهل نافرمانیت پیـدا کردم تا اهل طاعت تو را گرفتار کنم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۴۹ بارالها ، از تو تقاضای عفو و گـذشت دارم برای هر گناهی که بزرگی آن و تلاش من در موردش که باعث گذراندن عمر به بطالت و فرو رفتن در تباهی است لباس ذلّت بر تنم پوشانـد ، و مرا از وجود رحمتت مأیوس نمود ; و یا یأس از باز گشت به طـاعت تو مرا از گـام برداشـتن به سویت باز داشت ، چه آنکه بزرگی جرم خود را شـناخته و به نفس خویش گمان بـد دارم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۵۰ کردگارا ، از تو طلب آمرزش می کنم برای هر گناهی که اگر رحمت تو نبود مرا به هلاک می انداخت ، اگر پناه دادن تو نبود مرا به خـانه خراب (جهنم) فرود می آورد ، و اگر هـدایت تو نبود مرا به راه خطـا و گناه سوق می داد . پس بر محمّـد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۵۱ پروردگارا ، از تو خواهش عفو و بخشش دارم برای هر گناهی که مرا از آنچه به سویش هدایتم کردی ، یا دستور داده ، یا نهی فرموده و یا راهنمایی کردی ، باز داشت . از عمل به دستوراتی باز ماندم که در آن بهره رسیدن به خوشنودی تو ، مقدم داشتن محبّت تو و نزدیک شدن به تو را در بر داشت . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را بر من ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۵۲ خداوندا ، از تو آمرزش می طلبم برای هر گناهی که پذیرش درخواست مرا رد می کند ، امیدم را از تو قطع می سازد ، رنج و زحمت مرا در غضب تو طولانی می کند و یا آرزوی مرا نسبت به تو کوتاه می گرداند . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۵۳ خدایا ، از تو عفو و بخشش می خواهم برای هر گناهی که قلب را می میراند ، گرفتاری را شعلهور می سازد ، شیطان را خوشنود می کند و خدای رحمان را به خشم می آورد . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۵۴ بارالها ، از تو تقاضای آمرزش دارم برای هر گناهی که یأس از رحمت تو ، ناامیدی از آمرزش تو و محرومیّت از عنایات گسترده تو را به دنبال دارد . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ،

ای بهترین بخشندگان .

۵۵ پروردگـارا ، از تو درخواست عفو و بخشـش دارم برای هر گنـاهی که نَفْس خود را در ارتباط با آن دشـمن داشـتم ، چون می خواسـتم ترا تعظیم کنم ; به پیشـگاه تو اظهار توبه و پشیمانی کردم و تو آن را پذیرفتی ; از تو عفو و بخشش خواستم و تو مرا بخشـیدی ; سـپس هوای نفس مرا متمایل به تکرار آن ساخت ، بـدین خاطر که در رحمت گسترده و عفو کریمانه تو طمع داشـتم ; در حالی که وعـده عقوبتت را فراموش کردم و تنها به وعـده های زیبای مغفرت و آمرزشت امیـدوار گشـتم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۵۶ کردگـارا ، از تو خواهش آمرزش هر گناهی را دارم که در روزی که چهره های دوسـتانت سـفید و نورانی است ، سـیاهی چهره از خود بجـا می گـذارد ; روزگاری که وقتی دشـمنانت به یکـدیگر می رسـند ، هر یک دیگری را سـرزنش می کنـد و چهره هایشان سـیاه می شود و به آنها گفته می شود : « در نزد من با یکـدیگر به مخاصـمه نپردازیـد که من در دنیا وعـده های عذابم را برایتان پیش فرستادم » . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را برایم ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۵۷ خداونـدا ، از تو عفو و بخشـش می جویم برای هر گناهی که منجرّ به کفر گشـته ، فکر را طولانی ساخته ، فقر و تنگدستی بجا گذارده و سختی و

بیچارگی به بار می آورد . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را بر من ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۵۸ پروردگارا ، از تو طلب آمرزش دارم برای هر گناهی که اجل ها را نزدیک ، آرزوها را قطع و عمرها را کوتاه می کند ; گناهی که به زبانش آوردم یا از آن لب فرو بستم ، بدین خاطر که از ذکر آن حیا کردم ; گناهی که در سینه ام پنهانش ساختم و تو از آن با خبری ; چه آنکه هر راز پنهان و سرّ ناپیدایی را می دانی . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۵۹ خدایا ، از تو آمرزش می طلبم برای هر گناهی که در ارتکاب آن ، بریدن روزی ، رد شدن درخواست ، پیاپی گشتن بلا ، سرازیر شدن اندوه ها و هجوم غم ها است . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۶۰ بارالها ، از تو خواهش ریزش و آمرزش هر گناهی را دارم که مرا مبغوض بندگانت می کند ، دوستانت را از من متنفّر می سازد ، و اهل طاعت و فرمانبرداری تو را به خاطر وحشتی که از نافرمانی ها و سوار شدن بر گناهان مُهلک و غم و اندوه معصیت ها دارند ، از من به وحشت می اندازد . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۶۱

پروردگارا ، از تو درخواست عفو و بخشش برای هر گناهی دارم که به واسطه آن ، آنچه را تو آشکار کردی ، من با حیله گری خود پنهانش ساختم ; آنچه را تو پوشاندی من پرده اش را دریدم ; و یا آنچه را تو برایم زینت بخشیدی ; من با عمل خویش قبیح و زشتش کردم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را برایم ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۶۲ کردگارا ، از تو تمنّای گذشت و بخشش برای هر گناهی دارم که با وجود آن ، به پیمان تو (توحید و ولایت) نمی توان رسید ، از غضب تو در امان نمی توان ماند ، رحمتت نازل نمی گردد و نعمتت دوام نمی یابد . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را از من ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۶۳ خداوندا ، از تو طلب آمرزش می کنم برای هر گناهی که در روشنایی روز آن را از بندگانت پنهان ساختم و در تاریکی شب آشکارا انجامش دادم و این جرأتی از طرف من نسبت به تو بود ; در عین حال که می دانستم کارهای سرّی در پیش تو ظاهر و پیدا ، و امور مخفی در نزد تو آشکار و هویدا است ; و می دانستم که از ناحیه تو مانعی جلوگیر من نخواهد شد ، و از ناحیه من سود دهنده ای چه مال و چه فرزند مرا سود نخواهد بخشید ; مگر آنکه با دلی پاک و قلبی سالم به نزدت

بیایم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را برایم ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۶۴ بارالها ، از تو آمرزش هر گناهی را می خواهم که فراموشی یاد تو را بجا می گذارد ، غفلت از برحذر داری تو را به دنبال دارد ، ایمنی از مکر و حیله تو را همیشگی می سازد ، طمع جستجوی رزق و روزی از غیر تو را در سر می پروراند و یا انسان را از خیر و نیکی در نزد تو مأیوس می کند . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه من را ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۶۵ کردگارا ، از تو تقاضای عفو و گذشت برای هر گناهی که به (نامه عمل) من پیوسته است ، بخاطر عتاب و خطاب من بر تو در اینکه چرا روزی مرا حبس کرده ای ، یا به خاطر روگردانی من از تو و تمایلم به سوی بندگانت به فروتنی نمودن و گریه و زاری کردن به پیش آنان ، در حالی که تو خود ، کلام زیبایت را در کتاب محکمت به من شنواندی که « اینان برای پروردگارشان فروتن نبوده و تضرّع و زاری نکردند » . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۶۶ پروردگارا ، از تو تمنّای عفو و بخشش دارم برای هر گناهی که بر من نوشته شد ، بخاطر کمک جستنم از غیر تو برای برطرف ساختن اندوه و ناراحتی خویش ، و یا پناهنده شدنم

به غیر تو با خود رأیی و بی اعتنایی به تو . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۶۷ خدایا ، از تو آمرزش می طلبم برای هر گناهی که مرا وا داشت که از غیر تو بترسم ; یا مرا به تواضع و فروتنی در برابر یکی از آفریده هایت فرا خواند ; به طمعِ در توانائی و دارائی او به سوی آن گناه مایلم ساخت ; یا فرمانبرداری او را در مسیر نافرمانیت ، برایم زینت بخشد ، به امید آنکه آنچه در نزد اوست به سوی خود بکشانم ; این در حالی بود که می دانستم احتیاج به تو دارم و هیچ گاه از تو بی نیاز نیستم . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۶۸ خداوندا ، از تو درخواست عفو و بخشش دارم برای هر گناهی که آن را به زبان خویش ستودم ، نَفْسم به سوی آن میل پیدا کرد ، با کردارم آن را نیک شمردم و یا با گفتارم دیگران را به سویش برانگیختم ; در حالی که آن گناه در پیش تو کار زشتی بود که مرتکبین آن را عذاب می کنی . پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۶۹ بارالها ، از تو آمرزش می طلبم برای هر گناهی که در نَفْس خویش انجام دادنش را کم شمرده و نَفْسم صورت کوچکی از آن برایم ترسیم کرد و کوچک

شمردنش را به قدری برایم آسان گردانید که مرا در گردابش فرو برد ، پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را بر من ببخش ، ای بهترین بخشندگان .

۷۰ پروردگارا ، از تو خواهش ریزش و بخشش هر گناهی را دارم که علم تو آن را فرا گفته ، بگونه ای تمام گناهان مرا تا آخر عمرم می دانی ; اوّل و آخرش ، عمد و خطایش ، کم و زیادش ، کوچک و بزرگش ، کهنه و تازه اش ، پنهان و آشکارش و همه آنچه را تا به حال انجامش داده ام ، همه را می دانی . و من از همه گناهانم به سویت توبه می کنم ، و از تو می خواهم که بر محمد و آلش درود فرستی و تمام آنچه را که از حقوق بندگانت که بر عهده من است و تو آنها را شمارش و حفظ کرده ای ، بر من ببخشی . براستی ، بندگانت حقوق فراوانی بر من دارند که هستی من در گرو آنها است و تو بر هر صورت و هر زمان که بخواهی آنها را بر من می بخشی ، ای مهربان ترین مهربانان !

گفتار دهم : استغفار امام زمان (علیه السلام) برای شیعیان

پیامبر و امامان (علیهم السلام) اعمال شیعیان را می بینند

یکی از مقامات پیامبر و امام (علیهما السلام) اینست که از اعمال امّت خویش آگاه و باخبرند . همان گونه که عمل هیچ کس از دایره علم خداوند بیرون نیست و از همه چیز اطّلاع دقیق دارد ، پیامبر و اوصیائش (علیهم السلام)نیز این مقام را از خدا دریافت کرده اند که از کارهای شیعیان خویش و دیگر مردم با خبر

می گردند .

این عقیـده ، در میـان پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السـلام)معروف و مشـهور است و پشـتوانه آن روایات فراوانی است که به حدّ تواتر رسـیده و از آن ها استفاده می شود که خداوند ، اعمال مردم را بر پیامبر و جانشینانش (علیهم السلام)عرضه می دارد . و برای این که جای هیـچ گونه تردید برای کسـی باقی نماند ، آیه روشـنی درباره این مطلب نازل کرده و خطاب به پیامبرش می فرماید :

(وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرىَ الله عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُه وَ الْمُؤْمِنُونَ ثُمَّ تُرَدُّونَ اِلى عالِمِ الْغَيْبِ و الشَّهادَهِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ) . (۱)

بگو عمل کنید ; خداوند و فرستاده او و مؤمنان ، اعمال شما را می بینند ، و بزودی به سوی دانای نهان و آشکار ، باز گردانده می شوید و شما را به آنچه می کردید ، خبر می دهد .

این آیه به این مطلب اشاره دارد که کسی تصوّر نکند اگر در خلوت یا در میان جمع عملی را انجام دهد ، از دیدگاه علم خدا مخفی می مانـد . بلکه علاوه بر خـدا ، پیامبر و مؤمنان (علیهم السـلام) که همان اوصـیای پیامبرنـد از آن با خبر می شونـد . بی شـک توجّه و ایمـان به این حقیقت اثر عمیقی در پاکسـازی اعمـال ، نیّات و افکـار انسـان دارد . چرا که اگر انسان یقین کند کسـی مراقب اوست ، وضع خود را چنـان قرار می دهـد که مورد ایراد نباشـد . همچنین اگر به یقین برسـد که پیـامبر و امامـان (علیهم السلام) ، مخصوصاً امام زمان (علیه السلام)

، از اعمال و افکار او آگاهند ، بر مراقبت از اعمال خویش می افزاید و بیش از مواظبتی که در مورد مراقبت افراد عادی ، نسبت به اعمال خویش دارد ، در مورد مراقبت این پاکان عالم وجود ، پیدا خواهد کرد . و در نتیجه خطایی از او سر نمی زند و مرتکب گناهی نمی گردد .

امام صادق (علیه السلام) ، در حدیث زیبایی به این نکته اشاره می کنند :

إِنَّ أَعْمالَ الْعِبادِ تُعْرَضُ عَلى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِه ، كُلَّ صَباح أَبْرارَها وَ فُجّارَها ، فَا حْذَرُوا ، فَلْيَسْتَحْيِي أَحَدُكُمْ أَنْ يُعْرِضَ عَلى نَبِيِّه الْعَمَلَ القَبيحَ . (۲)

تمام اعمال نیک و بد بندگان خدا ، هر روز صبح بر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)عرضه می گردد . بنابر این مراقب باشید . هر یک از شما باید حیا کند از این که عمل زشتش را بر پیامبرش عرضه بدارد .

در زمینه عرضه اعمال به پیشگاه با جلال امام و خلیفه خدا ، و اطّلاع دقیق او از کردار خلق خدا ، حدیث زیبایی از امام رضا (علیه السلام) روایت شده است ، که برای منتظران امام عصر ارواحنا فداه ، شایسته دقت و تأمل است .

عبدالله بن ابان ، که شغلش روغن فروشی بود و مدّتی از عمرش را در خدمت امام رضا (علیه السلام) گذرانده بود ، گوید :

به امام رضا (علیه السلام) گفتم : برای من و اهل بیتم ، خدا را بخوانید ، (و برایمان دعا کنید) .

امام (علیه السلام) فرمودند : مگر من این کار را نمی کنم

؟

سپس فرمودند :

وَ اللهِ إِنَّ أَعمالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فى كُلِّ يَوْم و لَيْلَه .

به خدا سوگند ، اعمال شما هر روز وشب بر من عرضه می شود . این مطلب در نظر من کار بزرگی آمد .

امام (علیه السلام) فرمودند : مگر کتاب خدا را نخوانده ای که می فرماید :

(و قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَىَ اللهُ عَمَلَكُمْ و رَسُولُه وَ الْمُؤْمِنُونَ)(۳)

« (ای پیامبر) به مردم بگو عمل کنید که خدا و رسولش و مؤمنان عمل شما را می بیند » . (۴)

۱ سوره توبه : آیه ۱۰۵ .

۲ تفسیر کنزالدّقائق ، ج ۵ ، ص ۵۳۷ ; تفسیر قمّی ، ج ۱ ، ص ۳۰۴ .

۳ سوره توبه ، آیه ۱۰۵

۴ کافی ، ج ۱ ، ص ۲۱۹ ; تفسیر کنزالدّقائق ، ج ۵ ، ص ۵۳۶ .

استغفار رسول خدا و اوصیایش (علیهم السلام) برای شیعیان

هنگامی که اعمال بندگان خدا بر پیامبر و امامان بعد از او (علیهم السلام) عرضه می شود ، اگر در نامه عمل دوستان و شیعیان خویش عمل نیکی ببینند ، شاد و مسرور می شوند و برای آنان دعا می کنند . و چنانچه عمل زشتی ببینند ناراحت و دلگیر می شوند و برای آمرزش آنان استغفار کرده و آمرزش می طلبند . یکی از روایاتی که بیانگر استغفار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) برای امّت گنهکارش می باشد ; حدیثی است که حنان بن سدیر از پدرش از امام باقر (علیه السلام)روایت می کند که حضرتش فرمودند :

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)فرمودند :

بودن من در میان شما بهتر است برایتان .

چرا که خداوند می فرماید :

(وَما کانَ اللهُ لِیُعَذِّ بَهُمْ وَ أَنْتَ فِیهِمْ)(۱)

« تا تو در میان ایشان هستی ، خداوند آن ها را عذاب نمی کند » .

و جدایی من از شما بهتر است برایتان .

اصحاب گفتند : ای رسول خدا ، بودن شما پیش روی ما بهتر است برای ما . امّا چگونه دوری و جدایی شما از ما ، برای ما بهتر است ؟ ! فرمودند :

أَمّا مُفارِقَتی اِیّاکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ فَلاَنَّه یُعْرَضُ عَلَیَّ کُلَّ خَمیس وَ اِثْنَینِ ، أَعْمالُکُمْ . فَما کانَ مِنْ حَسَنَه حَمَدْتُ اللهَ عَلَیْها وَ ما کانَ مِنْ سَیِّئَه إِسْتَغْفَرْتُ اللهَ لَکُمْ . (۲)

امّا جدایی و دوری من از شما بهتر است برای شما ، زیرا هر پنجشنبه و دوشنبه ، اعمال شما بر من عرضه می شود . اگر عمل نیکی در آن باشد ، خدا را بر آن سپاس می گویم و چنانچه عمل بدی در آن باشد ، برایتان استغفار و طلب آمرزش می کنم .

علاوه بر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) امامان دوازده گانه شیعه (علیهم السلام) نیز ، هنگامی که اعمال شیعیان بر آن ها عرضه می شود ، اگر در نامه عملشان گناهی ببینند ، برای آنان استغفار می کنند و از خدا عفو و بخشش می طلبند .

موسی بن سیّار گوید :

در خدمت امام رضا (علیه السلام) بودم ، در هنگامی که آن حضرت به دیوارهای شهر توس نزدیک شده بودند . ناگهان صدای شیون و ناله ای به گوشم رسید ، دنبال صدا رفتم ، جنازه ای دیدم (که عده ای آن

را به دوش می کشیدند) ، به مجرّدی که چشمم به جنازه افتاد ، دیدم آقا و مولایم پا از رکاب خالی کردند از اسب پیاده شدند ، به طرف جنازه حرکت کرده و آن را بلند نمودند و همچون برّه نوزادی که به مادر پناه می برد و به او می چسبد ، خود را به آن جنازه می چسباندند (دور آن می گشتند و او را تشییع می کردند) .

سپس متوجّه من گردیده و فرمودند :

یا مُوسَی بْنِ سَیّارِ ، مَنْ شَیَّعَ جِنازَهَ وَلِیٍّ مِنْ أَوْلیائِنا ، خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ کَیَوْم وَلَّدَتْهُ أُمُّه لاذَنْبَ عَلَیْهِ .

ای موسی ! هر کس جنازه دوستی از دوستان ما را تشییع کند; همانند روزی می شود که مادرش او را زاییده و هیچ گناهی بر او نیست و از گناهانش بیرون می رود .

موسی بن سیّار ادامه می دهد :

جنازه را آوردند ، و کنار قبر بر روی زمین گذارند .

ناگهان دیدم مولایم علی بن موسی (علیه السلام) به طرف جنازه رفتند ، مردم را کنار زدند ، تا خود را به آن رساندند آن گاه دست مبارکشان را روی سینه میّت گذارده و فرمودند :

یا فُلانِ بْنِ فُلانِ أَبْشِرْ بِالجَنَّهِ ، فَلا خَوْفٌ عَلَیْکَ بَعْدَ هذِهِ السّاعَهِ .

ای فلانی پسر فلانی ، تو را به بهشت بشارت باد ! بعد از این ساعت ، هیچ ترس و وحشتی بر تو نیست ! .

من گفتم : آقای من ، جانم فدایت باد ! آیا شما این مرد را می شناختید (که این گونه در تشییع او شرکت کرده

و چنین بشارتی به او دادید) ؟ در حالی که به خدا سوگند ، تاکنون این سرزمین را ندیده و در آن قدم نگذاشته اید !

امام رضا (علیه السلام) فرمودند :

یا مُوسِی بْنِ سَیّارِ ، أَما عَلِمْتَ أَنّا مَعاشِرَ الأَئِمَّهِ تُعْرَضُ عَلَیْنا أَعْمالُ شیعتِنا صَباحاً و مَساءاً ، فَما کانَ مِنَ التَّقْصیرِ فی أَعْمالِهِمْ سَأَلْنَا اللّه تَعالی ، الصَّفْحَ لِصاحِبِهِ . وَ ما کانَ مِنَ الْعُلُوِّ سَأَلْنَا اللّه الشُّکْرَ لِصاحِبِهِ .

ای موسی ، مگر نمی دانی که ما امامان ، کسانی هستیم که هر صبح و شام ، اعمال شیعیانمان ، بر ما عرضه می شود . اگر تقصیر و کوتاهی در کردار آنان باشد ، از خدا می خواهیم که از صاحب آن در گذرد و او را عذاب نکند (و از سر تقصیرش در گذرد) . و چنانچه کار خوبی باشد که باعث برتری مقام و منزلت آنان گردد ، از خدا می خواهیم که از صاحب آن ، پذیرفته شود و از آنان تشکّر کند . (۳)

۱ سوره انفال ، آیه ۳۳ .

۲ تفسیر قمی ، ج ۱ ، ص ۲۷۷ تقسیر کنزالدقایق ، ج ۵ ، ص ۵۳۷ ۵۳۶ .

۳ مناقب آل ابی طالب . ابن شهر آشوب ، ج ۴ ، ص ۳۴۱ .

استغفار امام زمان (علیه السلام) برای شیعیان

از این روایت و روایات دیگری مانند آن ، استفاده می شود :

امام (علیه السلام)در هر عصر و زمانی همچون پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مظهر لطف و عطوفت پروردگار و تجلّی گاه گذشت و آمرزش خداوند غفّار است ، و تمام

نعمت های خداونـد ، از جمله عفو و بخشـش آن ذات بیماننـد ، به دست او به مردم می رسـد . افزون بر این ، حجّت خدا در هر زمانی ، خود را موظّف می بیند که برای گناه شیعیانش استغفار کند .

شاید معنای این فراز زیارت « آل یاسین » همین باشد که خطاب به امام زمان (علیه السلام)می خوانیم :

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ حینَ تَحْمَدُ و تَسْتَغْفِرُ . (۱)

سلاـم بر تو باد در آن لحظه که حمـد و سـپاس خـدا به جای می آوری و (برای گناه شـیعیانت) اسـتغفار کرده و آمرزش می طلبی .

مرحوم علاّمه بزرگوار ، سیّد بن طاووس داستان تشرّفی را محضر آن حضرت نقل می کند که مؤید این معنا است . ایشان می فرماید :

سحرگاهی در سـرداب مقدّس بودم که صدای مولایم را شـنیدم که با خدای خویش مناجات می فرمودند و برای شـیعیان خود چنین دعا می کردند :

اَللّهُمَّ إنَّ شِیعتَنا خُلِقَتْ مِنْ شُعاعِ أَنْوارِنا وَ بَقِیَّهِ طینَتِنا ، وَ قَدْ فَعَلُوا ذُنوباً کَثیرَهً إتّکالاً عَلی حُبِّنا وَ وَلایَتِنا ، فَإنْ کانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَیْنَکَ و بَیْنَهُمْ ، فَاصْفَحْ عَنْهُمْ فَقَدْ رَضِینا وَ ما کانَ مِنْها فیما بَیْنَهُم فَأَصْلِحْ بَیْنَهُمْ و قاصِّ بِها عَنْ خُمْسِنا و أَدْخِلْهُمُ الْجَنَّهَ و زَحْزِحْهُمْ عَنِ النّارِ و لا تَجْمَعْ بَیْنَهُمْ و بَیْنَ أَعْدائِنا فی سَخَطِکَ . (۲)

خـدایا ! شـیعیان ما از شـعاع انوار ما و باقی مانـده گِل ما آفریده شده اند و گناهان بسـیاری انجام داده اند ، در حالی که پشـت گرمی آن ها به محبّت و ولایتی است که نسبت به ما دارند . اگر

گناهـان آن هـا بینِ تو و ایشان است (واجبی را ترک کرده و یا حرامی را مرتکب شـده انـد) از آن ها در گـذر که ما راضـی گشتیم ، و آنچه از گناهان ایشان که مربوط به خودشان و حقوقی است که بر یکدیگر دارند ، خودت بینشان اصـلاح فرما و از خمس ما به آنان عطا کن تا از یکدیگر راضـی گردند . وایشان را داخل بهشت گردان و از آتش دورشان ساز ، و در غضب و عذاب خویش بین آن ها و دشمنان ما جمع مگردان .

بنابراین یکی از عنایات امام زمان (علیه السلام) در عصر غیبت به دوستان و شیعیان این است که برای گناهان آنان استغفار می کند ، برای آمرزش ایشان دعا می فرماید و با دعاهای خویش ، آتش قهر خداوند را از آن ها دور می سازد .

۱ مفاتیح الجنان ، زیارت حضرت صاحب الأمر (علیه السلام) .

۲ العبقریّ الحسان ، ج ۲ ، ص ۱۴۹ .

تقاضای استغفار از امام زمان (علیه السلام)

در این راسـتا ، یکی از وظایف شـیعیان ، در ارتباط با گناهان و کردار ناپسـندشان این است که از مولای خویش عـذر خواهی کننـد و از درگـاه با جلالش بخواهنـد که برای آنان اسـتغفار کرده و از خداونـد برایشان عفو و بخشـش بخواهـد ، تا زودتر به آمرزش خدای خویش دست یابند .

تردیدی نیست که دعای آن ذات مقدّس مستجاب و در خواست حضرتش در پیشگاه خداوند ، پذیرفته است .

از این رو قرآن راه دست یافتن به آمرزش و پذیرفته شدن توبه را برای مسلمانانی که در عصر

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می زیستند ، در این می بیند که بعد از توبه و استغفار ، محضر آن حضرت برسند ، و از آن بزرگوار بخواهند که برای آنان استغفار کند :

(وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُوكَ ، فَاسْتَغْفَرُوا اللهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللهَ تَوّاباً رَحيماً) . (۱)

اگر اینان زمانی که به نَفْس های خویش ستم کردند ، نزد تو آیند ، از خدا آمرزش طلبند ، و رسول (خدا) نیز برای آنان استغفار کند خداوند را پذیرای توبه و مهربان می یابند .

این تعبیر در آیه شریفه : (لَوَجَدُوا اللهَ تَوّاباً رَحيماً) « خدا را پذیرای توبه (خویش) و مهربان می یابند » حکایت از این دارد که ، اگر کسی خدمت حجّت خدا (علیه السلام) برسد و از او بخواهد که برایش استغفار کند و او هم به خواستش پاسخ مثبت دهد ، قطعاً توبه اش پذیرفته است و زودتر به آمرزش خداوند دست خواهد یافت .

۱ سوره نساء ، آیه ۶۴ .

داستان ابولبابه

شاهد بر این معنی ، فرمایش پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در جریان توبه ابولبابه است :

بعد از آن که جنگ خندق پایان یافت و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) با مسلمین به مدینه بازگشتند ، هنگام ظُهر جبرئیل نازل شد و فرمان جنگ با بنی قریظه را برای آن حضرت آورد . پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) سلاح پوشیدند و به مسلمین اعلام کردند که باید نماز عصر را در بنی قریظه بخوانید . دستور انجام شد ، لشکر

اسلام بنی قریظه را محاصره کرد ، مدّت محاصره به طول انجامید . تا این که یهودیان به تنگ آمدند و پیغام دادند که ابولبابه را که یکی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بود به سوی ما بفرست تا درباره کار خویش با او مشورت کنیم .

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به ابولبابه فرمودند : « نزد هم پیمان های خودت برو ، ببین چه می گویند » وقتی وارد قلعه شد (چشم زن ها و بچه های یهود ، به او افتاد ، شروع به گریه و ناله کردند . ابولبابه تحت تأثیر این منظره رقّت با قرار گرفت ، دلش به حال آن ها سوخت)(۱) پرسیدند : صلاح دید تو درباره ما چیست ؟ چه کنیم ؟ آیا همان طور که محمّد (صلی الله علیه وآله وسلم)می گوید ، تسلیم شویم که هر چه می خواهد نسبت به ما انجام دهد ؟

ابولبابه جواب داد : آری . ولی همراه این جواب با دست خود به گلویش اشاره کرد . یعنی در صورت تسلیم کشته می شوید .

فاصله ای نگذشت که از کردار خویش پشیمان شد ، با خود گفت : به خدا و رسولش خیانت کردم .

از قلعه پایین آمد ، دیگر خدمت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نرفت . از همان جا رهسپار مدینه گشت ، داخل مسجد شد و به وسیله ریسمانی گردن خود را به یکی از ستونهای مسجد بست ، همان ستونی که بعد از این داستان ستون توبه نام گرفت .

با خود گفت :

هرگز خود را از این بند رها نمی کنم مگر این که توبه ام پذیرفته شود ، یا بمیرم .

وقتی ابولبابه تأخیر کرد ، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) جویای او شدند . داستان او را به عرض پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) رساندند .

حضرت فرمودند :

اگر پیش ما می آمد ، از خداوند برایش طلب آمرزش می کردیم ، امّا اکنون که به خدا توجّه کرده است ، او سزاوارتر است ، هر چه می خواهد درباره اش انجام دهد . (۲)

گویا مقصود پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) این است : اگر ابولبابه پیش ما می آمد و ما برایش استغفار می کردیم ، توبه اش پذیرفته می شد و زودتر به آمرزش خداوند دست می یافت . ولی اکنون که به خدا توجّه کرده است ، او خود می داند که چه زمانی توبه اش را بپذیرد و او را بیامرزد .

در واقع در خواست استغفار از پیامبر یا امام (علیهم السلام) خود یک نوع وسیله جوئی است که بدان سفارش شده است ، خداوند می فرماید :

(یا أَیُّها الَّذینَ آمَنُوا إِتَّقُوا اللهَ وَابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسیلَهَ و جاهِدُوا فی سَبیلِهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ) . (۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را در نظر گیرید و پرهیزکار باشید ، به سوی او طلب وسیله و در راه او تلاش و کوشش کنید ، شاید رستگار شوید .

شکّی نیست که عذر خواهی از شخصیّت والایی که فرمانش اطاعت نشده است ، اگر توسّط شخصی که در درگاه او مقرّب است ، انجام گیرد; زودتر انسان

را به مقصود می رساند و سریع تر رضایت او را فراهم می سازد .

روشن است که هیچ شخصیّتی در عالم ، مقرّب تر از پیامبر و اهل بیت پاکش (علیهم السلام) در پیشگاه خداوند نیست ، که دعایش مستجاب ، و در خواستش پذیرفته درگاه با جلال او باشد . به خصوص امام هر زمانی که واسطه رساندن فیوضات از طرف خداوند به سوی همه مخلوقات است .

۱ تاریخ طبری ، ج ۲ ، ص ۲۴۶ .

۲ تفسیر برهان ، ج ۲ ، ص ۱۵۴ .

۳ سوره مائده : آیه ۳۵ .

چگونه از امام زمان (علیه السلام) عذر خواهی کنیم ؟

وظیفه هر شیعه گنهکاری آن است که پس از استغفار و عذر خواهی از خداوند به امام زمان خویش (علیه السلام)پناهنده شود و از آن ذات پاک بخواهد که برای گناهانش استغفار کرده و سخنی را با مولای خود نجوا کند که برادران یوسف به یوسف (علیه السلام)گفتند . آن ها جنایاتی را نسبت به یوسف روا داشتند تا آنجا که او را به قصد کشتن میان چاه افکندند ، و بعد از چند سال گرفتار قحطی و خشک سالی گردیدند . از سوی دیگر ، یوسف (علیه السلام)به قدرت خدا از چاه و زندان نجات یافت و عزیز مصر شد . برادران ، بدون این که او را بشناسند خدمتش شرفیاب شده و گفتند :

(یا أَیُّهَا الْعَزیزُ مَسَّنا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ و جِئْنا بِبِضاعَه مُزْجاه ، فَأَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ و تَصَدَّقْ عَلَیْنا إِنَّ اللهَ یَجْزِی الْمُتَصَدِّقینَ) . (۱)

ای عزیز (مصر) ، ما و بستگانمان را گرفتاری و ناراحتی فرا گرفته است و با

سرمایه نا چیزی (به بازار) آمده ایم ، پس تو پیمانه ما را پر و بر ما تصدّق کن ، مسلماً خداوند صدقه دهندگان را پاداش می دهد .

آری ! شیعیانِ گنهکاری که حرمت یوسف فاطمه (علیهما السلام) را نگه نداشته اند ، و در مقابل چشمان بینای او گناه کرده اند و با کردار زشت خود ، مولای خویش را به زندان غیبت افکنده اند; باید ابتدا همچون برادران یوسف (علیه السلام) ، با امام مهربان خویش نجوا کنند و سپس سخن فرزندان یعقوب (علیه السلام) با پدر خویش را زمزمه کنند ، تا از سر تقصیرشان در گذرد و برای گناهانشان آمرزش طلبد .

فرزندان یعقوب ، بعد از آن که برادرشان یوسف (علیه السلام) را شناختند ، و او پیمانه هایشان را پر کرد ; همراه آنان پیراهنش را برای پدرش یعقوب (علیه السلام)فرستاد و آن ها امانت برادرشان را آوردند و بر صورت پدرشان افکندند ، چشمان یعقوب (علیه السلام) بینا گشت; ولی فرزندان او از خجالت سر به زیر افکندند و گفتند :

(یا أَبانا اِسْتَغْفِرْلَناْ ذُنُوبَنا اِنّا کُنّا خاطِئینَ)(۲)

ای پدر مهربان ما ، برای گناهانمان استغفار نما و از خدا طلب آمرزش کن که ما از خطاکاران بودیم .

یعقوب (علیه السلام) هم به آنان وعده داد که سحرگاه جمعه برایشان استغفار کند .

عالم جلیل القدر شیعه مرحوم سیّد بن طاووس که بارها توفیق شرفیابی محضر امام زمان (علیه السلام) نصیبش گشته است ، در سفارشی که برای فرزند خویش دارد می فرماید :

فرزندم ، هر روز دوشنبه و پنجشنبه (که

اعمال تو خـدمت مولایت عرضه می شود) با کمال خواری و فروتنی خواسته های خود را به امام زمانت عرضه بـدار و با امام خویش حرف بزن ، و بعد از سلام به حضرتش زیارتی را بخوان که ابتدای آن « سَلامُ اللهِ الکامِلُ التّامُّ الشّامِلُ العامّ » است(۳) و سپس بگو :

(یا أَیُّهَا الْعَزیزُ مَسَّنا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ و جِئْنا بِبِضاعَه مُزْجاه ، فَأَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ و تَصَدَّقْ عَلَیْنا إِنَّ اللهَ یَجْزِی الْمُتَصَدِّقینَ) . (۴)

آن گاه بگو :

یا مَوْلانا إِسْتَغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا إِنّا کُنّا خاطِئینَ .

ای مولای ما ، برای گناهانمان استغفار و طلب آمرزش کن ، که ما در گذشته از خطاکاران بودیم .

پس از آن به امام زمانت بگو :

ای آقا و ای مولای من ، این برخورد برادران یوسف با برادر و پـدر خود و عکس العمل آن دو بزرگوار ، در برابر آنان است ، که بعـد از آن همه جنایات و بی مهری ها که از آن ها سرزد ، باز یوسف و پـدر بزرگوارش یعقوب (علیهم السلام) ، بر آنان مهر ورزیدند و از تقصیر و گناهشان در گذشتند و آنان را مورد عفو و بخشش خویش قرار دادند .

پس اگر من هم مورد پسند و خوشنودی خدا و رسول او و پدران بزرگوار شما و خودتان نیستم ، شما از حضرت یعقوب و یوسف (علیهما السلام)سزاوارترید در این که مرا مشمول مهر و بردباری ، و کرم و بزرگواری خویش قرار دهید . (۵)

چه زیباست که دوستان غافلِ آن امام غریب و تنها ، که در گردباد سیاه گناهان گرفتار شده اند ،

و با سنگ معصیت دل بلورین مولای خویش را شکسته و بر زخم دل نازنینش نمک پاشیده اند ; با مولای خود چنین نجوا کنند :

ای مولای مهربان ، با اینکه سالها زیر پَر و بالِ مهر و عطوفتت مأوا گرفته و در سایه چتر عنایاتت آرمیده بودم ; خود را در صحرای سوزان شهوت ها گرفتار و به دست طوفان های بی رحم معصیت ها سپردم .

اینک از شهر خراب شده ای به سویت باز آمده ام که از شرمساری نمی توانم چشم به سویت بگشایم ، چه آنکه رویم از زیادی معصیت سیاه گشته ، پیکرم در لجنزار غفلت فرو رفته و بوی بد گناهان روحم را آزار می دهد ; آخر با چه رویی به سویت سر بلند کنم ؟ ! با کدامین چشم به رویت بنگرم ؟ با چه زبانی با تو سخن گویم ؟ و با کدامین گوش صدای دلنشینت را بشنوم ؟ و با چه دستی دست نیاز به سویت برآورم ؟

آیا با چشمی به تو بنگرم که با نگاه به نامحرم آن را آلوده ام ؟

آیا با زبانی با تو سخن بگویم که آن را در بند دروغ و غیبت و سخن چینی ، درآورده ام ؟ !

آیا با گوشی به صدای روح بخش تو گوش فرا دهم که آن را با غنا و موسیقی و شنیدن غیبت و تهمت و صداهای حرام ، پُر کرده ام ؟ !

آیا با دستی به سویت التماس کنم که با آن خیانت در امانت نموده ام ؟ !

ولی با همه این معصیت ها از لطف و عنایتت ناامید نیستم ، چه

آنکه آنچه مرا امیدوار می سازد و از دام بلایی که گرفتارش شده ام ، نجات می دهد ; اشک و آهی است که از خوف خدا سر داده ام ; حال توبه ای است که به من دست داده است ; پرده ستّاریتی است که خدای مهربان بر پیکرم پوشانده و در سایه اش آرمیده ام ; وعده آمرزشی است که پروردگار غفور به من داده و بدان دل بسته ام ; و آغوش باز و دل مهربان توست که مرا به درگاه با جلالت بازگردانده ، تا از تو با شرمساری عذر خواهم .

ای عزیزِ مهربان تر از پدر ! از اینکه دل نازک و نورانیت را شکسته ، قلب عطوف و مهربانت را به درد آورده ، بر زخم جگرت نمک پاشیده ، دیدگانت را گریان ساخته و بر جراحت پلکهایت افزوده ام ; با یک دنیا ندامت ، پوزش می طلبم .

نمی دانم مرا چه می شود که با این همه غفلت ، دستهای لرزانم آرام آرام به سویت گشوده گشته و لبهای ترک خورده ام باز و زبان بند آمده ام ، سخن آغاز می کند که :

ای ستاره درخشان امید ، ای کشتی نجات و نوید ، ای رساننده فیض خورشید ، ای سجده گاه عشق و ای صبح سپید !

منم که با کوله باری از گناه ، چشمانی غرقِ در اشک ، نایی پُر شده از آه و تنی خسته از سختی راه به درگاهت آمده ام ; شاید خاک پایت را توتیای چشمان کم سویم و گرد کویت را آبروی تن بی آبرویم سازم .

مولای من !

به سوی تو گـام برداشـتم تـا در باغسـتان لطف و رحمتت بیاسایم ، در جویبار عفو و بخشـشت غسـلی کنم ، در دریای لطف و کرامتت غوطهور گردم و از خورشـید جود و عنایتت نور گیرم ; بلکه جسم آغشـته به لوث گناهم ، شسته و روح تاریک شده به ظلمت معصیتم ، نورانی گردد .

مهربان اماما ! من به سوی تو نیامدم ، مگر برای آنکه مرا به عطر دل انگیز استغفارت معطرسازی و از خدا برایم آمرزش طلبی ، که دعای تو مستجاب و دستگیریت تنها راه نجات من است .

بی جهت جدّ بزرگوارت امیرمؤمنان (علیه السلام) نفرموده :

تَعَطَّرُوا بِالإِسْتِغْفارِ . (۶)

خودتان را با استغفار معطر سازید .

آری ! عطر روح بخش استغفار تو است که به انسان جان تازه می بخشد !

مولای من ! رو به سوی تو نیـاوردم ، جز برای اینکه بـا کیمیای نگاهت ، صـحیفه قلبم را از هر صـفتِ زشتی پاک کرده ، و به نور معرفت خویش روشن سازی . به سوی تو بال نگشودم مگر بدین خاطر که با شـعاع زرّین دیدگانت ، مسِ سـیاه شده جانم را جلا بخشـیده و سـپس طلایش سازی ; چه آنکه من روح آلوده خویش را از علاقه به شـهوات خالی کرده و به نور آشتی با خدا و عذرخواهی از شما روشن ساخته ام .

اکنون زمان آن است که شما مولای مهربان با دعای پدرانه ات ، توبه ام را بها داده و مرا تجلّیگاه الطاف بی پایانت فرمایی !

اینک بار دیگر با تو می گویم :

(یا مَوْلانا إِسْتَغْفِرْلَنا ذُنُوبَنا إِنّا کُنّا خاطِئینَ) .

ای مولای (مهربان

) ما ، برای گناهانمان استغفار و طلب آمرزش کن ، که ما در گذشته از خطاکاران بودیم .

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ حینَ تُهَلِّلُ وَتُکَبِّرُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ حینَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ .

سلام بر لحظه ای که برای شیعیان و دوستان گنهکار استغفار می کنی !

سلام بر لحظه آمرزش خواهیت ، که خطاکاران را امید بخشیده است !

سلام بر گاه راز ونیازت ، که هستی را نیازمند تو ساخته است !

سلام بر اشک بی امانت ، که در دیدگان ، چشمه ها جوشانده است !

سلام بر سینه بی کینه ات ، که عشقت را به دلها کشانده است !

سلام بر سوز مدینه ات ، که شکیب از سوختگانت برده است !

سلام بر خال رخساه ات ، که خورشید را شرمگین ساخته است !

سلام بر ترازوی عدالتت ، که غنچه بر لبهای ضعیفان شکوفانده است !

سلام بر یکتایی وجودت ، که هستی به طُفیلش پا بر جا مانده است !

سلام بر شکوه سجودت ، که فرشتگان را خطاب « اُسْجُدوا » آورده است !

سلام بر روشنی ظهورت ، که عالمی را به انتظار افکنده است !

و چه دلنشین است زمزمه این فرازهای زیارت ، به عنوان عذرخواهی

و نجوای عاشقانه با تو مولای مهربان ارواح العالمین لک الفداء :

« اَشْهَدُ اَنَّ بِوِلایَتِکَ تُقْبَلُ الاَعْمالُ وَتُزَکَّی الاَفْعالُ وَتُضاعَفُ الْحَسَناتُ وَتُمْحَی السَّیِّئاتُ فَمَنْ جآءَ بِوِلایَتِکَ وَاعْتَرَفَ بِاِمامَتِکَ قُبِلَتْ اَعْمالُهُ وَصُدِّقَتْ اَقْوالُهُ وَتَضاعَفَتْ حَسَناتُهُ وَمُحِیَتْ سَیِّئاتُهُ وَمَنْ عَدَلَ عَنْ وِلایَتِکَ وَجَهِلَ مَعْرِفَتَکَ وَاسْتَبْدَلَ بِکَ غَیْرَکَ اَکَبَّهُ اللهُ عَلی مِنْخَرِهِ فِی النّارِ وَلَمْ یَقْبَلِ اللهُ لَهُ عَمَلاً وَلَمْ یُقِمْ لَهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ وَزْناً » . (۷)

گواهی می دهم ، به ولایت و دوستی تو همه

اعمال پذیرفته و تمام کارهای عبادی پاکیزه می گردد ، اعمال نیک چند برابر گشته و گناهان از بین می رود ; پس هر کس با ولایـت و دوستی تو (به درگاه خـدا) آیـد و به امامت و پیشوایی تو اعتراف کنـد ، اعمالش پـذیرفته شـده ، گفتارش تصـدیق گردیـده ، اعمـال نیکش چنـد برابر گشـته و گناهـانش پاک می گردد ; و هر کس از ولایت و دوستی تو منحرف گشته و از شناخت تو باز مانَد و به جای تو ولایت شخص دیگری را بپذیرد ، خدا او را با صورت در آتش سرنگون می کند ، هیچ عملی را از او نمی پذیرد ، و روز قیامت نیز ، برایش ارزشی قایل نمی گردد .

« اَسْئَلُکَ یا مَوْلایَ اَنْ تَسْئَلَ اللهَ تَبارَکَ وَتَعالی فی صَلاحِ شَاْنی وَقَضآءِ حَوآئِجی وَغُفْرانِ ذُنوُبی وَالْاَخْذِ بِیَدی فی دینی وَدُنْیایَ وَآخِرَتی لی وَلاِخْوانی وَاَخَواتِیَ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ کآفَّةً اِنَّهُ غَفوُرٌ رَحیمٌ » . (۸)

مولای من ، خواهشم از تو آنست که از خدا بخواهی ، کار مرا اصـلاح سازد ، خواسته هایم را برآورد ، گناهانم را ببخشد ، و در کـار دین ، دنیـا و آخرتم ، دست من و همه برادران و خواهران بـا ایمـانم را بگیرد . براستی که او بسیار آمرزنـده و مهربان است .

« مَوْلایَ ، وَقَفْتُ فی زِیارَتِکَ مَوْقِفَ الْخاطِئینَ النّادِمینَ الْخآئِفینَ مِنْ عِقابِ رَبِّ الْعالَمینَ ، وَقَدِ اتَّکَلْتُ عَلی شَفاعَتِکَ ، وَرَجَوْتُ بِمُوالاتِکَ وَشَفاعَتِکَ مَحْوَ ذُنُوبی ، وَسَتْرَ عُیُوبی ، وَمَغْفِرَةَ زَلَلی ; فَکُنْ لِوَلِیِّکَ یا مَوْلایَ عِنْدَ تَحْقیقِ اَمَلِهِ ، وَاسْئَلِ اللهَ غُفْرانَ زَلَلِهِ ، فَقَدْ تَعَلَّقَ بِحَبْلِکَ

وَتَمَسَّکَ بِوِلایَتِکَ وَتَبَرَّءَ مِنْ اَعْدآئِکَ . اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَآلِهِ ، وَاَنْجِزْ لِوَلِیِّکَ ما وَعَدْتَهُ ، اَللّهُمَّ اَظْهِرْ کَلِمَتَهُ وَاَعْلِ دَعْوَتَهُ وَانْصُرْهُ عَلی عَدُوِّهِ وَعَدُوِّکَ یا رَبَّ الْعالَمینَ »(۹)

مولای من ، در پیشگاه تو برای زیارتت ایستاده ام ، همچون ایستادنِ خطاکارانِ پشیمان که از عقوبت پروردگار جهانیان ، خائف و ترسانند . به شفاعت و دستگیری تو اعتماد کرده ، و برای از بین رفتن گناهان ، پوشیدن عیوب ، و آمرزش لغزشهایم ; به دوستی و دستگیری تو امیدوارم .

پس تو ای مولای من ، دوست خویش را برای رساندن به آرزوهایش یار و یاور باش ، آمرزش لغزش هایش را از خدا بخواه ، به راستی که او به ریسمان دستگیری تو چنگ زده ، به ولایت و دوستی تو تمسّک جسته و از دشمنانت بیزار گردیده است .

خدایا بر محمد و آلش درود فرست ، و آنچه را برای ولیّت وعده داده ای به انجام برسان ، پروردگارا پیام و سخن او را آشکار ساز ، دعوتش را بالا ببر و او را بر دشمنش و دشمن خودت یاری فرما ، ای پروردگار جهانیان .

بعد از این عبارات نورانی ، بهترین ذکری که دل رنجیده امام (علیه السلام) را مرهم بخشیده ، قلب مهربانش را شاد می سازد و در روا گشتن حوایج و آمرزش گناهان تأثیر بسزایی دارد ، تکرار این دعاست :

« اَللّهُمَّ عَجِّلْ لِوَلِیِّکَ الْفَرَج »

خدایا فرج ولیّت ، (امام زمان (علیه السلام)) را زود برسان

۱ سوره یوسف : آیه ۸۸ .

۲ سوره یوسف : آیه ۹۷ .

۳ این

زیارت را محدث قمی در اوایل « مفاتیح الجنان » قبل از « مناجات خمس عشره » آورده است . که قبل از آن دو رکعت نماز خوانده و سپس زیارت مذکور را زیر آسمان تلاوت می کنی .

۴ سوره یوسف : آیه ۸۸ .

۵ کشف المحجّه لثمره المهجه ، فصل ۱۵۰ ، ص ۲۰۹ .

۶ . وسائل الشیعه ، ج ۱۶ .

۷ . زیارت امام عصر عجل الله تعالی فرجه در سرداب مطهر ، مفاتیح الجنان .

۸ . زیارت امام عصر عجل الله تعالی فرجه ابتدای زیارت چنین است : اَلسَّلامُ عَلَی الحَقِّ الجَدیدِ . . . مفاتیح الجنان .

۹ . زیارت امام عصر عجل الله تعالی فرجه در سرداب مطهر ، مفاتیح الجنان .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹